



مرکز تحقیقات و نشریات

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

زندگی و شخصیت

حضرت شمس‌المرایان

مادر امام حسین

حلقه وصل

ایران و اسلام

تر: نویسندگان و شعراء عالی قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگی و شخصیت حضرت شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام حلقه وصل ایران و اسلام

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

محب العترة الطاهرة

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	زندگی و شخصیت حضرت شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام حلقه وصل ایران و اسلام
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	اهداء
۱۳	فهرست
۱۹	پیشگفتار
۲۳	مقدمه چاپ چهارم
۲۵	متن پیام تاریخی، آیه الله العظمی کریمی جهرمی دام ظلّه
۲۷	فصل اول : مقالات درباره شخصیت حضرت شهربانو علیها السلام
۲۷	اشاره
۲۸	مادر امامان و افتخار ایران زمین/شیخ علی اکبر مهدی پور
۴۴	ارحام مطهره ، و طهارت مادران/شیخ علی اکبر مهدی پور
۵۳	شخصیت حضرت شهربانو علیها السلام/شیخ علی اکبر مهدی پور
۶۸	شهربانو علیها السلام ، مادر امام سجاد علیه السلام /شیخ مهدی خدامیان آرانی
۷۸	خصائص أمّ زین العابدین علیه السلام /شیخ حسین تهرانی
۹۲	افتخار عجم ، خاتون عرب/آقای شیخ محمد امیری سوادکوهی
۱۰۹	خصائص شهربانویه/شیخ محمدباقر انصاری
۱۲۳	مادر برگزیده/آقای محمد حسین رحیمیان
۱۴۹	حضرت شهربانو ظرف وجود امام زمان/شیخ محمد ظریف
۱۵۳	افتخار عرب و عجم/آقای سید حسن سجادی درّه صوفی
۱۶۶	عروس ایرانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله/شیخ علی نظری مؤمن آبادی
۱۸۰	بانوان برگزیده و نشانه های راه خدا/شیخ غلامحسین مجلسی
۱۸۸	گزارش برنامه های بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام/شیخ محسن جلایی

- ۲۰۱ آقای حاج شیخ حامد رضا معاونیان دامت برکاته
- ۲۲۵ فصل دوم : سروده های شعراء عالیقدر پیرامون حضرت شهربانو علیها السلام
- ۲۲۵ اشاره
- ۲۲۶ عزیز آل محمد صلی الله علیه و آله/محمد آتشی (آتشی)
- ۲۲۸ بانوی آسمانی نشان /جعفر رسول زاده (آشفته)
- ۲۳۰ شهربانو نمونه ای فاخر/اکبر افشار زاده (افشار)
- ۲۳۲ هسمر شاه شهیدان/علی رضا شیرانی (امین)
- ۲۳۴ ماه درخشان/اسدالله امینی (امینی)
- ۲۳۵ سروده ای شیوا و سرگذشتی شیرین/امیر ایزدی
- ۲۴۳ عروسی از تبار ایرانی/سید علی اصغر هاشمی (بقا)
- ۲۴۵ بانوی عالی نسب/رضا رضایی (بی ریا)
- ۲۴۸ بعد زهرا بر امامت مادری/محسن اسلامی (پویا)
- ۲۵۳ افتخار مردم ایران/علی رضا خیامی (پیچک)
- ۲۵۴ هدایت شده فاطمه زهرا علیها السلام/بوتراب هاشمی (تراب)
- ۲۵۶ تفسیر ذکر یا حسین علیه السلام
- ۲۵۸ آبروی ملت و کشور/مضانعلی جان نثاری (جان نثار)
- ۲۶۱ ام الاوصیاء/سید محمد مهدی جزایری
- ۲۶۱ یار و یاور امام حسین علیه السلام/صادق چترایی
- ۲۶۳ عشق مادر زاد/سیده تکتم حسینی
- ۲۶۴ نشان بزرگ زادگی/مجتبی خرسندی
- ۲۶۴ گره محکم/عباس شاهزیدی (خروش)
- ۲۶۶ نو عروس خانه حضرت زهرا علیها السلام/سید مسعود داستار
- ۲۶۷ چشم سوی آفتاب/محسن درویش
- ۲۶۸ عروس شاه ولایت علیه السلام/احمد میرزایی (دلدار)
- ۲۶۹ افتخاری برای ایران/محمد حسن زاده (راضی)
- ۲۷۰ روح بلند/سید محمد رستگار

- ۲۷۴ نوعروس سرور زنها/احمد رفیعی وردنجانی
- ۲۷۸ گوهر والا/حسین روشن (روشن)
- ۲۷۹ اختر برج یقین/علی پاکدامن (روضه خوان)
- ۲۸۱ « شأن ام الاوصیاء »/سید علی اصغر موسوی (سعا)
- ۲۸۲ شهزاده حق گرا/فریدون آقا لُر (سفیر)
- ۲۸۴ عروس حضرت شیر خدا علیه السلام/علی سلیمان
- ۲۸۵ کهکشانی از گل نور/محمد رضا کاکایی (شفا)
- ۲۸۷ شهربانو افتخار پهنه ایران زمین/مصطفی هادوی (شهیر)
- ۲۸۸ شمع رخشان و نور مستور/محسن صافی
- ۲۸۹ دُرّ ثمین/حسنعلی صغیرا (ضمیر)
- ۲۹۱ رباعیات درباره حضرت شهربانو علیها السلام/سعید علامه
- ۲۹۴ افتخار اهل ایران/سید احمد علوی
- ۲۹۶ لاله کوثر/شیخ روح الله فروتن
- ۳۰۴ نو عروس سرافراز/قاسم قادری زفره ای (قادر)
- ۳۰۶ بانویی آسمانی از ملک فارس/استاد محمد قدسی
- ۳۰۹ گوهر تابنده/علیرضا محمدی (مسافر)
- ۳۱۴ مادر نه نور خدایی/محمد رضا مسعودی
- ۳۱۵ وحیده دوران/محمد رضا مسعودی
- ۳۲۰ شهربانو ، اختر ایرانی/محسن ناصحی
- ۳۲۱ عروس فاطمه علیها السلام/ناصر ظهیری (ناصر)
- ۳۲۳ شه دختی از عجم/ناصر ظهیری (ناصر)
- ۳۲۵ نگین حلقه وصل دو قوم/ناصر ظهیری (ناصر)
- ۳۲۷ افتخار شایان/سید محمود مرتضوی نایینی (ناظر)
- ۳۳۰ مام والای امامان علیهم السلام /سید مصطفی مهدوی (نحوی)
- ۳۳۲ بانوی زینبی خو/محمد نعیمی
- ۳۳۴ همسر خسرو کربلا علیه السلام/فرج الله شیرانی (واصف)

عروسی در حریم آل یاسین علیهم السلام/سید علی مهدوی (والا) ۳۳۵

گنجینه معارف/سید هاشم وفایی ۳۳۷

بانوی صاحب کرامت/یونس و صالی (یونس) ۳۴۱

تصاویر ۳۴۴

درباره مرکز ۳۵۹

زندگی و شخصیت حضرت شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام حلقه وصل ایران و اسلام

مشخصات کتاب

شناسنامه کتاب :

نام کتاب : زندگی و شخصیت حضرت شهربانو ، حلقه وصل ایران و اسلام

نویسندگان و سرایندگان : جمعی از محققان و سرایندگان مشهد ، قم ، اصفهان ، اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، کاشان ، شهرکرد ، شهرضا و زرین شهر

تایپ و صفحه آرایی : آقای شیخ مهدی آقابابی

نوبت چاپ : چهارم با اضافات

تاریخ انتشار : ربیع الاول 1445 قمری - مهر ماه 1402 شمسی

ناشر : محبّ العترة الطاهرة عليهم السلام

بهاء : سلام و صلوات بر همسر بزرگوار حضرت شهربانو علیها السلام

یعنی حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام

و همه امامان معصوم از نسل پاک آن بزرگوار

بالاخص

امام علی بن الحسین السجاد علیه السلام

ص: 1

اشاره

عكس

□

ص: 2

این مجموعه نورانی که با نیت عرض ارادت و اخلاص به بانوی با فضیلت أمّ سیّد العرب و العجم و أمّ الاوصیاء حضرت شهربانو علیها السلام فراهم گردیده به محضر تنها فرزند و یادگارشان امام علیّ بن الحسین السّجاد علیه السلام و نیز به محضر امامانی که از نسلشان به رهبری و هدایت جامعه بشری همت گمارده اند بالاخص بقیّة اللّٰه فی الارض و غوث الامّة صاحب العصر و الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اهداء می گردد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِنَا وَطَبِيبِنَا

الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ، وَبَشِيرًا لِّلْمُذْنِبِينَ

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ ، لَا سِيَّمًا

الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ ، وَالْوَلِيِّ الْمُنتَقَمِ

الْحُجَّاتَيْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ

وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

آمِينَ آمِينَ آمِينَ

ص: 4

- پیشگفتار..... 9
- مقدمهٔ چاپ چهارم..... 13
- متن پیام تاریخی ، آیه الله العظمی کریمی جهرمی دام ظلّه 15
- فصل اول : مقالات دربارهٔ شخصیت حضرت شهربانو علیها السلام 17
- مادر امامان و افتخار ایران زمین / شیخ علی اکبر مهدی پور..... 18
- ارحام مطهره ، پاکی و طهارت مادران / شیخ علی اکبر مهدی پور..... 34
- شخصیت حضرت شهربانو علیها السلام / شیخ علی اکبر مهدی پور..... 43
- شهربانو علیها السلام ، مادر امام سجّاد علیه السلام / شیخ مهدی خدامیان آرانی..... 58
- خصائص أمّ زین العابدین علیه السلام / شیخ حسین تهرانی..... 68
- افتخار عجم ، خاتون عرب / شیخ محمد امیری سوادکوهی..... 82
- خصائص شهربانویه / شیخ محمدباقر انصاری..... 99
- مادر برگزیده / شیخ محمد حسین رحیمیان..... 113
- حضرت شهربانو ظرف وجود امام زمان / شیخ محمد ظریف..... 139
- افتخار عرب و عجم / آقای سید حسن سجّادی درّه صوفی..... 143
- عروس ایرانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / شیخ علی نظری مؤمن آبادی..... 156
- بانوان برگزیده و نشانه های راه خدا / شیخ غلامحسین مجلسی..... 170
- گزارش برنامه های بزرگداشت شهربانو علیها السلام / شیخ محسن جلائی 178
- متن سخنرانی آقای شیخ حامد رضا معاونیان دامت برکاته..... 191

فصل دوم : سروده های شعراء عالیقدر پیرامون حضرت شهربانو علیها السلام 215

عزیز آل محمد صلی الله علیه و آله / محمد آتشی (آتشی) 216

بانوی آسمانی نشان / جعفر رسول زاده (آشفته) 218

شهربانو نمونه ای فاخر / اکبر افشار زاده (افشار) 219

هسمر شاه شهیدان / علی رضا شیرانی (امین) 220

ماه درخشان / اسدالله امینی (امینی) 221

سروده ای شیوا و سرگذشتی شیرین / امیرایزدی 222

عروسی از تبار ایرانی / سید علی اصغر هاشمی (بقا) 226

بانوی عالی نسب / رضا رضایی (بی ریا) 227

بعد زهرا بر امامت مادری / محسن اسلامی (پویا) 229

افتخار مردم ایران / علی رضا خیامی (پیچک) 232

هدایت شدة فاطمه زهرا علیها السلام / ابوتراب هاشمی (تراب) 233

تفسیر ذکر یا حسین علیه السلام / 234

آبروی ملت و کشور / رمضانعلی جان نثاری (جان نثار) 236

ام الاوصیاء / سید محمد مهدی جزایری 239

یار و یاور امام حسین علیه السلام / صادق چترانی 239

عشق مادر زاد / سیده تکتم حسینی 241

نشان بزرگ زادگی / مجتبی خرسندی 242

گره محکم / عباس شاهزیدی (خروش) 242

نو عروس خانه حضرت زهرا علیها السلام / سید مسعود داستار 243

چشم سوی آفتاب / محسن درویش 244

- عروس شاه ولایت علیه السلام / احمد میرزائی (دلدار) 245
- افتخاری برای ایران / محمد حسن زاده (راضی) 246
- روح بلند / سیّد محمد رستگار 247
- نوعروس سرور زنها / احمد رفیعی وردنجانی 250
- گوهر والا / حسین روشن (روشن) 254
- اختر برج یقین / علی پاکدامن (روضه خوان) 255
- شأن ام الاوصیاء / سید علی اصغر موسوی (سُعا) 256
- شهزاده حق گرا / فریدون آقا لُر (سفیر) 257
- عروس حضرت شیر خدا علیه السلام / علی سلیمیان 258
- کَهکشانِ از گل نور / محمد رضا کاکائی (شفا) 259
- شهربانو افتخار پهنه ایران زمین / مصطفی هادوی (شهر) 260
- شمع رخشان و نور مستور / محسن صافی 261
- دُرّ ثمین / حسنعلی صغیرا (ضمیر) 262
- رباعیات درباره حضرت شهربانو / علیها السلام سعید علامه 264
- افتخار اهل ایران / سیّد احمد علوی 266
- لاله کوثر / روح اللّه فروتن 268
- در مقام توسّل به حضرت شهربانو علیها السلام / روح اللّه فروتن 270
- نوعروس سرافراز / قاسم قادری زفره ای (قادر) 272
- بانویی آسمانی از ملک فارس / استاد محمّد قدسی (قدسی) 273
- گوهر تابنده / علی رضا محمدی (مسافر) 276
- مادر نُه نور خدایی / محمد رضا مسعودی 279

- وحیده دوران / محمدرضا مسعودی 280
- شهربانو، اختر ایرانی / محسن ناصحی 284
- عروس فاطمه علیها السلام / ناصر ظهیری (ناصر) 285
- شه دختی از عجم / ناصر ظهیری (ناصر) 287
- نگین حلقه وصل دو قوم / ناصر ظهیری (ناصر) 289
- افتخار شایان / سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر) 291
- مام والای امامان / سید مصطفی مهدوی (نحوی) 294
- بانوی زینبی خو / محمد نعیمی 295
- همسر خسرو کربلا علیه السلام / فرج الله شیرانی (واصف) 296
- عروسی در حریم آل یاسین / سید علی مهدوی (والا) 297
- گنجینه معارف / سید هاشم وفایی 299
- بانوی صاحب کرامت / یونس وصالی (یونس) 302

در ماه های منتهی به نیمه شعبان 1444 قمری عنایتی شامل حال ما شد و توفیقی به دست آمد که درباره عروس حضرت زهرا علیها السلام و مادر منجی عالم بشریت، یعنی حضرت نرجس خاتون علیها السلام عرض ادبی داشته باشیم و در زمینه تجلیل از مقام و منزلت آن بانوی بزرگ الهی، و توسل به ذیل عنایتشان، قدمی برداریم، و لذا با کمک نویسندگان و محققان از یک طرف، و جدیت و عرض ادب شعرا و سراینندگان ولایی، از طرف دیگر، و اقدامات و همکاری های اقشار مردم با ایمان و دلباخته اهل بیت علیهم السلام از طرف سوم، و با تشکیل جلسات توسل و استغاثه و بزرگداشت، در شهرها و شهرک ها، بالاخص مشهد مقدس و قم و اصفهان، حالت توجهی در جامعه ایجاد گردید که نه تنها عظمت و شخصیت آن بانوی بزرگ از زیر ابرهای غفلت عمومی خارج گردید، بلکه در ایام نیمه شعبان و میلاد مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برنامه های عرض ادب به محضر مقدس آن حضرت و حاجت خواهی از درگاه فیض آن مادر و فرزند علیهما السلام، رونقی چشمگیر یافت و مجموعه پیام ها و اطلاعیه های علما و مراجع عالیقدر دینی و مقالات نویسندگان بزرگوار و سروده های شعرای عالیقدر درباره آن بانوی قدسی، به شکل گسترده ای در جامعه و نیز فضای مجازی منتشر گردید و سپس در مجموعه بسیار جالب همراه با تصاویر رنگی و تکان دهنده در 436 صفحه به نام «مادر باران» با کیفیت زیبا به چاپ رسید و همزمان از سایت مستقلی به نام «مادر باران» رونمایی گردید که نقش به سزایی در توجه جهانی به مقام و عظمت آن شخصیت الهی داشته و تأثیر بسیار زیادی در رویکرد

جامعه در زمینه مسائل معنوی از خود به جای گذاشت و موجب انجام توسلات و استغاثه های فراوانی گردید که در تحکیم مبانی اعتقادی و پای بندی مردم به دین و مظاهر آن آثار قابل توجهی دارا می باشد . و از طرف دیگر موجب دفع و رفع بلیه های فردی و اجتماعی مهمی گردید که برای استمرار نفوذ و گسترش دین و ایمان ، نقش اساسی ایفا می نماید . و اهل معرفت ، به آثار و نتایج حیاتی و نجات بخش آن واقف گردیدند . جریانات یاد شده و استقبال عمومی مردم و همکاری فرهیختگان علمی و ادبی و اجتماعی و بشارت و عنایات الهی و ولایی ، ما را بر آن داشت که در مورد یکی دیگر از بانوان برجسته و مورد غفلت قرار گرفته خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام قدم برداریم و با دادن فراخوان به محضر محققان و نویسندگان و شعرا و ... و فعالان عرصه دینی و اجتماعی ، زمینه را برای تألیف و تحقیق گسترده و مناسب شرایط جامعه ، و برگزاری محافل شعر و ادب و تشکیل مجالس بزرگداشت و توسل و استغاثه فراهم نماییم که علاوه بر ارتقاء سطح آگاهی دینی جامعه ، وسیله ای برای کسب فیوضات معنوی و اجابت دعاها و دفع بلاها (که نیاز شدید جامعه امروزی است) فراهم گردد .

در این حال و هوای روحی بودیم که نشانه ها و اشاره های معنوی و ولایی ما را متوجه همسر بزرگوار سیدالشهدا امام حسین علیه السلام و مادر سید العرب و العجم و سید الاوصیاء و الذریة الطیبین ، یعنی حضرت شهربانو مادر امام زین العابدین علی بن الحسین السجاد علیه السلام نمود و آنچنان فضای روحی ما را تحت تأثیر قرار داد که برای تصمیم گیری نهایی برای اصل اقدام عملی ، و

تعیین طرح ها و ابزارهای عملی متوسل به قرآن و راهنمایی های آن شدیم و آنچنان قوت قلب و روشنی دل و دلگرمی برای ورود در صحنه های گوناگون این اقدام نورانی ایجاد کرد که جای هیچگونه تعلل و تردید باقی نگذاشت .

آری ؛ آیاتی از قبیل : « ... وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا » (اسراء / 105) و « ... تُؤْتِي أ كُلَّهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا » (ابراهیم / 25) و « ... رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ » (نور / 37) و « ... لَا يَسَّ مَعُونَ حَسِيسَهَا وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ » (انبیاء / 102) « ... قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا... » (یونس / 59) که برای اهل تجربه در این زمینه ها ، هیچگونه تردیدی را در لزوم و نتایج بی همتای این نوع اقدام ها باقی نمی گذارد .

بدین منظور از برخی از محققین و شعرا درخواست نمودیم که مقالاتی و سروده هایی را به سرعت آماده نمایند که در دسترس عموم نویسندگان و شعرا قرار گیرد و زمینه را برای فعالیت گسترده در این فضای نورانی مساعد نماید و اولین فراخوان برای محققین و سرایندگان و شعرای ولایتی و نیز فرهیختگان اجتماعی داده شد که در جلسه ای نورانی در مشهد مقدس در محل بیت الزهرا علیها السلام در ایام میلاد مقدس امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام شرکت نمایند و هر کدام از آنها با بهره گیری از توان علمی و ادبی و ذوق و استعداد روحی و امکانات اجتماعی و اقتصادی خود در بزرگداشت آن بانوی بزرگ که

حلقه

وصل بین ملت ایران و ائمه معصومین علیهم السلام

ص: 11

هستند ، قدم بردارند ، و امیدواریم که الطاف و عنایات رضوی در این حرکت معنوی و ولایی همگان را بهره مند ساخته و توفیقاتی بالاتر از حدّ انتظار و برکاتی در همه ابعاد زندگی و کامروایی هایی به وسعت دریای کرم امام رضا علیه السلام نصیب همه تلاشگران در این میدان عرض ادب و اخلاص ، بفرماید ، و این خدمات و عرض ارادت های محدود و کوچک را مورد قبول و عنایت تنها فرزند حضرت شهربانو علیها السلام یعنی :

امام علی بن الحسین ، زین العابدین علیه السلام قرار دهد ، و نگاهی از روی مهر ، از جانب پناهگاه عالم و دادرس بیچارگان و درماندگان ، حضرت بقية الله الاعظم حجة بن الحسن العسكري عجل الله تعالی فرجه الشریف نصیب همه کسانی که در این عرصه قدم می گذارند و مخلصانه از حریم این بانوی بزرگ دفاع می نمایند ، بفرماید .

آمین آمین آمین

اصفهان - حوزه علمیّه - دهه کرامت رضویه

هشتم ذی القعدة 1444 قمری برابر با 7/3/1402 شمسی

میر سیّد حجة موحد ابطحی

ص: 12

هم اکنون که چاپ چهارم کتاب « حضرت شهربانو علیها السلام حلقة وصل ایران و اسلام » با اضافات فراوان در حال انجام است، و مجالس و محافل بسیاری به منظور بزرگداشت آن بانوی بزرگ خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرهای گوناگون بالاخص در مشهد مقدس و قم و اصفهان برگزار گردیده و علما و نویسندگان و گویندگان و شعراء عالیقدری در این میدان مقدس و نورانی عرض ادب و اخلاص داشته اند و اقشار گوناگون مردم با ایمان و ولایت، با حضور مخلصانه و با حالت توسل و استغاثه خود، رونق بخش مجالس بزرگداشت آن بانوی بزرگ بوده و در زمره احیاگران امر اهل البیت علیهم السلام به شمار آمده اند، وظیفه خود می دانم که:

اولاً سپاسگزار خداوند متعال باشم که در این برنامه بسیار نورانی و اثرگذار، ما را هدایت فرمود و توفیق سامان دهی برنامه های علمی و ادبی و اجتماعی مربوط به این حرکت ولایی را به عنوان نعمتی بزرگ به جمع ما عنایت فرمود و بیش از حد انتظار، موفقیت و حاجت روائی و ظهور کرامات متعدد⁽¹⁾ و تبلیغ و ترویج مکتب اهل البیت علیهم السلام حاصل گردید.

و ثانیاً قدردانی نمایم از همکاری های خالصانه نویسندگان و شعراء و گویندگان و برگزارکنندگان مجالس بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام و عموم مردم با ایمان و ولایت، که نقش چشمگیری در موفقیت و پیشرفت و شکوه برنامه ها داشتند.

ص: 13

1- . در جریان تهیه و تنظیم مقالات و نیز سرودن اشعار و برگزاری جلسات، به روشنی عنایت الهی و کرامت حضرت شهربانو علیها السلام احساس شد و به طور واضح و آشکار جلوه های نصرت الهی و مدد غیبی محسوس و ملموس گردید و به خوبی همه دریافتیم که: « **إِنْ تَصْرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ** » (سوره محمد صلی الله علیه و آله / 7).

و ثالثاً از فعالانی که در عرصه فضای مجازی، به شکل مؤثر و گسترده ای در رساندن مقالات و سروده ها و گزارش برنامه ها و برگزاری بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام و رساندن آنها به سمع و نظر علاقه مندان، در تمامی شهرهای ایران و عموم کشورهای جهان، قدم برداشتند سپاسگزاری می نمایم و بالاخص از دست اندرکاران « کتابخانه دیجیتال قائمیه » که با انتشار وسیع آنچه مربوط به حضرت شهربانو علیها السلام است و با راه اندازی سایت جهانی « شاه زنان » (1) و فعال نمودن آن، در پیشرفت اهداف مقدس این حرکت دینی و فرهنگی و ولایتی، نقش مؤثری ایفا نمودند، قدر شناسی نموده و توفیقات روز افزون آنها را در این عرصه دینی و علمی و ولایتی از درگاه ربوبی درخواست می نمایم.

و رابعاً از همه بزرگوارانی که با علم و ادب، قلم و زبان، ذوق و ابتکار و همت و اقدام خود، در این حرکت نورانی و مسیر الهی و ولایتی قدم برداشتند یا می توانند اقدام نمایند، انتظار می رود که در مسیر گسترش این حرکت مقدس و الهی اقدام نموده و زمینه را برای ورود جامعه علمی و ادبی و دینی در میدان آشنائی و آشناسازی با دیگر مادران امامان معصوم علیهم السلام و دیگر بانوان بزرگواری که مورد کم توجهی قرار گرفته اند، فراهم نمایند.

در آستانه میلاد مقدس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و رئیس مذهب، امام جعفر صادق علیه السلام

اصفهان - حوزه علمیه - میر سید حجة موحّد ابطحی موسوی اصفهانی

چهاردهم ربیع الاول 1445 قمری - هشتم مهر ماه 1402 شمسی

ص: 14

1- www.shahezanan.com. از تاریخ افتتاح سایت 20/5/1402 تا تاریخ 3/7/1402 تعداد مراجعه 1220 نفر از 25 کشور و

128 شهر بوده است.

متن پیام تاریخی، آیه الله العظمی کریمی جهرمی دام ظلّه

متن پیام تاریخی مرجع عالی قدر، آیه الله العظمی کریمی جهرمی دام ظلّه آقای کریمی جهرمی دام ظلّه در پاسداشت مقام والای مادر گرامی امام سجاد علیه السلام حضرت بی بی شهربانو علیها السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت شهربانو، بانوی ایرانی نژاد و همسر بلند احترام حضرت امام حسین علیه السلام و مادر والا و ارجمند حضرت علی بن الحسین امام زین العابدین علیهما السلام و جدّه طاهره هشت امام معصوم علیهم السلام است.

آن بزرگ بانوی مقدّس، در جریانی تاریخی مسلّم، افتخار همسری با نور چشمان پیامبر را پیدا کرد و از او ارتباط و پیوند امت عرب با ملت فارس زبان برای همیشه ایجاد شد.

آن بانوی معظمه که شخصیت و اصالت فطری داشت در بیت مقدّس نبوت و امامت وارد گشت و به افتخار وصلت با پرورش یافته بیت وحی الهی و عزیزترین عزیزان خدا سرفراز گردید.

در این جا، چند نکته مهم پیرامون شخصیت والای جناب شهربانو را یادآور می شوم:

1: کلام امیرالمؤمنین علیه السلام درباره این مخدره آسمانی و عنصر پاک:

وَ أَحْسِنِ إِلَى شَهْرَبَانُوِيه فَأَنَّهَا مَرْضِيَّة سَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدَكَ.

فرزندم به شهربانو نیکی و احسان کن چه آنکه او بانویی پسندیده و شایسته است و به زودی برای تو فرزندی بیاورد که بهترین اهل زمین پس از تو باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام او را مرضیه خواند یعنی بزرگ بانویی که مورد خشنودی خدا و بندگان خداست و حامل نور ولایت است. و خبر ولادت امام زین العابدین علیه السلام از آن معظمه را به فرزند خود امام حسین علیهم السلام داد.

2 : سید عبدالعزیز سید الاہل نویسندہ مشہور عرب می گوید : وَعَلَّمَهَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ تَعَالِيمِ الْإِسْلَامِ مَا نَسَاهَا قُصُورُ الْمَدَائِنِ وَ مَرَجِ كَابِلٍ .

امام حسین علیہ السلام آن قدر از تعالیم و معارف اسلامی بہ او آموخت کہ قصرهای مدائن و باغ و بستان های کابل را فراموش نمود .

محیط خانہ امام حسین علیہ السلام او را آسمانی کرد و او یاد قصرها و کاخ های دیدنی و رفاه و خوشی گذشتہ را ننمود و ہمہ را از یاد برد .

3 : ہر چند ہمہ ہمسران امام حسین علیہ السلام محترم و سربلند و سرافرازند اما خداوند رشتہ امامان معصوم علیہم السلام را از بانوی اسلام و ایران قرار داد . و امام علی بن الحسین علیہما السلام فرزند بلاواسطہ او و امام حسین علیہ السلام است و امامان معصوم دیگر از امام باقر تا مہدی موعود علیہم السلام ہمہ فرزندان با واسطہ اویند .

عزیزان !

بزرگداشت مادر مکرمہ حضرت زین العابدین ، بزرگداشت آن امام والامقام و سایر امامان خصوصاً حضرت امام حسین علیہ السلام است . و بحمداللہ تحولی تازہ و مبارک در این مورد بہ وجود آمدہ کہ از مقام والای حضرت شہربانو تجلیل کنند .

پرچمدار این حرکت مقدّس جناب مستطاب عالم شریف و موالی آل محمد علیہم السلام ، آیة اللہ آقای حاج آقا حجت موحد ابطحی دام بقاہ می باشند کہ گام های مؤثری در این راہ برداشتہ اند و خداوند ایشان و علمای بزرگوار دیگر و ہمیاران ایشان را در راہ احیای امر اہل بیت علیہم السلام موفق بدارد .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

13 ربیع الاول 1445

علی کریمی جہرمی

ص: 16

فصل اول : مقالات درباره شخصیت حضرت شهربانو عليها السلام

اشاره

ص: 17

مادر امامان و افتخار ایران زمین / شیخ علی اکبر مهدی پور

به قلم : نویسنده محقق و نامدار

و عظیم الشأن آقای شیخ علی اکبر مهدی پور

حضرت شهربانو علیها السلام مادر امامان و افتخار ایران زمین

نام نامی و القاب گرامی : شاه زنان ، شهربانو ، خوله ، سلامه ، سلافه و غزاله .

کنیه : ام الاوصیاء

پدر : یزدگرد سوم ، آخرین پادشاه ساسانی ، متوفای 30 هجری .

نسب والا : دختر یزدگرد سوم ، فرزند شهریار ، فرزند شیرویه ، فرزند خسرو پرویز ، فرزند انوشیروان .

همسر گرامی : حضرت سیدالشهدا ، امام حسین علیه السلام .

فرزند بزرگوار : فخر الساجدین ، زین العابدین ، امام سجاد علیه السلام .

تاریخ اسارت : سال 30 هجری .

تاریخ ورود به مدینه منوره : سال 30 هجری .

تاریخ وفات : 5 شعبان سال 38 هجری .

مدفن : مدینه ، قبرستان بقیع .

گل سر سبد ایران زمین

به هنگام فتح خراسان خوشبوترین گل ایران زمین را چیدند و در لباس اسارت به شهر پیامبر صلی الله علیه و آله بردند .

به هنگام ورود ایشان به شهر مدینه ، همه مخدرات به تماشای شاهزاده ایرانی صف کشیدند ، از متانت و لطافت او داستان ها ساختند .

هنگامی که او را به مسجدالنبی صلی الله علیه و آله وارد کردند در دیوار مسجد با نور جمالش منور گردید. (1)

خلیفه غاصب خواست جمالش را ببیند، او امتناع کرد و حجاب ایرانی خودش را پاس داشت و به جد خود نفرین کرد که اگر نامه پیامبر را پاره نمی کرد، او به اسارت نمی رفت. خلیفه خشمگین شد و به سوبش حرکت کرد و گفت: به من فحش می دهی؟

مولای متقیان علیه السلام فرمود: تو زبان فارس را نمی دانی، او به جد خود نفرین کرد. خلیفه گفت: چه کسی خریدار اوست؟

مولای متقیان علیه السلام فرمود: تو چنین حقی نداری، شاهزادگان را کسی نمی تواند بفروشد، اگر چه کافر باشند. او را آزاد بگذار، تا کسی را از مسلمانان برگزیند و با وی ازدواج کند، و مهریه اش را از سهم بیت المال پرداخت کن. (2) خلیفه به او گفت: پس انتخاب کن.

او نیز آمد و دست روی شانه امام حسین علیه السلام گذاشت.

مولای متقیان علیه السلام از او پرسید: نام تو چیست؟ گفت: جهان شاه، فرمود: نه، نام تو شهربانوست. (3)

شهربانو کی مسلمان شد؟

حضرت شهربانو می فرماید:

ص: 19

-
- 1- اصول کافی، ج 1، ص 467.
 - 2- الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 750.
 - 3- بصائر الدرجات، ج 1، ص 593، ح 1186.

پیش از آن که سپاه مسلمانان بیاید، شی در عالم رؤیا دیدم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد خانه ما شدند و امام حسین علیه السلام در کنارش نشستند. پیامبر اکرم مرا برای امام حسین خواستگاری کرد و مرا به ایشان تزویج کرد. از خواب بیدار شدم، همه اش در آن رابطه می اندیشیدم، تا شب بعد حضرت فاطمه علیها السلام را در عالم رؤیا دیدم، اسلام را به من عرضه کرد، پس من مسلمان شدم. آنگاه به من فرمود: به زودی مسلمانان غلبه می کنند و تو به آسانی به امام حسین علیه السلام می رسی و از کسی آسیبی به تو نمی رسد. من از شهر خودم بیرون آمدم و دست هیچ انسانی به من نرسید. (1)

گزینش همسر

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَكْرَمُوا كَرِيمَ كُلِّ قَوْمٍ؛

گرامی های هر قومی را گرامی بدارید.

اینها عده ای هستند که به اسلام روی آورده اند و از آنها برای من ذریه ای خواهد بود. سپس فرمود: من خدا را شاهد می گیرم، شما نیز شاهد باشید که من سهم خود را از اینها آزاد کردم برای خدا.

گفتند: ما نیز سهم خود را به شما هبه کردیم.

فرمود: خدایا! گواه باش که من سهم آنها را نیز در راه تو آزاد کردم. آنگاه انصار و مهاجران گفتند: که ما نیز سهم خود را به شما هبه کردیم.

عرضه داشت: بار خدایا! گواه باش که من هبه آنها را قبول کردم و همه آنها را در راه تو آزاد کردم. (2)

ص: 20

1- . مرآت العقول، ج 6، ص 6.

2- . دلائل الامامه، ص 194.

برخی از مسلمانان در صدد ازدواج با آنها بر آمدند، مولا فرمود:

این‌ها را نمی‌توان مجبور کرد، باید با اختیار خود تصمیم بگیرند. آنگاه عده‌ای حضرت شهربانو را خطاب کردند و نظرش را پرسیدند و گفتند: آیا قصد ازدواج داری؟ ساکت شد.

مولا فرمود: سکوت علامت رضاست. فقط ماند که چه کسی را برگزیند.

حضرت شهربانو به زبان فارسی امام حسین علیه السلام را برگزید و امیر مؤمنان را به عنوان ولیّ خود اعلام کرد.

مولای متقیان با حذیفه عقد را اجرا نمود.

آنگاه از اسمش پرسید، گفت: شاه زنان.

فرمود: به جز حضرت فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، شاه زنان نیست، تو شهربانو و خواهرت مروارید می‌باشی. (1)

راز تغییر نام

سخنانی در این زمینه گفته شده:

1: تغییر دادن نام بردگان به هنگام خرید سنت است، از این رهگذر مولا نام او را تغییر داد. (2)

2: لفظ «جهان شاه» به معنای سلطان العالم است و آن شایسته خداوند متعال است. (3)

ص: 21

1- . دلائل الامامه ، ص 196 .

2- . مرآت العقول ، ج 6 ، ص 4 .

3- . همان .

3: نامش جهان شاه نبوده، روی مصالحتی آن را عوض کرده بود، و لذا امیر مؤمنان همان نام اصلی اش را فرمود، و لذا او گفت: آری
(1).

4: لفظ شاه زنان نیز شایسته حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را «سیده نساء العالمین» نام
نهاده بود. (2).

5: خواهرش شهربانو نام داشت، لذا گفت: خواهرم شهربانو هست و حضرت فرمود: راست گفتمی. (3).

توصیه مولای متقیان علیه السلام در مورد حضرت شهربانو

بعد از تزویج حضرت شهربانو به امام حسین علیه السلام مولای متقیان فرمود:

اَحْتَفِظْ بِهَا وَ اَحْسِنْ اِلَيْهَا فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ اَهْلِ الْاَرْضِ فِي زَمَانِهِ بَعْدَكَ وَ هِيَ اُمُّ الْاَوْصِيَاءِ الذُّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ؛

او را محافظت کن، به او نیکی کن، که به زودی بهترین انسان روی زمین را به دنیا می آورد، که در زمان خود بهترین مردمان بعد از تو
خواهد بود. او مادر اوصیاء می باشد و مادر ذریه طیبه. (4).

مادر نه امام

حضرت فاطمه بنت اسد مادر دوازده امام بود. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مادر یازده امام بود.

ص: 22

1- . دلائل الامامه، ص 196 .

2- . فرائد السمطين، ج 2، ص 35 .

3- . الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 750 .

4- . همان، ص 751 .

شهربانو مادر نه امام بود .

مولای متقیان او را شایسته این لقب دیده و او را « ام الاوصیاء » نام نهاده است .(1)

این بانو چقدر شایسته بود که خداوند او را گرامی داشت به شهر پیامبر گسیل نمود ، به خاندان وحی رهنمون شد ، با سالار شهیدان همسر و هم سر نمود و ذریه طیبه را از تبار او به وجود آورد .

آیا پدر او موحد بود ؟

بدون تردید پدر و مادر همه پیامبران و امامان موحد بودند ، هرگز پیامبر و امامی از صلب مشرک یا بطن مشرک متولد نشده و به اصطلاح از « اصلاب شامخه » به « ارحام مطهره » منتقل شده اند .

اینک ببینیم آیا دلیل خاصی داریم که یزدگرد سوم موحد بوده یا نه ؟

خوشبختانه دلیل روشن و صریحی در این رابطه وجود دارد .

یزدگرد به هنگام فرار از مدائن - پس از جنگ قادسیه - در برابر ایوان مدائن ایستاد و گفت : ای ایوان خداحافظ ! من رفتم ، ولی به سوی تو بر می گردم ، خودم یا یکی از فرزندانم که هنوز وقت ظهورش نرسیده است .

سلیمان دیلمی می گوید : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : تعبیر « یا یکی از فرزندانم » در گفتار یزدگرد چیست ؟ فرمود :

ذَلِكَ صَاحِبِكُمْ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ السَّادِسُ مِنْ وُلْدِي، قَدْ وَلَدَهُ يَزْدَجَرْدُ، فَهُوَ وَلَدُهُ؛

ص: 23

منظور او صاحب شما حضرت قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف است ، که از تبار یزدگرد است ، او ششمین فرزند من است . (1)

از این حدیث به روشنی استفاده می شود که یزدگرد خداپرست بوده ، از منجی عالم مطلع بوده و می دانست که آن منجی از تبار او می باشد .

آیین رایج در زمان یزدگرد آیین زرتشتی بود ، در همه منابع زرتشتی ، از زند ، پازند ، یسنا ، گشت ها ، اوستا و جاماسب نامه بشارت های فراوان پیرامون منجی بود . (2)

در اینجا تذکر این نکته لازم است که آیین مجوس آیین یکتا پرستی بود ، ثنویت بعداً به آن راه یافته است ، چنانکه مسیحیت آیین یکتا پرستی است ، تثلیث بعداً به آن راه یافته است .

سیمای شهربانو در لوح فاطمی

بر اساس نقلی در لوح حضرت فاطمه علیها السلام که از طریق جابر نقل شده ، در مورد مادر امام سجاد علیه السلام آمده است :

أَبُو مُحَمَّدٍ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَدْلُ أُمُّهُ شَهْرِبَانُوِيَّةُ بِنْتُ يَزْدَجَرْدَ بْنِ شَاهَنْشَاهٍ ؛

ابو محمد علی بن الحسین عدل ، مادرش شهربانو دختر یزدگرد فرزند شاهنشاه . (3)

ص: 24

1- . بحار الانوار ، ج 51 ، ص 164 ؛ مقتضب الاثر ، ص 40 .

2- . رجوع کنید به « پژوهش مهدوی » ، ص 103 - 120 .

3- . کمال الدین ، ج 1 ، ص 307 ، و عیون الاخبار ، ج 1 ، ص 33 .

حضرت شهربانو را خداوند شایسته دیده که مادر نه امام باشد و از مصادیق روشن « ارحام مطهّره » قرار گیرد .

گنجی شافعی می نویسد :

خداوند در میان همسران امام حسین علیه السلام فقط به این بانو لیاقت داد که وعاء نور امامت باشد . (1)

مبّرّد می نویسد :

شاه زنان از بهترین زنان جهان بود . (2)

کسی که همسر امام ، مادر امام و مادر نه امام می باشد نیازی به نقل سخنان بزرگان نیست . شخصیت والای حضرت شهربانو در حدّی است که فرزند برومندش امام سجاد علیه السلام می فرماید :

أَنَا ابْنُ الْخَيْرَيْنِ ؛

من فرزند دو برگزیده هستم .

اشاره به فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می فرمود :

إِنَّ لِلَّهِ مِنْ عِبَادِهِ خَيْرَتَانِ فَخَيْرَتُهُ مِنَ الْعَرَبِ قُرَيْشٌ وَمِنَ الْعَجَمِ فَارِسٌ ؛

خداوند از میان بندگانش دو برگزیده دارد ، برگزیده اش از عرب ، قریش و از عجم ، فارس می باشد .

ابوالاسود دُئلی در اشعار معروف خود به این معنا اشاره کرده می گوید :

ص: 25

1- . كفاية الطالب ، ص 454 .

2- . كامل مبّرّد ، ج 2 ، ص 462 .

وَإِنَّ وَلِيدًا بَيْنَ كِسْرَى وَهَاشِمٍ *** لَا كَرْمٌ مَّنْ نِيَطَتْ عَلَيْهِ التَّمَائِمُ

فرزندی که در میان دو تیره کسری و هاشم متولد شود، مولودی است که برگردنش حرز و طلسم بسته شود. (1)

به جهت شخصیت والای حضرت شهربانو بود که مولای متقیان او را «مریم» نام نهاد. (2)

تاریخ اسارت شهربانو

در مورد اینکه حضرت شهربانو در چه مقطعی به اسارت رفته، سه قول است:

1: قول مشهور این است که در زمان غاصب دوم به اسارت رفته است.

مرحوم کلینی (3)،

صفار (4)، و راوندی ورود ایشان را به مدینه در عهد خلیفه دوم روایت کرده اند. (5)

2: شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام روایت کرده که عبدالله بن عامر بن کُریز به هنگام فتح خراسان به دو دختر از دختران یزدگرد

دست یافت و آنها را به نزد عثمان بن عفان فرستاد. (6)

3: بر اساس روایت دیگری مولای متقیان علیه السلام در زمان خلافت ظاهری

ص: 26

1- . الامام زين العابدين ، ص 31 .

2- . حياة الامام زين العابدين ، ص 31 .

3- . اصول کافی ، ج 1 ، ص 466 .

4- . بصائر الدرجات ، ج 1 ، ص 593 .

5- . الخرائج و الجرائح ، ج 2 ، ص 750 .

6- . عيون الاخبار ، ج 2 ، ص 137 .

خود خُرَیث بن جابر حنفی را برای قسمتی از شرق والی قرارداد ، او دو دختر یزدگرد را به محضر آن حضرت فرستاد ، مولای متقیان یکی را به عقد امام حسین علیه السلام و دیگری را به عقد محمد بن ابی بکر در آورد .(1)

علامه مجلسی قول دوم را ترجیح داده ؛ زیرا اسارت دختران یزدگرد در حال حیات ایشان بعید می باشد و ایشان در سال 30 هجری به هنگام فتح خراسان ، در حال فرار از آن سامان توسط آسیابانی کشته شده است .(2)

جهت دیگر این که اگر حضرت شهربانو در عهد دومی اسیر شده باشد ، لازمه اش این است که دودمان امامت بیش از 20 سال فرزندی نیاورده باشد و آن نیز بعید است .(3)

مرحوم مقرّم نیز از علامه مجلسی پیروی کرده و قول دوم را تقویت نموده است .(4)

سرنوشت خواهر حضرت شهربانو

در مورد نام خواهر حضرت شهربانو اقوال مختلفی هست ، با توجه به کثرت اسامی بردگان و کنیزان شاید همه آنها درست باشد ، ولی طبری امامی از مولایمتقیان علیه السلام روایت کرده که خطاب به حضرت شهربانو فرمود :

تو شهربانو و خواهرت مروارید دخت کسری می باشید .(5)

ص: 27

1- . ارشاد مفید ، ج 2 ، ص 137 .

2- . مرآت العقول ، ج 6 ، ص 6 .

3- . الاخبار الطوال ، ص 140 .

4- . حیاة الامام زین العابدین ، ص 29 .

5- . دلائل الامامه ، ص 196 .

شیخ مفید، (1)

ابن فتال، (2) طبرسی، (3)

و ابن شهر آشوب نوشته اند که از حضرت شهربانو امام زین العابدین علیه السلام، و از خواهرش قاسم فرزند محمد بن ابی بکر متولد شد، و در نتیجه امام سجاد علیه السلام با قاسم بن محمد بن ابی بکر پسر خاله هستند. (4)

از تبار انوشیروان عادل

گنجی شافعی می نویسد:

به برکت عدالت نگاه کن که خداوند مَّانُ نُه تن از امامان را از تبار کسری قرار داده و از دیگر همسران امام حسین علیه السلام مقدر نمروده است. (5)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

وُلِدْتُ فِي زَمَنِ الْمَلِكِ الْعَادِلِ؛

من در زمان پادشاه عادل دیده به جهان گشودم.

این سخن پیامبر به این معنی نیست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنهمه جلالش به وجود انوشیروان افتخار می کند. بلکه به این معناست که در صدد تعریف و تمجید از گِلواژه عدالت است، بالخصوص از زمامداران و حکمرانان اگر چه

ص: 28

1- . ارشاد مفید، ج 2، ص 137.

2- . روضة الواعظین، ج 1، ص 457.

3- . اعلام الوری، ج 1، ص 481.

4- . مقاتل الطالبین، ج 4، ص 56.

5- . کفایة الطالب، ص 454.

در زمره مسلمانان نباشند .

مرحوم آیه الله مظفری این حدیث را در کتاب ارزشمند « خلاصة البیان » از ده ها منبع حدیثی نقل فرموده است .(1)

تاریخ وفات شهربانو

در تاریخ و کیفیت وفات حضرت شهربانو چندین قول است .

قول مقبول آن است که به هنگام زایمان وفات کرده و امام سجاده علیه السلام چهره مادر را ندیده است .(2)

امام حسین علیه السلام کنیزی داشت ، وی امام سجاده علیه السلام را شیر داد و امام سجاده علیه السلام همانند مادر با او رفتار می کرد .

به امام سجاده علیه السلام گفته شد : شما از نیکوکارترین انسان ها هستید ، ولی هرگز با مادرتان در یک ظرف غذا نمی خورید!! فرمود :

می ترسم که چشم مادرم به چیزی از طعام افتاده باشد ، پس من دستم بر آن سبقت بجوید و من عاق شوم .(3)

اخلاق خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام آنقدر والاست که این رفتار را با دایه اش در حدّ عاق والدین می شمارد .(4)

گفته می شود که امام سجاده علیه السلام دایه اش را شوهر داد . گفتند که مادرش را

ص: 29

1- . خلاصة البیان فی احوال شاه زنان ، ص 13 .

2- . اثبات الوصیّه ، ص 145 .

3- . عیون الاخبار ، ابن قتیبّه ، ج 3 ، ص 111 .

4- . حیاة الامام زین العابدین ، ص 33 .

شوهر داده است! امام رضا علیه السلام فرمود :

مادر امام سجاد به هنگام زایمان در گذشت ، یکی از کنیزان امام حسین علیه السلام کفالت او را بر عهده گرفت . مردم خیال کردند که امام سجاد علیه السلام - نعوذ بالله - مادرش را شوهر داده است ، بلکه آن کنیز را شوهر داده است .

این که امام لفظ «معاذ الله» به کار برده ، شاید به این جهت باشد که همسران معصومین بعد از وفات شوهرانشان حق ازدواج دیگری را ندارند و روایت شده که همسران وصی همانند همسران نبی حرام است که با دیگری ازدواج کنند ، چنان که همسران امیرمؤمنان علیه السلام با کسی ازدواج نکردند . (1)

بر این اساس تاریخ وفات حضرت شهربانو دقیقاً روز ولادت امام سجاد علیه السلام می باشد .

میلاذ مسعود امام سجاد علیه السلام

در مورد تاریخ ولادت امام زین العابدین علیه السلام اقوال مختلفی است ، مشهور آن است که آن حضرت در روز پنجم ماه شعبان سال 38 قمری دیده به جهان گشود . بسیاری از مورخان ، چون محمد بن طلحه (2)

، شبلینجی (3) ، ابن صباغ مالکی (4)

ص: 30

1- . حياة الامام زين العابدين ، ص 33 .

2- . مطالب السئول ، ص 267 .

3- . نور الابصار ، ص 222 .

4- . الفصول المهمة ، ص 201 .

و اربلی (1) تصریح کرده اند که ولادت امام سجاد علیه السلام در روز پنجم شعبان سال 38 هجری در مدینه منوره اتفاق افتاده است .

بر این اساس تاریخ وفات حضرت شهربانو نیز روز پنجم شعبان سال 38 قمری خواهد بود . از برادر علامه حلی نقل شده که ولادت آن حضرت را به سال 36 نقل کرده (2)

، سال 37 نیز گفته شده ، ولی مشهور سال 38 می باشد .

کلینی (3)

، ابن خلکان (4) ، و ابن فثال بر آن تصریح کرده اند . (5)

مرحوم مقرر فرموده :

خلافاً نیست در این که وفات آن حضرت در سال 38 بوده (6) و بیومی گفته که آن متفق علیه است . (7)

مدفن حضرت شهربانو

مسعودی می نویسند : آن حضرت در مدینه به هنگام زایمان در گذشت . (8)

مرحوم مقرر می فرماید که آن حضرت هنگام زایمان امام سجاد علیه السلام در مدینه وفات نمود . (9)

ص: 31

-
- 1- . کشف الغمه ، ج 2 ، ص 73 .
 - 2- . العدد القویة ، ص 55 .
 - 3- . اصول کافی ، ج 1 ، ص 466 .
 - 4- . وفيات الاعیان ، ج 3 ، ص 269 .
 - 5- . روضة الواعظین ، ج 1 ، ص 456 .
 - 6- . حياة الامام زين العابدين ، ص 29 .
 - 7- . الامام زين العابدين ، ص 13 .
 - 8- . اثبات الوصیة ، ص 145 .
 - 9- . حياة الامام زين العابدين ، ص 32 .

همه محدثان، مورخان و تراجم نگارانی که ولادت امام زین العابدین علیه السلام را در مدینه نوشته اند، لازمه اش این است که قبر شریف حضرت شهربانو در مدینه باشد.

شیخ مفید(1)، طبرسی(2)، ابن شهر آشوب(3)، گنجی شافعی(4)، ابن طلحه(5)، بیومی(6)

، اربلی(7)، ابن صباغ(8)، شبلنجی(9) و بسیاری از تاریخ نگاران ولادت امام سجاد علیه السلام را در مدینه نوشته اند. (10) فقط ابن حماد حنبلی آن را در کوفه ثبت کرده است. (11)

با توجه به هجرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در 17 رجب سال 36 قمری به کوفه(12)

، لازمه اش این است که خانواده های مرتبط با آن حضرت در همان تاریخ یا اندکی بعد از آن به کوفه منتقل شده باشند و در نتیجه باید امام

ص: 32

- 1- . ارشاد مفید، ج 2، ص 137 .
- 2- . اعلام الوری، ج 1، ص 480 .
- 3- . مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 189 .
- 4- . کفایة الطالب، ص 447 .
- 5- . مطالب السؤل، ص 267 .
- 6- . الام زین العابدین، ص 13 .
- 7- . کشف الغمه، ج 2، ص 285 .
- 8- . الفصول المهمه، ص 201 .
- 9- . نورالابصار، ص 212 .
- 10- . دائرة المعارف بستانی، ج 9، ص 355 .
- 11- . شذرات الذهب، ج 1، ص 104 .
- 12- . تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 83 .

سجاد علیه السلام در کوفه متولد شده باشد ، ولی غالب مورخان و سیره نویسان تصریح کرده اند که در مدینه اتفاق افتاده است .

قول دیگر که ولادت آن حضرت را در سال 36 قمری می داند(1) ، با این موضوع بیشتر منطبق می باشد.

قول سوم این است که در سال 37 قمری متولد شده است .(2)

علامه باقر شریف قرشی می نویسد :

من معتقدم که ولادت امام سجاد علیه السلام در کوفه واقع شده ؛ زیرا به اجماع مورخان امام سجاد علیه السلام دو سال قبل از شهادت مولای متقیان دیده به جهان گشوده است . به طور قطع و یقین در آن ایام امام حسین علیه السلام و همهٔ اعضای خانواده اش در کوفه زندگی می کردند .(3)

ص: 33

1- . العدد القویة ، ص 55 .

2- . تاریخ قم ، ص 196 ، چاپ جدید ، ص 500 .

3- . موسوعة سيرة اهل البيت ، ج 15 ، ص 32 .

ارحام مطهره، و طهارت مادران / شیخ علی اکبر مهدی پور

به قلم: محقق نامدار و نویسنده دلباخته اهل بیت علیهم السلام

آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور

ارحام مطهره، تحقیقی درباره پاکی و طهارت مادران

و پدران پیامبران و امامان علیهم السلام

شیخ صدوق رحمه الله می فرماید:

اعتقاد ما در مورد نیاکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت آدم تا جناب عبدالله همگی مسلمان بودند، حضرت ابوطالب نیز مسلمان بود، حضرت آمنه بنت وهب نیز مسلمان بود. (1)

شیخ مفید رحمه الله نیز می فرماید:

امامیه اتفاق نظر دارند در این که نیاکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت آدم تا جناب عبدالله بن عبدالمطلب، همگی مؤمن و موحد بودند. در این رابطه به قرآن کریم و احادیث معصومین استناد کرده اند. (2)

و اجماع کرده اند در این که عمویس حضرت ابوطالب علیه السلام نیز با ایمان از دنیا رفته و اینکه حضرت آمنه بنت وهب نیز موحد بود و در زمره مؤمنان محشور می شود. (3)

خداوند منان می فرماید: « وَ تَقَلُّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ »؛

ص: 34

1- . الاعتقادات، ص 356.

2- . اوائل المقالات، ص 45.

3- . همان، ص 46.

خداوند جابه جا شدنت را در میان سجده کنندگان می بیند. (1)

علامه مجلسی رحمه الله در ذیل این آیه در حدود 50 حدیث نقل فرموده ، که همه آنها دلالت می کنند بر این که نیاکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همگی موحد بودند. (2)

ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

لَمْ يَزَلِ اللَّهُ يَنْقُلُنِي مِنَ الْأَصْلَابِ الطَّيِّبَةِ إِلَى الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ مُصَفًّى مَهْدَبًا ؛

خداوند مرا همواره از اصلااب پاک به ارحام پاکیزه منتقل می کرد ، در حالی که پاک و برگزیده بودم. (3)

جابر بن عبدالله انصاری نیز از آن حضرت روایت کرده که می فرمود :

لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَنْقُلُنِي مِنَ الْأَصْلَابِ الطَّيِّبَةِ إِلَى الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ هَادِيًا مَهْدِيًا ؛

خداوند مرا همواره از اصلااب پاک به ارحام پاکیزه منتقل می کرد ، در حالی که هدایتگر و هدایت شده بودم. (4)

ابوذر نیز از آن حضرت وایت کرده که می فرمود :

فَلَمْ يَزَلْ يَنْقُلُنَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَصْلَابٍ طَاهِرَةٍ إِلَى أَرْحَامٍ طَاهِرَةٍ ؛

خداوند همواره ما را از اصلااب پاک منتقل می نمود به ارحام پاکیزه. (5)

ص: 35

1- . شعراء / 219 .

2- . بحار الانوار ، ج 15 ، ص 104 - 2 .

3- . الدر المنثور ، ج 5 ، ص 98 .

4- . البرهان ، ج 7 ، ص 246 .

5- . همان ، ص 247 .

ابوالجارود نیز از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در تفسیر این آیه فرمود :

خداوند جا به جا شدن آن حضرت را در اصلاّب پیامبران ، از صلب پیامبری به صلب پیامبر دیگر می دید ، همگی با نکاح و بدون آلودگی
(1).

شیخ طوسی رحمه الله فرمود :

خداوند اراده کرده که جا به جا شدنش را از حضرت آدم در اصلاّب موحدان می دید که در میان آنها کسی نبود که به غیر خدا سجده کند
(2).

مرحوم طبرسی رحمه الله می نویسد :

جابه جا شدن را در اصلاّب موحدان ، از صلب پیامبری به صلب پیامبر دیگر ، تا به عنوان پیامبر برانگیخته شد . (3)

ابن عباس گفته :

همواره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از صلب پیامبری به صلب پیامبر دیگر منتقل می شد ، تا مادرش او را به دنیا آورد . (4)

علامه طباطبایی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده که فرموده اند :

ص: 36

1- . البرهان ، ج 7 ، ص 247.

2- . التبیان ، ج 8 ، ص 68 .

3- . مجمع البیان ، ج 7 ، ص 322 .

4- . تاریخ دمشق ، ج 3 ، ص 227.

در صلب پیامبران، از صلب پیامبری به صلب پیامبری دیگر، از حضرت آدم تا صلب پدرش، با نکاح صحیح بدون انحراف بوده. (1)

جلال الدین سیوطی از بزّار، ابن ابی حاتم، ابن مردویه و بیهقی از مجاهد نقل کرده که گفته اند:

از صلب پیامبری به صلب پیامبری دیگر تا به نبوت برانگیخته شد. (2)

ایمان آمنه

همه امامیه اتفاق نظر دارند که حضرت آمنه مؤمن و موحد بود. برخی از علمای عامّه نیز با ما هم عقیده هستند. از آن جمله است جلال الدین سیوطی، که چند کتاب مستقل در این رابطه تألیف کرده است:

1: الفوائد الكامنة في ايمان السيّدة آمنه.

2: مسالك الحنفاء في والدي المصطفى. 3: سبل النّجاة في والدي النّبي.

4: التعظيم و المنّة في انّ ابوي رسول الله في الجنّة.

5: الدرّج المنيفه في الآباء الشريفة.

6: السّبل الجليلية في الآباء العلية.

7: نشر العلمين المنيفين في احياء الابوين.

ص: 37

1- . الميزان، ج 15، ص 336.

2- . الدر المنثور، ج 5، ص 98.

علامه جلیل القدر جلال الدین سیوطی این هفت رساله را در اثبات ایمان حضرت آمنه و جناب عبدالله نوشته و همه اش به چاپ رسیده است .

گستره این معنا

آن چه در مورد پدر و مادر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتیم ، به ایشان منحصر نمی باشد ، بلکه شامل همه پیامبران می باشد . یعنی پدر و مادر هر یک از پیامبران باید موحد باشند و از طریق نکاح صحیح فرزند آورده باشند . این معنی در مورد اوصیای پیامبران نیز ضرورت دارد . گذشته از روایات معصومین علیهم السلام که شماری از آنها را نقل کردیم . در زیارت ها نیز بر این معنا تأکید شده است که شماری از آنها را نقل می کنیم :

(1) در زیارتنامه مولای متقیان آمده است :

لَمْ تَزَلْ بِعَيْنِ اللَّهِ تَتَنَسَّخُ فِي أَصْلَابِ الْمُطَهَّرِينَ وَ تَنْتَقِلُ فِي أَرْحَامِ الطَّاهِرَاتِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنِسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ ؛ همواره تحت عنایت خداوند از اصلااب پاک و پاکیزه به ارحام پاک و پاکیزه منتقل می شدی ، هرگز پلیدی جاهلیت شما را لکه دار نکرد . (1)

(2) در زیارت ائمه بقیع می خوانیم :

لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَ يَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنِسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ ؛

ص: 38

شما همواره تحت عنایت پروردگار بودید ، شما را از اصلاب

هر پاک و پاکیزه ای به ارحام پاکیزگان منتقل می کرد . هرگز پلیدی دوران جاهلیت شما را لگه دار نکرده است .(1)

(3) در زیارت وارث خطاب به سالار شهیدان می خوانیم :

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مُدْلَهَمَاتُ تِيَابِهَا ؛

من گواهی می دهم که تو نوری بودی در اصلاب گرانمایه و ارحام پاک و پاکیزه ، پلیدی های جاهلیت تو را آلوده نکرده و جامه های تاریکی آن تو را لگه دار نکرده است .(2)

(4) همین تعبیر در زیارت اربعین(3) زیارت عید فطر و قربان(4) و زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راه دور نیز آمده است (5) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید :

إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَوْصِيَاءَ مَخْلُوقُونَ مِنْ نُورٍ عَظْمَةِ اللَّهِ جَلَّ شَأُوهُ يُودِعُ اللَّهُ أَنْوَارَهُمْ أَصْلَابًا طَيِّبَةً وَأَرْحَامًا طَاهِرَةً ؛

ص: 39

1- . مصباح المتعجب ، ص 714 .

2- . نبراس الزائر ، ص 42 .

3- . مصباح المتعجب ، ص 788 .

4- . مزار شهید ، ص 183 .

5- . بحار الانوار ، ج 100 ، ص 187 .

پیامبران و اوصیای آن‌ها، از نور عظمت خداوند آفریده شده‌اند، خداوند انوار آنها را در اصلاّب پاکیزه و ارحام پاک و پاکیزه به ودیعت می‌گذارد. (1)

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

آنها انوار درخشان بودند که از اصلاّب پاک به ارحام پاکیزه انتقال یافتند. (2)

در پرتویک دعای مستجاب

قهرمان توحید حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام عرضه داشت:

وَ اجْنُبْنِي وَ بَيْتِي أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ؛

بار خدایا! مرا و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور بگردان. (3)

طبری گوید:

خداوند مَنان دعایش را مستجاب نمود، دیگر کسی از فرزندانش بعد از این دعا در برابر بت پرستش نکرد. (4)

طبرسی گوید:

چون دعای پیامبران مستجاب می‌شود، حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد آن عده از فرزندانش که می‌دانست آنها هرگز بت را نمی‌پرستند، دعا کرد و در حق آنها مستجاب شد. (5)

ص: 40

1- . من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 297 .

2- . بحار الانوار، ج 35، ص 28 .

3- . ابراهیم / 35 .

4- . تفسیر طبری، ج 13، ص 151 .

5- . مجمع البیان، ج 6، ص 489 .

جلال الدین سیوطی می نویسد :

از پدر و مادر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علامت شرک دیده نشده ، بلکه آن ها پیرو آیین جد بزرگوارشان حضرت ابراهیم خلیل بودند . پس آیه دلالت می کند بر اینکه همه نیاکان پیامبر مسلمان بودند . (1)

هشام بن محمد بن سائب کلبی از پدرش نقل می کند که در مورد 500 تن از مادران پیامبر اکرم تحقیق نمودم ، همه مسلمان بودند . (2)

جلال الدین سیوطی می فرماید :

در عهد جاهلیت عده ای در آیین حنیفیت بودند و به دین حضرت ابراهیم علیه السلام متدین بودند که از آن جمله بود : زید بن عمرو بن نفیل ، عبیدالله بن جحش ، عثمان بن حویرث ، ورقه بن نوفل ، رباب بن براء ، ابوکریت حمیری ، قس بن ساعده ، و ابوقیسبن سرمه ، چه مانعی دارد که پدر و مادر پیامبر اکرم نیز جزء حنفاء باشند . (3)

از ابوبکر بن عربی مالکی پرسیدند : اگر کسی بگوید : پدر پیامبر در دوزخ است ، چه حکمی دارد ؟

گفت : این شخص ملعون است ؛ زیرا خداوند می فرماید :

« کسانی که خدا و رسول خدا را اذیت کنند ، در دنیا و آخرت خداوند آنها را لعنت می کند . » (4)

ص: 41

-
- 1- . الحاوی للفتاوی ، ج 2 ، ص 199 .
 - 2- . طبقات الکبری ، ج 1 ، ص 60 .
 - 3- . الحاوی للفتاوی ، ج 2 ، ص 213 .
 - 4- . احزاب / 57 .

بدون تردید اذیتی بالاتر از این نیست که کسی بگوید پدر آن حضرت در آتش است. (1)

از منظر امیر بیان

مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در مورد کلی پیامبران فرموده است :

فَأَسْتَوِدَعُهُمْ فِي أَفْضَلِ مُسْتَوْدِعٍ، وَأَقْرَهُمْ فِي خَيْرِ مُسْتَقَرٍّ تَنَاسَخَتْهُمْ كَرَائِمُ الْأَصْلَابِ إِلَى مُطَهَّرَاتِ الْأَرْحَامِ؛

خداوند منان آنان را در برترین امانتگاه به امانت گذاشته و در نیکوترین جایگاه قرار داده، اصلا ب مردانی گرانمایه، آنها را به ارحام مادرانی پاک و پاکیزه منتقل نموده است. (2) ابن ابی الحدید در ذیل همین خطبه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

تُقَلْنَا مِنَ الْأَصْلَابِ الطَّاهِرَةِ إِلَى الْأَرْحَامِ الزَّكِيَّةِ؛

از صلب های پاکان به رحم های پاکیزگان منتقل شدیم. (3)

در روایات مربوط به خلقت نورانی پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام نیز بر این معنا تاکید شده است. (4)

بر اساس آیات قرآن کریم، احادیث پیشوایان معصوم، سخنان پیشتازان از علمای اعلام و برخی از محققان عامه، نیاکان پیامبر اکرم از پدر بزرگوارش جناب عبدالله تا حضرت آدم و مادران مکرّمه اش از حضرت آمنه خاتون تا حضرت حوا همه موحد و مسلمان بودند.

ص: 42

1- . الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 219 .

2- . نهج البلاغه، خطبه 94.

3- . شرح نهج البلاغه، ج 7، ص 63، و ج 14، ص 67 .

4- . علل الشرایع، ج 1، ص 208؛ و ارشاد القلوب، ج 2، ص 415 .

شخصیت حضرت شهربانو علیها السلام / شیخ علی اکبر مهدی پور

اثر: نویسنده محقق و نامدار و پژوهشگر ولائی

حجة الاسلام و المسلمین آقای شیخ علی اکبر مهدی پور

شخصیت حضرت شهربانو علیها السلام

و نکاتی برجسته

اسامی حضرت شهربانو علیها السلام

برای شخصیت های بزرگ معمولاً نام های متعددی در تاریخ آمده است . امام صادق علیه السلام برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نه اسم آسمانی بیان فرموده است ، که عبارتند از : فاطمه ، صدیقه ، مبارکه ، طاهره ، زکّیه ، راضیه ، مرضیه ، محدّثه و زهرا . (1)

برای حضرت نرجس خاتون علیها السلام نیز نه اسم در تاریخ ثبت شده است ، که عبارتند از : ملیکه ، حکیمه ، سبیکه ، نرجس ، سوسن ، مریم ، ریحانه ، خمط و صقیل . (2)

در کتب حدیثی ، رجالی ، سیره و تراجم برای حضرت شهربانو نیز نه اسم ثبت شده ، که عبارتند از : 1 : جهان شاه ؛ (3) 2: شاه زنان ؛ (4)

ص: 43

1- . خصال ، ج 2 ، ص 414 .

2- . روزگار رهایی ، ج 1 ، ص 467 .

3- . اصول کافی ، ج 1 ، ص 467 .

4- . ارشاد مفید ، ج 2 ، ص 137 ؛ المجدی ، ص 93 .

3: شهربانو؛ (1) 4: سلافه؛ (2)

5: سلامه؛ (3)

6: غزاله؛ (4)

7: خوله؛ (5)

8: حرار؛ (6)

9: حلوه. (7)

به جز اسامی یاد شده، نه اسم دیگر برای حضرت شهربانو نقل شده که عبارتند از: امّ سلمه، برّه، جهان بانو، جهان شاه، شهربان، شهرناز، فاطمه، مریم و کیهان بانو. (8)

این بود نام هایی که در کتب حدیثی، تاریخی، سیره و تراجم برای حضرت امّ الاوصیاء، مادر امام زین العابدین علیه السلام ذکر شده است.

نسب شریف حضرت شهربانو

در تاریخ سلاطین جهان تنها یک نفر گلوآژه عدالت را به خود اختصاص داده و هر کجا کلمه عادل بر زبان جاری شود، فقط یک نفر به اذهان خطور می کند و او پدر بزرگ حضرت شهربانو: «انوشیروان عادل» می باشد.

عدالت ریشه در فطرت انسان دارد، هر انسانی به طور فطری تشنه عدالت است. این تشنگی و شیفتگی از اعماق وجود او نشأت می گیرد.

ص: 44

1- اصول کافی، ج 1، ص 467؛ الوافی، ج 2، ص 487؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 189.

2- انساب الاشراف، ج 3، ص 362.

3- تهذیب الکمال، ج 13، ص 237.

4- صفة الصفوة، ج 2، ص 66؛ شذرات الذهب، ج 1، ص 114.

5- تاریخ حبیب السیر، ج 2، ص 62.

6- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 229 [چاپ دیگر، ج 1، ص 212، چ نجف، ج 3، ص 47].

7- لباب الانساب، ج 1، ص 348.

8- شکوفه های رسالت، ص 638-635؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 189.

قرآن کریم هدف از ارسال رُسُل و انزال کتب را تحقّق یافتن زندگی جامعه بشری بر شالوده عدل و داد معرفی کرده و می فرماید :

« لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ » ؛

ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آن ها کتاب و میزان (معیار شناخت حق از باطل) فرستادیم تا مردمان به عدالت قیام کنند. (1)

پیشوایان معصوم علیهم السلام بزرگترین شاخصه قیام جهانی آخرین مصلح آسمانی را تأسیس حکومت جهانی بر اساس عدالت و آزادی بیان کرده می فرمایند :

يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛

زمین را پر از عدل و داد می کند ، همانگونه که پر از ستم شده باشد .

آیه الله صافی 148 حدیث به این مضمون روایت کرده است. (2)

در اهمیت عدالت همین بس که از اشرف کائنات و مفخر موجودات روایت شده که فرموده است :

وُلِدْتُ فِي زَمَنِ الْمَلِكِ الْعَادِلِ؛

من در عهد پادشاه عادل متولد شدم .

آیه الله مظفری از شاگردان برجسته آیه الله خوئی قدس سره در کتاب ارزشمند خود که در شرح حال شهربانو تألیف کرده ، برای این حدیث شریف 20 مدرک نقل فرموده است. (3)

ص: 45

1- . حدید / 25 .

2- . منتخب الاثر ، ج 4 ، ص 222 - 235 .

3- . خلاصة البيان في احوال شاه زنان ، ص 13 .

مسعودی این حدیث را به این تعبیر نقل کرده است که آن حضرت فرمود :

وُلِدْتُ فِي زَمَنِ الْمَلِكِ الصَّالِحِ ، لَوْ لَحِقَنِي لَأَمَّنَ بِي ؛

من در عهد پادشاه شایسته متولد شدم ، اگر زمان مرا درک می کرد ، حتماً به من ایمان می آورد .(1)

گنجی شافعی در این رابطه می نویسد :

به برکت عدالت نگاه کن که خداوند مَثانُ نُه تن از امامان را از تبار کسری قرار داده و از دیگر همسران امام حسین علیه السلام مقدر نمروده است .(2)

این تعبیر را مرحوم طبرسی نیز از ایشان نقل کرده است .(3)

علامه مجلسی نقل کرده که مولای متقیان علیه السلام هنگامی که وارد مدائن شد ، انوشیروان را زنده کرد و از حالش جو یا شد ، عرضه داشت من پادشاه عادل بودم ، بر رعایا مهربان بودم ، هرگز به ظلم رضایت نداشتم ، لکن بر دین مجوس بودم ، پیامبر اکرم در عهد من متولد شد ، در شب میلادش 23 کنگره از کنگره های ایوان من فرو ریخت ، تصمیم گرفتم که به او ایمان بیاورم ، لکن اشتغالات کشورداری مرا به خود مشغول کرد . من به جهت کفر از بهشت محروم هستم ، ولی به جهت عدل و انصاف از آتش به دور هستم . ای کاش ایمان می آوردم و در کنار شما بودم ، ای امیر امت و سرور خاندان نبوت .(4)

ص: 46

1- اثبات الوصیّه ، ص 105 [در چاپ دیگر ص 122] .

2- . کفایة الطالب ، ص 454 .

3- . تاج الموالید ، ص 38 [مجموعه نفیسه ، ص 114] .

4- . بحار الانوار ، ج 41 ، ص 214 ؛ فضائل ابن شاذان ، ص 95-93 .

شیخ بهایی می نویسد :

بر شمشیر انوشیروان مکتوب بود که عدالت نمی پاید ، اگر ادامه یابد جهان آباد شود ، ظلم نمی پاید ، اگر ادامه پیدا کند جهان ویران گردد
(1).

انوشیروان 48 سال با کمال سطوت و عدالت سلطنت نمود ، در سال 579 میلادی وفات کرد ، پسرش هرمز چهارم به جای او نشست .
منظور از عدالت انوشیروان ، عدالت اجتماعی است که از یک سلطان انتظار می رود و آن حفظ حدود و ثغور ، ایجاد امنیت در داخل کشور ، فراهم کردن آسایش و آرامش مردم است . (2)

هرمز چهارم - پسر انوشیروان- از سال 579 تا 590 میلادی سلطنت کرد . مادرش دختر خاقان ترک بود ، لذا به ترک زاده مشهور شد ، در دوران سلطنت دوازده ساله اش در تشیید مبانی عدل و انصاف کوشید و لوازم رفاه رعیت را فراهم آورد . (3)

پس از وی فرزندش خسرو پرویز بر مسند سلطنت تکیه کرد و مدت 38 سال ، از سال 590 تا 628 میلادی سلطنت کرد .

در زمان او بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نامه ای به او نوشت و آن را توسط عبدالله بن حذافه سهمی به دربار پرویز فرستاد و او را به اسلام دعوت نمود . نخوت

ص: 47

1- . المخلاة ، ص 150 [چاپ دیگر ، ص 64] .

2- . خلاصة البیان ، ص 15 .

3- . تاریخ حبیب السیر ، ج 1 ، ص 244 .

خسرو سبب شد که نامه را پاره کرد و به دست نشانده اش « باذان » دستور داد که آن حضرت را دستگیر کرده به نزدیک خسرو بفرستد .

چون گزارش پاره کردن نامه به آن حضرت رسید ، عرضه داشت :

اللَّهُمَّ مَرِّقْ مُلْكَهُ ؛

بار خدایا ! سلطنتش را پاره کن .

باذان دو نفر به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد و دستور جلب را به آن حضرت تقدیم نمودند ، حضرت فرمود : فردا بیاید تا نظر خودم را اعلام کنم . روز بعد که روز سه شنبه دهم جمادی الاول سال هفتم هجرت بود ، فرستاده ها آمدند ، حضرت فرمود : دیشب پروردگارم شیرویه را بر پدرش مسلط کرد و او را هفت ساعت گذشته از شب به قتل رسانید . (1)

در اثر نفرین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پادشاهی ساسانیان پاره پاره شد ، در ظرف چهار سال (628 تا 632) شیرویه ، اردشیر ، شهربراز ، خسروسوم ، جوانشیر ، پورانخت ، هر کدام در منطقه ای چند ماه ، گاهی چند روز حکومت کردند .

شیرویه پس از پدرش شش ماه حکومت کرد ، پدر و برادرانش از جمله « شهریار » پدر یزدگرد را در این مدت به هلاکت رسانید .

آنگاه یزدگرد سوم ، فرزند شهریار بن خسرو پرویز در سال 632 میلادی به سلطنت رسید و بعد از شکست خوردن از سپاه مسلمین به مرو گریخت ، سرانجام در مرو در آسیائی توسط آسیابان کشته شد .

ص: 48

1- . الطبقات الكبرى ، ج 1 ، ص 260 .

پس از کشته شدن وی در سال 651 میلادی برابر با 31 هجری دخترانش شهربانو و مروارید اسیر شده ، در جامهٔ اسیری به مدینه گسیل شدند .

بعد از حمایت مولای متقیان ، خلیفه ناگزیر شد که از فروش آنها به عنوان کنیز صرف نظر کند و آنها را در انتخاب همسر آزاد بگذارد ، پس حضرت شهربانو با امام حسین علیه السلام ، و مروارید با محمد بن ابی بکر ازدواج نمودند .

در تاریخ دختر سومی برای یزدجرد ثبت شده که آن را قتیبة بن مسلم در خراسان اسیر گرفته و به نزد حجاج بن یوسف فرستاد ، و او نیز وی را به ولید بن عبدالملک تقدیم کرد ، ولید او را به همسری گرفت و از او صاحب فرزندی شد به نام « یزید بن ولید » که بعد از پدر در اول رجب سال 136 قمری به خلافت رسید .⁽¹⁾

سیوطی نام او را « شاه فرند » ثبت کرده است .⁽²⁾ نکاتی چند پیرامون حضرت شهربانو

1 : مرحوم کلینی در کافی شریف نسب آن حضرت را چنین آورده :

« یزدجرد بن شهریار بن شیرویه بن کسری پرویز » .⁽³⁾

در حالی که شهریار فرزند شیرویه نیست ، بلکه برادر او می باشد .⁽⁴⁾

2 : مشهور این است که اسارت حضرت شهربانو در زمان خلیفهٔ دوم بود .⁽⁵⁾

ص: 49

1- . العقد الفرید ، ج 5 ، ص 208 .

2- . تاریخ الخلفا ، ص 252 .

3- . اصول کافی ، ج 1 ، ص 466 .

4- . تواریخ النبى و الال ، ص 87 .

5- . بصائر الدرجات ، ج 1 ، ص 593 ؛ الخرائج و الجرائح ، ج 2 ، ص 750 .

ولی شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام روایت کرده که عبدالله بن عامر بن گریز به هنگام فتح خراسان به دو دختر از دختران یزدگرد دست یافت و آنها را به نزد عثمان بن عفان فرستاد. (1)

ابن قتیبه می نویسد :

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام حضرت شهربانو با زبیر غلام امام حسین علیه السلام ازدواج کرد!! (2)

با توجه به درگذشت شهربانو به هنگام تولد امام سجاد علیه السلام بی پایه بودن این سخن آشکار می شود .

4: ابن شهر آشوب از ابومخنف نقل کرده که همه حرم امام حسین علیه السلام را به اسارت بردند ، به جز حضرت شهربانو که او خود را به فرات انداخت و تلف کرد . (3) این مطلب نیز بی پایه است ؛ زیرا اولاً : حضرت شهربانو به هنگام زایمان در گذشته و در کربلا حضور نداشت .

ثانیاً : او امّ الاوصیاء بود ، همسر امام و مادر امام بود و امکان نداشت که خود را به فرات بیندازد و خودکشی کند .

5: ابن شهر آشوب در مورد شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام می نویسند : امام حسین علیه السلام او را به سینه چسبانید و به خیمه گاه آورد ، مادرش شهربانو به سوی او می نگریست و سخنی نمی گفت . (4)

ص: 50

1- .عیون الاخبار ، ج 2 ، ص 127 .

2- . معارف ابن قتیبه ، ص 214 .

3- . مناقب آل ابی طالب ، ج 4 ، ص 121 .

4- . مناقب آل ابی طالب ، ج 4 ، ص 118 .

این هم سخن بی پایه ای بیش نیست؛ زیرا حضرت شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام می باشد، نه مادر حضرت علی اکبر علیه السلام

ثانیاً: حضرت شهربانو 23 سال پیش از حادثه عاشورا به هنگام زایمان وفات کرده بود و در کربلا حضور نداشت.

ثالثاً: خود ایشان تصریح کرده که حضرت شهربانو علیها السلام مادر امام زین العابدین علیه السلام می باشد. (1)

البته در مقاتل آمده است که در روز عاشورا طفلی از سرپرده بیرون آمد، دو گوشواره از دُر در گوش داشت، از وحشت و حیرت به چپ و راست می نگریست، هانی بن ثبیت بر او حمله کرد و او را به شهادت رسانید، به هنگام شهادت آن طفل مادرش شهربانو ایستاده بود، مدهوش به او نگاه می کرد، یارای سخن گفتن نداشت و قدرت حرکت نداشت. (2)

6: شهید مطهری در اصل داستان حضرت شهربانو تشکیک کرده و گفته:

مورخین عصر حاضر عموماً در این قضیه تشکیک می کنند و آن را بی اساس می دانند و می گویند: در میان همه مورخان تنها یعقوبی جمله ای دارد به این مضمون که گفته است: مادر علی بن الحسین علیهما السلام « حرار » دختر یزدگرد بود و حسین علیه السلام نام او را غزاله نهاد. (3)

ص: 51

1- همان، ص 189.

2- ریاحین الشریعه، ج 2، ص 309.

3- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 131.

این مطلب نیز عجیب تر از آن است که نیازی به جواب داشته باشد، ولی چون به شیوه تحقیقی مطرح شده، ما تعدادی از محدثان و مورخانی که تصریح کرده اند مادر امام سجاد علیه السلام دختر یزدجرد بوده، به ترتیب تسلسل زمانی نام می بریم:

1: ابن واضح یعقوبی، متوفای 284 قمری. (1)

2: محمد بن یعقوب کلینی، متوفای 329 قمری. (2)

3: علی بن حسین مسعودی، متوفای 349 قمری. (3)

4: شیخ صدوق، متوفای 381 قمری. (4) 5: شیخ مفید، متوفای 413 قمری. (5)

6: محمد بن جریر طبری، قرن پنجم هجری. (6)

7: ابن فثال نیشابوری مستشهد 508 قمری. (7)

8: امین الاسلام طبرسی، متوفای 548 قمری. (8)

9: ابن شهر آشوب، متوفای 588 قمری. (9)

ص: 52

-
- 1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 329 [چاپ دیگر: ج 2، ص 212، چاپ نجف، ج 3، ص 47].
 - 2- اصول کافی، ج 1، ص 466.
 - 3- اثبات الوصیّه، ص 145.
 - 4- عیون الاخبار، ج 2، ص 127.
 - 5- ارشاد مفید، ج 2، ص 137.
 - 6- دلائل الامامة، ص 196.
 - 7- روضة الواعظین، ج 1، ص 457.
 - 8- اعلام الوری، ج 1، ص 481.
 - 9- مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 56 و 189.

- 10 : كمال الدين ابن طلحه ، متوفى 652 قمرى . (1)
- 11 : گنجى شافعى ، مستشهد 658 قمرى . (2)
- 12 : ابن صباغ مالكى ، متوفى 855 قمرى . (3)
- 13 : علامه مجلسى ، متوفى 1110 قمرى . (4)
- 14 : شبراوى ، متوفى 1172 قمرى . (5)
- 15 : شيخ عباس قمى ، متوفى 1359 قمرى . (6) 16 : سيد عبدالرزاق مكرم ، متوفى 1391 قمرى . (7)
- 17 : شيخ ذبيح الله محلاتى ، متوفى 1406 قمرى . (8)
- 18 : شيخ محمد تقى تسترى ، متوفى 1415 قمرى . (9)
- 19 : شيخ محمد مظفرى ، متوفى 1423 قمرى . (10)
- 20 : باقر شريف قرشى ، متوفى 1433 قمرى . (11)

ص: 53

-
- 1- . مطالب السؤل ، ص 267 .
 - 2- . كفاية الطالب ، ص 454 .
 - 3- . الفصول المهمه ، ص 195 .
 - 4- . بحار الانوار ، ج 46 ، ص 16-4 .
 - 5- . الاتحاف بحب الاشراف ، ص 265 .
 - 6- . الانوار البيهية ، ص 107 .
 - 7- . حياة الامام زين العابدين ، ص 24-34 .
 - 8- . رياحين الشريعة ، ج 3 ، ص 14-11 .
 - 9- . تواريخ النبى و الال ، ص 85-89 .
 - 10- . خلاصة البيان ، ص 4-12 .
 - 11- . موسوعة سيرة اهل البيت ، ج 15 ، ص 17-28 .

این بود تعدادی از کتب حدیثی، تاریخی، فضائل، سیره و تراجم از دانشمندان شیعه و اهل سنت که تصریح کرده اند که مادر امام زین العابدین علیه السلام دختر یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی می باشد.

7: مولای متقیان علیه السلام از حضرت شهربانو پرسید: از پدرت در مورد حادثه فیل چه شنیدی؟

او گفت: از پدرم شنیدم که می گفت:

إِذَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَىٰ أَمْرِ ذَلَّتِ الْمَطَامِعُ دُونَهُ وَإِذَا انْقَضَتِ الْمُدَّةُ كَانَ الْحَتْفُ فِي التَّدْبِيرِ؛

چون اراده خدا بر چیزی تعلق یافت، همه خواسته ها در مقابلش خاضع می شوند و چون مدت به پایان رسید، هر تدبیری به مرگ می انجامد. مولا فرمود: پدرت چه زیبا گفته است. (1)

این هم یکی دیگر از دلایل موحد بودن یزدگرد سوم می باشد.

آری، مادری که «امّ الاوصیاء» می باشد و مقدر است که انوار مقدسه نه امام از برج او طلوع کند، امکان ندارد که از پدر مشرک متولد شده باشد.

گنجی شافعی می گوید:

در میان همسران امام حسین علیه السلام خداوند به دختر یزدگرد این لیاقت را اعطا کرد که نسل امام حسین علیه السلام از او تداوم پیدا کند. (2)

ص: 54

1- . ارشاد مفید، ج 1، ص 302.

2- . كفاية الطالب، ص 454.

ابن شدقم می گوید : شاه زنان فضائل فراوانی را دارا بود .(1)

می برد می گوید : شاه زنان از بهترین بانوان جهان بود .(2)

مولای متقیان علیه السلام در سفارش خود به امام حسین علیه السلام می فرماید:

احسن الی شهربانویه فانها مرضیة، فستلد لك خیر اهل الارض بعدك ؛

به شهربانو نیکی کن که او بانوی پسندیده ای است و برای تو فرزندی می آورد که بعد از تو بهترین انسان روی زمین باشد .(3)

تاریخ وفات حضرت شهربانو

مسعودی می نویسد : امام سجاد علیه السلام به سال 38 هجرت متولد شد ، مادرش جهان شاه ، دخت یزدجرد آخرین پادشاه فارس بود ، او یزدجرد پسر شهربار بود .

او و خواهرش در عهد خلیفه دوم اسیر شدند و به مدینه آورده شدند . خلیفه خواست که آن ها را با دیگر اسیران در معرض فروش قرار بدهند ، امیرمؤمنان علیه السلام مانع شد و فرمود :

دختران شاهان در بازار ، در معرض فروش قرار نمی گیرند .

آنگاه امر فرمود که بانویی دست آن دو خواهر را بگیرد و جوانان مهاجر و انصار را به آنها ارائه دهد تا هر کدام را خواستند ، برگزینند .

ص: 55

1- . زهرة المقول ، ص 16 .

2- . الكامل فی التاريخ ، ج 2 ، ص 462 .

3- . موسوعة سيرة اهل البيت ، ج 15 ، ص 26 .

هنگامی که جهان شاه امام حسین علیه السلام را برگزید ، امیر مؤمنان علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمود :

اَحْتَفِظْ بِهَا وَ اَحْسِنْ اِلَيْهَا فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ اَهْلِ الْاَرْضِ بَعْدَكَ ؛

از او به خوبی محافظت کن و به او نیکی کن که به زودی بهترین اهل زمین پس از تو را ، برای تو به دنیا می آورد .

پس علی بن حسین علیهما السلام را به دنیا آورد .

ولادت و پرورش او همانند ولادت و تربیت پدران بزرگوارشان انجام پذیرفت . شاه جهان به هنگام زایمان در مدینه درگذشت ، برای فرزندش دایه ای خریداری شد که شیردهی و پرورش او را بر عهده گرفت .

حضرت علی بن حسین علیهما السلام او را مادر خطاب می کرد . هنگامی که بزرگ شد ، او را به غلامش « سلام » تزویج نمود ، بنی امیه به او ایراد می گرفتند و می گفتند که علی بن حسین علیهما السلام مادرش را به غلامش تزویج کرده است و او را نکوهش می کردند . (1)

امام رضا علیه السلام در این رابطه فرمود :

همسر امام حسین علیه السلام به هنگام ولادت امام سجاد علیه السلام در حال زایمان وفات کرد . یکی از کنیزان امام حسین علیه السلام او را بزرگ کرد و به عنوان مادر امام سجاد علیه السلام شناخته شد . بعدها امام سجاد علیه السلام او را شوهر داد ، مردم خیال کردند که آن حضرت مادر خودش را شوهر داده است . - معاذ الله -

راوی حدیث « سهل بن قاسم نوشجانی » گوید :

ص: 56

1- . اثبات الوصیّه ، ص 145 [چاپ دیگر ، ص 167] .

هیچ فردی از اولاد حضرت ابوطالب علیه السلام نماند، جز اینکه این حدیث را توسط اینجانب از امام رضا علیه السلام نوشت. (1)

مرحوم مقرر می نویسد:

این که امام رضا علیه السلام لفظ « معاذالله » را به کار برده، شاید از این جهت باشد که همسران معصومین علیهم السلام بعد از وفات شوهرانشان نمی توانند با کسی ازدواج کنند، چنانکه همسران مولای متقیان علیه السلام با کسی ازدواج نکردند. (2)

ص: 57

1- . عیون الاخبار، ج 2، ص 127 [چاپ دیگر، ص 270].

2- . حیاة الامام زین العابدین، ص 32.

شهربانو علیها السلام ، مادر امام سجّاد علیه السلام / شیخ مهدی خدامیان آرانی

به قلم : نویسنده عالیقدر و نامدار و دلباخته اهل بیت علیهم السلام

آقای شیخ مهدی خدامیان آرانی

شهربانو علیها السلام ، مادر امام سجّاد علیه السلام

اکنون از تو سخن می گویم ای شهربانو! آن قدر بزرگوار هستی که افتخار پیدا کردی و نه امام از نسل تو هستند ، « شهربانو » به معنای « بانوی شهر » است ، تو را به این نام خوانده اند ؛ زیرا تو دختر « یزدگرد سوم » هستی ، همان کسی که آخرین پادشاه ساسانیان در ایران است . تو را « شهربانو » نامیده اند ؛ زیرا جایگاهی بس بزرگ در میان ایرانیان داری ، تو دختر پادشاه هستی ، تو بزرگ زاده ای و آثار بزرگی در تو به چشم می خورد .

به راستی چه شد که تو همسر امام حسین علیه السلام شدی و این افتخار نصیب ایرانیان شد؟ وقتی دقت می کنم می بینم که نسب نه امام (از دوازده امام شیعه) از طرف مادر به ایرانیان می رسد و این افتخاری بزرگ برای آنان است . اکنون می خواهم ماجرای تو را بازگو کنم :

خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برای هدایت و رستگاری انسان ها فرستاد ، او آخرین پیامبر خدا بود و دین او ، دینی جهانی است ، پیامبر نامه ای به « خسرو پرویز » که در زمان او پادشاه ایران بود نوشت و او را دعوت به دین اسلام کرد ، ولی « خسرو پرویز » نامه پیامبر را پاره کرد و به آن اهمیت ندارند .

مدتی گذشت و روز به روز بر شکوه و عظمت اسلام افزوده می شد ، پیامبر صلی الله علیه و آله که دیگر بر همه سرزمین عربستان حکومت می کرد ، زندگی بسیار ساده ای داشت ، او بر روی خاک می نشست ، غذای ساده می خورد ، با همه

مهربان بود، هرگز خود را برتر از دیگران نمی دید و برای همین بود که مردم شیفته او شدند و بر پیروان او افزوده شد. این وعده خدا بود که روز به روز بر عظمت دین اسلام افزوده خواهد شد.

پیامبر در سال آخر زندگی خود در «روز غدیر» علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی کرد، ولی وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، گروهی از منافقان عهد و پیمان شکستند و مردم را فریب دادند و با زور و تهدید، حکومت را در دست گرفتند. آنان خود را مسلمان می نامیدند و آیه های قرآن را برای دیگران می خواندند ولی از روح قرآن و اسلام به دور بودند. آنان تصمیم گرفتند تا به کشورهای دیگر حمله کنند، برای همین سپاهی به سوی ایران گسیل داشتند.

اکنون «یزگرد سوم» که پدر توست بر ایران حکومت می کند، ولی مردم ایران از اختلاف طبقاتی که در جامعه وجود دارد به تنگ آمده اند، تحصیل دانش برای مردم عادی ممنوع است و فقط طبقات بالای جامعه حق دارند باسواد باشند و علم و دانش بیاموزند، ثروت در دست عده ای از اشراف جامعه است و مردم عادی در فقر زندگی می کنند، مردم شنیده اند که اسلام از برابری همه انسان ها سخن می گوید و طلب علم را برای همه واجب می داند، خیلی از آنان شیفته اسلام شده بودند...

سپاه مسلمانان به قسمت های غرب ایران می رسد. شهر مدائن، پایتخت ایران است و اکنون در خطر افتاده است، مسلمانان این شهر را محاصره می کنند، عده ای از سربازان ایرانی (که از ظلم و ستم پادشاهان ساسانی به تنگ آمده اند) خود را تسلیم می کنند و سرانجام مدائن فتح می شود.

تو همراه پدر در نهاوند هستی، نهاوند اکنون مهم ترین شهر در ایران است، درست است که قسمت هایی از غرب ایران فتح شده است اما هنوز حکومت

ساسانی پابرجاست ، این حکومت مانند کسی است که مثلاً یکی از دست های او را از او جدا کرده اند ، ولی نهاوند مانند قلب ایران است ، مسلمانان به فکر آن هستند تا نهاوند را فتح کنند . مدتی می گذرد ، مسلمانان به تقویت قدرت نظامی خود می پردازند و برای « فتح الفتوح » که همان فتح نهاوند است برنامه ریزی می کنند .

نهاوند قلعه ای بسیار محکم دارد که کاخی زیبا در داخل آن برای شاه ساخته شده است، تو همراه با پدر خود در آن کاخ هستی، خبر می رسد که سپاه مسلمانان به سوی نهاوند در حرکت است. پدر بسیار مضطرب می شود، همه نگران هستند، ولی تو خوشحال هستی، تو رازی را در درون سینه داری و آن را به هیچ کس نمی گویی . توشبی از شب ها در خواب ، خانم بزرگواری را دیدی ، او خود را به تو معرفی کرد ، او حضرت فاطمه علیها السلام بود ، او با تو سخن گفت و تو را به اسلام دعوت نمود و تو به دست او مسلمان شدی ، او به تو چنین گفت : « دخترم ! به زودی مسلمانان پیروز می شوند و تو را به مدینه می برند ، نگران نباش که تو همسر پسر حسین می شوی . در این سفر هیچ کس نمی تواند به تو آسیبی بزند و تو به سلامت به شهر مدینه میرسی .» (1)

تو غرق در شادی هستی ، تو جلوه ای از مهربانی و بزرگواری فاطمه علیها السلام را دیده ای و دیگر شیفته او شده ای ، تو به خود می بالی ؛ زیرا دیگر می دانی که قرار

ص: 60

1- . رأيت في النوم قبل ورود عسكر المسلمين علينا ، كأن محمدا رسول الله 9 دخل دارنا ، وقعد ، ومعه الحسين عليه السلام ، وخطبني له وزوجني أبي منه فلما أصبحت كان ذلك يؤثر في قلبي ، وما كان لي خاطب غير هذا فلما كان في الليلة الثانية رأيت فاطمة بنت محمد 9 ، وقد أتتني وعرضت علي الاسلام وأسلمت . ثم قالت : إن الغلبة تكون للمسلمين ، وإنك تصلين عن قريب إلى ابني الحسين عليه السلام سالمة ، لا يصيبك بسوء أحد: الخرائج و الجرائح ، ج 2 ، ص 157.

است همسر سید جوانان اهل بهشت شوی، چه افتخاری از این بالاتر که قرار است مادر نه امام شوی! نگاه تو به زندگی عوض شده است، دیگر این کاخ مجلل برای تو همانند زندانی تاریک است، تو عشقی برتر در سینه داری. تو خیلی چیزها را دریافته ای، می دانی که اسلام واقعی چیست و اسلام منافقان کدام است. اکنون «عمر بن خطاب» خود را «خلیفه» می داند و در مدینه است و بر همه جهان اسلام حکومت می کند، اما او هرگز جانشین پیامبر نیست، آتش فتنه ای روشن شد، مردم دچار نیرنگ و فریب شدند و از حق به دور شدند، آنان حضرت علی علیه السلام را خانه نشین کردند و حق او را غصب کردند و برای حکومت چند روزه دنیا، مردم را از رستگاری به دور کردند.

روز پنجم ربیع الأول سال 21 هجری فرا می رسد، سپاه مسلمانان به نهاوند می رسد، اگر مسلمانان بتوانند نهاوند را فتح کنند دیگر به راحتی می توانند همه ایران را فتح کنند، این جنگ «فتح الفتوح» است. پدر تو هم بیش از صد هزار سرباز در شهر دارد، سپاه مسلمانان در اطراف شهر اردو می زنند، بعد از مدتی جنگ آغاز می شود، سه روز جنگ طول می کشد، از دو طرف عده زیادی کشته می شوند، نشانه های شکست سپاه ایران آشکار می شود، پدر تو دیگر امیدی به پیروزی ندارد، برای همین به سوی اصفهان فرار می کند، او دیگر فرصتی کند تا خانواده خود را همراه خود ببرد، برای همین تو و خواهرت اسیر سپاه مسلمانان می شوید. (1)

سرانجام نهاوند فتح می شود، پدر تو به اصفهان می رود، سپس به کرمان سفر می کند، همه امید او این است که بتواند نیرو جمع کند و به جنگ

ص: 61

1- . أن یزدجرد هرب بعد وقعة نهاوند وکانت آخر وقعتهم حتی سقط إلى أرض أصفهان...، تاریخ الطبری، ج 3، ص 344.

مسلمانان برود، ولی در این کار موفق نمی شود، او نزدیک به ده سال از شهری به شهر دیگر می رود، سرانجام در سال 31 هجری در حالی که یاران خود را از دست داده است به « مرو » می رود، شب هنگام به آسیابی پناه می برد، وقتی آسیابان می بیند او لباس های قیمتی و جواهرات به همراه دارد به آن لباس ها و جواهرات طمع می کند و او را می کشد، اگر او مسلمان می شد، سرنوشت دیگری در انتظار او بود. (1)

اکنون سال 21 هجری است، حکایت تو و خواهرت « شاه زنان » به گونه ای دیگر رقم می خورد، تو و خواهرت اسیر شده اید، مسلمانان خیال می کنند تو کافر هستی و آنان یک اسیر کافر را به مدینه می برند، آنان خبر ندارند ایمان تو از آنان قوی تر است، آنان پیرو اسلام عمر بن خطاب هستند و به دستور او به این جنگ آمده اند ولی تو پیرو اسلام فاطمه علیها السلام هستی و چقدر تفاوت است بین این دو اسلام !

اسلام عمر بن خطاب یعنی اسلامی که می توان برای حکومت، خانه دختر پیامبر را آتش زد و حق را از یاد برد و با علی علیه السلام که حجت خداست دشمنی کرد، اما اسلام فاطمه علیها السلام یعنی وقتی سیاهی ها همه جا را فرا گرفت باید

ص: 62

1- . مضی علی وجهه راجلا- لینجو بنفسه فمشی نحو من فرسخین حتی وقع إلى رحی ما فدخل بیت الرحی فجلس فیہ کالاً لغبا فرآه صاحب الرحی ذا هیئة وطرة و بزة کریمة ففرش له فجلس وأتاه بطعام فطعم ومکث عنده یوما ولیلة فسأله صاحب الرحی أن یأمر له بشئ فبذل له منطقة مکلة بجوهر کانت علیه فأبی صاحب الرحی أن یقبلها وقال إنما کان یرضیني من هذه المنطقة أربعة دارهم کنت أطعم بها وأشرب فأخبره انه لا ورق معه فتملقه صاحب الرحی حتی إذا غفا قام إليه بفأس له فضرب بها هامته فقتله واحتز رأسه وأخذ ما کان علیه من ثياب ومنطقة... تاریخ الطبری، ج 3، ص 348.

(همچون فاطمه علیها السلام) به میدان آمد و سخن گفت و برای همیشه مسیر حق را آشکار ساخت .

وقتی شیطان به میدان آمده بود و خط نفاق قدرت نمایی می کرد ، راه حق نیاز به روشنگری داشت ، کسی باید می آمد و در آن فضای مه آلود ، حق را بار دیگر آشکار می کرد و به همه می فهماند حکومتی که روی کار آمده است ، حکومت شیطان است ... (1)

سپاه مسلمانان به سوی مدینه باز می گردد ، سپاهیان ، عشق دیدار خلیفه خود را دارند تا به او گزارش این جنگ را بدهند و غنائم را به او تحویل بدهند ، ولی تو به فکر دیدن امام زمان خود هستی و می دانی که خلیفه چقدر در حق امام تو ظلم کرده است .

تو یک اسیر هستی ولی این اسارت راهی است برای رسیدن به امام حسین علیه السلام . تو روزشماری می کنی ، تا مدینه راه زیادی مانده است ، ولی شوق دیدار یار ، راه را کوتاه می کند ، حضرت فاطمه علیها السلام به تو وعده داده که معجزه ای روی خواهد داد و هیچ مردی نخواهد توانست به تو نزدیک شود ، آری ، فرشتگانی که به چشم نمی آیند از تو مراقبت می کنند ، قرار است تو ناموس حسین علیه السلام بشوی و مادر نه امام! خدا فرشتگان را برای مراقبت از تو فرستاده است ...

ص: 63

1- . فقال أبو بكر: أنا عائدٌ بالله من سخطه وسخطك يا فاطمة، ثم انتحب أبو بكر يبكي حتى كادت نفسه أن تزهد...: الإمامة والسياسة ، ج 1 ، ص 20 ، الغدير ، ج 7 ، ص 229 ، قاموس الرجال ، ج 12 ، ص 328 ، أعيان الشيعة ، ج 1 ، ص 318 .

تو همراه خواهرت که نامش « شاه زنان » است به مدینه می رسید ، عده ای به تماشای شما می آیند ، تو روی خود را می پوشانی و در گوشه ای می نشینی . خبر می دهند که خلیفه می خواهد شما را ببیند ، تو روی خود را باز نمی کنی ، عمر بن خطاب از تو می خواهد تا روی خود را باز کنی ، تو قبول نمی کنی و چنین می گویی : « سیاه باد هر مز ! » منظور تو این است : « نفرین بر هر مز ! وای بر او ! » به راستی چرا تو پدر بزرگ خود را نفرین کردی ؟ پیامبر به خسرو پادشاه ایران (که پسر هر مز بود) نامه نوشت ، اگر هر مز پسر خود (خسرو) را به خوبی تربیت کرده بود ، خسرو مسلمان می شد و دعوت پیامبر را می پذیرفت و اکنون همه خانواده او سعادتمند بودند و کار به آنجا نمی رسید که شخصی همانند عمر با نگاه يك اسیر به ناموس او نگاه کند !

عمر ، زبان فارسی را نمی داند ، خیال می کند که تو به او دشنام داده ای . پس عصبانی می شود و تصمیم می گیرد تو را به قتل برساند . خبر به حضرت علی علیه السلام می رسد ، او سراسیمه به آنجا می آید ، تو امام خود را می بینی ، چقدر خوشحال می شوی ، می خواهی از جا برخیزی ، اما فعلاً صبر می کنی ، علی علیه السلام به عمر می گوید : « ای عمر ! تو که فارسی نمی دانی پس چرا به خاطر سخنی که معنای آن را نمی دانی می خواهی تصمیم غلط بگیری ؟ » . وقتی برای عمر سخن تو

را به عربی ترجمه می کنند ، او معنای سخن تو را می فهمد و آرام می شود !

تو با این کار خود ، آبروی عمر را بردی ، سخنی را گفتی و نشان دادی که عمر چقدر از سیاست و درایت به دور است ، تاریخ برای همیشه درباره او

قضاوت خواهد کرد، به راستی او چگونه خود را خلیفه پیامبر می خواند در حالی که به خاطر شنیدن سخنی که معنای آن را نمی داند تصمیم به قتل می گیرد؟

عمر سرافکننده شده است، آبروی او رفته است، پس دستور می دهد تا تو و دیگر دختران را به عنوان کنیز بفروشند، اینجاست که علی علیه السلام رو به او می کند و می گوید: «ای عمر! پیامبر فرمود: هر وقت بزرگانی از قومی به نزد شما آمدند، آنان را احترام کنید»، ای شهربانو! تو و خواهرت بزرگ زاده اید و این دستور پیامبر است که با بزرگان با بزرگواری رفتار کنید.

عمر می گوید: پس با این دختران چه کنیم؟ علی علیه السلام پاسخ می دهد: اجازه بده تا خودشان مردی انتخاب کنند و با او ازدواج کنند.

عمر می گوید: «این دختران اسیر مسلمانان هستند و جزء غنیمت ها به حساب می آیند، همه از پول فروش آنان سهم می برند، چگونه من می توانم حق مسلمانان را نادیده بگیرم؟»

سکوت همه جا را فرامی گیرد، همه به فکر فرو می روند، به راستی چه باید کرد؟ راه حل چیست تا این دختران با کرامت و بزرگواری ازدواج کنند و هرگز کنیز کسی نباشند.

اینجاست که علی علیه السلام با صدای بلند می گوید: «ای مردم! شاهد باشید که من سهم خود از این دو دختر را در راه خدا بخشیدم»، بعد از آن همه بنی هاشم هم سهم خود را می بخشند، به دنبال آن، دیگران هم، سهم خود را می بخشند، اکنون این دختران، همگی آزاد شده اند، عمر چاره ای نمی بیند، او هم می گوید: «من هم سهم خود را بخشیدم».

تو در میان جمع نشسته ای و روی خود را پوشانده ای، صدای علی علیه السلام به گوش تو می رسد که چنین می گوید: « این دختران هر کس را که می خواهند انتخاب کنند تا با او ازدواج کنند»، تاکنون چنین رسمی در مدینه نبوده است، اکنون تو از جا برمی خیزی، جوانان را می بینی، آن شب تو در خواب، حسین علیه السلام را دیده ای، چهره اش را به خوبی می شناسی، توبه سوی او می روی، همه می فهمند که تو می خواهی با او ازدواج کنی.

لبخند بر چهره علی علیه السلام نقش می بندد، او اکنون اسم تو را سؤال می کند؛ زیرا می خواهند خطبه عقد را بخوانند، تو نام خود را بازگو می کنی، علی علیه السلام از شنیدن نام تو، بسیار خوشحال می شود، سپس رو به حسین علیه السلام می کند و چنین می گوید: « قدر همسر خود را بدان زیرا او برای تو فرزندی خواهد آورد که بهترین مرد روی زمین خواهد بود، ای حسین! همسر تو، مادر نه امامی است که بعد از تو خواهند آمد». (1) اکنون خاهرت که نامش « شاه زنان » است با شخصی به نام «محمد بن ابی بکر» ازدواج می کند، این شخص آن قدر شیفته علی علیه السلام

بود که سرانجام جانش را در راه دفاع از مرام علی علیه السلام فدا می کند، او شیعه ای واقعی است که خدا او را برای مقام «ایمان واقعی» برگزیده است و قلبش را از سیاهی ها پاک کرده است.

ص: 66

1- . لما أقدمت بنت یزدجرد علی عمر أشرف لها عذارى المدینة وأشرق المسجد بضوئها لما دخلته ، فلما نظر إليها عمر غطت وجهها وقالت : أف بیروح بادا هرمز! فقال عمر : أتشتمني هذه وهم بها ، فقال له أمير المؤمنین علیه السلام : لیس ذلك لك ، خیرها رجلا من المسلمین وأحسبها بقیئه ، فخیرها فجاءت حتی وضعت یدها علی رأس الحسین علیه السلام ... ثم قال للحسین : یا أبا عبد الله لتلدن لك منها خیر أهل الأرض ، فولدت علی بن الحسین8...: الكافي، ج 1، ص 467، بصائر الدرجات، ص 355، بحار الأنوار، ج 46، ص 9.

شهربانو! اکنون که تو همسر حسین علیه السلام شده ای سجده شکر به جا می آوری، به خانه او می روی، همه خوبی ها را می بینی که در شوهر تو جلوه گر شده است، زندگی شما آغاز می شود، تو جز بزرگواری و عزت در این خانه نمی بینی، مدتی می گذرد، روزها و شب های زیادی سپری می شود، اکنون عثمان خلیفه است (عمر بن خطاب از دنیا رفته است و عثمان به عنوان خلیفه سوم، حکومت می کند). چندین سال از حکومت عثمان هم می گذرد، سال 35 هجری فرا می رسد، تو در مدینه هستی؛ زیرا حضرت علی علیه السلام در این شهر است، حسین علیه السلام هم در این شهر زندگی می کند، دیگر وقت آن است که وعده خدا محقق شود و تو مادر شوی، انتظار به سر می آید، فرزند تو به دنیا می آید، او امام سجاد علیه السلام است، نسل امامت از دامن توست، به راستی که تو «شهربانو» هستی، چه کسی به بزرگواری و عظمت تو می رسد؟ تو مایه افتخار ایرانیان هستی، زیرا از امام سجاد علیه السلام تا امام دوازدهم، همه از نسل تو هستند، تو شاهکار آفرینش هستی.

مصلحت خدا بر این است که تو بعد از تولد فرزندت زیاد در این دنیا نباشی، چند روز از تولد فرزندت که می گذرد، تو از دنیا می روی، امام حسین علیه السلام داغدار این مصیبت می شود و اشک از چشمانش جاری می شود، اکنون فرزند تو یتیم می شود، امام حسین علیه السلام تو را در مدینه به خاکمی سپارد، سپس دایه ای مهربان برای بزرگ کردن پسر تو انتخاب می کند، آن دایه فرزند تو را همانند فرزند خود دوست دارد و او را در آغوش محبتش بزرگ می کند... (1)

ص: 67

1- . وکانت صاحبة الحسين عليه السلام نفست بعلي بن الحسين عليهما السلام فكفل عليا عليه السلام بعض أمهات ولد أبيه فنشأ وهو لا يعرف أما غيرها ثم علم إنها مولاته...: عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج 2، ص 136.

خصائص أمّ زين العابدين عليه السلام / شيخ حسين تهرانی

به قلم : محقق توانا و دلباخته اهل البيت عليهم السلام

حجة الاسلام و المسلمین آقای شیخ حسین تهرانی

خصائص أمّ زين العابدين عليه السلام

پيشگفتار

قلم و بيان از وصف عظمت و جلالت والده ماجده سيد الساجدين و زين العابدين ، امام علي بن الحسين عليهما السلام ، حضرت شهربانو عليها السلام عاجز است و ما نمی توانیم كما هو حقه آن حضرت را توصيف نماييم . اما بر حسب مثل معروف :

آب دریا را اگر نتوان کشید *** هم به قدر تشنگی باید چشید

در حدّ توان ، به ذکر فضائل و مناقب حضرت شهربانو عليها السلام می پردازیم و بیست ویژگی از خصوصیات آن حضرت را نقل و پیرامون آن مطالبی را تقدیم خواهیم نمود .

امید است که این اثر مقبول درگاه پروردگار و مورد لطف و عنایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بگیرد .

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

1: نامگذاری حضرت شهربانو عليها السلام توسط امام امیر مؤمنان علی علیه السلام

وقتی که امیر مؤمنان علی علیه السلام در مرحله اول با حضرت شهربانو عليها السلام روبرو شد ، به او فرمود : اسم شما چیست ؟ عرض کرد : « جهان شاه » .

ص: 68

حضرت نام او را تغییر داد و اسم « شهربانو » را برای او انتخاب کرد. (1) و در بعضی از نقل ها نام وی را « فاطمه » (2) و یا « مریم » (3) گذاشتند .

2 : نسب در خشان حضرت شهربانو علیها السلام

حضرت شهربانو علیها السلام از نسل ساسانیان و فرزند یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی بوده است و علما و بزرگان شیعه به این مطلب تصریح نموده اند از جمله :

1) محمد بن واضح یعقوبی قدس سره : « و امّه جزار بنت یزدگرد ؛ مادر امام سجاد علیه السلام جزار دختر یزدگرد بوده است ». (4)

2) شیخ کلینی قدس سره : مادر امام سجاد علیه السلام سلافه دختر یزدگرد می باشد. (5)

3) شیخ صدوق قدس سره : مادر امام سجاد علیه السلام « سلافه » معروف به خیرات النساء می باشد. (6)

4) شیخ مفید قدس سره : « وَأُمُّهُ شَاهُ زَنْجَانُ بِنْتُ يَزْدَجَرْدَ بْنِ شَهْرِيَارَ بْنِ كَسْرَى وَيُقَالُ إِنَّ اسْمَهَا شَهْرِيَانُو ؛

ص: 69

1- . اصول کافی ، شیخ کلینی ، ج 1 ، ص 467 ؛ بصائر الدرجات ، محمد بن حسن صفّار ، ج 1 ، ص 593 ، ح 1186 .

2- . مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ، ابن شهر آشوب ، ج 3 ، ص 311 .

3- . همان .

4- . تاریخ الیعقوبی ، محمد بن واضح یعقوبی ، ج 2 ، ص 303 .

5- . اصول کافی ، شیخ کلینی ، ج 1 ، ص 467 .

6- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، شیخ صدوق ، ج 2 ، ص 128 .

مادر امام سجاده عليه السلام شاه زنان دختر یزدگرد پسر شهریار ، شاه ایران است و گفته شده که نام او شهربانو است . (1)

(5) محمد بن حسن صفار قمی قدس سره : مادر امام سجاده عليه السلام خوله دختر یزدگرد پادشاه فارسی بود . (2)

(6) ابن شهر آشوب قدس سره : وَأُمُّ شَهْرِبَانُوِيَّةٍ بِنْتُ يَزْدَجَرْدَ بْنِ شَهْرِيَارِ الْكِسْرِيِّ وَ يُسَمُّونَهَا أَيْضاً شَاهِ زَنَانٍ وَ جَهَانَ بَانُوِيَّةً وَ سُلَافَةَ وَ ... ؛

مادر امام سجاده عليه السلام شهربانو دختر یزدگرد شهریار کسری است و او را شاه زنان و جهان بانویه و سلافة و ... می نامند . (3)

(7) مبرّد : كَانَ اسْمُ أُمِّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سُلَافَةَ مِنْ وُلْدِ يَزْدَجَرْدَ مَعْرُوفَةَ النَّسَبِ مِنْ خَيْرَاتِ النِّسَاءِ وَقِيلَ خَوْلَةَ ؛

نام مادر امام سجاده عليه السلام سلافة است و او از فرزندان یزدگرد بود و نسب و خاندان معروفی دارد و از بهترین زنان و بانوان برگزیده بوده و او را خوله هم نامیده اند . (4)

(8) علی بن حسین مسعودی :

« وروي ان أبا محمّد ولد سنة ثمان و ثلاثين من الهجرة و كانت أمه جهان شاه بنت (یزدگرد ملك) آخر ملوك الفرس و هو یزدگرد بن شهریار؛ (5)

ص: 70

1- . ارشاد ، شیخ مفید ، ج 2 ، ص 137 .

2- . بصائر الدرجات ، محمد بن حسن صفار ، ج 1 ، ص 335 .

3- . مناقب آل ابی طالب عليهم السلام ، ابن شهر آشوب ، ج 3 ، ص 311 .

4- . الكامل فی اللغة و الادب ، محمد بن یزید مبرّد ، ج 2 ، ص 90 .

5- . اثبات الوصیه ، علی بن حسین مسعودی ، ج 1 ، ص 170 .

روایت شده که ابامحمد (امام سجاد علیه السلام) در سال 38 هجری به دنیا آمد و مادرش جهان شاه دختر یزدگرد آخرین شاه ایرانی بوده که همان یزدجرد پسر شهریار است. (1) و ... پس بنابراین سخن کسانی که تشکیک نموده و منکر شاه زادگی حضرت شهربانو علیها السلام شده اند مردود و مخدوش است و آن حضرت فرزند یزدگرد می باشد. و یزدگرد نیز مردی موحد بوده و دلیل بر این مطلب این روایت است که در کتاب « مقتضب الاثر » آمده و آن روایت این است که : « پس از جنگ قادسیه و شکست ساسانیان در این جنگ ، یزدگرد به هنگام فرار از مدائن ، در برابر ایوان مدائن ایستاد و گفت : ای ایوان ! من رفتم ولی یا خودم یا یکی از فرزندانم که هنوز وقت ظهورش نرسیده به سوی تو بر خواهیم

گشت . سلیمان دیلمی می گوید : محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و از حضرت در رابطه با این سخن یزدگرد سؤال کردم و گفتم : یابن رسول الله! منظور یزدگرد از اینکه گفت یکی از فرزندانم که هنوز وقت ظهورش نرسیده چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود :

ذَلِكَ صَاحِبِكُمُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ السَّادِسُ مِنْ وُلْدِي ، قَدْ وُلِدَهُ يَزْدَجَرْدُ فَهُوَ وُلْدُهُ ؛ منظور یزدگرد از این سخن ، صاحب شما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به امر پروردگار قیام خواهد کرد و او از فرزندان یزدگرد و ششمین فرزند من می باشد. (2)

ص: 71

-
- 1- . حضرت شهربانو علیها السلام اسامی متعدد داشته و نام های مختلفی که در این اقوال آمده ، همه مربوط به آن حضرت می باشد.
 - 2- . مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر ، احمد بن عیاش جوهری ، ص 40 ؛ بحار الانوار ، محمدباقر مجلسی ، ج 51 ، ص 164 .

3: مهتر بانوان

حضرت شهربانو علیها السلام مفتخر به لقب « سیدة النساء » و مهتر بانوان شدند و این لقب را امام امیر مؤمنان علی علیه السلام به وی داد
(1).

4: برترین بانوان

میرد در « الكامل فی اللغة و الادب » خود و محمد بن واضح یعقوبی در « تاریخ یعقوبی » و علامه مجلسی در « بحار الانوار » در این باره می گویند :

« كَانَ اسْمُ أُمِّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سُلَافَةَ مِنْ وُلْدِ يَزْدَجَرَدَ مَعْرُوفَةَ النَّسَبِ مِنْ خَيْرَاتِ النِّسَاءِ ؛

نام مادر امام سجاد علیه السلام سلافة است و او از فرزندان بزدگرد بود و نسب و خاندان معروفی دارد و از بهترین بانوان بوده است. (2)

5: اسلام آوردن حضرت شهربانو علیها السلام توسط حضرت فاطمه علیها السلام

مادر پاکدامن و پرهیزکار امام علی بن الحسین ، زین العابدین علیهما السلام حضرت شهربانو علیها السلام قبل از آنکه به ازدواج امام حسین علیه السلام در بیاید در رؤیای صادقه به دست حضرت فاطمه علیها السلام اسلام آورد و مسلمان شد . حضرت شهربانو علیها السلام در این باره می فرماید :

ص: 72

1- . بحار الانوار ، محمدباقر مجلسی ، ج 46 ، ص 8 .

2- . الكامل فی اللغة و الادب ، محمد بن یزید میرد ، ج 2 ، ص 90 ؛ بحار الانوار ، محمدباقر مجلسی ، ج 46 ، ص 16 ؛ تاریخ الیعقوبی ، محمد بن واضح یعقوبی ، ج 2 ، ص 303 .

شبی در عالم رؤیا حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم و آن حضرت نزد من آمد و اسلام را بر من عرضه کرد و من به دست مبارک آن حضرت مسلمان شدم. (1)

6: خواستگاری رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت شهربانو علیها السلام

حضرت شهربانو علیها السلام در رؤیای صادقه توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فرزند عزیزش امام حسین علیه السلام خواستگاری شد. حضرت شهربانو علیها السلام

در این باره می فرماید: قبل از آنکه به اسارت در بیایم، شبی در عالم رؤیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیدم که با امام حسین علیه السلام داخل خانه شد و مرا برای آن حضرت خواستگاری کرد و به او تزویج نمود. (2)

7: تابش نور محبت امام حسین علیه السلام در قلب حضرت شهربانو علیها السلام

حضرت شهربانو علیها السلام از میان تمام مسلمانان، امام حسین علیه السلام را به عنوان همسر خود برگزید و علت این انتساب مربوط می شود به چیزی که آن حضرت در عالم رؤیا مشاهده کرد. حضرت شهربانو علیها السلام در این باره می فرماید:

ص: 73

1- . جمل من انساب الاشراف، بلاذری، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج 3، ص 102؛ جلاء العیون، محمدباقر مجلسی، فصل 6، ص 831؛ کشف الغمة، اربلی، ج 2، ص 294؛ ارشاد، شیخ مفید، ج 2، ص 135؛ مرآت العقول، محمدباقر مجلسی، ج 6، ص 6؛ منتهی الآمال، عباس قمی، ج 2، ص 14.

2- . همان.

شی در عالم خواب مشاهده کردم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امام حسین علیه السلام وارد خانه ما شد و مرا برای آن حضرت خواستگاری کرد و به او تزویج نمود. صبح وقتی که از خواب بیدار شدم محبت آن خورشید فلک امامت در دل من جا کرد و پیوسته در خیال آن حضرت بودم. در شب بعد وقتی که به خواب رفتم حضرت فاطمه علیها السلام را در خواب دیدم و آن حضرت به نزد من آمد و اسلام را بر من عرضه کرد و من به دست مبارک وی در خواب مسلمان شدم. سپس به من فرمود که به زودی لشکر مسلمانان بر پدر تو غالب خواهند شد و تو را اسیر خواهند نمود و تو به زودی به فرزند من حسین علیه السلام خواهی رسید، و خدا نخواهد گذاشت که کسی دستش را به تو برساند تا آنکه به فرزند من برسی. حق تعالی نیز مرا حفظ کرد و هیچ کسی دستی به من نرسانید تا آنکه مرا به مدینه آوردند و وقتی که امام حسین علیه السلام را دیدم، دانستم که او همان کسی است که در عالم خواب با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد من آمده بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به عقد او در آورد؛ لذا بدین سبب او را اختیار کردم. (1)

8: افتخار همسری با امام حسین علیه السلام

وقتی که حضرت شهربانو علیها السلام را به عنون اسیر وارد مدینه نمودند، عمر بن الخطاب قصد خود را از حراج آن حضرت به عنون برده اعلام نمود.

ص: 74

1- . منتهی الآمال ، عباس قمی ، ج 2 ، ص 14 .

امیر مؤمنان علی علیه السلام اعتراض کردند و مانع از این کار شدند و فرمودند: فروش دختران پادشاهان هر چند که کافر باشند جایز نیست. سپس از شهربانو علیها السلام پرسیدند: آیا دلت می خواهد که من شوهری برای تو پیدا کنم؟ آن حضرت جوابی ندادند.

حضرت علی علیه السلام برای جلوگیری از برگزاری حراج فرمودند: سکوت او نشانه تأیید است. سپس رو کردند به عمر و فرمودند: چرا اجازه نمی دهید که او از میان این جمعیت شخصی را به نام شوهر خود انتخاب کند که اگر چنین کرد هزینه جهیزیه وی را از خزانه عمومی باید پرداخت نمود. عمر هم موافقت کرد. سپس شهربانو علیها السلام یک نگاهی به جمعیت انداخت و در این هنگام چشمش به امام حسین علیه السلام افتاد و متحیر شد و گفت: من این آقا را در خواب دیده ام. جمعیت برگشتند تا امام حسین علیه السلام را نگاه کنند. حضرت علی علیه السلام نزد فرزندش رفت و فرمود: حسین! او مادر پسرت خواهد بود که بهترین مردم است. (1)

9: مادر برترین افراد روی زمین

حضرت شهربانو علیها السلام مادر شخصیتی شد که برترین افراد روی زمین بود و علاوه بر اینکه امیر مؤمنان علی علیه السلام به این حقیقت تصریح نمودند، (2) به مصداق الفضل ما شهدت به الاعداء، منصور دوانیقی نیز اعتراف بدان نموده و در

ص: 75

1- اصول کافی، شیخ کلینی، ج 1، ص 467؛ الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج 2، ص 75.

2- یا ابا عبد الله! احْتَفِظْ بِهَا وَ أَحْسِنْ إِلَيْهَا فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ. الامام السجاد علیه السلام، سید عبدالرزاق مقرر، ص 28.

نامه ای که به محمد بن عبدالله معروف به «نفس زکیّه» نوشت، در آن نامه مرقوم داشت:

« ما ولد بعد وفاة رسول الله صلى الله عليه وآله افضل من علي بن الحسين عليهما السلام؛ بعد از وفات رسول خدا صلى الله عليه وآله در میان شما شخصیتی برتر از علی بن الحسین علیهما السلام به دنیا نیامد. (1)»

10: وعاء نور امامت و ولایت

حضرت شهربانو علیها السلام این افتخار را پیدا کرد که ظرف و وعاء شد برای دریافت نور امامت و ولایت. گنجی شافعی در «کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب علیهما السلام» در این باره می نویسد:

خداوند متعال در میان همسران امام حسین علیه السلام فقط به حضرت شهربانو علیها السلام این لیاقت را داد که وعاء نور امامت باشد (2).

11: شهربانو علیها السلام از مصادیق بارز ارحام مطهره

حضرت شهربانو علیها السلام این شایستگی را پیدا کرد که رجم او جزو ارحام مطهره قرار بگیرد و نطفه امام سجاد علیه السلام در آن منعقد شود.

12: امّ الاوصیاء

امیر مؤمنان علی علیه السلام لقب «ام الاوصیاء؛ مادر امامان» را به حضرت شهربانو علیها السلام داد و به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمود:

ص: 76

1- . الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج 2، ص 570 .

2- . کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب علیهما السلام، محمد بن یوسف گنجی شافعی، ص 454 .

« وَهِيَ أُمُّ الْأَوْصِيَاءِ الذَّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ ؛

او مادر امامان از ذرّیه طیبیه می باشد » (1).

و بدین ترتیب حضرت شهربانو علیها السلام این افتخار و شایستگی را پیدا کرد که مادر نه امام بشود و ائمه اطهار علیهم السلام از او به وجود بیایند .

13 : افتخار عرب و عجم

امام سجاد علیه السلام از تباری ایرانی و قریشی بوده است . از این رو والده ماجده آن حضرت فخری برای عرب و عجم به شمار می آید . عرب به او افتخار می کند که در میان این همه بانوان عرب چنین افتخاری را پیدا کرد که همسر امام و مادر امام بشود و عجم نیز به او افتخار می کند که مایه سربلندی ایرانیان شد و این افتخار را پیدا کرد که عروس حضرت زهرا علیها السلام بشود .

14 : افتخار امام سجاد علیه السلام به مادرش حضرت شهربانو علیها السلام

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود :

« إِنَّ لِلَّهِ مِنْ عِبَادِهِ خَيْرَتَانِ فَخَيْرَتُهُ مِنَ الْعَرَبِ قُرَيْشٌ وَمِنَ الْعَجَمِ فَارِسٌ ؛

خداوند از میان بندگانش دو برگزیده دارد ، برگزیده ای از عرب ، قریش ، و از عجم فارس است » (2).

از این رو امام سجاد علیه السلام فرمود :

ص: 77

1- . الامام السجاد علیه السلام ، سید عبدالرزاق مقررّم ، ص 28 .

2- . وفيات الاعيان ، ابن خلکان ، ج 3 ، ص 267 ؛ اکمال تهذيب الکمال ، علاء الدين مغلطای ، ج 9 ، ص 304 ؛ بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی ، ج 46 ، ص 4 .

« أَنَا ابْنُ الْخَيْرَيْنِ ؛ من فرزندان دو برگزیده هستم ، یعنی از طرف جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله که از عرب بود نجابت عرب و از طرف مادرش که از عجم بود نجابت عجم را دارا بود ؛ لذا امام سجاد علیه السلام بدین منظور افتخار به مادرش حضرت شهربانو علیها السلام نمود .

15 : توجه و عنایت امیر مؤمنان علی علیه السلام به حضرت شهربانو علیها السلام

امیر مؤمنان علی علیه السلام در مدینه وقتی که حضرت شهربانو علیها السلام را به عقد امام حسین علیه السلام در آورد به فرزندش فرمود :

يا ابا عبد الله ! احْتَفِظْ بِهَا وَ أَحْسِنْ إِلَيْهَا فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ ؛

ای ابا عبدالله ! از او محافظت کن ؛ زیرا به زودی بهترین اهل زمین را برایت به دنیا خواهد آورد .(1)

16 : توجه و عنایت امام رضا علیه

السلام به حضرت شهربانو علیها السلام

شیخ صدوق قدس سره در کتاب « عیون اخبار الرضا علیه السلام » نقل می کند که : سهل بن قاسم نوشجانی می گوید : امام رضا علیه السلام در خراسان به من فرمود : بین ما و شما نسبت و رابطه خویشاوندی وجود دارد . پرسیدم : چگونه ؟ فرمود :

هنگامی که عبدالله بن عامر خراسان را فتح کرد ، دو نفر از دختران یزدجرد بن شهریار را به دست آورد ، آن ها را به مدینه و نزد عثمان فرستاد . عثمان یکی را به حسن علیه السلام و دیگری را به حسین علیه السلام بخشید و هر دو ، در حال نفاس از دنیا رفتند . و آن دختری که به حسین علیه السلام بخشید ، مادر علی بن الحسین علیهما السلام بود .(2)

ص: 78

1- . الامام السجاد علیه السلام ، سید عبدالرزاق مقرّم ، ص 28 .

2- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، شیخ صدوق ، ج 2 ، ص 126 و 127 .

17: نام و یاد حضرت شهربانو علیها السلام در حدیث لوح

در حدیث لوح از حضرت شهربانو علیها السلام یاد شده و درباره آن حضرت چنین آمده است :

أَبُو مُحَمَّدٍ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَدْلُ أُمُّهُ شَهْرَبَانُوِيَّةُ بِنْتُ يَزْدَجَرْدَ بْنِ شَاهِنْشَاهٍ ؛

ابو محمد علی بن الحسین عدل ، مادرش شهربانو دختر یزدگرد فرزند شاهنشاه .

18 : پاکدامنی حضرت شهربانو علیها السلام

حضرت شهربانو علیها السلام پاکدامن بود و این ویژگی حتی شامل قبل از اسلام آوردن او نیز می شود ؛ لذا طبق روایتی که قبلاً نقل شد ، حضرت فاطمه علیها السلام در عالم رؤیا به حضرت شهربانو علیها السلام فرمود :

تورا اسیر خواهند نمود و تو به زودی به فرزند من حسین علیه السلام خواهی رسید ، و خدا نخواهد گذاشت که دست کسی به تو برسد تا آن که به فرزند من برسی . (1)

19: حیا و عفت حضرت شهربانو علیها السلام

پس از شکست یزدگرد سوم ، وقتی که حضرت شهربانو علیها السلام و دیگر اعضای خانواده سلطنتی را به عنوان اسیر وارد مدینه نمودند ، جمع دختران مدینه به تماشای جمال او بیرون آمدند و مسجد مدینه از شعاع نور روی آن حضرت روشن شد ، عمر بن الخطاب اراده کرد که روی او را ببیند ، از اینرو دست خود را به طرف حضرت شهربانو علیها السلام دراز کرد ، آن حضرت مانع شد و فرمود : سیاه باد روی هر مز که تو دست به طرف فرزند او دراز می کنی . عمر گفت : این گبرزاده مرا دشنام می دهد و خواست که او را از این بابت مورد اذیت

ص: 79

1- . منتهی الامال ، عباس قمی ، ج 2 ، ص 14.

و آزار قرار دهد. امیر مؤمنان علی علیه السلام که در آنجا حضور داشت اعتراض کرد و مانع چنین کاری شد و فرمود: تو سخنی را که نفهمیدی چگونه دانستی که دشنام است، منظور وی از اجداد خودش بود و به شما توهین نکرد. (1)

طبق این نقل تاریخی همان طور که ملاحظه نمودید حضرت شهربانو علیها السلام به خاطر حیا و عفتی که داشت مانع از این شد که عمر به طرف او دست دراز کند.

20: حجاب قرآنی بر قامت حضرت شهربانو علیها السلام

حجاب در ادیان و اقوام پیش از اسلام وجود داشته و آیاتی در قرآن و احادیثی از ائمه اطهار علیهم السلام، از وجوب حجاب و اهمیت آن سخن گفته اند.

حکم حجاب در فقه در بخش نماز و نکاح مطرح شده است. این حکم از دیدگاه فقها از احکام ضروری اسلام است و ایجاد امنیت روانی و حفظ سلامت اخلاقی جامعه از حکمت های واجب شدن حجاب است. و زن به عنوان یک حکم واجب شرعی باید مسئله حجاب را به طور کامل رعایت کند و در قرآن هفت آیه در ارتباط با حجاب نازل شده است، که یکی از آن آیات آیه جلباب است که خداوند در این آیه می فرماید:

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا »؛

ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را با چادر بپوشانند، که این کار برای اینکه آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند و تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند بسیار نزدیک تر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است. (2)

ص: 80

1- اصول کافی، شیخ کلینی، ج 1، ص 467؛ اثبات الوصیه، مسعودی، ص 170؛ تاریخ یعقوبی، محمد بن واضح یعقوبی، ج 2، ص 303؛ منتهی الآمال، عباس قمی، ج 2، ص 14.

2- سوره احزاب، آیه 59.

مفسران همچون زمخشری (1) و فخررازی (2) از این آیه برداشت کرده اند که بر زن واجب است که صورت خودش را بپوشاند .

علامه طباطبایی قدس سره هم چنین برداشتی داشته است . (3)

و مرحوم آیه الله بروجردی قدس سره این دیدگاه را داشته و استدلال کرده است که با نزدیک کردن جلباب که در آیه به آن امر شده ، لزوماً باید کل صورت پوشانده شود . (4)

و همچنین عده ای دیگر از فقها واجب دانسته اند که زن باید صورت خودش را از نامحرم بپوشاند . از این رو حضرت شهربانو علیها السلام علاوه بر اینکه حجاب را به طور کامل رعایت می کرد ، صورت خود را نیز می پوشاند و مؤید این مطلب آن است که وقتی که عمر بن الخطاب دست دراز کرد که پوششی که آن حضرت روی صورتش قرار داده بود را بردارد تا چهره را ببیند حضرت شهربانو علیها السلام مانع شد . (5) و این نکته را بانوان باید توجه داشته باشند کهمظهر جمال هر زنی صورت اوست و مردها در مرحله اول با دیدن چهره زن فریفته او می شوند ، و اگر زنی صورت خود را پوشانده باشد ، انگیزه ای در مردها ایجاد نخواهد شد ؛ لذا برای دفع چنین مفسده ای عده ای از فقها پوشش صورت را برای بانوان واجب دانسته اند .

ص: 81

-
- 1- . تفسیر کشاف ، زمخشری ، ذیل آیه جلباب .
 - 2- . تفسیر کبیر ، فخررازی ، ذیل آیه جلباب .
 - 3- . تفسیر المیزان ، محمد حسین طباطبایی ، ج 16 ، ص 339 .
 - 4- . نظام النکاح ، جعفر سبحانی ، ج 1 ، ص 52 .
 - 5- . اصول کافی ، شیخ کلینی ، ج 1 ، ص 467 ؛ اثبات الوصیه ، مسعودی ، ص 170 ؛ تاریخ یعقوبی ، محمد بن واضح یعقوبی ، ج 2 ، ص 303 ؛ منتهی الآمال ، عباس قمی ، ج 2 ، ص 14 .

به قلم: نویسنده محقق و متتبع و با ولایت

آقای شیخ محمد امیری سوادکوهی

حضرت شهربانو علیها السلام، افتخار عجم، خاتون عرب

پیش گفتار

خدای متعال بر بشریت منت نهاد، برای اعتلای کمال و سعادت، تثبیت امر هدایت و ابلاغ رسالت و به جهت قوام و ثبات عوالم خلقت، انوار قدسیه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را قبل از آفرینش جهان هستی آفرید تا حیات بشری با تالووی آن، مفهوم حقیقی خود را دریابد و در سیر تکامل و سلامت خویش حرکت نموده و به ضیافت عبودیت نائل گردد.

از اینرو پس از خلقت آدم ابوالبشر، مقوله مهم رسالت را با ابلاغ پیام توحید و بشارت موعود امم بر عهده انبیاء و رسل گذاشت تا انسان ها از زلالی فطرت فاصله نگیرند و در مسیر اعتدال حرکت نموده و بر اصالت خویش باقی بمانند.

براساس امر خدای منان در کتب آسمانی، بقای چشمه جوشان فطرت و تبلور انوار الهیه بعثت مشروط به پذیرش رکن رکن شریعت، یعنی مقام شامخ امامت و تبعیت از ولایت مولای عوالم وجود، امیرالمؤمنین ارواحنا فداه است که بدون آن، پایه های دین خدا متزلزل و اسلام ناب از مسیر حقیقی خود خارج و به تاریکی و تباهی منحرف خواهد شد، از این رو می بایست امت اسلام و پیروان سایر ادیان ابراهیمی بر اساس مکتوبات مصحف خود در پی

ص: 82

احیای حقیقت انسانیت یعنی ولایت کلیّۀ الهیۀ صدیق اکبر و فاروق اعظم علی بن ابی طالب علیهما السلام باشند و در صراط مستقیم او و جانشینان حضرتش طی طریق کنند .

در این بین خدای سبحان برای حفظ شجره طیبه اسلام ، خون پاک سیدالشهداء ارواحنافده را برای آبیاری و بقای آن زینت بخشید و به خاطر مقام شامخ ثاراللهی و عظمت و شکوه شهادت آن امام همام ، امامت را در نسل او قرار داد .

در امتداد کوثر

سومین پیشوای مسلمانان جهان ، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام که خود ثمره دو دریای بیکران علوی و فاطمی است و خدای متعال در قرآن کریم، عظمت آنرا با وصفی شگرف به رخ مشرکان و منافقان می کشاند ، با ازدواج مقدس و استثنایی شان آیه شریفه « مرج البحرين يلتقیان »⁽¹⁾ را در اذهان زنده نموده که اگر تمامی درختان عالم قلم و دریاها مرکب شوند ، نخواهند توانست نمی از یم بحرین « خیرتین » را به جهان معرفی کنند .

بحرین خیرتین

ثمره این دو دریای برگزیده ، طلوع چهارمین خورشید ولایت ، سید الساجدین و امام العارفين ، حضرت امام سجاد ارواحنافده بود که حتی مخالفان در وصفش عاجز و متحیر بوده و می نویسند :

ص: 83

1- . الرحمن ، آیه 20.

«وكان الغاية في العبادة»⁽¹⁾

و در جایی دیگر فریاد می زنند:

«ما را یت احدا کان افقه منه»⁽²⁾

آن امام همام به لقبی موصوف گشت که تنها به ایشان اختصاص داشت و آن «ابن الخیرتین» است که همواره بدان مفاخره می فرمود .

فخر شیعه علامه مجلسی قدس سره در کتاب گرانسنگ بحار الأنوار، جلد 46، صفحه 4 می نویسد: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

« خداوند از میان بندگانش دو قوم برگزیده دارد، برگزیده او از عرب، که قریش است و از عجم (غیر عرب)، فارس (ایرانیان) هستند».

حضرت سجّاد علیه السلام به واسطه حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

انا ابن الخیرتین؛ من فرزند دو برگزیده هستم .

زمخشری نیز پس از ذکر این سخن از امام می نویسد:

لأنّ جده رسول الله وأمه بنت يزدجرد الملك؛ زیرا جدّ پدری اش رسول خدا صلی الله علیه و آله (بزرگ قریش و اشرف کائنات) بود و مادرش (شهربانو علیها السلام) دختر یزدگرد (پادشاه و بزرگ ایرانیان و جدّ مادری حضرت). این ازدواج مقدس آن قدر بین مورخین شهرت داشت، شعرا درباره آن شعرها می سرودند و از شکوه آن سخن می گفتند. از جمله آن می توان به شعر ابوالاسود دوئلی اشاره کرد:

ص: 84

1- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 27

2- سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج 4، ص 389.

«و ان غلاما بين كسرى و هاشم *** لاكرم من نيطت عليه التمام»

(پسری که از بین کسری و هاشم برخاسته ، شایسته ترین کودکی است که برایش نظر بند بیاویزند) (1)

از این رو بر همگان عیان است که حضرت زین العابدین علیه السلام از تباری ایرانی ، قریشی نبوی علوی و فاطمی بوده که والده مکرمه شان فخری برای عجم و عرب در طول تاریخ به شمار می رفتند .

بررسی اجمالی زندگی حضرت شهربانو علیها السلام

از آن جایی که خورشید جهان تاب حسینی ، همواره تالّوی خود را دارد و همگان آشنای با انوار قدسیه آن حضرت هستند ، ضمن تعظیم به ساحت مقدس آن مصباح الهدی و سفینه النجاة و عرض ارادت به محضر نورانی سایر همسران با عظمت آن حضرت ، سر بر آستان ملک پاسبان خاتون برگزیده آشیانه بیت ولایت می نهیم و قلم را در مطاف حریم مطهره و مکرمه حضرت شهربانو علیها السلام نهاده و از شاهزاده والا مقام ایرانی که به عنوان ظرف امامت از وجود اطهرش یاد می شود ، سخن می گوئیم .

افتخار عجم ، خاتون عرب

حضرت شهربانو علیها السلام همسر با عظمت و با جلالت سیدالشهداء ارواحنا فداه و مادر مظلومه حضرت زین العابدین علیه السلام شاهزاده ای از دربار ایران، دختر یزدگرد سوم ، آخرین پادشاه ساسانی است .

ص: 85

شاهزاده ای ایرانی که انگشت حکمت حق بر او نشانه رفت و برای مادری حجت خدا و ظرف وجودی زینت عارفان ، امام سجاد علیه السلام انتخاب شد .

نام مبارک آن بانوی با فضیلت ، جهان شاه و یا شاه زنان بوده که به امر حضرت مولی الموالی امیرالمؤمنین ارواحنافداه به شهربانو تغییر یافت .

نام شهربانو در زمان ساسانیان اسم شهری در ایران بود که هفتاد آبادی داشت که توسط سلطان زاده ای به نام گل بانو این شهر بنا شد که در آن زمان این نام عزت عجیبی در میان مردم ایران داشت .

اسامی دیگر

با سیری در منابع تاریخی و روایی، اسامی متعددی را در معرفی شخصیت والای همسر با عظمت سیدالشهداء ارواحنافداه مطرح می کنند که از آن اسامی می توان به ام سلمه ، بره ، جهان بانویه ، جهان شاه ، حرار ، خوله ، سلافه ، سلامه ، شاه زنان ، شهربان ، شهربانو ، شهربانویه ، شهرناز ، شه زنان ، غزاله ، فاطمه و مریم اشاره کرد .

در منابع عامه نیز بر نام های سلافه ، سلامه و غزاله تاکید شده ، در حالی که در کتاب های شیعی ، نام « شهربانو » بیشتر آمده است و این نام را می توان در قدیمی ترین منابع امامیه یافت.⁽¹⁾ ورود حضرت شهربانو به مدینه

تقل های مختلفی درباره ورود و انتقال حضرت شهربانو علیها السلام از ایران به مدینه روایت شده است که از آن جایی که در مقام تبیین تمامی تتبع و بررسی های تاریخی حول آن نیستیم ، به آنچه که در تاریخ مورد توجه

ص: 86

1- . زندگانی علی بن الحسین علیه السلام ، شهیدی ، ص 10 .

بیشتری قرار گرفته اشاره نموده تا برگ‌گی از حیات طیبه همسر با جلالت حضرت سیدالشهدا ارواحنا فداه را ورق زده و خوشه چین عظمت آن پرده نشین وادی ولایت و معرفت شویم .

بر اساس نقل های تاریخی ، گزارش انتقال این بانوی بزرگوار در زمان غاصب سوم صحیح به نظر می رسد .

ابن بابویه به سند معتبر از امام رضا علیه السلام ، روایت کرده است که عبدالله عامر چون خراسان را فتح کرد ، دو دختر از یزدجرد پادشاه عجم را در اختیار گرفت و برای عثمان فرستاد .(1)

نام یکی از آنها جهان شاه و دیگری کیهان بانو بود .

مطلب قابل تأمل آن است که به اعتقاد برخی بزرگان از جمله علامه مقررّم ، فرستادن شاهزادگان به حضور خلیفه وقت و امیرالمؤمنین علیه السلام ، دلالت بر این ندارد که این دو بانو به اسیری گرفته شده باشند . شاید علاقه آنها به مسلمانان [و دین اسلام] موجب شده بود که والیان بتوانند به آنها دست یابند .

نقل روایتی از تاریخ

در خصوص زمان و چگونگی ورود شهربانو به کشور اسلامی نیز روایات مختلفی وجود دارد .

زمانی که اسرای ایران در مدینه بر خلیفه غاصب عصر وارد شدند ، شاه زنان که مسجد را پر از جمعیت دید و متوجه این امر شد که خلیفه غاصب مسلمین تند به او نگاه می کند ، صورت خود را پوشانید و به سبب شدت ناراحتی ، فریاد زد : «سیاه باد روزگار هر مز که فرزندانش اسیر شدند!» . خلیفه که به زبان فارسی آشنایی نداشت ، گمان کرد که شاه زنان وی را دشنام

ص: 87

می دهد، خشمگین شد. در این هنگام، امیر مؤمنان علیه السلام با ترجمه سخن او به عربی، خشم خلیفه غاصب را فرو نشانید.

خلیفه تصمیم گرفت دختران شاه ساسانی را همچون دیگر اسیران جنگی، به مزایده بگذارد، اما امیرالمؤمنین علیه السلام به او چنین گوشزد کرد که: بر اساس فرمایش و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله باید به «بزرگ زادگان» اکرام و احترام نمود و بر طبق سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را نمی توان فروخت بلکه مختارند یکی از مسلمانان را به عنوان همسر خود برگزینند و از سهمیه غنیمت و بیت المال آن مسلمان به شمار آیند. (1)

عروس عترت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به آن شاهزاده ساسانی پیشنهاد داد که هر یک از مردان و جوانان حاضر را که مایل است برای ازدواج انتخاب کند و مهریه و صدق او از بیت المال تأمین و پرداخت گردد.

جهانشاه نگاهی به اطراف خود کرد و پس از آن که افراد حاضر را مورد نظر قرار داد؛ تا چشمان این شاهزاده به رخسار منور حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام افتاد، با شور و شغف وصف ناپذیر و رضایتی از عمق وجود، آن حضرت را برگزید؛ جلو آمد و دست خود را بر شانه امام حسین علیه السلام

نهاد.

امیرالمؤمنین علیه السلام نخست از وی پرسید: نام تو چیست؟

وی در پاسخ عرضه داشت: جهان شاه (شاه زنان).

حضرت فرمودند: نه، نام تو شهربانو باشد.

ص: 88

1- زندگانی حضرت سجاد و امام محمد باقر علیهما السلام (ترجمه جلد 46 بحار الأنوار)، ص 8.

در این گفت و گو، که به زبان فارسی در صورت گرفت، امام علیه السلام نام عروس خود را تغییر می دهد، چرا که فقط حضرت فاطمه زهرا علیها السلام شایسته لقب و عنوان « خیرالنساء » و « ملکه النساء » (سرور و ملکه بانوان) بوده و برای همسر فرزندش حسین علیه السلام نام یا لقب شهربانو (ملکه المدینه و بانوی شهر) زینده خواهد بود .

در این هنگام مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام جلو آمد و حسین علیه السلام را مورد خطاب قرار داد و فرمود :

از او محافظت کن و به او نیکی نما ، که به همین زودی بهترین خلق خدا بعد از تو ، از این دختر به دنیا می آید .

و چون از شهربانو سؤال کردند که به چه علت ، امام حسین علیه السلام را به عنوان همسر خویش انتخاب نمود در پاسخ پرده از سرّی برداشت که همگان مبهوت آن شدند که پس از فاش نمودن آن سِرّ ، بر همگان عیان گشت که شهربانو در اسارت خلیفه نبوده بلکه مدتها در اسارت محبت سیدالشهداء ارواحنافداه بوده ، قبل از آنکه بخواهند او را به مدینه آوردند .

در اسارت محبت حسین علیه السلام

حضرت شهربانو علیها السلام فرمود : پیش از آن که لشکر اسلام بر ما هجوم آورد ، من حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به همراه فرزندش حسین علیه السلام وارد منزل ما شد و مرا به ازدواج حسین علیه السلام درآورد .

وقتی از خواب بیدار شدم ، عشق و علاقه به او تمام وجودم را فرا گرفته بود و به غیر از او به چیز دیگری نمی اندیشیدم و چون شب دوم فرا رسید ، در خواب دیدم که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ، به منزل ما آمد و دین اسلام را

بر من عرضه نمود و من نیز اسلام را پذیرفتم و در عالم خواب توسط حضرت زهرا علیها السلام مسلمان شدم .

سپس حضرت زهرا علیها السلام به من فرمود : به همین زودی لشکر اسلام بر فارس غالب و پیروز خواهد شد و تو را به عنوان اسیر می برند ؛ و پس از آن به وصال فرزندم حسین خواهی رسید و کسی نمی تواند نسبت به تو قصد سوئی کند .

حضرت شهربانو افزود : سخن و پیش گوئی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به واقعیت پیوست و من صحیح و سالم به وصال خود رسیدم و به همسری و ازدواج با امام حسین علیه السلام .(1)

مراسم عقد امام حسین علیه السلام و حضرت شهربانو

بعد از ابراز رضایت حضرت شهربانو علیها السلام ، امیر مؤمنان ارواحنا فداه او را برای امام حسین علیه السلام خواستگاری کرد . حضرت شهربانو با اشاره امیر مؤمنان علیه السلام جملات ابتدایی را ابراز کرد و مترجم نیز جنابسلیمان

بود! . بر اساس روایات شیعی نیز خطبه عقد توسط جناب حذیفه بن یمان یکی از شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام خوانده شد .(2)

افتخار همسری سیدالشهداء علیه السلام

شهربانو علیها السلام به سبب پیوند ازدواج با امام حسین علیه السلام ، مرحله جدیدی از زندگی را آغاز کرد که قبل از آن فقط در عالم رؤیا و آرزو قابل تحقق بود .

ص: 90

1- . زندگانی امام زین العابدین علیه السلام .

2- . مبرد، الفاضل، ص 106؛ لباب الأنساب والألقاب والأعقاب، ج 1، ص 21؛ مناقب آل أبي طالب، ج 4، ص 55؛ الدر النظیم، ص 579 .

آری! وی از میان بسیاری از دوشیزگان به این سعادت و عزت رسیده است که برای پیامبر و خاندانشعلیهم السلام عروسی ممتاز باشد، چرا که در همان روز نخستین آشنایی با خاندان نبوت و امامت و به هنگام عقد ازدواج، از زبان امیرمؤمنان علیه السلام این بشارت را شنید که حضرت به پسرش امام حسین علیه السلام فرمود:

یا ابا عبدالله! احْتَفِظْ بِهَا فَإِنَّهَا سَتَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ هِيَ أُمُّ الْأَوْصِيَاءِ الذُّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ؛ ای ابا عبدالله! از او محافظت کن؛ زیرا به زودی بهترین اهل زمین را برایت متولد خواهد ساخت. و او، مادر امامان از ذریه طیبه است. (1)

حضرت شهربانو علیها السلام دریافت که به خانه فرزند پیامبر پای نهاده است. از این رو آداب اسلامی را فرا گرفت و آداب غلط پادشاهان را به فراموشی سپرد و مسلمان شد. او که خود بانویی فهمیده و درستکار بود در اثر مجاورت و همنشینی با اهل بیت پیامبر به جایی رسید که هر روز بر دانش و حکمت و علم او افزوده می شد و رابطه او با امام حسین ارواحنافداه محکم و محکم تر می شد.

در خانه امام حسین ارواحنافداه

در خانه سیدالشهدا او را به نام های عربی «غزاله» و «سلامه» و «خوله» می خواندند. او در این خانه از چنان احترام و عزتی برخوردار بود که گوئی به خانه خود پا گذاشته است و رنج دوری وطن را احساس نمی کرد. او با فرزند پیامبر بسیار انس گرفته بود و از فضای نورانی اهل بیت لذت می برد.

ص: 91

1- زندگانی امام زین العابدین علیه السلام، ص 28. و در متن عربی کتاب، ص 14 و 15.

شهربانو بارها از خدا خواسته بود که فرزندی به ایشان عنایت فرماید . او می خواست از امام حسین علیه السلام صاحب فرزندی باشد تا مایه افتخار و مباهات او و مزید دلگرمی و رونق و صفا در کانون زندگی او گردد . این خواسته شهربانو دیری نپائید و در پنجم شعبان سال 38 هجری فرزند او به دنیا آمد . انتظارها به سر رسید و بشارت آسمانی تحقق یافته و بهترین اهل زمین ، زین العابدین ، حضرت علی بن الحسین علیهما السلام متولد شد و دیدگان پدر ، مادر و خاندان علوی روشنایی دیگر یافت .

ولادت زین العابدین در خانه حضرت زهرا علیها السلام

از آن جایی که این ازدواج مبارک در مدینه(1) رخ داد و امام حسین ارواحنا فداه در منزل مادر مظلومه خود سکنی داشت ، به این ترتیب چهارمین خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله ، امام سجاد در منزل حضرت زهرا علیها السلام به دنیا آمد . وقتی به این قسمت از تاریخ می رسیم بی گمان بغضی گلویمان را می فشارد و این حدیث غربت ، نمک بر زخم دل های پریشانمان در عصر غیبت امام زمان ارواحنا فداه می زند که آیا در روزهای آغازین زندگی سیدالشهداء و شهربانو علیها السلام ، امام حسین علیه السلام از مادر مظلومه خود هم برای نوعروس خانه خود سخن گفت یا خیر؟! آیا از اتفاقات آن خانه سخن به میان آورد یا خیر؟!

آیا از خاطرات در سوخته برای بانوی ایرانی اش بر زبانش جاری شد؟ خانه ای که روزی محل نزول وحی بود و روز دیگر قدمگاه چکمه های جنگی سقیفه سازان و سقیفه پردازان که درب آن خانه را که پیامبر می بوسید را با لگد بشکستند و سینه مخزن الاسرار هستی را خستند. آه... از آن آتش و در و دیوار... آه...!

ص: 92

1- . مسند الإمام السجاد علیه السلام، ج 1، ص 5 .

بانوی با عظمتی عروس خانه ولایت شد که برگزیده خدا و افتخار ائمه هدیعلیهم السلام بود. قدر و شأن خانه وحی را می دانست و خود در انتظار موعود لحظه شماری می کرد... چرا که نیاکانش نیز وعده آن را داده بودند.

در تاریخ آمده است که چون ایرانیان در جنگ قادسیه شکست خوردند، یزدگرد از کشته شدن رستم فرخزاد و سخت گیری سپاه عمر بن خطاب بر او مطلع شد و گمان کرد که تمام سپاهش کشته شده اند؛ دیدبان های او نیز از قلع و قمع لشکریانش و کشته شدن پنجاه هزار ایرانی خبر آوردند؛ یزدگرد در حالی که با خانواده اش در حال فرار بود، در ایوان کاخ مدائن (طاق کسری) ایستاد و گفت: «ای ایوان، سلام بر تو! پدران که اکنون از تو رویبر می تابم، تا وقتی که من یا مردی از فرزندانم که هنوز زمان وی نزدیک نشده و موقع آمدنش فرا نرسیده، برگردیم!»

سلیمان دیلمی می گوید:

«هنگامی که به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم مقصود یزدگرد را از جمله (یکی از فرزندان خود) پرسیدم، فرمود: «او مهدی موعود قائم آل محمد است که به فرمان خداوند در آخر الزمان ظهور می کند. او ششمین فرزند من، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد».

این روایت را «احمد بن عیّاش» هزار و اندی سال پیش در کتاب نفیس خود «مقتضب الأثر صفحه 40» آورده است.

در کتاب عیون اخبار الرضا آمده است که سهل بن قاسم نوشجانی می گوید: امام رضا علیه السلام در خراسان به من فرمود: بین ما و شما نسب و رابطه خویشاوندی وجود دارد. پرسیدم: چگونه؟! فرمود:

«هنگامی که عبدالله بن عامر [بن کریز] خراسان را فتح کرد، دو نفر از دختران یزدجرد بن شهربار را به دست آورد؛ آنها را به مدینه و نزد عثمان فرستاد. خلیفه، یکی را به حسن علیه السلام و دیگری را به حسین علیه السلام بخشید و هر دو، در حال نقاس از دنیا رفته اند. و آن دختری که به حسین علیه السلام بخشید، مادر علی بن الحسین علیه السلام بود.»⁽¹⁾

حلقه وصل ایران و اسلام

حضرت شهربانو والده ماجده امام سجاد علیه السلام، حلقه اتصال اسلام و ایرانیان است. امام حسین علیه السلام، داماد ایران و یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی است و امام سجاد علیه السلام فرزند شهربانو و نوه یزدگرد است و ادامه ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله از دامان این زن ایرانی بوجود آمد.

این بدان معنای نیست که ارادت ایرانی ها به امام حسین و اهل بیت علیهم السلام بدین سبب است، بلکه جوابی کوتاه است به کسانی که ادعای ایرانی بودن و آریایی اندیشیدن دارند. آری! دختر فرزانه پادشاه قدرتمند ایران، حسین علیه السلام را برای خود برگزید.

ص: 94

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 126 و 127.

درباره ازدواج سیدالشهداء و شهربانو علیهما السلام

شیخ مفید :

شیخ مفید در الارشاد ، نه به عنوان خبر ، بلکه به عنوان عقیده خود می نویسد که : مادر علی بن الحسین زین العابدین (امام سجاد) ، شهربانو دختر یزدگرد فرزند شهریار فرزند کسری بود : « و الإمام بعد الحسین بن علی علیهما السلام ابنه أبو محمد علی بن الحسین زین العابدین علیهم السلام و كان یکنى أيضا أبا الحسن و أمه شاه زنان بنت یزدجرد بن شهریار بن کسری و یقال إن اسمها شهربانو » .(1)

ابن داود حلی : ابن داود ، از بزرگترین حدیث شناسان شیعه در قرن 8 هجری ، و از بزرگان علما در زمینه رجال الحدیث ، می نویسد :

مادر امام سجاد علیه السلام ، شهربانو نام داشت ، و در زمانی که امام کودک بودند ، شهربانو از دنیا رفتند : « و كان والدته شهربانویه و قد توفیت و هو طفل » .(2)

ابن شهر آشوب مازندرانی :

ابن شهر آشوب مازندرانی از علمای بزرگ شیعه ، در کتاب « مناقب آل ابی طالب » می نویسد :

ص: 95

1- . الإرشاد ، ج 2 ، ص 137-135 .

2- . رجال ابن داود ، ص 372 .

مادر امام سجاد ، یک شاهزاده ساسانی بود و در ادامه این حرف را سخنی صحیح می داند : « لقبه زین العابدین و سید العابدین و زین الصالحین و وارث علم النبیین و أمه شهر بانویه بنت یزدجرد بن شهریار الکسری و یسمونها أيضا شاه زنان و جهان بانویه... و قالوا شاه زنان بنت شیرویه بن کسری ابرویز و الصحیح هو الأول».(1)

علامه مجلسی :

علامه مجلسی در بحار الانوار به عنوان عقیده (نه به عنوان خبر) بر همین مسئله (که شهربانو مادر امام سجاد ، یک شاهزاده ساسانی بود) تأکید می کند :

«كَانَ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِتَّةُ أَوْلَادٍ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْأَكْبَرُ كُنْيَتُهُ أَبُو مُحَمَّدٍ أُمُّهُ شَهْرَبَانُ بِنْتُ كِسْرَى يَزْدَجَرْدٌ».(2)

همچنین علی بن عیسیٰ اربلی متوفای 693 هجری از بزرگان شیعه نیز بر این نکته ابراز عقیده می کند .(3)

همچنین امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی ، متوفای 548 هجری ، در کتاب إعلام الوری چنین گفته است .(4)

شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی :

مرحوم کلینی ، در کتاب «الکافی» که از مهم ترین منابع حدیثی شیعه است، از روی عقیده می گوید که مادر امام سجاد ، (ملقب به) سلامه ، دختر یزدجرد و از شاهزادگان ساسانی بود :

ص: 96

1- . مناقب آل ابي طالب ، ج 4، ص 176.

2- . بحار الأنوار ، ج 45، ص 329؛ ج 46، ص 12.

3- . كشف الغمه ، ج 2، ص 105.

4- . إعلام الوری ، ص 256.

«بَابُ مَوْلِدِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَوُلِدَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَنَةِ ثَمَانٍ وَثَلَاثِينَ وَقَبِضَ فِي سَنَةِ خَمْسٍ وَتِسْعِينَ وَ لَهُ سَبْعٌ وَ خَمْسُونَ سَنَةً وَ أُمُّهُ سَلَامَةُ بِنْتُ يَزْدَجَرْدَ بْنِ شَهْرِيَّازَ بْنِ شَيْرَوَيْهِ بْنِ كَسْرَى أَبُو رِيَزَ...» (1).

شیخ طوسی:

شیخ طوسی در کتاب التهذیب، به صورت عقیده می گوید که مادر امام سجاد، شاهزاده ساسانی بود:

«هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ زَيْنُ الْعَابِدِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ كُنْيَتُهُ أَبُو مُحَمَّدٍ وَوُلِدَ بِالْمَدِينَةِ سَنَةَ ثَمَانٍ وَ ثَلَاثِينَ مِنَ الْهَجْرَةِ وَقَبِضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَدِينَةِ سَنَةَ خَمْسٍ وَ تِسْعِينَ وَ لَهُ سَبْعٌ وَ خَمْسُونَ سَنَةً وَ أُمُّهُ شَاهُ زَنْبَانَ بِنْتُ شَيْرَوَيْهِ بْنِ كَسْرَى أَبُو رِيَزَ وَ قَبْرُهُ بِبَيْعِ الْمَدِينَةِ» (2).

فخر الدین طریحی از بزرگان شیعه در قرن سوم، نیز در مجمع البحرین بر این امر اشاره می کند (3).

وفات حضرت شهربانو علیها السلام

وفات حضرت شهربانو علیها السلام از وقایع بسیار تلخ در تاریخ اهل بیت عصمت و طهارتعلیهم السلام به شمار می رفت که بزرگان شیعه اذعان داشتند که چون حضرت زین العابدین علیه السلام از او متولد شد، او به رحمت الهی واصل گشت.

استاد گرانقدرمان، مرجع فقید شیعه، مرحوم شیخ الفقهاء آیه الله العظمی صافی گلپایگانی قدس سره درباره وفات حضرت شهربانو علیها السلام می نویسد:

ص: 97

1- . الکافی، ج 1، ص 466.

2- . التهذیب، ج 6، ص 77.

3- . مجمع البحرین، ج 6، ص 351؛ ج 2، ص 95.

راجع به مادر امام سجاده علیه السلام آنچه ظاهراً بزرگان بر آن اتفاق دارند جناب شهربانو بوده است و در این که او در کربلا حضور نداشته و قبل از آن در همان اوان یا بعد از آن از دنیا رفته، شبیه نیست ولی روز وفات ایشان بالخصوص معین نیست. این قسم تواریخ، نسبت به امهات سائر ائمه علیهم السلام نیز ضبط نشده است ولی در خصوص جناب شهربانو اگر در همان زمانزایمان وفات کرده باشند می توان زمان وفات آن جناب را همان زمان تولد فرزند عزیزش دانست. (1)

محمد بن حسن القمی در کتاب « تاریخ قم » صفحه 197 می نویسد :

مادر علی بن الحسین علیهما السلام، سلامه، دختر یزدگرد و اسم اصلی وی جهانشاه بوده و قبر او در کنار مرقد عموی پسرش، امام حسن مجتبی علیه السلام در مدینه است.

خدای متعال حضرت شهربانو علیها السلام را به عنوان ظرف وجود نورانی امام سجاده علیه السلام قرار داد که به عنوان مادر اوصیاء در میان سایر مخدرات اهل بیتعلیهم السلام نورافشانی کند؛ آن مادر مطهره ای که تا جان در بدن داشت به نیکوترین وجه از امانت الهی محافظت نمود و در زمان طلوع چهارمین خورشید جهان تاب عترت، پس از آنکه زینت زمین و آسمان را به دنیا تحویل داد به ظاهر غروب کرد... و اشرف الارض بنور ربها.

ص: 98

1- . معارف دین، جلد دوم (منتشر شده در پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله صافی گلپایگانی).

اثر: نویسنده محقق و فداکار آستان مقدس

امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام

آقای شیخ محمدباقر انصاری زنجانی

خصائص شهر بانویه

حضرت شهربانو بانوی مطهره ای است که ذخیره خداوند برای نسل پاک امامت بود. تاریخچه زندگی این خانم بزرگوار به ایامی قبل ازدواج او با سید و سالار شهیدان حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و ایامی بعد از ازدواج او باز می گردد. در این مقاله فرازهای زندگی این بانو با نگاه به آنچه که شخصیت معنوی او را نشان می دهد و مقام بلند او را برای ما روشن می کند، مورد توجه قرار گرفته است.

برای این هدف دو مرحله را طی کرده ایم: اول: دسته بندی موضوعی فضائل بانوی ایران، و دوم: تحلیل شخصیتی هر یک از فضائل بانوی ایران. در تقسیم بندی مناقب شهربانو، آنها را به سه دسته تقسیم کرده ایم:

1: افتخارات؛ 2: نسب طاهر؛ 3: اسارت تا ازدواج.

1: افتخارات شهربانو

لیاقت و ظرفیت هایی در شهربانو وجود داشته، که خداوند افتخارات بسیار عظیمی را نصیبش نموده است، که داشتن یکی از آنها آرزوی هر کسی می تواند

باشد . گوئی نیت پاک و طهارت ذات و نجابت و اصالت خانوادگی دست به دست هم داده و جایگاه این افتخارات را فراهم کرده که شش عنوان است :

اول: اُمّ الإمام

اینکه بانویی در آن شأن و مقام باشد که بتواند حامل وجود مقدّس و نورانی امام معصوم علیه السلام یعنی حضرت زین العابدین علیه السلام باشد شرایط بسیاری را می طلبد . پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید :

إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَوْصِيَاءَ مَخْلُوقُونَ مِنْ نُورِ عَظْمَةِ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يُودِعُ اللَّهُ أَنْوَارَهُمْ أَصْلَابًا طَيِّبَةً وَأَرْحَامًا طَاهِرَةً؛

انبیا و اوصیا از نور عظمت خداوند خلق شده اند . خدا انوار آنان را به صلب های پدران پاکیزه و رحم های مادران پاک می سپارد. (1)

در واقع اگر از خود حضرت شهربانو در این باره پرسیم خواهد گفت : من دختر پادشاه ایران در ناز و نعمت ملوکانه ، کجا باورم می شد خداوند لیاقت یکی از چهارده نور عصمت را نصیبم نمایند که همه عالم به برکت وجود آنان خلق شده است . این افتخاری است که با هیچ نعمت دیگری قابل مقایسه نیست و تا ابد بدان فخر خواهیم کرد که جای افتخار دارد! چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمود :

فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ فِي زَمَانِهِ بَعْدَكَ؛

به زودی بهترین اهل زمین در زمان خود بعد از تو را برایت به دنیا می آورد. (2)

ص: 100

1- . من لا يحضره الفقيه ، ج 4 ، ص 297 .

2- . عيون المعجزات ، ص 62 ؛ الخرائج ، ج 2 ، ص 751 ؛ بحار الانوار ، ج 46 ، ص 11 .

دوم: اُمُّ الْأَوْصِيَاءِ وَالْإِنَّمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

مادر امام معصوم بودن یک افتخار بود که هشت افتخار دیگر از آن زاییده شد. در حالی که شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام بود، همزمان خداوند رحم پاک او را ظرف هشت امامی قرار داد که قرار بود از نسل امام چهارم علیه السلام قدم در این جهان بگذارند و در صلب حضرت زین العابدین علیه السلام بودند.

وقتی نسب امام باقر و امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی و امام عسکری و حضرت مهدی علیه السلام را از سوی مادرانشان بشماریم به شهربانو خواهد رسید، افتخار عظیمی که جا دارد این بانوی پاک به بانوان جهان فخر کند و بگوید: من مادر نه امام از فرزندان حسینم که هشت تن آنان فرزندان پسر علی السجاد علیه السلام است، پیامبر صلی الله علیه و آله بارها خبر امامت آن را داده است. درباره این افتخار امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمود:

و هِيَ اُمُّ الْأَوْصِيَاءِ الذُّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ؛

این بانو مادر جانشینان پیامبر و مادر نسل پاک اوست.

سوم: رابط ایران و غدیر

یقیناً مرکزیت تشیع در ایران و اعتقاد اکثریت ایرانیان به امامت دوازده امام غدیر بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله یک عقیده از روی تفکر و مرتبط با ذات پاک شیعیان است و در این باره هیچ تفاوتی بین شیعیان ایران و کشورهای دیگر نیست و اصلاً تعلق به سرزمین خاصی ندارد.

اما به عنوان یک اتفاق شیرین و افتخارآمیز برای همه ایرانیان می توان گفت: غدیر یعنی امامت دوازده امامی که نه تن آنان از سوی مادر ایرانی هستند و به

ایران منتهی می شوند. آن شخصیتی که رابط ایران و غدیر است و این اتفاق زیبا با وجود او رخ داده کسی نیست جز حضرت شهربانو مادر امام زین العابدین علیه السلام که نه تنها ایرانی است که دختر پادشاه ایران از نسل پادشاهان ایران به خصوص انوشیروان عادل است. (1)

به عبارت دیگر جا دارد شهربانو به این تابلوی افتخار بنزد که کشور بزرگی مانند ایران را به سلسله مظهر امامت و اعتقاد پاک غدیر ارتباط داده است، و نقطه اتصالی بین این ملت عظیم و آن عقیده آسمانی شده و این فخر ابدی را نصیب ایرانیان نموده است.

چهارم: لقب شهربانو

واژه «شهربانو» به معنای «بانوی شهر» و به عبارت دیگر «بزرگ بانوان یک شهر» و یا «افتخار بانوان شهر» و به اصطلاح امروزی «بانوی اول شهر» است. هر یک از این معانی را در نظر بگیریم معنای بسیار بلندی است که کسی واقعاً صاحب چنین منصب و افتخاری باشد.

هنگامی به ارزش این عنوان پی می بریم که بدانیم این لقب را امیرالمؤمنین علیه السلام به این بانو داده، و این اتفاق طی ماجرای شیرینی رخ داده است. با توجه به اینکه این بانو دختر پادشاه ایران بوده و پیداست که نسبت به بقیه بانوان دربار ساسانی لیاقت بیشتری داشته نام او را «شاه زنان» گذاشته بودند. وقتی او را به عنوان اسیر وارد مدینه کردند امیرالمؤمنین علیه السلام نامش را پرسید و او در

ص: 102

پاسخ گفت: « شاه زنان » که به معنای « جهان بانو » یا « بانوی بانوان » و یا « سیده النساء » می شود .

بلافاصله امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

تِلْكَ ابْنَةُ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ ، وَإِنَّهَا سِتُّ الْعَالَمِ ، فَأَمَّا هَذِهِ سِتُّ الْبَلَدِ ؛

شاه زنان دختر حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام است که سیده و بانوی همه عالم است ، و اما این خانم بانوی شهر خود بوده است .(1)

آنگاه امیرالمؤمنین علیه السلام نام او را از « شاه زنان » به « شهربانو » در زبان فارسی تغییر داد ، تا عنوان ابدی « سیده النساء » برای حضرت زهرا علیها السلام خدشه دار نشود .

پنجم : عروس حضرت زهرا علیها السلام

حضرت شهربانو به عنوان عروس ایرانی خاندان رسالت شناخته می شود . یعنی در درجه اول عروس پیامبر صلی الله علیه و آله است و سپس عروس امیرالمؤمنین علیه السلام به حساب می آید . اما عرفاً به خاطر ارتباط بانوان عروس را به بانوی بزرگ خانه نسبت می دهند ، و از این نگاه شهربانو عروس صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام است . اما اصالت این افتخار آنگاه تکمیل می شود که بدانیم قبل از ماجرای اسارت ، خواستگاری از شهربانو واقعاً توسط پیامبر و حضرت زهرا علیهما السلام انجام شده است ، که خود او چنین می گوید :

ص: 103

1- . المثالب (ابن شهر آشوب) ، نسخه خطی ، ص 369 ؛ بصائر الدرجات ، ج 1 ، ص 593 .

در خواب دیدم پیامبر و امام حسین علیهما السلام به خانه ما آمدند، و آن حضرت از من برای امام حسین علیه السلام خواستگاری کرد و سپس مرا به ایشان تزویج نمود. سپس حضرت زهرا علیها السلام را در خواب دیدم و به دست آن حضرت مسلمان شدم و آن حضرت خبر از اسارت و سالم ماندن من تا رسیدن به امام حسین علیه السلام دادند. (1)

ششم: همسر امام حسین علیه السلام

بانویی ناشناخته از ایران کجا، و همسر سیدالشهداء من اولین و آخرین شدن کجا؟! چه بسیار بانوانی که آرزوی همسری سبط پیامبر صلی الله علیه و آله را داشتند اما از این افتخار نصیبی نبردند، اما بانویی از دور دست های ایران به مدینه رسید و از بین آن همه خواستگاران نصیب امام حسین علیه السلام شد، تا هر جا نام امام حسین علیه السلام می درخشد همسری چون شهربانو در سایه او باشد و تا همیشه تاریخ او را زیر پرچم حسین بن علی علیهما السلام بشناسند.

اگر به همسر او برای امام حسین علیه السلام اضافه کنیم بودن را در کنار حضرت لیلی مادر علی اکبر علیه السلام و حضرت رباب مادر علی اصغر علیه السلام و جناب ام اسحاق مادر حضرت رقیه علیها السلام آنجاست کهجا دارد این همه فخر خدادادی را به او تبریک بگوییم و او را بر قلّه افتخار ناظر باشیم.

2: نسب و پاکی شهربانو

در نگاه نسبی آباء و اجداد شهربانو مسائل مهمی از اعتقادات ما شیعیان مطرح است که دلالت بر سلسله جلیله و پاک در نسبت به او می نمایند. از

ص: 104

1- الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 751.

یک سو باید دارای نسب نامۀ مشخص و حلال زاده باشند و هرگز ولدالزنا یا حیض در مسیر نسبت ایشان نباشد . از سوی دیگر در انتقال نطفۀ امام علیه السلام باید همه صلب ها و رحم هایی که در مسیر آن از حضرت آدم علیه السلام تا ولادت امام علیه السلام صورت می گیرد پاک و مطهر باشند .

از جهت دیگر اجداد امام باید موحد و خداپرست باشند . در این باره می خوانیم :

لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ - يَسْحُكُمُ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيُنْقُلُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ ؛

همیشه پیش چشم خداوند بودید که شما را در صلب های هر پاکیزه ای منتقل می کرد و از ارحام بانوان پاک منتقل می نمود ، به گونه ای که جاهلیت شما را آلوده نساخت . (1)

دربارۀ ابعاد شخصیتی شهربانو به پنج جهت اشاره می کنیم که مَهر تأیید آن از سوی معصومین علیهم السلام رسیده است :

اول : نسب ثبت شده شهربانو

با اینکه شهربانو دختر پادشاه بوده ، اما باید دانست که مواظبت بر طهارت و اجتناب از آلودگی در نسب و اولاد خود را مراعات می کرده اند . نسب شهربانو به پادشاهان بزرگ ساسانی باز می گردد که نام آنان معروف است : شهربانو بنت یزدگرد سوم بن شهریار بن شیرویه بن خسرو پرویز بن انوشیروان . (2)

ص: 105

1- . بحار الانوار ، ج 100 ، ص 325 .

2- . کافی ، ج 1 ، ص 466 ؛ بحار الانوار ، ج 46 ، ص 13 .

دوم : موحد بودن آباء شهربانو

از آنجا که دین زرتشتی از نظر اسلام مانند یهودی و مسیحی دین الهی شناخته می شود که به اصل این ادیان باز می گردد اگر چه بعداً تحریفاتی در آنها رخ داده باشد . لذا پدران شهربانو و خود او قبل از اسلام بر دین مجوس یا زرتشتی بوده اند و از موحدین به حساب می آیند .

سوم : نسب شهربانو در لوح فاطمه علیها السلام

جابر بن عبدالله انصاری از حضرت زهرا علیها السلام ماجرای لوح آسمانی را نقل می کند که در آن نام دوازده امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله با انسایشان ذکر شده ، که فراز مربوط به امام سجاد علیه السلام چنین است :

ابو محمد علی بن الحسین العدل ، أُمُّ شَهْرِبَانُوِيَه بِنْتِ يَزْدَجْرَدِ شَاهِنْشَاه. (1)

چهارم : شهربانو نسب ایرانی امام سجاد علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام فرموده است :

« أَنَا ابْنُ الْخَيْرِيِّينَ ؛ مِنْ فَرْزَنْدِ دُو بَرْگَزِيْدِه هَسْتَم » (2). در بیان این کلام فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله را شاهد می آورند که فرمود :

« إِنَّ لِلَّهِ مِنْ عِبَادِهِ خَيْرَتَانِ فَخَيْرَتُهُ مِنَ الْعَرَبِ قُرَيْشٌ وَ مِنَ الْعَجَمِ فَارِسٌ ؛ خدائوند از بندگانش دو برگزیده دارد : از عرب قریش و از عجم فارس » (3).

ص: 106

1- . کمال الدین ، ج 1 ، ص 307 ؛ عیون احبارالرضا علیه السلام ، ج 1 ، ص 33 .

2- . مناقب ابن شهر آشوب ، ج 3 ، ص 304 .

3- . بحارالانوار ، ج 46 ، ص 4 .

بر این اساس سخن امام سجاد علیه السلام بدین معناست که من فرزند دو برگزیده ام : از یک سو به قریش از عرب منتسب هستم و از سوی دیگر با فارس از عجم نسب دارم ، و شکی نیست که نسبت حضرت به قوم فارس از طریق مادرشان شهربانوست .

پنجم : امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند شهربانو و نرگس

نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از یک سو به قیصر روم باز می گردد که از طریق مادرش حضرت نرگس است ، و از سوی دیگر پادشاه ایران باز می گردد که از طریق حضرت شهربانو است .

جالب است که این مطلب در کلام امام صادق علیه السلام آمده است . ماجرا به آنجا باز می گردد که یزدگرد هنگام فرار در برابر ایوان مدائن ایستاد و گفت :

خدایا ای ایوان ، من رفتم ولی به سوی تو باز می گردم ، خودم یا یکی از فرزندانم . وقتی از امام صادق علیه السلام درباره سخن یزدگرد پرسیدند که گفته است « یکی از فرزندانم » ، فرمود :

ذَلِكَ صَاحِبِكُمُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ السَّادِسُ مِنْ وُلْدِي، قَدْ وُلِدَهُ يَزْدَجَرْدُ فَهُوَ وُلْدُهُ؛

او صاحب شما حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به امر خدای عز و جل است که ششمی از فرزندان من است . او از نسل یزدگرد است ، و بنابراین فرزند او حساب می شود . (1)

ص: 107

همان گونه که خداوند حضرت نرگس ، مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در حصن حصین خود از دربار قیصر روم تا سامرا به سلامت آورد تا مادر منجی بشریت باشد ، حضرت شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام را هم در کنف حمایت خود از دربار پادشاه ایرانی تا مدینه آورد تا مادر نُه امام باشد . برای اینکه این ماجرا مسیر عادی خود را طی کند جنگ بین مسلمانان و پادشاه ایران در گرفت و این بانو طی آن اسیر شد همان گونه که جنگ بین مسلمین و قیصر روم در گرفت و حضرت نرگس به اسارت درآمد .

مهم این است که مراحل این انتقالات مکانی و زمانی شامل معجزات و کرامات و وقایعی است که عظمت حضرت شهربانو را روشن می سازد و خصائص این بانو را به ما نشان می دهد . اکنون در پنج مرحله مسیر اسارت تا ازدواج او را پی می گیریم : اول

: استقلال از شهربانو در مدینه

خبر آوردن دختر شاه ایران به مدینه برای مردمی که فقط نامی از شاهزادگان شنیده بودند ، تازگی داشت . این بود که همه مردم به خصوص دختران مدینه که ارتباطی از نظر دختر بودن بین خود و شاهزاده خانم احساس می کردند از خانه ها بیرون

آمده و به استقبالش رفتند تا از نزدیک او را ببینند . امام باقر علیه السلام می فرماید :

لَمَّا قَدِمَ بَابِنَةَ يَزْدَجْرَدَ عَلَى عُمَرَ وَ أُدْخِلَتْ الْمَدِينَةَ أَشْرَفَ لَهَا عَدَارَى الْمَدِينَةِ وَ أَشْرَقَ الْمَسْجِدُ بِضَوْءِ وَجْهِهَا ؛

وقتی دختر یزدگرد را آوردند و او را وارد مدینه کردند دختران مدینه برای دیدن او بیرون آمدند و مسجد از نور صورت او روشن شد. (1)

دوم: شهربانو صورتش پوشاند!

در حالی که همه محو جمال و زیبایی دختر پادشاه ایران بودند، عمر بن الخطاب به عنوان کسی که جنگ با ایران را به راه انداخته وارد مسجد شد و شهربانو از همه‌مردم فهمید که او چه کسی است! این بود که با ورود او سه کار انجام داد:

1: صورت خود را پوشاند، که یا دست بر صورت گذاشت و یا با پارچه ای صورتش را از نگاه عمر برگرفت.

2: صدا زد: «آه!» و در روایتی «أف» که با این جمله به حال خود و در دست داشتن امور مردم توسط شخصی مثل عمر آهی کشید و تأسف خورد، و یا بر چنین شرایطی اف و لعنت فرستاد از اظهار بیزاری نمود.

3: بعد از آن گفت: «بیروج باد هرمز»، که گویی کمی تعریب شده و صحیح آن «بی روی باد هرمز» است. در واقع اجداد خود را نفرین می کرد که دین پیامبر صلی الله علیه و آله را نپذیرفتند و نامه

ص: 109

1- بحار الانوار، ج 46، ص 9.

دعوت به اسلام آن حضرت را پاره کردند و باعث شدند چنین روزی پیش آید. (1)

عمر با شنیدن این جمله از او احساس کرد به او ناسزا می گوید! لذا گفت: « أَتَشْتُمْنِي هَذِهِ؛ آیا این دختر به من ناسزا می گوید؟ » و سپس تصمیم بر مجازات او گرفت. امیرالمؤمنین علیه السلام عمر را کنار زد و فرمود: چنین حقی نداری! گویا می خواست بفرماید: وقتی زبان او را نمی فهمی و نمی دانی که چه می گوید چگونه می خواهی او را مجازات کنی. (2)

سوم: انتخاب همسر با ابطال اسارت

امیرالمؤمنین علیه السلام به عمر فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده:

«إِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٍ فَأَكْرَمُوهُ؛ هرگاه کریم و بزرگوار قومی نزد شما آمد او را اکرام نمایید». بنابراین چنین حقی نداری زنان را به عنوان اسیر بفروشی. من سهم خود را از آنان بخشیدم. به دنبال کلام حضرت، بنی هاشم و نیز مهاجر و انصار سهم خود را بخشیدند و عمر در تصمیمش بر فروش اسرا شکست خورد. آنگاه حضرت فرمود: اکنون شهربانو اختیار دارد که ازدواج نماید یا نه، و اگر ازدواج را می خواهد انتخاب هر مردی با خود اوست و نمی توان به او اجبار کرد.

ص: 110

1- . کافی، ج 1، ص 47؛ دلائل الامامه، ص 196؛ بحار الانوار، ج 46، ص 9.

2- . بحار الانوار، ج 46، ص 9؛ الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 750.

اینجا بود که از او پرسیدند: آیا مایل به ازدواج هستی؟ شهربانو سکوت کرد و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سکوت او دلیل بر تمایل و رضایت اوست. اکنون انتخاب باقی می ماند.

با اینکه در خواب امام حسین علیه السلام را دیده بود و می شناخت، اما در ظاهر چون سلمان از بین آن جمعیت فارسی را می دانست به عنوان راهنما خواستگاران را به او معرفی کرد. او هم گفت: اگر اختیار با من است امام حسین علیه السلام را می خواهم. اینجا بود که امیرالمؤمنین علیه السلام با حدیفه خطبه عقد را خواندند و علی رغم تصمیم عمر، ازدواج شهربانو صورت گرفت و مسأله اسارت منتفی شد. (1)

چهارم: در خانه حسینی تا بارداری

امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش شهربانو را به داماد یعنی پسرش امام حسین علیه السلام کرد و فرمود:

اَحْتَفِظْ بِهَا وَ اَحْسِنْ اِلَيْهَا فَسَ تَلِدُ لَكَ خَيْرَ اَهْلِ الْاَرْضِ فِي زَمَانِهِ بَعْدَكَ؛ او را در حفظ خود داشته باش و به او نیکی کن، که به زودی بهترین اهل زمین در زمانش بعد از تو را به دنیا خواهد آورد. (2)

و این در واقع بشارت به ولادت امام زین العابدین علیه السلام بود که پدر امامان بعد از خود است. سال ها از آن روز شیرین ازدواج گذشت تا در پنجم ماه شعبان سال 38 هجری یعنی دو سال قبل از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام خداوند

ص: 111

1- . دلائل الامامه ، ص 196 .

2- . الخرائج و الجرائح ، ج 2 ، ص 751 .

امام سجاد علیه السلام را به عنوان «علیّ اوسط» از مادری به نام شهربانو به امام حسین علیه السلام عطا کرد تا در کنار علی اکبر و علی اصغر علیهما السلام تاج افتخار فرزندی به نام «علی» را داشته باشد که امام حسین علیه السلام فرمود: اگر خدا صد پسر به من دهد نام همه آنها را «علی» خواهم گذاشت. چهارمین امام معصومی که سلسله امامت تا قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط او حفظ شد.

پنجم: سلام بر شهربانو

در خاتمه جا دارد همان سلامی را که تقدیم حضرت نرگس مادر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می نمایم خطاب به حضرت شهربانو بر زبان آورده عرض ادب نمایم:

السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ، وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، وَالْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنْبَاءِ، وَالْمُسْتَوْدَعَةِ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالََةَ، وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَحَفِظْتِ سِرَّ اللَّهِ، وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ، وَبَالَغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ؛

سلام بر مادر امام، که اسرار خداوند ملک علام را او سپرده شد و باردار اشرف مردم بود، و اسرار رب العالمین نزد او به ودیعه سپرده شده بود. شهادتمی دهم که سرپرستی از فرزند را به خوبی انجام دادی و امانت را به مقصد رساندی، و سرّ خدا را حفظ کردی و ولیّ خدا را حمل نمودی، و در حفظ حجت خدا نهایت سعی خود را نمودی. (1)

ص: 112

اثر: نویسنده محقق و پرکوش و ولائی

آقای محمد حسین رحیمیان

جلوه‌هایی ویژه از زندگی و فضایل حضرت شهربانو علیها السلام

سرآغاز

در میان بانوان شایسته، مادرانی بودند که در طول تاریخ بشری، مسیر توحید را پیمودند و الگویی برای انسان‌ها شدند و با فداکاری‌های حیرت‌آوری در جبهه حق، نقش آفرینی کردند و نام و آوازه آنها بر تارک آسمان فضیلت و توحید می‌درخشد.

این مادران با فضیلت در هر عصری مادر ممتازی بودند که هم خود و هم فرزندشان آیتی از آیات الهی بودند.

بدیهی است که خدای متعال این مادران شایسته را برگزید، پاک و پاکیزه ساخت و بر تمام بانوان جهان در عصر خودشان برتری داد.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین نقشی که مادران برگزیده، ایفا کردند، همان نقش مادری آنها بود که توانستند نور الهی را با تمام وجودشان پرورش دهند و حجت الهی را به عرصه وجود بیاورند.

جوهر صدق و صفا از امهات *** سیرت فرزندها از امهات

به سخن امیر بیان ، امیرمؤمنان علی علیه السلام : خدای سبحان ، پیامبران الهی را در برترین امانت گاه به امانت نهاد و در بهترین قرارگاه ها ، قرار داد که از صلب کریمانه پدران ، به رحم پاک مادران ، انتقال داد. (1)

البته گرچه آفرینش نوری آن بزرگواران به نور واحدی برمی گردد ؛ ولی خدای متعال برخی از آنها را بر برخی دیگر برتری بخشیده است
از چنان مادرانی در جهان معنویت و فضیلت ، با عنوان « مادران پیامبران و امامان » یاد می شود که تاریخ بشری نمونه هایی از آنها را برای جهانیان بازگو کرده است .

حضرت مریم علیها السلام مادر حضرت عیسی علیه السلام ، حضرت فاطمه بنت اسد ، مادر منظومه شمسی امامت ، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا حضرت بقیة اللہ الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مادر یازده امام نور ، و حضرت شهربانو مادر نه پیشوای هدایتگر .

جالب است که هر یک از این مادران ، زندگی پر رمز و رازی دارند و خدای سبحان اینان را آیتی برای جهانیان قرار داده و تنها ، جلوه های ویژه ای از زندگی سراسر نور اینها را در دنیای فانی به نمایش گذاشته است .

بنابر آنچه گذشت ، نمونه قرآنی چنین مادرانی ، مادر حضرت عیسی علیه السلام ، حضرت مریم علیها السلام است که قرآن کریم از این مادر و فرزندشبه عنوان آیتی برای جهانیان یاد می کند و می فرماید : « وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ »؛ (2)

ص: 114

1- . نهج البلاغه ، خطبه 94.

2- . سوره انبیا ، آیه 91.

ما او و پسرش را نشان و آیتی بزرگ برای جهانیان قرار دادیم .

چرا که به راستی خدای سبحان سرگذشت زندگی آنها را عبرتی برای خردورزان و اندیشمندان قرار داده است .

آری ، بنابر بیان قرآن کریم ، هر بار که حضرت زکریا علیه السلام در محراب نزد حضرت مریم علیها السلام می رفت ، نوعی خوراکی می یافت و می گفت :

يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا ؟ اى

مریم ! این ، از کجا برای تو آمده است ؟

حضرت مریم علیها السلام می گفت :

هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ (1)

این از جانب خداست ، که به راستی خدا به هر کس بخواهد ، بی شمار روزی می دهد .

به سخن دیگر ، خدای متعال هر کسی را شایسته بداند ، آنچه اراده کند برای او عطا می کند .

خدای بزرگ در آیه ای دیگر از زبان فرشتگان این گونه به جایگاه بلند حضرت مریم علیها السلام اشاره می کند و می فرماید :

«يَا

مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛ (2) اى مریم ! به راستی خدا تو را برگزیده و پاک ساخته ، و بر تمام زنان جهان (عصر خود) ، برتری داده است .

ص: 115

1- . سوره آل عمران ، آیه 37.

2- . همان سوره ، آیه 42.

با این کلید واژه قرآنی و با تکیه بر گزارش های معتبر حدیثی و با استناد به گزاره های عقلی ، روشن می شود که نمونه ای از آن مادران برگزیده ، حضرت شهربانو علیها السلام مادر بی همتای امام سجاد علیه السلام است که در عصر خویش بانوی شایسته ای بود که از سویی به عنوان همسر امام و از سوی دیگر به عنوان مادر امام انتخاب شده بود .

برش هایی از زندگی مادر برگزیده

در یک نگاه کوتاه می توان دید که حضرت شهربانو علیها السلام چه جایگاه رفیعی دارد ؟

این مهین دخت کریمه ، همسر امام حسین علیه السلام است . عروس رسالت و امامت ، جد بزرگوار همسرش آخرین فرستاده خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است .

این بانوی ارجمند ، پدر همسری همچون سیدالاصیاء امیر مؤمنان علی علیه السلام و مادر همسری همچون فاطمه زهرا علیها السلام دارد. برادر همسر او ، امام حسن مجتبی علیه السلام و خواهر همسر او عقیده بنی هاشم حضرت زینب کبری علیها السلام است .

به عبارت دیگر ، سخن از حضرت شهربانو علیها السلام سخن از پیامبران الهی و چهارده نور پاک و فضایل بی شمار آن بزرگواران علیهم السلام است . با رویکرد به این جایگاه بی مانند ، چگونه می توان این بانوی اصیل را شناخت ؟

کدام قلم را یارای قلم فرسایی و کدام بیان، توان سخن پردازی در جایگاه ویژه این بانوی با فضیلت را دارد ؟ هرگز .

ص: 116

مگر آنکه از خودش خواست و در آستانه خانه اش نشست ؛ چراکه خانه پرشکوه او از « خانه هایی است که خدا اذن داده که هر لحظه جایگاه و منزلت و عظمت و شکوه آنها ، رفعت یابد و نام خدای مهربان در آنها یاد شود که در آنها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند » (1).

و مگر آنکه به حضرتش توسل جست و مهرش را در دل پرورید تا مهر آن بانوی مهرپرور به جوش آید و اجازه سخن پردازی و قلم فرسایی در این وادی مهر و رحمت دهد . و چه زیبا سرود آنکه سرود :

کتاب فضلِ تورا ، آب بحر کافی نیست *** که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

زندگی پر رمز و راز حضرت شهربانو علیها السلام مادر نمونه عصر خویش که خود آیتی برای جهانیان است ، ما را واداشت که با عنایات امام عصر علیه السلام به اندازه فهم خود ، در دوران غیبت آخرین یادگار خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام با چشم پوشی از گزارش های گونه گونی که در این زمینه نقل شده ، به برش هایی از زندگی شگفت آن بانوی برگزیده ، راه یابیم .

نوری در جستجوی نور

حضرت شهربانو علیها السلام ، در جستجوی خاندانی است که از نور الهی آفریده شده اند ، نور خدا در روی زمین هستند و همه انسان ها در پرتو نور عالمتاب آنان به نور الهی راه می یابند .

ص: 117

از این رو، این بانوی برگزیده نیز نوری بود که در جستجوی نور الهی می گشت تا در میان انوار تابناک خدای رحمان بدرخشد و منظومه شمسوی نه گانه پیشوایان نور را به جهانیان به ارمغان آورد .

خدای سبحان به انسان های خدا باور می فرماید :

« فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا »؛ (1)

از این رو، به خدا و رسول او و نوری که ما فرو فرستادیم ایمان بیاورید .

دومین پیشوا از نسل پاک حضرت شهربانو علیها السلام، شکافنده علوم؛ یعنی حضرت امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه کریمه می فرماید :

النُّورُ وَاللَّهُ الْأَيُّمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ (2)

به خدا سوگند، منظور از « نور » نور امامان از آل محمد علیهم السلام تا روز رستاخیز هستند .

آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود :

وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ، وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...؛ به خدا سوگند، آنان همان نور خدا هستند که فرو فرستاده است . به خدا سوگند، آنان نور خدا در آسمان ها و زمین هستند

از این روست که انسان های خردمند همواره در جستجوی نورند و از تاریکی به نور هجرت می کنند .

ص: 118

1- . سوره تغابن، آیه 8.

2- . الکافی، ح 1، ص 194.

به نقش سرنوشت ساز هجرت در راه خدا، در همه ادیان الهی اشاره شده است. قرآن کریم نیز با گویش های گوناگون انسان ها را به هجرت دستور داده و از مهاجران در راه خدا تمجید کرده است.

جالب است که در این کتاب آسمانی، از پیامبران الهی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به عنوان مهاجران نمونه یاد شده اند.

از این روست که قرآن مجید داستان هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام را از زبان خلیل خدا این گونه بازگو می کند:

«إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛⁽¹⁾

من به سوی پروردگار خود مهاجرت می کنم که او عزیز و حکیم است.

روی این اصل اساسی، حضرت شهربانو علیها السلام با شناختی که از نور وجود خویش داشت، در جستجوی نور الهی بود و به همین روی، پیش از آنکه در مسیر هجرت، لباس اسارت به تن کند، شبی در عالم رؤیا به زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ریحانه او حضرت زهرا علیها السلام و دردناها و حضرت سیدالشهدا علیه السلام شرف یاب می شود و مسیر سرنوشت ساز حرکت نور به نور در همان عالم، رقم می خورد.⁽²⁾

بانوی برگزیده در جستجوی همین نور بود که لباس اسارت به تن کرد و شهر به شهر با همه هستی خویش، رنج این سفر معنوی و طولانی را با آن شرایط

ص: 119

1- . سوره عنکبوت، آیه 26.

2- . مرآت العقول، ج 6، ص 6.

ویژه، به جان خرید و به شوق دیدار کعبه آمال خود خم به ابروی خود نیاورد و الگویی برای همه منتظران نور شد.

اگر با هدف رسیدن به کعبه دل ها، در بیابان های عصر غیبت گام بر

می دارند، هرگز نومید نشوند و از رنج ها و دردهایی که در راه، از سرزنشگران و خارهای مگیلان می بینند، به دل نگیرند و به مسیر مهر خود ادامه دهند.

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم *** سرزنش ها گر کند خار مگیلان، غم مخور

این بانوی با اصالت و نجیب برای وصال به امام زمان خویش، لحظه شماری می کرد، کاروانی از دلدادگان دیدار بانور را در امپراطوری بزرگ ایران نمایندگی می کرد و برای دریافت مدال افتخار مادر برگزیده به حضور امام زمان خویش گام برمی داشت.

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم *** سرزنش ها گر کند خار مگیلان، غم مخور

ورود به شهر هجرت

و این گونه زمان سپری شد و بنا بر گزارشی، شاهزاده ایرانی وارد شهر هجرت؛ یعنی مدینه منوره شد.

وقتی این بانوی نور به مسجد پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله وارد شد، بانور جمالش، مسجد درخشید. (1)

مسجد شهر، روشن از او شد *** شهربانو به دهر بانو شد

ص: 120

1- . الکافی، ج 1، ص 467، حدیث 1.

همه مردم در شکوه و عظمت این شاهزاده، مبهوت شدند، سکوت بر مسجد حکم فرما شد. امیر مؤمنان علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و شاید برخی دیگر از بنی هاشم در مسجد حضور داشتند و از نزدیک این رویداد شگفت را مشاهده می کردند.

خلیفه وقت که در ظاهر در جایگاه نور الهی نشسته بود، به سمت او گام برداشت.

به یقین این بانوی کمال جو، پیش از این، با فطرت پاک خویش و نیز طبق رویایی راست، با آخرین فرستاده الهی و خاندان پاک و معصوم او علیهم السلام آشنا شده بود. اینک می دید رفتار و گویش کسی که بر مسند خلافت تکیه زده، با روش و منش دادگرانه و مهر و رحمت آن بزرگواران، نه تنها سازگاری ندارد؛ بلکه ستم و جور در تار و پود او تنیده است.

از این رو، این بانوی عقیق و اصیل با جرأت ستودنی و با روحیه ستم ستیزی، او را شایسته پاسخ ندید و از پاسخ به او خودداری کرد. مهین دخت ایرانی در بدو ورود به مدینه با براءت و دوری و رویگردانی از نماینده ستم، در حضور بازماندگان خمسه طیبه؛ یعنی امیر مومنان علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و مردم مدینه، نخستین بخش از کمال دین خود را ارائه کرد.

(1)

ص: 121

1- . بنابر روایتی زیبا پنجمین امام از نسل پاک حضرت شهربانو علیها السلام؛ یعنی امام رضا علیه السلام می فرماید: كَمَالُ الدِّينِ وَلاَ يُتَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا؛ کمال دین در ولایت ما و بیزاری جستن از دشمن ماست. (مستطرفات السرائر، ج3، ص 149؛ بحار الانوار، ج 27، ص 58).

امیر مؤمنان علی علیه السلام که نور الهی و امام زمان آن دوران بود، از نزدیک همه حرکات و گویش های این اسیر آزاده ایرانی را زیر نظر داشت. وقتی چنین رفتار ستودنی را از او دید، دومین بخش از کمال دین او را که پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام است، به تصویر کشید و به واقع در نقش پدری، که به تعبیر پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله پدر امت است و بر فرمانبران آنها ولایت دارد، (1)

سخن آغاز کرد و با آن شاهزاده ایرانی که هم از امت رسول خدا صلی الله علیه و آله است و هم بانویی فرهیخته و با کرامت، به گفت و گو نشست. (2)

با این گفت و گوی صمیمانه، شاه دخت ایرانی دومین بخش از کمال دینش را که همان پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام بود، به صاحب ولایت حضرت علی علیه السلام نشان داد.

ص: 122

1- . بنابر روایتی امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید : من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که همواره می فرمود : أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةَ وَلِحَقُّنَا عَلَيْهِمْ أَكْبَرُ مِنْ حَقِّ أَبِيهِمْ وَإِلَّا دَرَسُوا لِيَوْمَ نُنْقِذُهُمْ إِنْ أَطَاعُونَا مِنَ النَّارِ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ وَنَلْحَقُهُمْ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ بِخِيَارِ الْأَحْرَارِ؛ من و علی پدران این امت هستیم و حق ما بر آنان از حق پدرانشان که آنان را به دنیا آورده اند، بیشتر است؛ زیرا ما آنان را در صورت فرمانبری از ما، از آتش دوزخ نجات داده و به قرارگاه ابدی (بهشت جاوید) می بریم و به واسطه عبودیت خدا، به برگزیدگان آزاده ملحق می سازیم . (بحار الانوار ، ج 23 ، ص 259).

2- . بصائر الدرجات ، ح 1 ، ص 593 ، حدیث 1186.

گفت وگویی امیر بیان به زبان فارسی و مادری آن بانوی با جلالت در شهری که به لغت دیگری سخن می گویند ، نقطه امید روشنی در دل آن اسیر آزاده ، پدید آورد ؛ به گونه ای در اوج غربت ، دل به امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرد و همچون دختری نجیب ، به پرسش های پدری مهربان ، پاسخ می داد .

امیر مؤمنان علی علیه السلام از او پرسید : نام تو چیست ؟

او با نجابت تمام پاسخ داد : شاه زنان . (1)

شاه زنان ؛ یعنی سالار بانوان جهان .

با این پاسخ ، امیر مؤمنان علی علیه السلام به یاد همسر والامقام خود حضرت فاطمه علیها السلام افتاد . همان بانویی که حضرتش همواره به شخصیت و عظمت او می بالید و در ضمن افتخارات خود می فرمود :

ولی الفخر بفاطمه واینها*** ثم فخری برسول الله اذ زوجنیها(2)

من به فاطمه و پدرش مباحثات می کنم ، آن گاه به رسول خدا می بالم که آن بانو را همسر من قرارداد .

به راستی اینجا شهر مدینه است . این شهر ، که با ورود پیامبر رحمت جلوه دیگری یافت ، بانویی دارد که گوی سبقت را از همه بانوان برگزیده تاریخ ربوده است . او محور آفرینش است . آن گاه که فرشته امین از پرتو وجود انوار خمسه طیبه جو یا می شود ، خدای متعال او را محور قرار می دهد و می فرماید:

ص: 123

1- . دلائل الامامة ، ص 194 .

2- . فاطمه الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه و آله، ص 119 .

هُم فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبِعَلِّهَا وَبَنُوهَا...؛ (1)

آنان ، فاطمه و پدر بزرگوار او ، همسر او و فرزندان او هستند ...

همین بانویی را که خدای متعال محور هستی قرار داده ، رسول خدا صلی الله علیه و آله که جز از وحی سخن نمی گوید ، این گونه معرفی می فرماید :

ابْنَتِي فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ (2)

دخترم فاطمه سالار بانوان جهان است .

آری ، فاطمه زهرا علیها السلام برترین بانویی بود که آفریدگارش بر زمینیان منت نهاد و با آن گل و میوه بهشتی - که بهشت هم به طفیل وجود او ، لباس هستی پوشیده بود - روزگار کوتاهی این کره تیره و خاکی را روشن ساخت . افسوس که همین مسند نشینان ، به او ستم روا داشتند ، به بیت رفیع او هجوم آوردند فرزندش را کشتند و ...

از این رو ، این مهین دخت ایرانی به جهت جلالت و شکوهی که داشت سالار بانوان نامیده می شد ، اکنون او در آستان مقدس سالار بانوان جهان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است . بایستی با حفظ شان این نام نامی ، نامی دیگر بر او نهاد . از این رو بود که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود : نه ، نام تو ، شهر بانوست .

به راستی بانوی شهر ، زینده شهر بانو بود . ولی شکوه ، وقار ، عفت ، نجابت و اصالت این شاهزاده چنان جلوه داشت که امیر مؤمنان علی نام دیگری که در شان و عظمتش بود ، برگزید و به تعبیر گزارش های زیبایی :

ص: 124

1- . عوالم العلوم ، ج 11 ، ص 933.

2- . الامالی ، شیخ صدوق ، ص 26 و 298.

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَمَّاهَا مَرْيَمَ: (1)

امیر مؤمنان علی علیه السلام او را مریم نامید .

آری، این بانوی شهر مدینه ، چه همگونی با حضرت مریم علیها السلام دارد که مریم نامیده می شود؟

با رضای خدا به امر علی علیه السلام *** نام آن برگزیده ، مریم شد

اگر حضرت مریم علیها السلام مادر یک عیسی علیه السلام است ، این بانوی بزرگوار مادر نه خورشیدی است که عیسی علیه السلام به آن ستارگان فروزان می نازد .

امیر مؤمنان علی علیه السلام در باره عروس گرامی خویش فرمود: وَهِيَ أُمُّ الْأَوْصِيَاءِ الذُّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ: (2)

او مادر اوصیاء و جانشینان و نسل پاک است.

امیر کلام و هادی امت با این سخن ، راه را به همه انسان های اندیشمند و سخن پرداز ، به روشنی نشان داد و فرمود :

من از مفصل این نکته ، مجملی گفتم *** تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

مهین دخت با کرامت

آری، بعد از این گفت و گوی وصف ناپذیر ، امیر مومنان علی علیه السلام با ولایت الهی خویش آن محفل را مدیریت کرد و یکبار دیگر به همگان نشان داد که به راستی جانشین واقعی پیامبر رحمت کیست . از این ورشته سخن به دست

ص: 125

1- . مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب سروی ، ج 4 ، ص 176.

2- . الخرائج ، ج 2 ، ص 751 .

گرفت و بی آنکه به خلیفه خود خوانده اعتنا کند، به مردم رو کرد و به جایگاه اصیل خاندانی حضرت شهربانو علیها السلام اشاره کرد و فرمود:

أَكْرَمُوا كَرِيمَ كُلِّ قَوْمٍ؛ (1)

گرامیان هر گروهی را گرامی بدارید.

با این بیان رسای امیر بیان، جلوه ای دیگر از مقام و منزلت حضرت شهربانو علیها السلام، برای جهانیان روشن شد.

و آن گاه که حضرت شهربانو علیها السلام با امام زمانش سخن گفت و این گونه پناه جهانیان امیرمؤمنان علی علیه السلام به آن شاهزاده جلیل القدر، پناهداد و در برابر بیداد ستمگران از او دفاع کرد، دلش آرام گرفت و همه رنج سفر و غربت و دوری از وطن را به فراموشی سپرد و رؤیای زیبای خود را تعبیر کرد.

چراکه او می دانست که برای هدفی والا انتخاب شده و در مسیری با عظمت و شکوه گام نهاده است.

همسری همتا

هنگامی که امیرمؤمنان علی علیه السلام به عنوان امام زمان و پدر مهربان، شاهزاده ایرانی را زیر چتر حمایت خویش قرار داد و به صورت رسمی در حضور مردم این مهین دخت ایرانی را با اصالت و کرامت خاندان معرفی کرد؛ به صورت عملی روشن شد که حضرت شهربانو علیها السلام ستاره ای درخشان در آسمان کرامت و فضیلت است و هرگز یک انسان عادی نمی تواند، همتا و همسر چنین ستاره با فضیلتی باشد.

ص: 126

از سویی تا انسان جایگاه و ارزش های وجودی خود را خوب نشناسد، نمی تواند، برای خود همتا و همسری متناسب با جایگاهش، انتخاب کند.

حضرت شهربانو علیها السلام می دانست که خداوند متعال وجود شایسته او را ظرف نور امامت قرار داده است. (1)

از این رو بود که مهین دخت سرزمین فارس در جستجوی همتای خویش بود که در همه ابعاد وجودی بتواند کفو و همتای او باشد.

به راستی چه کسی در آن انجمن بی نظیری که به وسیله امیر مؤمنان علی علیه السلام و با حضور دو گل خوشبوی پیامبر رحمت امام حسن و امام حسینعلیهم السلام اداره می شد، می توانست همسر این مهین دخت گرامی باشد!؟

البته در عالم معنا و رؤیای صادقه ای که حضرت شهربانو علیها السلام دیده بود، از سویی با نام و چهره دلربای حضرت امام حسین علیه السلام آشنا شده بود و از سوی دیگر، در آن محفل نور

مراسم خواستگاری و عقد ازدواج توسط پیامبر مهربانی ها انجام شده بود. (2)

اینک لحظه های ویژه ای در زندگی بانوی با کرامت رقم می خورد. آفریدگار هستی او را از سرزمین نیای خود که تمدن چندین هزار ساله ای را با آیین زرتشتی تجربه کرده اند، به تنها شهر جزیره العرب؛ یعنی مدینه منوره و شهر

ص: 127

1- . ر.ك : كفاية الطالب ، ص 454.

2- . الخرائج والجرائح، ج 2، ص 751. در این کتاب ارزشمند داستان جالبی به تفصیل در این زمینه گزارش شده است .

پیامبر رحمت آورده تا با انتخاب همسر ، فصل جدیدی را در عرصه ولایت و امامت رقم بزند .

آری مهین دخت سرزمین فارس بایستی در آن شرایط ویژه همتا و همسر خویش را انتخاب می کرد تا در سایه سار زندگی مشترک به سوی کمال خود حرکت کند و در آسمان کمال و فضیلت بدرخشد .

از این رو بود وقتی از او پرسیدند : آیا قصد ازدواج داری !؟

با حُجب و حیای ذاتی که داشت ، ساکت شد و پاسخ نداد . امیرمؤمنان علی علیه السلام ، سکوت این دخت با حیا را علامت رضایت دانست و فرمود : قد أراد وبقی الاختیار ؛

او میل به ازدواج دارد ، فقط مانده چه کسی را برگزیند .

دگر باره رؤیای این بانو در برابر دیدگانش ترسیم شد ، و دیده به چهره زیبای امام حسین علیه السلام باز کرد و با احساس تمام به زبان فارسی که نامحرمان با آن زبان بیگانه بودند ، لب به سخن گشود و به امام حسین علیه السلام اشاره کرد و گفت : هذا ان كنتُ مخیّرة ؛ اگر به اختیار من است ، من این رادمرد الهی را به همسری خود بر می گزینم .

آن گاه امیر عوالم هستی امیرمؤمنان علی علیه السلام را ولی خود اعلام کرد . و آن پدر مهربان امّت ، با حذیفه عقد ازدواج حضرت امام حسین علیه السلام با حضرت شهربانو علیها السلام را اجرا کرد . (1)

بدین وسیله مهین دخت سرزمین کهن فارس به صورت رسمی به عنوان عروس ، به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام وارد شد .

ص: 128

آری ، حضرت شهربانو علیها السلام با پیوند ازدواج با امام حسین علیه السلام فصل جدیدی از زندگی خویش را آغاز کرد و از میان بسیاری از دوشیزگان ممتاز عصر خود ، به سعادت سرمدی و عزت و شکوه ابدی رسید و مدال زیبای «عروسی ممتاز» را در خاندان رسالت و امامت از آن خود کرد . آری ، این بانوی ارجمند عروس برگزیده خاندانی است که از آن ها با عنوان آل الله و اهل البیت یاد می شود . بنابر روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید :

إِنَّمَا سُمُّوا آلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَنَّهُمْ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ؛ (1)

آنان را از آن رو آل الله گفتند که در بیت الله الحرام بودند.

به راستی این مقام و منزلت چنان وصف ناپذیر است که اشک شوق از دیدگان آن بانو جاری می کند و مادحان را به مدح و ثنای او وامی دارد که بگویند : ای بانوی عزیز !

اشکی که به چهره ات فرحناک رسید *** شوقی است که از چشمه دل پاک رسید

وقتی که عروس آل یاسین گشتی *** پرواز تو از خاک به افلاک رسید

مادر امامان

بعد از مراسم ازدواج ، امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره عروس گرامی خویش به فرزند برومندش امام حسین علیه السلام سفارشی ویژه کرد و فرمود :

ص: 129

اَحْتَفِظْ بِهَا وَ اَحْسِنْ اِلَيْهَا فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ اَهْلِ الْاَرْضِ فِي زَمَانِهِ بَعْدَكَ وَ هِيَ اُمُّ الْاَوْصِيَاءِ الدَّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ؛ (1)

خوب از او محافظت کن و به او نیکی کن؛ که به زودی بهترین انسان روی زمین را به دنیا می آورد که در عصر خود برترین مردم بعد از تو خواهد بود. او مادر اوصیا و جانشینان و نسل پاک است. بدین روی با ازدواج حضرت شهربانو علیها السلام پیوندی تاریخی برای نسلی برگزیده رقم خورد. همسر او امام حسین علیه السلام، پدر همسر او امیر مؤمنان علی علیه السلام برادر همسر او، امام حسن مجتبی علیه السلام و خواهر همسر او عقیده بنی هاشم حضرت زینب کبری علیها السلام است.

البته مظلومی این خاندان به ویژه بعد از شهادت رسول مهربانی ها حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله زبانزد عام و خاص بود و ستمگران هرگز اجازه نمی دادند این خاندان عصمت و طهارت به صورت آزاد در جایگاه الهی خویش باشند، و همواره از هر نظر عرصه را بر آنان تنگ می گرفتند و از این روست که حقایق زندگی این انسان های ملکوتی برای جهانیان پوشیده است. فقط بخش های کوتاهی از زندگی سراسر نور این انوار الهی در جهان قبل از ظهور انعکاس یافته است.

از این روست که قلم تاریخ نگاران در زندگی رازگونه حضرت شهربانو علیها السلام کمتر به جوهر زده شده و فقط به جلوه ای اندک از آن زندگی پر بار پرداخته اند. اما به واقع اگر در معرفی حضرت شهربانو علیها السلام فقط به همین کلام گهربار امیر مؤمنان علی علیه السلام بسنده می شد، باز هم انسان های فرهیخته، توان درک آن را به طور کامل نداشتند.

ص: 130

امیر مؤمنان علی علیه السلام که خود سید الاوصیاء است ، از مهین دخت و ستاره درخشان سرزمین کهن فارس ، به عنوان مادر اوصیا و نسل پاک یاد می کند .

وهمین مدال افتخار برای این مادر برگزیده بس است که با آن، گوی سبقت را از همه بانوان بزرگ عصر خویش ربوده است . هان که به راستی سخن کوتاه کنم و بیندیشم . بیندیشم که چه می خوانم و چه می نویسم !؟

و چه زیبا سرود آنکه سرود :

ماه است چراغ هفت کشور باشد *** خاک رهش آسمان دیگر باشد

جز حضرت شهربانوی عالم ، کیست ؟ *** یک زن ، که به نه امام مادر باشد

اگر سرور آزاد مردان امام حسین علیه السلام بایستی از این بانو ، همه جانبه محافظت کند و او را گرامی بدارد ؟ پس به راستی وظیفه حسینیان و همه انسان های آزاد اندیش در طول تاریخ و در عصر کنونی درباره این بانوی برگزیده ، چیست ؟

سرزمین فارس در امتداد نور خدای متعال پیامبر مهربان خویش را برای رحمت برای جهانیان فرستاد و فرمود :

« وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ » ؛ (1)

و ما تو را جز مهر و رحمت برای جهانیان نفرستادیم .

هنگامی که این آیه کریمه نازل شد، مردم جزیره العرب که سال ها با پیامبر رحمت در ستیز بودند و رسالت آن رسول مهربان را بر نمی تافتند، نمی دانستند چگونه روزی این رحمت فراگیر همه جهانیان را فرا خواهد گرفت.

ص: 131

1- . سوره انبیاء ، آیه 107 .

بنابر نقل تاریخ، در جنگ احزاب، آن گاه که مسلمانان سخت گرفتار تردید و نگرانی شدند، به هنگام حفر خندق، سنگ بزرگی آشکار شد که کلنگ را شکست. پیامبر در حالی که سلمان فارسی او را همراهی می کرد، وارد خندق شد و کلنگ را به دست گرفت و ضربه ای به سنگ سخت و بزرگ کوبید و آن را دونیم کرد و برقی از آن جهید که همه مدینه را روشن کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در پی این رویداد، تکبیر گفت و مسلمانان نیز به پیروی از ایشان تکبیر گفتند.

سپس پیامبر ضربه دوم و سوم را به همین ترتیب بر آن سنگ سخت و بزرگ زد و آن گاه در حالی از خندق بیرون آمد که آن سنگ را شکسته بود.

سلمان فارسی که مدال «مناهل البیت»⁽¹⁾ را از پیامبر دریافت کرده بود، در باره برقی که به هنگام حفر دیده بود، از آن حضرت پرسید

پیامبر رحمت به او پاسخ داد و فرمود:

أضءات الحيرة وقصور كسرى في الضربة الأولى، وأخبرني جبرئيل أن أمتي ظاهرة عليها. وأضءاء لي في الثانية القصور الحمر من أرض الشام والروم، وأخبرني أن أمتي ظاهرة عليها. وأضءاء لي في الثالثة قصور صنعاء، وأخبرني أن أمتي ظاهرة عليها. فأبشروا.

ص: 132

1- بنابر حدیثی که در عیون اخبار الرضا علیه السلام نقل شده، امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ؛ سلمان از ما اهل بیت است. (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 64، ح 282).

وقتی ضربه اول را زدم و آن برقی که دیدید درخشید، از آن برق کاخ های حیره و مدائن کسری برای من درخشیدند و جبرئیل به من خبر داد که امت من بر آنها دست می یابند. وقتی ضربه دوم را زدم و آن برقی که دیدید درخشید، از آن برق کاخ های سرزمین شام و روم برای من درخشیدند و جبرئیل به من خبر داد که امت من بر آنها چیره خواهند شد.

وقتی ضربه سوم را زدم و آن برقی که دیدید درخشید، از آن برق کاخ های صنعاء برای من درخشیدند و جبرئیل به من خبر داد که امت من بر آنها دست می یابند. پس مژده باد.

مسلمانان به یکدیگر مژده دادند و گفتند: حمد و سپاس از آن خدایی که وعده اش راست است و به ما پس از محاصره مدینه وعده پیروزی داده است... (1)

در همین جنگ سخت وعده پیروزی به دست باکفایت و یدالهی امیر مؤمنان علی علیه السلام رقم خورد و با هموردی با قهرمان بی مانند شرک؛ یعنی عمرو بن عبدود، مدال برتری بر همه انس و جن را از پیامبر مهربان دریافت کرد، آنجا که فرمود: لَصَدْرِيَّ عَلِيٌّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ؛ (2)

به یقین ضربه کاری علی در جنگ خندق از عبادت جن و انس برتر است.

ص: 133

1- . دلائل النبوة، ج 3، ص 419 و 420؛ الكامل في التاريخ، ج 2، ص 179. این حدیث به اختصار در إعلام الوری، ص 90 و 91 و منابع دیگر نیز نقل شده است.

2- . این حدیث زیبا و ماندگار که یکی از برترین فضایل بی شمار امیر مؤمنان علی علیه السلام را بیان می کند، با متون گوناگونی در منابع معتبر حدیثی و تاریخی شیعه و اهل تسنن نقل شده است. برای نمونه ر.ک: المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 34؛ جامع الاحادیث، جلال الدین سیوطی، ج 7، ص 108، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج 2، ص 519؛ بحار الأنوار، ج 39، ص 2.

به راستی اگر سقیفه سازان مدینه ، جانشین بلا فصل پیامبر مهر و رحمت را خانه نشین نمی کردند و امیر مؤمنان علی علیه السلام امامت امت را در ظاهر و باطن به دست می گرفت ، جهان هستی امروزه جلوه دگری داشت .

امیر مهربانی ، دل ها را با مهر و رحمت الهی فتح می کرد و وعده الهی « ما تو را جز مهر و رحمت برای جهانیان نفرستادیم » به بهترین شکل محقق می شد .

به تعبیر بلند حضرت زهرا علیها السلام اگر مردم زمام امور را آن گونه که خدا و رسول او فرموده بودند ، از دستان علی علیه السلام نمی گرفتند و تدبیر کار را آن سان که پیامبر بدو سپرده بود ، تحویل او می دادند، علی علیه السلام آن را به سهولت راه می برد و به سلامت به مقصد می رساند . (1)

اسفا که امت به دست باطل گرایان از مسیر سعادت منحرف شدند و از پذیرش راه روشن خودداری کردند و جهانی با قتل و خونریزی را شکل دادند که برای فتح و پیروزی به جای فتح دل ها ، به فتح کشورها با لشکر کشی های ستمگرانه اقدام کردند.

البته در این زمینه نیز خدای متعال با اراده لایزال خود به دست حجت خویش دل ها را شیفته ولیّ دوران و امیر مؤمنان می کند .

ص: 134

1- . آن گاه که باطل گرایان به خانه وحی هجوم آوردند و حضرت زهرا علیها السلام آن همه مصائب را متحمل شد ؛ به بستر بیماری افتاد . زنان مهاجر و انصار به عیادت حضرتش رفتند . آن بانوی ستم دیده در جمع آنها در ضمن سخنانی در جایگاه رفیع امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود : *وَ تَاللّٰهِ لَوْ مَالُوا عَنِ الْمَحَجَّةِ اللَّائِحَةِ وَ زَالُوا عَنْ قَبُولِ الْحُجَّةِ الْوَاضِعَةِ لَرَدَّوْهُمُ إِلَيْهَا وَ حَمَلَهُمْ عَلَيْهَا وَ لَسَارَ بِهِمْ سَرّاً سَجْحاً ...* ؛ به خداوند سوگند ! اگر امت از مسیر سعادت منحرف شده و از پذیرش راه روشن خودداری می کردند، علی علیه السلام آنها را به راه مستقیم ، رهنمون می شد و به آرامی و صحیح و سالم به سعادت می رساند ... (تحف العقول ، ص 171 ؛ بحار الأنوار ، ج 74 ، ص 267).

با رویکرد به آنچه گذشت، روشن می شود که در همین جنگ سخت احزاب که یاران پیامبر دور همین شهر مدینه خندق می کنند، نمی دانستند که این وعده بزرگ الهی و نقطه پیوند آیین مهر و رحمت پیامبر مهربان به تمدن بزرگ فارس، با حضرت شهربانو علیها السلام رقم خواهد خورد که همان پیامبر رحمت فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ مِنْ عِبَادِهِ خَيْرَاتَانِ فَخَيْرَتُهُ مِنَ الْعَرَبِ قُرَيْشٌ وَمِنَ الْعَجَمِ فَارِسٌ؛ (1)

به راستی خداوند از بندگانش دو برگزیده دارد برگزیده او از عرب، قریش و از عجم، فارس است.

این سخن گهربار در عمل همان سخن چهارمین جانشین پیامبر و فرزند برومند حضرت شهربانو علیها السلام؛ یعنی امام سجاد علیه السلام است که در معرفی خویش می فرمود:

أَنَا ابْنُ الْخَيْرَيْنِ؛ (2)

من فرزند دو برگزیده هستم.

از مدینه تا روم

آری، حضرت شهربانو علیها السلام نخستین بانویی بود که به عنوان مادر اوصیای نور، نقطه عطفی در پیوند اهل بیت نور و تمدن کهن فارس و تمدن های دیگر شد و بخش بزرگی از کره زمین را با نور امامان از نسل مبارک خویش و مکتب غنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آشنا کرد.

از نسل همین بانوی کریمه، امامی خواهد بود که این مأموریت الهی را در همه کره زمین به پایان خواهد رساند، آنجا که خدای سبحان می فرماید:

ص: 135

1- . کشف الغمه، ج 2، ص 107.

2- . مناقب آل ابی طالب، ح 4، ص 167؛ بحار الانوار، 46، ص 4.

« هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ »؛

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین ها پیروز گرداند؛ گرچه شرک ورزی را ناخوش آید.

پیشوای هفتم و چهارمین نسل از فرزندان حضرت شهربانو علیها السلام؛ یعنی امام کاظم علیه السلام در تفسیر این آیه کریمه می فرماید :

يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ؛ (1)

آن را به هنگام قیام قائم بر همه دین ها پیروز می گرداند.

آری، آن موعود آسمانی، همان پیشوای دوازدهم و نهمین نسل از فرزندان حضرت شهربانو علیها السلام؛ یعنی حضرت بقیه الله الاعظم امام عصر علیه السلام؛ است که همگان را به ظهور آن موعود امت ها نوید داده اند.

اینک با گزارشی زیبا در این زمینه دامنه سخن را جمع می کنیم و تفصیل آن را به فرصتی دیگر می سپاریم.

بنابر نقل تاریخ، سپاه فارس در جنگ «قادسیه» از منطقه جنگی عقب نشینی کرد. این خبر به یزدگرد بن شهربار آخرین پادشاه ساسانی رسید، او گمان کرد که رستم فرخ زاد سردار نامی ایران و ارتش فارس همگی کشته شده اند. در این هنگام پیکری آمد و قتل عام پنجاه هزار نفر را در نبرد قادسیه و عقب نشینی سپاه از آن را به شاه گزارش داد.

یزدگرد تصمیم گرفت با اعضای خانواده خویش از « کاخ سفید مداین » فرار کند. او به هنگام ترک کاخ با شکوه و مجلل خویش، برابر ایوان آن ایستاد و این گونه گفت :

ص: 136

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِيوَانُ! هَا أَنَا ذَا مُنْصَرِفٌ عَنْكَ وَرَاجِعٌ إِلَيْكَ أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي لَمْ يَدُنْ زَمَانُهُ وَلَا أَنْ أَوَانُهُ؛

خدا حافظ ای ایوان! من همینک از تو روی برمی تابم و می روم؛ ولی به زودی یا خودم بر می گردم، یا مردی از نسل من که هنوز زمان آمدنش نزدیک نشده و وقت ظهور او نرسیده، به سوی تو بر می گردد.

سلیمان دیلمی گوید: روزی من به خدمت امام صادق علیه السلام شرف یاب شدم و به حضرتش عرض کردم: منظور یزدگرد از «مردی از نسل من» کیست؟

حضرت فرمود:

ذَلِكَ صَاحِبِكُمْ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، السَّادِسُ مِنْ وُلْدِي قَدْ وُلِدَهُ يَزْدَجَرْدُ فَهُوَ وُلْدُهُ؛ (1)

او صاحب شما حضرت قائم علیه السلام است که به امر خدای عزیز و جلیل قیام خواهد کرد. او ششمین فرزند، از نسل من است و یزدگرد نیز پدر اوست. بنابراین، حضرت امام مهدی علیه السلام نهمین امام از نسل حضرت شهربانو علیها السلام مهین دخت یزدگرد ساسانی است.

و در راستای همین پیوند خجسته، در تاریخ اهل بیت علیهم السلام پیوند دیگری رقم خورد و آن پیوند پر رمز و راز حضرت نرگس علیها السلام با امام حسن عسکری علیه السلام بود که مادر ارجمند امام عصر علیه السلام نیز نقطه عطف دیگری را در پیوند اهل بیت نور با امپراطوری روم رقم زد.

ص: 137

1- . مقتضب الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، ص 41؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 164؛ رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، ج 3، ص 52.

آنچه گذشت قطره ای از دریای فضایل حضرت شهربانو علیها السلام بود که رمز گشایی شد . چرا که همه این رازها را به زودی حضرت بقیة الله الاعظم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رازگشایی خواهد کرد .

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی زیبا و راهگشا ، به یار باوفای خویش کمیل بن زیاد نخعی می فرماید :

يَا كَمِيلُ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ؛⁽¹⁾

ای کمیل ! هیچ دانشی نیست مگر آنکه من آن را آغاز می کنم ، و هیچ رازی نیست مگر آنکه قائم علیه السلام پرده از آن برداشته و به پایان می رساند .

در همین مکتب اهل بیت علیهم

السلام انتظار واقعی شکل گرفت و به یکی از اعتقادهای سازنده و نقش آفرینی که باید بسیار به آن اهمیت داد ، تبدیل شد .

از این روست که پیروان این خاندان برای دوران طلایی ظهور نور لحظه شماری می کنند که در سایه سار این باور ، جزو برترین انسان ها باشند و به مولای خود این گونه عرض ارادت می کنند : ای آخرین یادگار از نسل مبارک حضرت شهربانو ! در دوران دردناک هجران شما ، چشم دل ما به نور الهی شما روشن است . ما با همان نور در پی ظهور خواهیم بود و برای فرارسیدن ظهور ، تلاش و لحظه های زندگی دوران هجران را با دعا برای ظهور عطرآگین خواهیم کرد تا به زودی شاهد به ثمر نشستن شجره طیبه آفرینش باشیم .

ان شاء الله ، به امید فرارسیدن آن دوران شکوهمند .

ص: 138

1- . تحف العقول ، ص 171 ؛ بحار الأنوار ، ج 74 ، ص 267 .

حضرت شهربانو ظرف وجود امام زمان / شیخ محمد ظریف

به قلم: نویسنده محقق و دلباخته اهل بیت علیهم السلام

آقای شیخ محمد ظریف

حضرت شهربانو ظرف وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضرت شهربانو دختر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی این سعادت را یافته است که همسر سالار شهیدان حضرت اباعبدالله علیه السلام و مادر سید الساجدین و زین العابدین علیه السلام گردد.

این قدر و شرف برای او بس که ظرف وجود نورانی امام علیه السلام باشد و ادامه ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله از دامان پاک او به وجود آیند و لقب امّ الاوصیاء را دریافت نماید.

افتخاری است بس بزرگ که مادر نه امام و از مصادیق ارحام مطهره است و بطن او وعاء برای امامت گردیده است.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد دختر والا مقامش حضرت صدیقه کبری علیها السلام آمدند و آن حضرت را ناراحت یافتند، از علت ناراحتی ایشان سؤال کردند، فاطمه علیها السلام به پدر بزرگوارش خبر داد که حمیرا بر مادرم فخر فروشی می کند که او پیرزن بوده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إنّ بطن امّک کان للإمامة وعاء؛ از افتخارات مادر تو این است که این لیاقت و شایستگی را داشته که فرزندی در دامن خود پرورش دهد که امامان و پیشوایان این امت از او به وجود آیند. (1)

ص: 139

نمونه دیگر که عظمت این مطلب را بیان می کند رفتار حکیمه خاتون است نسبت به حضرت نرجس خاتون علیها السلام .

حکیمه خاتون با آن مقام و مرتبه و عظمت و جایگاه ویژه ای که نزد امامان داشته در برابر این بانوی بزرگوار از خود تواضع نشان داده است . حکیمه ای که حافظ سرّ انبیاء و اولیاء است و او اولین کسی است که جمال دل آرای حضرت بقیّة الله علیه السلام را در زیر این آسمان کبود نظاره کرده و سفیر آن ولی خدا در حساس ترین لحظات تاریخ بوده ، می فرماید:

روزی نرجس آمد که کفش از پای من بیرون آورد و گفت: بانوی من کفش خود را به من دهید، به او گفتم: بلکه تو بانوی من و سرور من هستی، به خدا قسم اجازه نمی دهم که کفش از پای من بیروی آوری و بگیری و به من خدمت کنی ، بلکه من بر دیده منت دارم و تورا خدمت می کنم .

تو شایسته تجلیل و تکریم هستی ، خداوند به تو پسری عطا خواهد کرد که سرور دنیا و آخرت باشد .

امام عسکری علیه السلام بعد از مشاهده این صحنه و شنیدن این گفتگو برای عمه بزرگوارش دعا کرد و فرمود: خدا به تو جزای خیر دهد. [\(1\)](#)

و این نشان می دهد که عمل حکیمه خاتون مورد پسند و رضایت ایشان بوده است . و این درسی است که به ما دوستان خاندان رسالت می دهد ، باید از شخصیت بزرگواری که فرزندی چون علی بن الحسین علیهما السلام به دنیا آورده تجلیل نمود ، و باید او را به عظمت یاد کرد .

ص: 140

1- . عوالم ، ج 26 ، ص 81 ، ضمن ح 1.

عرض ادب و ادای احترام و اظهار محبت به این بانوی با عظمت باعث رشد و کمال آدمی و تقویت ایمان است . بدون تردید یاد او و گرامی داشت او باعث خشنودی همسر گرامی و فرزند بزرگوارش خواهد شد و دعای خیر آنان را به دنبال خواهد داشت . و این تعظیم شعائر الهی و از مصادیق بارز مودت ذوی القربی و مایه تقرب به درگاه ربوبی است .

بی بی شهربانو نزد خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام دارای شأن و مقامی بسیار ارزنده می باشد ، و بر ما است که قدردانی نماییم و این شخصیت والا و بانوی برگزیده را نزد خدا وسیله و واسطه قرار دهیم ، و در پناه او و ظلّ عنایات او رحمت خدا و لطف و عنایت او را متوجه خود سازیم ، و بلاها و گرفتاری ها را دور نماییم .

کسانی که در این دوران پرفتنه - در حالی که عده ای شیطان صفت در جهت دوری مردم از اهل بیت تلاش می کنند - خود را وقف خدمت به اهل بیت علیهم السلام نموده و دل ها را متوجه ساحت قدسی آنان می سازند ، در حقیقت دین خدا و پیشوایان دین خدا را یاری می نمایند ، تاریکی ها را می زدایند و شبهه ها را برطرف می کنند و اجازه نمی دهند که دشمن به آرزوی خود برسد ، و حقّ بزرگی بر پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام پیدا می کنند و بایدشيفتگان این مکتب نورانی آن ها را به مقدار توان خویش یاری نمایند . خداوند وجود پربرکت آنان را از هر گونه گزند و آسیبی حفظ نماید و توفیق خدمت در رکاب حضرت بقیّة الله را به آن ها کرامت فرماید .

امام سومین را بوده همسر *** حسین بن علی فرزند زهرا

بود بر حضرت سجّاد ، مادر *** که چارم حجت است بر حق تعالی

مشو غافل ز بی بی شهربانو *** که پیوندش بود با آل طه

از این اختر، یکی ماه ولایت *** نموده چهره، گشته عالم آرا

ز فرزندش دم عیّاست جان بخش *** اگر بوده است مریم امّ عیسی

پدر، او را حسین و همچو فرزند *** بود برتر ز عیسی و ز موسی

ز ارواح مقدّس می برد فیض *** اگر جان شد به نور حق مصفّاً

گرت ایمان به پاکان الهی است *** دم رحمان تو را می سازد احیا

توسّل جو به بی بی شهربانو *** که تابد تا ابد مهرش به دل ها

از غصّه بی تاب یا شهربانو *** عزیز ارباب یا شهربانو

جان سجّاد و یار جانانی *** همسر و مادر بر امامانی

جان به قربانت یا شهربانو

ای جرعه ای از زلال کوثر *** ای دامن تو سجّاد پرور

رتبه ات برتر از تعقل ها *** غافلیم از تو در توسل ها

جان به قربانت یا شهربانو

به قلم: نویسنده محقق و ولائی

آقای سید حسن سجادی دژه صوفی

افتخار عرب و عجم

و حلقه وصل ایران و اسلام

یکی از زنان با عظمت و با فضیلتی که در آسمان ولایت و امامت زینت بخش جهان خلقت شده و مایه سربلندی و افتخار عرب و عجم شده است و تاریخ شناسان و محققان ژرف اندیش عاجز از وصف آفتاب وجودی اش شده اند، مادر نه امام معصوم و ظرف خلفای الهی در عالم وجود، حضرت شهربانو علیها السلام است که سبب اتصال عرب به عجم و عروس والا گوهر علی مرتضی و حضرت زهرا و همسر با کفایت سیدالشهداء علیهم السلام است.

از آنجایی که قلم عاجز و قدم ها ناتوان از حرکت در مسیر معرفت و شناخت آن بانوی ارزشمند است و دانشمندان بزرگ جهان اسلام نیز در طول تاریخ نتوانستند عظمت و نورانیت و قدرت معنویت او را به تصویر قلم بکشند، حال ما نیز با قلم شکسته خود سر تعظیم در مقابل آن علیا مخدره فرود می آوریم و از باب تکلیف، آنچه که محدثین به عنوان قطره ای از دریا از وصف آن بانوی مکرمه ذکر کرده اند را بازگو می کنیم.

نام مبارک بانو

الف: نام مبارک بانوی عرب و افتخار عجم در کتب تاریخی معتبر با

ص: 143

عبارات مختلف و متعدد بیان شده است که از نظر می گذرد :

1 : ابن شهر آشوب مازندرانی از علمای بزرگ شیعه ، در کتاب « مناقب آل ابی طالب » می نویسد که مادر امام سجاد علیه السلام ، یک شاهزاده ساسانی بود و پس از بیان تتبعش ، در ادامه چنین می نویسد :

« وَأُمُّهُ شَهْرَبَانُویَهْ بِنْتُ یَزْدَجَرْدَ بْنِ شَهْرِیَارِ الْکِسْرِیِّ وَیَسَّ مُوْنَهَا أَيْضاً شَاهِ زَنَانِ وَجَهَانَ بَانُویَهْ ... »؛⁽¹⁾ مادر آن حضرت، شهربانو دختر یزدگرد پسر شهریار است و او را شاه زنان و جهان بانو و ... هم نام نهاده اند .

2 : در کشف الغمه علامه اربلی به نقل از ابن خشاب ، صاحب کتاب « موالید الائمة » می خوانیم :

« أُمُّهُ خَوْلَةُ بِنْتُ یَزْدَجَرْدَ مَلِکِ فَارِسَ وَهِيَ الَّتِی سَمَّاهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ شَاهِ زَنَانَ وَیُقَالُ بَلْ کَانَ اسْمُهَا بَرَّةُ بِنْتُ التُّوشَجَانَ وَیُقَالُ کَانَ اسْمُهَا شَهْرِیَارُ بِنْتُ یَزْدَجَرْدَ »؛⁽²⁾ مادر وی (امام سجاد علیه السلام) خوله دختر یزدگرد پادشاه ایران است و او کسی است که امیرالمؤمنین او را شاه زنان نامید و گفته شده است که نام او برّه دختر نوشجان باشد و نیز گفته شده که نام او شهربانو دختر یزدگرد باشد .

3 : شیخ مفید که از عالمان سده چهارم است در کهن ترین کتابش ، کتاب

ص: 144

1- . مناقب ابن شهر آشوب ، ج 4 ، ص 189 .

2- . کشف الغمه ، ج 2 ، ص 302 .

« الارشاد » ، درباره اسم والده ماجده حضرت زين العابدين عليه السلام می نويسد :

« وَأُمُّهُ شَاهُ زَنْآنُ بِنْتُ يَزْدَجَرْدَ بْنِ شَهْرِيَّارَ بْنِ كِسْرَى وَ يُقَالُ إِنَّ اسْمَهَا شَهْرَبَانُو »؛⁽¹⁾ مادر علی بن الحسین علیهما السلام ، شاه زنان ، دختر یزدگرد ، پسر شهریار شاه ایران است و گفته شده که نام او شهربانو است .

4 : در کتاب « اثبات الوصیه » نیز آمده است :

« و كانت أمّه جهان شاه بنت یزدجرد ملك آخر ملوک الفرس و هو یزدجرد بن شهریار »⁽²⁾؛ و مادرش جهان شاه ، دختر یزدگرد آخرین شاه ایرانی بوده که همان یزدجرد پسر شهریار است .

5 : در میان رجالین نیز این نام برای مادر آن حضرت ذکر شده است .

زر کلی در « الاعلام »⁽³⁾ و صاحب « دائرة المعارف الاسلامیه » و مرحوم شوشتری در « رساله فی تاریخ نبی و الّآل »⁽⁴⁾ اسامی

مذکوره و سایر اسامی آن حضرت را ذکر کرده است .

6 : محدثین شهیر نیز در این باب همان اسامی را برگزیدند از جمله آنانمی توان از مرحوم کلینی در « کافی »⁽⁵⁾ و محمد بن جریر طبری شیعی در « دلائل الامامه » نام برد.⁽⁶⁾

ص: 145

1- . الارشاد ، ص 269 ، یک جلدی .

2- . اثبات الوصیه ، ص 69 .

3- . الاعلام زر کلی ، ج 3 ، ص 236 .

4- . رساله فی تاریخ النبى و الّآل ، ص 54 .

5- . کافی ، ج 1 ، ص 467 .

6- . دلائل الامامه ، ص 12 .

علامه بزرگوار مجلسی در « بحار الانوار » (1)، نوبختی در « فرق الشیعه » و زمخشری در ربیع الابرار (2) همین اسامی را اختیار کرده اند

با توجه به منابع فوق و اسناد دیگر و همچنین روایت ابن خشاب (متوفی 567 قمری، ایشان عالم نامور نحو، لغت، ادب، حدیث، منطق و نسب شناس می باشد). در کتاب « تاریخ الائمه یا تاریخ موالید الائمه علیهم السلام و وفیاتهم » که از کهن ترین کتب تاریخی در باب ائمه اطهار علیهم السلام است، ملتفت می شویم که در این مورد، بین روایات اهل البیت علیهم السلام و اهل تاریخ در ذکر اسامی حضرت اختلافی وجود ندارد و این روایات و بیان تاریخی، از طرق گوناگون نقل شده و مضمون مشترک در وجود بانوی ایرانی با نام شهربانو در حرم اهل بیت علیهم السلام وجود دارد و همه متحد هستند.

توصیف شخصیت والای حضرت شهربانو

در بیان و توصیف شخصیت والای حضرت شهربانو علیها السلام، تاریخ مطالب ارزنده ای دارد که اوصاف او را صحابه و بزرگان تاریخ ذکر کرده اند که بدان می پردازیم.

الف: دیدگاه ابو الاسود دوئلی

ابو الاسود دوئلی، از یاران مشهور امیرالمؤمنین علی علیه السلام و رهبر بصریین علم ادب، در توصیف حضرت سجاد علیه السلام و حضرت شهربانو اشعاری دارد که در کتب روایی و تاریخی فریقین ذکر شده است.

ص: 146

1- بحار الانوار، ج 46، ص 8.

2- ربیع الابرار، ج 1، ص 402.

مرحوم ابن شهر آشوب از ربیع الابرار زمخشری چنین نقل می کند :

رُويَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: لَلَّهِ مِنْ عِبَادِهِ خَيْرَتَانِ فَخَيْرَتُهُ مِنَ الْعَرَبِ قُرَيْشٌ وَمِنَ الْعَجَمِ فَارِسٌ وَكَانَ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
أَنَا ابْنُ الْخَيْرَتَيْنِ لِأَنَّ جَدَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأُمُّهُ بِنْتُ يَزْدَجَرَدَ الْمَلِكِ؛

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده : خداوند دو تا طایفه برگزیده دارد از عرب قریش است و از عجم فارس ها ، لذا امام سجاد علیه السلام که جدش رسول خدا بود و مادرش از یزدگرد پادشاه ایران نسب داشت . می فرمود : من پسر دو برگزیده هستم .

و انشاء ابو الاسود :

وَإِنَّ غُلَامًا بَيْنَ كِسْرَى وَهَاشِمٍ *** لَا كُرْمٌ مَنْ نِيَطَتْ عَلَيْهِ التَّمَائِمُ

هُوَ التَّوْرُ نُورُ اللَّهِ مَوْضِعُ سِرِّهِ *** وَ مَنَبَعُ يَنْبُوعِ الْإِمَامَةِ عَالِمٍ (1)

این اشعار در منابع حدیثی بزرگان اهل تسنن نقل شده و مرحوم کلینی و صفار قمی نیز در ذیل روایت از امام باقر علیه السلام به اشعار ابوالاسود اشاره نموده اند : عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا قَدِمَ بِأَيْدِي يَزْدَجَرَدَ عَلَى عُمَرَ وَأُدْخِلَتْ الْمَدِينَةَ أَشْرَفَ لَهَا عَذَارَى الْمَدِينَةِ وَأَشْرَقَ الْمَسَّ جِدُّ بِضَوْءٍ وَجْهَهَا فَلَمَّا دَخَلَتْ الْمَسَّ جِدَّ وَرَأَتْ عُمَرَ غَطَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ آهَ بِيَوْمِ بَادَا هُرْمُزُ قَالَ فَغَضِبَ عُمَرُ وَقَالَ تَشْتَمِينِي هَذِهِ وَهَمَّ بِهَا فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَيْسَ لَكَ ذَلِكَ أَعْرِضْ عَنْهَا إِنَّهَا تَخْتَارُ رَجُلًا مِنَ الْمَسِّ لِمِينَ ثُمَّ أَحْسَدَ بِهَا بِفَيْئِهِ عَلَيْهِ فَقَالَ عُمَرُ إِخْتَارِي قَالَ فَجَاءَتْ حَتَّى

ص: 147

1- مناقب ابن شهر آشوب ، ج 4 ، ص 167 ؛ حياة الامام زين العابدين عليه السلام ، ص 31 .

وَضَعَتْ يَدَهَا عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَا إِسْمُكَ قَالَتْ جَهَانُ شَاهُ فَقَالَ بَلْ شَهْرَبَانُوِيهِ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلِدَنَّ لَكَ مِنْهَا غُلَامٌ خَيْرٌ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ (1) امام محمد باقر عليه السلام می فرماید: «همین که دختر یزدجرد وارد مدینه شد، او را نزد عمر بن خطاب آوردند. دختران مدینه به تماشای او آمدند. مسجد مدینه از شعاع روی او روشن شد

همین که عمر تصمیم گرفت که روی او را ببیند، «شهربانو» مانع شد و گفت: «آه بیروج بادا هر مز» به زبان فارسی قدیم یعنی «سیاه بادا روی هر مز که تو دست به فرزند او دراز می کنی.»

عمر گفت: این کنیز مرا ناسزا گوید، خواست که او را آزار دهد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: او منظورش به تو نبود، او را رهاش کن و آزادش بگذار تا هر کدام از رجال مسلمین را خواست به عنوان همسر خویش برگزیند و مهریه او را از بیت‌المال حساب کن. عمر موافقت کرد و گفت: از اهل مجلس یکی را اختیار کن. او از جا برخاست و دست بر سر مبارک حضرت حسین علیه السلام گذارد. آنگاه امیر مؤمنان به زبان فارسی پرسید: چه نام داری؟ عرض کرد: جهان شاه، امام علی علیه السلام فرمود: بلکه شهربانو نام داری.

سپس نظری به حضرت حسین علیه السلام کرد و فرمود: یا ابا عبد الله! این با سعادت را نیکو محافظت کن که از او فرزندی متولد شود که از بهترین مردم اهل زمین (بعد از تو) خواهد بود.

ص: 148

1- . کافی، ج 1، ص 513، چاپ دار الحدیث؛ بصائر الدرجات، ج 1، ص 335.

بسیاری از بزرگان علم و ادب و حدیث و تاریخ، اشعار ابو الاسود دؤنلی را نقل کرده اند که نمونه هایی از آن را ذکر می کنیم:

کتب شیعه

- 1: کتاب کافی، ج 2، ص 514، چاپ و تحقیق دار الحدیث.
- 2: مرآة العقول، ج 5، ص 12، چاپ اعلمی بیروت.
- 3: مناقب ابن شهر آشوب، ج 6، ص 167.
- 4: اثبات الوصیه، ص 145.
- 5: دلائل الامامه، ص 81.
- 6: بحار الانوار، ج 46، ص 166.
- 7: موسوعة سيرة اهل البيت عليهم السلام، ج 15، ص 21.
- 8: قادتنا كيف نعرفهم، ج 4، ص 7.
- 9: رسالة في تاريخ النبي و الآل، علامه شیخ محمد تقی شوشتری.
- 10: ریاحین الشریعه، شیخ ذبیح اللہ محلاتی. 11: زندگینامه امام سجاد علیه السلام، سید جعفر شهیدی.
- 12: اعیان الشیعه، علامه سید محسن امین.

بزرگان اهل تسنن

- 1: زمخشری در ربیع الابرار
- 2: ابن عساکر در تاریخ دمشق
- 3: زرکلی در الاعلام
- 4: صاحب خزانه الادب
- 5: ابن اثیر در النهایه و ...

ب: دیدگاه شیخ حر عاملی

مرحوم شیخ حر عاملی مؤلف گرانقدر کتاب کم نظیر « وسائل الشیعه » و کتاب « اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات » و بیش از بیست کتاب دیگر می باشد و شیخ الاسلام مشهد مقدّس رضوی و مورد توجه و احترام خاص علامه مجلسی بوده است ارجوزه ای را در وصف این بانو ذکر نموده است که مرحوم محدث قمی این ارجوزه را در منتهی الآمال نقل کرده است :

وَ أُمُّهُ ذَاتُ الْعُلَى وَ الْمَجْدِ *** شَاهُ زَنَانِ بِنْتُ يَزْدِجَرْدِ

وَ هُوَ ابْنُ شَهْرِيَارٍ ابْنِ كَسْرِي *** ذُو سَوْدَدٍ لَيْسَ يَخَافُ كَسْرِي

مادر امام سجاد علیه السلام بانوی با عظمت و صاحب رافت و عظمت به نام شاه زنان دختر یزد گرد است که یزد گرد پسر شهریار که شهریار فرزند کسری بود. و یزدگرد به نوبه خود از سیادت و هیبت برخوردار و چنان جاه و جلالی داشت که از افرادی همچون کسری نمی ترسید .

ج: دیدگاه علامه سید عبدالامیر اعرجی

علامه سید عبدالامیر اعرجی ، از خطبا و محققین عراق است که در عصر مرجعیت مرحوم آیه الله العظمی آقای حکیم زندگی می کرده و مورد اعتماد بزرگان حوزه علمیه نجف اشرف و جزء خطبای بیوت مراجع معظم تقلید آن عصر بوده است . این بزرگمرد قضیده ای فاخر در مورد امام زین العابدین علیه السلام سروده و در ذیل آن به توصیف حضرت شهربانو علیها السلام پرداخته است .

مرحوم سید عبدالرزاق مقرم ، قضیده ایشان را در کتاب « حیاة الامام زین العابدین علیه السلام » که در وصف امام سجاد علیه السلام تألیف نموده آورده است .

علامه اعرجی در ذیل آن قضیده ، به وصف مادر امام زین العابدین علیه السلام

ص: 150

اشاره نموده و چنین می گوید :

بِهَاشِمٍ نَالَتْ مُنَاهَا وَفَارِسٌ *** عَلَاهَا وَ عَمَّ الْمُؤْمِنِينَ سُورُ

هُوَ الْخَيْرَةُ بَيْنَ الْخَيْرَتَيْنِ وَ يَا تَرَى *** سِوَاهُ بَنِي الْمَكْرَمَاتِ جَدِيرُ

أَلَا إِنَّ خَيْرَ النَّاسِ أُمَّاَ وَ وَالِدَاَ *** عَلَيَّ وَ مَنْ نَاوَاهُ فَهُوَ شَرِيرُ

تَجَاهَلْتَ قَدْرَ ابْنِ الْبَتُولِ وَ مَنْ لَهُ *** الْمَوَدَّةَ فِي قُرْبَى الرَّسُولِ تُشِيرُ

لَهُ مَنِيرُ مِنْ خَاتَمِ الرَّسْلِ أَحْمَدِ *** وَ مِنْ جَدِّهِ كَسْرَى الْمُلُوكِ سَرِيرُ(1)

با ولادت تو ای زین العابدین علیه السلام آل هاشم و آل فارس به آرزوی خویش رسیدند و مؤمنین جشن و سرور بر پا کردند . او مختار و برگزیده ما بین دو طایفه بزرگ است . آیا می بینی کسی را جز او که شایسته رسیدن به بزرگی ها باشد . او کسی است که از طرف پدر و مادر بهترین افراد است . هر کس از دستور او سرپیچی کند او سرور است . خود را به نادانی زده ای در مورد قدر فرزند بتول و آن کسی که رسول خدا در آیه موده فی القربی به او اشاره دارد . او دارای منبر بلندی از سوی خاتم رسولان حضرت احمد و دارای تخت بلندی از سوی جد خویش کسری پادشاه فارس است .

د: دیدگاه سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی

سید محمد جمال فرزند مرحوم آیه الله العظمی سید جمال الدین گلپایگانی که از شعرای پر آوازه عرب و عجم در عصر خویش بوده و دیوان اشعار فارسی و عربی نیز از خود برجای گذاشته است ، در دیوان اشعار عربی خویش در ذیل قصیده ای که برای امام سجاد علیه السلام سروده است ، به وصف مادر آن امام همام پرداخته که مرحوم سید مقرر در « حیاة الامام زین العابدین علیه السلام » این قصیده را

ص: 151

1- . حیاة الامام زین العابدین علیه السلام ، ص 428 ، چاپ نجف .

از دیوان ایشان نقل می کند و در ضمن آن قصیده در وصف مادر امام سجاد علیه السلام آمده است .

فارس قد خمدت نیرانها *** و تلاشی عهدها الزاهی هباء

این کسری این عنها تاجه *** این ایوان به تزهو دعاء

و تسامت بنت کسری شرفا *** باهن طاها و تملت کبریاء

و تغنی الدهر لما التقیا *** مرج البحرین فخرأ و علاء

ادرت بنت الاساطیر بما *** اسبغ اللہ علیها و افاء

ولدته کوکباً من نوره *** تکسب الشمس اعتلا و ضیاء

سیدتاه به کسری علا *** و به باهی النبی الانبیاء

ورث التاجین عدلاً و هدی *** واعتلا العرشین تقوی و مضاء(1)

پادشاه فارس! دوره خوشی شما گذشت و شادی تان به افسردگی گرایید . خوشرنگی آن متلاشی شد و ویران گردید . کجا رفت کسری و تاج و تخت و حکمت او که با آن مباحثات می کردند؟ . دختر کسری به خاطر فرزند ال طه که خدای متعال نصیب او کرد با آن فرزند به بزرگی رسید و به یک ملت تبدیل شد . فرزندان پادشاهان غبطه می خوردند به خاطر آنچه که خدای متعال به دختر یزدگرد داده است . ستاره ای پر فروغ به او داده است که خورشید از نور او درخشندگی خویش را گرفته است . به واسطه آن کوکب فروزان هم کسری و هم پیامبر اسلام و هم سایر انبیا افتخار کردند . او تاج بزرگی را از دو بزرگ به ارث برده است . یکی تاج عدالت از پادشاه کسری و دیگری تاج هدایت را از پیامبر اسلام و با آن دو تاج بالای دو عرش نشسته است . یکی عرش تقوا ، دیگری عرش نورانیت هدایت .

ص: 152

همانگونه که بیان شد، بشریت قدرت درک معنویت مادر امام سجاد علیه السلام و جوهره وجودی اش را ندارد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

هنگامی که شهربانو را به صورت اسیر وارد مسجد پیامبر کردند « وَأَشْرَقَ الْمَسْجِدُ بِضَوْئِهَا » (1) مسجد از نور او روشن شد!.

این مهم در حالی است که در عالم ظاهر او هنوز اسلام اختیار نکرده بود؛ لذا عمق جایگاه او را به غیر از حضرات معصومین علیهم السلام کسی نمی داند؛ لذا ما به عنوان نمونه به دو روایت و کلام چند تن از بزرگان نسبت به مقام معنوی آن بانو اشاره می کنیم:

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حضرت شهربانو خطاب به امام حسین علیه السلام فرمودند:

يا أبا عبد الله! اِحْتَفِظْ بِهَا فَإِنَّهَا سَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ هِيَ أُمُّ الْأَوْصِيَاءِ الذُّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ ؛ ای ابا عبدالله! از او محافظت کن؛ زیرا به زودی بهترین اهل زمین را برایت متولد خواهد ساخت. و او، مادر امامان از ذریه طیبه است. (2)

مرحوم سید عبدالرزاق مقرر می نویسد:

امام حسین علیه السلام همواره بر شهربانو حرمت می نهاد و او را با تعالیم دینی پرورش می داد. او در میان اهل بیت علیهم السلام جایگاه رفیع و بلندی داشت و همواره مورد احترام همگان بود که مورخین و اهل ادب نسب به جایگاه بلند

ص: 153

1- . کافی، ج 2، ص 513، تحقیق دار الحدیث.

2- . زندگانی امام زین العابدین علیه السلام، ص 28.

او این گونه گزارش کردند .

الف : علامه میرد که از علمای بزرگ تاریخ و ادب در قرن سوم است ، در کتاب « الکامل فی التاریخ » می گوید :

كَانَتْ شَاهِ زَنَانٍ مِنْ خَيْرَةِ النِّسَاءِ(1) ؛ حضرت شاه زنان از بانوان برگزیده است و حقیقتاً شاه بانوان از لحاظ عفت و عقل و ادب جزء زنان برگزیده بود .

ب : ابن شدقم مدینعلامه نسابه، مؤلف کتاب « تحفة الازهار »، توصیف ابن شدقم(2) درباره حضرت شهربانو علیها السلام را بیان می دارد و می نویسد :

وَ كَانَتْ شَاهِ زَنَانٍ ذَاتَ فَضْلٍ كَثِيرٍ؛(3) حضرت بانو شاه زنان دارای فضائل زیادی است .

ج : گنجی شافعی

محمد بن یوسف گنجی شافعی در وصف حضرت شهربانو می نویسد :

ص: 154

1- . الکامل فی التاریخ ، ج 2 ، ص 462 .

2- . ابوالمکارم بدرالدین ، حسن بن علی بن حسن بن علی ابن شدقم حسینی ، از مورخان و فقیهان و شاعران اهل مدینه بود که در سده 10 قمری می زیسته است . تاریخ ولادت وی سال 932 قمری گزارش شده است . علامه مجلسی او را از برخی ظواهر ، از علماء امامیه می داند و تألیفات وی و همچنین برخی نامه های او حاکی از تشیع اوست . ابن شدقم ، عنوانی است که در بین او و پدرش مشترک بوده است . محل تولدش را مدینه ذکر کرده اند . وی در مدینه پرورش یافت و از پدرش ، علم آموخت . وی توانست در مدت زمان اندکی ، خود را در میان بزرگان امامیه جا دهد . خاندان وی نیز همه از دانشمندان بودند و او از نوادگان علی بن الحسین علیهما السلام (امام چهارم شیعیان) است .

3- . زهرة المقول ، ص 16 .

لَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْأَئِمَّةَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ نَسْلِ الْحَسَنِ بْنِ مَرْثَدٍ كَسْرِي دُونَ سَائِرِ زُجَّاتِهِ؛ (1) خدای متعال ائمه معصومین علیهم السلام را از نسل امام حسین علیه السلام از همسر او دختر یزدگرد (کسری) قرار داد نه از سایر زنان او .

د : علامه شیخ باقر شریف قرشی قدس سره

علامه شیخ باقر شریف قرشی (2) در آغاز زندگینامه حضرت سجاد علیها السلام ، وقتی در مقام معرفی مادر آن حضرت بر می آید ، او را این گونه می ستاید : او دختر

یزدگرد ، نوه کسری افتخار مشرق و مغرب زمین است . همان پادشاهی که پیامبر در حق او فرموده است :

وُلِدْتُ فِي زَمَنِ الْمَلِكِ الْعَادِلِ ؛ این بانو در زمان پادشاه عادل کسری به دنیا آمده است او همسر امام حسین علیه السلام و جدۀ ائمة طاهرین علیهم السلام و رابط بین عرب و عجم است . (3)

ص: 155

1- . كفاية الطالب ، ص 454 .

2- . علامه شیخ باقر شریف قرشی (1344-1433ق) از دانشمندان و مورخان بزرگ و مشهور شیعه و مؤسس کتابخانه عمومی امام حسن علیه السلام است . که حدود پنجاه اثر از این محقق به چاپ رسیده است که 46 اثر آن راجع به اهل بیت علیهم السلام و بقیه راجع به ابعاد مختلف سیاسی ، اقتصادی ، تربیتی و ... اسلام مربوط می گردد .

3- . موسوعة سيرة ائمة اهل البيت ، ج 15 ، ص 17 .

عروس ایرانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / شیخ علی نظری مؤمن آبادی

به قلم: نویسنده پرکوش و دلباخته اهل بیت علیهم السلام

آقای حاج شیخ علی نظری مؤمن آبادی (رفسنجانی)

عروس ایرانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

انگیزه نگارش

انگیزه نگارش درباره زندگی پر فروغ عروس ممتاز و ایرانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از آنجا سرچشمه می گیرد که نمک پرورده خاندان پیامبر رحمت و مهربانی ام .

مدتی قبل از نیمه شعبان 1444 بود که از ناحیه احیاگر نهضت فاطمی و دلسوخته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، استاد معظم حضرت آیه الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه در جلسات متعدد برنامه ریزی شده بود که در ایام نیمه شعبان، به احترام قطب دایره امکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تشکیل جلسات رسمی از حضرت نرجس خاتون تجلیل شود و در این راستا شعراء، مامور به سرودن اشعار و اهل قلم، موظف به تحریر مقاله و تبلیغ مکتوب بودند و من نیز مشغول تحریر مقاله « گلبرگی از زندگی نوید بخش مادر منجی عالم » چاپ در صفحات 203 تا 217 کتاب ارزشمند و بی نظیر « مادر باران » چاپ پنجم، بودم.

پاسی از شب گذشته بود که مطلع شدیم یکی از نوه هایم که از سادات هاشمی هستند در حین بازی یک پیچ در گوش او فرو رفته و با مراجعه به

ص: 156

بیمارستان اشرفی اصفهانی (از بیمارستان های قدیمی خمینی شهر) و انجام معاینات لازم، به بیمارستان آیه الله کاشانی (از بیمارستان های مجهز اصفهان) ارجاع داده شد و پس از معاینات لازم به بیمارستان الزهراء عليها السلام (از بیمارستان های بسیار گسترده و مجهز اصفهان) فرستاده شد و آنجا هم با تلاش بسیار کادر پزشکی، نتیجه ای نگرفتند و نوبت اتاق عمل برای ساعت 7:30 صبح روز بعد داده شد.

با وجود جو آشفته جامعه و اغتشاشات موجود و احساس ناامنی و نگاه تند بعضی از مردم به طلاب و روحانیون (1) به اتفاق فرزندم و طفل یاد شده که به نام «سید علی» می باشد به بیمارستان رفتیم و در سالن انتظار، منتظر معاینه نهایی متخصص گوش و حلق و بینی و نتیجه آن نشسته بودیم.

در دل آشوب زده ام به حضرت نجس علیها السلام عرض نمودم: مادر جان! من در حال تحریر مقاله برای تجلیل از شما هستم لطفا شما هم مادری بفرمایید که کار نوه من به اتاق عمل کشیده نشود.

زمانی که منشی دکتر صدا زد «سید علی هاشمی» جهت استغاثه به حضرت نجس علیها السلام ختم صلوات را شروع کردم و حسب الامر استاد زنده یاد حضرت آیه الله حاج شیخ علی اکبر فقیه قدس سره به عدد ده مبلغی را نذر حضرت نجس علیها السلام کردم.

ص: 157

1- این جریان، در ایام اغتشاشات گسترده و آشوب های اجتماعی و رفتارهای پرخاشگرانه بر علیه دین و مظاهر آن بوده است.

طولی نکشید که صدای سید علی از داخل اتاق پزشک (که آماده رفتن به اتاق عمل بود) بلند شد که مامان پیچ بیرون آمد .

من هم درحالی که اشک از چشمانم سرازیر بود خطاب به حضرت نرجس علیها السلام عرض نمودم : مادر جان ممنون ، مادری کردید !
من یک گام برای شما برداشتم شما کرامت بسیار نمودید .

با توجه به مطالبی که گذشت ، زمانی که توسط استاد معظم ، حضرت آیه الله ابطحی دام ظلّه برنامه ریزی بزرگداشت علیامخدره شاه دخت ایران حضرت شهربانو علیها السلام صورت گرفت ، جهت تجلیل از مقام قدسی اُمّ الاوصیاء و اُمّ سید العرب و العجم « مادر بزرگوار امام سجاد علیه السلام حضرت شهربانو علیها السلام » با استعانت از محضر شریف حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با تمام وجود اقدام به نگارش این مجموعه (که در نه قسمت تنظیم شده است) به نام « عروس ایرانی پیامبر اسلام » نمودم تا سفره فیض همسر گرانقدر امام حسین علیه السلام حضرت شهربانو در بین خانواده ام گسترده باشد .

آنان

که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند

1- شاه دخت ایران در یک نگاه

شهربانو ، بر اساس قول مشهور شاهزاده ای از دربار ایران و دختر یزدگرد سوم ، آخرین پادشاه ساسانی بود که در جنگ میان عجم و عرب به اسارت و سپس به ازدواج امام حسین علیه السلام درآمد . این بانوی بزرگوار در روایبی صادقانه ، اسلام آورده و همچون حضرت نرجس خاتون مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط حضرت صدیقه کبری علیها السلام برای فرزند عزیزش امام حسین علیه السلام خواستگاری شده بود ، پس از شکست پدرش یزدگرد سوم ، شهربانو و دیگر اعضای خانواده

ص: 158

سلطنتی ایران توسط ارتش های پیروز عرب در مدائن به اسارت درآمدند و پس از سختی های بسیاری که متحمل شدند به مدینه آمدند .

2- اسماء با مسمای شاه دخت ایران

نام های متعددی در روایات برای ایشان بیان شده است ، اما نامی که در بین بزرگان از شیعه معروف است « شهربانو » می باشد .(1)

همچنین برای علیامخدره شاه دخت سربلندایران نام های مختلفی در کتب تاریخی ذکر شده است که بعضی از آنها عبارتند از شهربانویه

(2) شاه زنان ، (3) جهان شاه ، (4) شهرناز ، (5) جهان بانویه ، (6) خوله ، (7) برّه ، (8) سلافه ، (9) غزاله ، (10)

سلامه ، (11) حدار ، (12) مریم ، (13) فاطمه (14) .

ص: 159

1- . جمل من انساب الاشراف، ج 3، ص 102 .

2- . الارشاد، ج 2، ص 137 .

3- . همان ، ص 137 .

4- . اصول کافی، ج 1، ص 467؛ تاریخ قم، ص 197.

5- . مجمل التواریخ و القصص، ص 456.

6- . مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 311.

7- . همان ، ص 311.

8- . همان ، ص 311.

9- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 4، ص 8.

10- . طبقات الکبری، ج 5، ص 326 .

11- . اصول کافی، ج 1، ص 466 .

12- . تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 303.

13- . مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 31 .

14- . همان ، ص 311 .

در تاریخ یعقوبی چنین آمده که: یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام علی اصغر است و مادرش حرار دختر یزدجرد می باشد که حسین علیه السلام او را غزاله می نامید. (1)

در منابع اهل سنت، بر نام های « سلافه، سلامه و غزاله » تاکید شده است.

ابن قتیبه در معارف گوید: می گویند مادر علی بن الحسین الاصغر... و به او سلافه یا غزاله می گفتند.

هر یک از این نام های دلنشین در سندی از اسناد تاریخی موجود است که از میان آنها نام « شهربانو » و سپس « شاه زنان » از بقیه مشهورتر است.

3- نسب شریف حضرت شهربانو علیها السلام

یعقوبی، مورخ قرن سوم هجری، اولین کسی است که درباره نسب شهربانو مطلب نوشته و می توان به آن استناد کرد. او درباره مادر امام سجاد علیه السلام می نویسد: وَأُمُّه جَرَارُ بِنْتُ یَزْدَجَرْدٍ. (2)

بیشتر منابع نام پدر شهربانو را یزدگرد، آخرین شاه ساسانی نوشته اند.

درباره خاندان این بانوی با عظمت و سعادت مند و با افتخار ایرانی، چند نظریه وجود دارد. ولی دانشورانی چون: یعقوبی، محمد بن حسن صفار قمی، شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ مفید، شهربانو را، دختر یزدگرد سوم (آخرین پادشاه

ساسانی) دانسته اند. قرائن و شواهد زیادی در اسناد و روایات معتبر وجود دارد، که مادر مکرمه حضرت سجاد علیه السلام از خاندان پادشاهان ایران باستان بوده است که با تقدیر الهی پس از تشریف به اسلام در عالم رؤیا، به

ص: 160

1- . تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 247. (ترجمه محمد ابراهیم آیتی).

2- . تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 303.

دست سپاهیان اسلام اسیر و به مدینه آورده شده و به عقد نکاح حضرت امام حسین علیه السلام در آمده است .

خلاصه اینکه علیا مخدره شهربانوشاه دخت ایران عروس برگزیده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرزند یزدگرد سوم (یزدگرد بن شهریار بن پرویز بن هرمز بن انوشیروان) آخرین پادشاه ساسانی است .(1)

4- رؤیای کم نظیر شاه دخت ایران

از شهربانو سؤال کردند به چه علت ، امام حسین علیه السلام را به عنوان همسر خویش انتخاب نمودید ؟

در پاسخ گفت : پیش از آن که لشکر اسلام بر ما هجوم آورد ، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به همراه فرزندش حسین علیه السلام وارد منزل ما شد و مرا به ازدواج حسین علیه السلام درآورد . وقتی از خواب بیدار شدم ، عشق و علاقه به او تمام وجودم را فرا گرفته بود و به غیر از او به چیز دیگری نمی اندیشیدم . و چون شب دوم فرا رسید، در خواب دیدم که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ، به منزل ما آمدند و دین اسلام را بر من عرضه نمودند و من نیز اسلام را پذیرفتم و در عالم خواب توسط حضرت زهرا علیها السلام مسلمان شدم . سپس حضرت زهرا علیها السلام به من فرمود : به همین زودی لشکر اسلام بر فارس غالب و پیروز خواهد شد و تو را به عنوان اسیر می برند ؛ و پس از آن به وصال فرزندم حسین خواهی رسید و کسی نمی تواند نسبت به تو تجاوز و قصد سوئی کند .

ص: 161

1- . دائرة المعارف فرهنگ و هنر ، ص 773؛ منتهی الآمال ، ج 2، ص 2.

شهربانو افزود: سخن و پیش گوئی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به واقعیت پیوست و من صحیح و سالم به وصال خود رسیدم و به همسری و ازدواج امام حسین علیه السلام در آمدم. و پس از گذشت مدتی سید الساجدین، امام زین العابدین علیه السلام در شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود و جهانی را به نور وجود مقدس خود روشنائی بخشید و آن حضرت همانند دیگر ائمه اطهار علیهم السلام در حالتی به دنیا قدم نهادند که پاک و پاکیزه بودند؛ و پس از تولد، شهادت بر یگانگی خداوند و رسالت جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامت و خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و دیگر اوصیاء آن حضرت تعلیم السلام دادند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نسبت به این نوزاد فرمودند: «ابن الخیرتین» یعنی؛ پدر این نوزاد، امام حسین علیه السلام بهترین خلق خدا و مادرش، شهربانو بهترین زن از زنان عجم می باشد. (1)

و چه زیبا شاعر خوش ذوق، ابوالاسود دوانلی سروده است:

وَإِنَّ غُلَامًا بَيْنَ كِسْرَى وَهَاشِمٍ *** لَا كَرْمٌ مَن نَبَطَتْ عَلَيْهِ التَّمَائِمُ

پسری که از بین کسری و هاشم برخاسته، شایسته ترین کودکی است که برایش نظربند بیاویزند.

5- ازدواج شاه دخت ایران با امام حسین علیه السلام

در مورد ازدواج شهربانو با امام حسین علیه السلام چنین نقل شده که بعد از اظهار رضایت شهربانو، امیرمؤمنان علیه السلام او را برای امام حسین علیه السلام خواستگاری نموده و نوشته اند مترجم ایشان، جناب سلمان بوده است. (2)

ص: 162

1- اصول کافی، ج 1، ص 466؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 128؛ ارشاد مفید، ص 160؛ بحار الانوار، ج 46، ص 8 و ص 13.

2- باب الأنساب والألقاب والأعقاب، ج 1، ص 11.

محمد بن جریر طبری، از علمای بزرگ شیعه، در کتاب «دلائل الامامه» می نویسد:

اسیران ایرانی وارد مدینه شدند و عمر تصمیم داشت زنان را بفروشد و مردان را به عنوان برده بگیرد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پیغمبر فرموده است افراد برجسته هر قوم و ملت را گرامی بدارید.

عمر صدور این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله را تأیید کرد سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اینها کسانی هستند که به میل خودشان علاقه مند به اسلام شده و تسلیم شدند، من شما و خدا را گواه می گیرم که سهم خودم از اینها را در راه خدا آزاد نمودم. تمام بنی هاشم حتی برخی مهاجر و انصار پیروی کردند و گفتند: ما نیز حق خود را به شما بخشیدیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خدایا! شاهد باش من تمام آنچه را ایشان به من بخشیدند در راه تو آزاد نمودم. گروهی از قریش علاقه به ازدواج با آن بانوان را داشتند امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برای ازدواج اختیار انتخاب با خودشان است. در اینجا برخی از شهربانو، دختر کسری خواستگاری نمودند که او با اشاره به امام حسین علیه السلام دیگران را رد نمود. حتی در مرتبه دوم در برابر سؤال حضرت امیر علیه السلام از انتخابش، به زبان فارسی گفت: اگر انتخاب با من است، او را انتخاب کردم. امیرالمؤمنین علیه السلام برای اجرای خطبه عقد نام او را پرسیدند؟ گفت: شاه زنان دختر کسری هستم. حضرت فرمود: شاه زنان فقط [فاطمه علیها السلام] دختر محمد صلی الله علیه و آله است. تو شهربانو هستی و خواهرت مروارید است. عرض کرد: آری صحیح است. شهربانو با امام حسین علیه السلام ازدواج نمود. (1)

ص: 163

در ارتباط با شهرت ازدواج حضرت امام حسین علیه السلام با شاهزاده ایرانی که ثمره آن ولادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام بوده در بعضی از اسناد تاریخی و روایی چنین آمده است :

زمخشری در کتاب ربیع الابرار آورده است :

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: لَلَّهِ مِنْ عِبَادِهِ خَيْرَتَانِ، فَخَيْرَتُهُ مِنَ الْعَرَبِ قُرَيْشٌ وَمِنَ الْعَجَمِ فَارِسُ؛ (1) از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: برای خداوند از بندگانش دو برگزیده وجود دارد. پس برگزیده او از عرب، قریش و از عجم، فارس است.

وَكَانَ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ أَنَا ابْنُ الْخَيْرَتَيْنِ لِأَنَّ جَدَّهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأُمُّهُ بِنْتُ يَزْدَجَرْدَ الْمَلِكِ؛ على بن الحسين عليهما السلام می فرمود: من فرزند دو برگزیده هستم، چون جدش رسول الله بود و مادرش دختر یزدگرد پادشاه. (2)

مرحوم اربلی می نویسد :

« أُمُّهُ خَوْلَةٌ بِنْتُ يَزْدَجِرْدَ مَلِكِ فَارِسَ وَهِيَ الَّتِي سَمَّاها أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ شَاهُ زَنْانَ وَيُقَالُ: بَلْ كَانَ اسْمُهَا بَرَّةُ بِنْتُ التُّوشَجَانِ وَيُقَالُ: كَانَ اسْمُهَا شَهْرَبَانُو بِنْتُ يَزْدَجِرْدَ؛ مادر وی (امام سجاد علیه السلام) خَوْلَةُ دختر یزدگرد پادشاه ایران است و او کسی است که امیرالمؤمنین علیه السلام او را شاه

ص: 164

1- . ربیع الابرار ، باب العاشر ، ج 2 ، ص 44 .

2- . بحار الانوار، ج 46، ص 4، 7، 8 و 9، ح 20 .

زنان نامید و گفته شده است که نام او بزه دختر نوشجان باشد و نیز گفته شده که نام او شهربانو دختر یزدجرد می باشد. (1)

در کتاب « موالید اهل البیت » چنین آمده : مادرشان « خوله » دختر « یزدگرد » پادشاه فارس بود . همان که امیرالمؤمنین علیه السلام او را « شاه زنان » نامیدند. (2)

شیخ مفید در کتاب « الارشاد » درباره مادر امام سجاد علیه السلام می نویسد :

أمه شاه زنان بنت یزدجرد بن شهریار کسری و يقال : ان اسمها شهربانو ؛ مادر علی بن حسین علیهما السلام شاه زنان دختر یزدگرد پسر شهریار ، شاه ایران ، می باشد و گفته شده که نام او شهربانو است. (3) در تاریخ یعقوبی آمده است :

مادر علی بن حسین علیهما السلام حرار دختر یزدگرد بود و حسین علیه السلام نام او را غزاله نهاد. (4)

در کتاب « اثبات الوصیة » چنین آمده است :

« وروی أنّ ابا محمد ولد سنة ثمان و ثلاثين من الهجرة و كانت أمه جهان شاه بنت یزدگرد ملك آخر ملوك الفرس و هو یزدگرد بن شهریار » ؛ روایت شده است که ابا محمد (امام سجاد علیه السلام) در سال 38 هجری به دنیا آمد و مادرش جهان شاه دختر یزدگرد آخرین شاه ایرانی بوده که همان یزدگرد پسر شهریار است. (5)

ص: 165

1- . کشف الغمه ، ج2، ص 317 .

2- . همان ، ص 317 .

3- . الارشاد ، ج2، ص 137 .

4- . تاریخ یعقوبی ، ج2، ص 303 .

5- . اثبات الوصیة ، ج1، ص 170 .

در مورد ماجرای اسارت این بانو نقل شده که : هنگامی که حضرت علی علیه السلام ، حرith بن جابر حنفی را به حکومت قسمتی از شرق فرستاد ، حرith از آن سرزمین دو دختر یزدگرد را به اسارت گرفت و نزد حضرت علی علیه السلام روانه ساخت حضرت شهربانو را به امام حسین علیه السلام بخشیدند و زین العابدین علیه السلام از او متولد شد و دیگری را به محمد بن ابی بکر داد و قاسم از او متولد گردید . (1)

آری ! وی از میان بسیاری از دوشیزگان به این سعادت و عزت رسیده است که برای پیامبر و خاندانش علیهم السلام « عروسی ممتاز » باشد ، چرا که در همان روز نخستین آشنایی با خاندان نبوت و امامت و به هنگام عقد ازدواج ، از زبان امیر مؤمنان علیه السلام این بشارت را شنید که آن حضرت به پسرش امام حسین علیه السلام فرمود :

يا ابا عبد الله! احْتَفِظْ بِهَا فَإِنَّهَا سَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدَكَ وَ هِيَ أُمُّ الْأَوْصِيَاءِ الذَّرِيَّةِ الطَّيِّبَةِ ؛ ای ابا عبد الله ! از او محافظت کن ؛ زیرا به زودی ، بهترین اهل زمین را بعد از تو برایت متولد خواهد ساخت . و او ، مادر امامان از ذریه طیبه است . (2)

در روایت دیگری آمده :

احْتَفِظْ بِهَا وَ أَحْسِنْ إِلَيْهَا فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدَكَ . (3)

ص: 166

1- . الارشاد، ج 2، ص 137 ؛ رباحين الشريعة ، ص 12 و 13؛ جلاء العيون ، ص 833 .

2- . زندگانی امام زین العابدین علیه السلام ، مقرر ، ص 28.

3- . اصول کافی، ج 1، ص 467.

سرانجام پس از مدت زمانی انتظار به سر رسید و بشارت آسمانی تحقق یافته و بهترین اهل زمین ، بعد از امام حسین علیه السلام یعنی علی بن الحسین ، متولد شد و دیدگان پدر ، مادر و خاندان علوی روشنایی دیگر یافت .

8- وفات شاه دخت ایران شهربانو

به اتفاق مورخین حضرت شهربانو در همان روزهای آغازین میلاد امام سجاد علیه السلام (در ایام نفاس) چشم از دنیا فرویست .(1) و پیکر مطهرش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.(2)9- کرامت حضرت شهربانو علیها السلام برای حج

روز یکشنبه 28/03/1402 ساعت هفت صبح در رفسنجان با پدر خانمم و فرزند ایشان که از طلاب حوزه علمیه اصفهان عازم سفر حج بودند خداحافظی کردیم . ساعت از 11 گذشته بود که همسرم با برادرشان تماس گرفتند که ببینند در چه شرایطی هستند ، که مصیبت شروع شد . ایشان گفتند که به حاج شیخ علی بگو دستم به دامنتم به خاطر کار معافیت تحصیلی ، ممنوع الخروج هستم و پدرشان هم از رفتن امتناع نموده است .

فوری زنگ زدم به یکی از دوستان و ایشان با قسمت نظام وظیفه مرکز مدیریت هماهنگ کرد و آنها محبت کردند نامه درخواست خروج از کشور را به قم فرستادند (پس از 72 ساعت در سیستم نظام وظیفه کشوری قرار می گرفت) صدای ناله و گریه ، چندین خانواده را درگیر کرد . با هزاران بغض و اضطراب با چشمان اشک آلود گفتم : بی بی جان شهربانو! ما نمک گیر خانواده اهل بیت پیامبریم و من مشغول نوشتن مقاله ای با نام «عروس ایرانی پیامبر اسلام» ، هستم دست ما و لطف و کرم و عنایت شما که

ص: 167

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2 ، ص 128.

2- . زندگانی حضرت امام حسین سیدالشهداء (ثارالله)، عمادزاده ، ص 127.

مشکل اعزام حاجیان ما فراهم شود .

با تماس های مکرر رفع مشکل شد . ساعت 12 قرار پرواز بود با تماس با معاون کاروان آقای فداکار گفت درب هواپیما بسته شده و پله ها را برداشته اند .

در اوج ناامیدی آخرین تماس مدیر کل فرودگاه بود که ایشان نهایت لطف را مرحمت نمود و دستور پرواز را لغو کرد .

خلاصه با ضمانت و مسئولیت مدیر کل فرودگاه پس از نیم ساعت تاخیر و سوار شدن جا مانده ممنوع الخروج با کرامت علیامخدره شاه دخت ایرانی پرواز انجام شد که اشک شوق به جای اشک ماتم و اندوه بر چهره چندین خانواده نشست .

دو کرامت جالب

خطیب نامدار و ولایی ، حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسن احمدی اصفهانی سدهی در مجلس عظیم بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام در شهر مقدس مشهدالرضا علیه السلام در بیت الزهرا علیها السلام (محل برگزاری جلسات حدیث شریف کساء) در ایام میلاد پر برکت حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام دو داستان جالب از کرامات حضرت شهربانو علیها السلام را در محضر علما اعلام و شعرا و مداحان بزرگوار ، و جمع کثیری از زائران و مجاوران حریم قدسی رضوی بیان نمودند که هم اکنون در اختیار علاقه مندان قرار داده می شود . ایشان فرمودند:

حسب الامر حضرت آیت الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی دو کرامت از حضرت شهربانو علیها السلام نقل می نمایم :

کرامت اول :

دهه دوم محرم الحرام سال 1394 شمسی دارالحسین (حسینیة کربلایی ها) در شهر یزد ، جهت منبر دعوت شدم . روز دوم یکی از بانوان محترمه نامه ای که در آن شماره موبایلش مرقوم بود نوشته بود که : سه فرزند دارم ، مستأجرم و شوهرم

ص: 168

کارگر معمولی کارخانه ای است که در آن کار می کند، آرزو داریم که به کربلای معلی مشرف شویم و با این فقر میسر نیست، چه کنم؟

با آن شماره تماس گرفتم و عرض کردم: حقیر در یزد بانی برای 5 نفر سراغ ندارم ولی بانویی را می شناسم که سلطان زاده، شاه زاده و بزرگ زاده است و شاهزادگان بس کریمانند و او شهربانو مادر عظیم الشأن حضرت مولی امام علی بن الحسین، زین العابدین علیه السلام، همسر امام حسین علیه السلام و عروس حضرت زهراست، ختم قرآنی هدیه به ایشان قرائت کنید، مشکل را ایشان حل می نمایند. ایام فاطمیه گذرم به آن دیار افتاد که همان خانم با منتماس گرفتند و عرضه داشتند: طبق دستوری که دادید ما ختم قرآن نمودیم، ختم که تمام شد، فردای آن روز آقایی به سراغ ما آمد و گفت: گذرنامه هایتان را جهت سفر کربلا بدهید.

گفتم: گذرنامه نداریم و در ضمن، پول تهیه آن را هم نداریم. ایشان مدارک را از ما گرفتند و گذرنامه تهیه کرده و هر 5 نفر ما را با خرج خودشان از یزد به کربلا بردند.

کرامت دوم

یکی از آشنایان، دخترش پس از دو سال عقد، کارش به طلاق کشید، و خواستگاری های متعدد داشت که هر کدام با شکست مواجه می شد و دچار استرس شده بودند و آنان از این امر خسته شده بودند. حقیر پیشنهاد تلاوت یک ختم قرآن هدیه به حضرت شهربانو علیها السلام را دادم. ختم مزبور را انجام دادند. پس از مدت کوتاهی دامادی سید، با اخلاق و مورد پسند به خواستگاری آن دختر آمد، ازدواج محقق شد. الآن دارای فرزند هستند و زندگی شیرینی دارند. الحمدلله.

به قلم: نویسنده فدائی اهل البیت علیهم السلام

آقای شیخ غلامحسین مجلسی

مادران انبیاء و امامان ، بانوان برگزیده و نشانه های راه خدا

از برکات خداوند بر ما این است که مادران ائمه علیهم السلام از کشورها و جوامع مختلفی هستند برای این که تمام ملل و جوامع به شکلی با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام آشنا شوند . و خداوند تبارک و تعالی نبوت و امامت را از حجاز و اعراب انتخاب کرد و با انتخاب شهربانو از ایران ، تکتم از آفریقا ، نجمه از اقصی بلاد مغرب ، ریحانه از نوبه (و مصر و تونس) ، سمانه از مغرب و نرگس از روم . چند قاره آسیا و اروپا و آفریقا و اقوام و ملل دیگر را در اسلام شریک نمود تا اولاً : جواب مغرضان و معترضان که چرا نبوت و امامت در اعراب و حجاز خلاصه می شود را داده باشد و ثانیاً زمانی که آخرین وصی و خلیفه الهی ، حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف امام زمان ، ظهور نموده و اعلام حضور کردند ، تمام ملل جهان او را از خودشان بدانند و او را خلاصه در ملت عرب و کشور حجاز ندانند .

قرآن کریم در حق حضرت مریم علیها السلام ، مادر حضرت عیسی علیه السلام که یکی از پنج پیامبر اولوالعزم و بزرگ خداوند می باشد می فرماید : « وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءٍ

العالمین؛ (و به یاد آور) زمانی که فرشتگان گفتند ای مریم! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر تمام زن های جهان برگزیده و برتری داده است. « (1)

کلمه « اصطفاء » برگزیده شدن در این آیه دوبار درباره مریم تکرار شده است و نشان می دهد که قرآن می خواهد با تأکید بیان کند که حضرت مریم علیها السلام یک زن عادی نبوده، بلکه خداوند او را بین تمام زنان زمان خویش برگزیده و انتخاب کرده تا مادر حضرت عیسی علیه السلام یکی از بزرگترین پیامبران الهی باشد.

با مطالعه در تاریخ و روایات مربوط به مادران ائمه معصومین علیهم السلام این نکته بر ما ثابت می شود که آنها نیز بانوانی بودند که خداوند آنان را در بین تمام زنان زمان خویش برگزیده و انتخاب کرده است چون قرار است آنها عروس های حضرت زهرا و امیرالمؤمنین علیهما السلام شوند و نسل کوثر برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آنها تحقق پیدا کند.

آری، اگر چه هفت تن از این بانوان بزرگوار کنیز بوده اند، ولی نه کنیزانی عادی مثل دیگر کنیزان که در بازار خرید و فروش می شوند بلکه امامان معصوم که حجت خدای می باشند و بدون اراده خداوند کاری انجام نمی دهند به امر خداوند و با نشانه هایی که خدا یا رسول خدا در اختیار آنها قرار داده بود آنها را خریداری می کردند و به همسری بر می گزیدند. که البته در بین این بزرگواران امر دو بانو به خاطر عظمت آنها استثنائی تر است، یکی شهربانو و دیگری

ص: 171

نرجس خاتون ، چرا که این دو بانو را رسول اکرم صلی الله علیه و آله مستقیماً آنها را انتخاب کرده و از آنها خواستگاری نموده اند .

شهربانو مادر امام زین العابدین علیه السلام

حضرت شهربانو ماجرای خود را اینچنین بیان می کند : زمانی من در کاخ پادشاه ایران بودم پیش از تسلط لشکر مسلمانان بر ما ، شبی در عالم رؤیا دیدم پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله همراه با حسین بن علی علیهما السلام وارد منزل ما شدند و پیامبر از من برای فرزندشان حسین علیه السلام خواستگاری کردند و در شب بعد در رؤیائی دیگر خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسیدم و با تلقین ایشان شهادتین را بر زبان جاری کردم .(1) و نرجس خاتون می فرماید : زمانی که عقد من و پسر عمویم در کاخ روم به هم خورد ، شب در عالم رؤیا دیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و وصی ایشان حضرت علی بن ابیطالب علیهما السلام و جمعی از فرزندان بزرگوار ایشان به قصر تشریف آوردند و پیامبر اکرم به حضرت مسیح علیه السلام فرمودند : ما آمده ایم ملیکه فرزند تو را برای فرزند خود امام حسن عسکری علیه السلام خواستگاری کنیم و چند شب بعد در عالم رؤیا خدمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رسیدم و با تلقین ایشان دو کلمه طیبه شهادتین را تلفظ نمودم .(2) حال با سیری در روایاتی که درباره مادران ائمه معصومین علیهم السلام ذکر شد ، قسمت هایی از این روایات که دلیل برگزیده شدن و انتخاب الهی این بانوان می باشد را بیان می کنیم .

ص: 172

1- . منتهی لآمال ، ج 2، ص 31، باب 6، در تاریخ حضرت سیدالساجدین علیه السلام .

2- . کمال الدین و تمام النعمه ، ج 2، ص 132.

کنیز بزرگواری بود که از آفریقا به مدینه آورده شد و زمانی که او را به محضر امام باقر علیه السلام آوردند حضرت از او سؤال کردند چه نام داری؟ گفت: حمیده.

حضرت فرمودند:

« أَنْتَ حَمِيدَةٌ فِي الدُّنْيَا مَحْمُودَةٌ فِي الْآخِرَةِ؛ تو پسندیده در دنیا و ستایش شده در آخرت هستی ». یعنی خداوند تو را در دنیا و آخرت برگزیده است.

امام باقر علیه السلام فرمودند: چگونه کسی به تو دسترسی پیدا نکرده است؟

کنیز گفت: هرگاه برده فروش می خواست طرف من بیاید، خداوند مردی را که موی سر و محاسنش سفید بود بر او مسلط می نمود و بر صورت او می زد تا از من منصرف شود و این قضیه چند مرتبه رخ داد.

و امام صادق علیه السلام در حق ایشان فرمودند:

« حَمِيدَةُ مُصَفَّاءٌ مِنَ الْأَنْسِ كَسَيْبِكَةِ الذَّهَبِ مَا زَالَتِ الْأَمْلَاقُ تَحْرُسُهَا حَتَّى أُدِيَتْ إِلَيَّ كِرَامَةً مِنَ اللَّهِ لِي وَالْحُجَّةُ مِنْ بَعْدِي؛ حمیده همچون شمش طلا- از هرگونه آلودگی پاک و پیراسته است و فرشتگان از وی حفاظت می نمودند تا اینکه به من پیوست و این به جهت کرامتی است از حق تعالی برای من و حجت بعد از من. (1)

ص: 173

هشام می گوید: همراه موسی بن جعفر علیهما السلام به بازار برده فروشان در مدینه رفتم و زمانی که حضرت کنیزی را دیدند انتخاب کردند. برده فروش گفت من این کنیز را از اقصی بلاد مغرب خریدم. و روزی زنی از اهل کتاب وقتی او را با من دید، پرسید که این کنیز را از کجا آورده ای؟ گفتم: این را برای خود خریده ام. گفت: سزاوار نیست که این کنیز نزد تو بماند. این کنیز نزد بهترین اهل زمین می رود و چون به تصرف او در آید بعد از اندک زمانی پسری از او به دنیا می آید که اهل مشرق و مغرب او را اطاعت کنند.

و بعداً امام موسی بن جعفر علیهما السلام به اصحاب خود فرمودند:

به خدا قسم! من این کنیز را نخریدم مگر به امر خدا و وحی خداوند.

و حضرت توضیح دادند که:

من جدم رسول الله و پدرم امیرالمؤمنین را در عالم رؤیا دیدم که یک قطعه ابریشم به همراه داشتند چون آن را باز کردند یک پیراهن در میان آن بود که تمثال این دختر بر آن نقش بسته شده بود به من فرمودند: ای موسی! این دختر، بهترین اهل زمین را برای تو به دنیا می آورد و هنگامی که او متولد شد نام او را «علی» بگذار. (1)

ص: 174

1- . منتهی الآمال ، ج 2، ص 457 در تاریخ زندگانی علی بن موسی الرضا علیه السلام .

و در مقام عصمت او همین بس که از این بانوی مجلله دو فرزند معصوم به دنیا آمد یکی خورشید فروزان امامت ، حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام و دیگری ماه تابان خاندان عصمت و طهارت ، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام .

ریحانه مادر امام جواد علیه السلام

او کنیزی بود از نسل ماریه قبطیه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اخبار غیبی خود او را بهترین کنیزان از اهل نوبه (1) دانسته است . و بر پاکی و طهارت او شهادت داده اند .

محدث نامدار شیعه ، مرحوم حاج شیخ عباس قمی قدس سره او را (مانند دیگر مادران ائمه علیهم السلام) از برترین زنان روزگار خویش شمرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در حق او فرمود :

« بِأَبِي أُنْ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ النَّوْبِيَّةِ الطَّيِّبَةِ ؛ پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان از اهل نوبه ، آن زن پاک و طیبه باد . » . مرحوم حاج شیخ عباس قمی قدس سره در کتاب شریف « منتهی الامال » می نویسد :

در جلالت این معظمه کافست که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام قبل از دستگیریشان توسط حکومت عباسی ، به شاگرد خود یزید بن سلیط فرمودند : امسال حکومت مرا

ص: 175

1- . نوبه ، نام منطقه ای است در آفریقادار امتداد رود نیل که از جنوب به شمال سودان و از سمت شمال به جنوب مصر محدود می شود . هم اکنون نیمی از سرزمین نوبه جزء کشور مصر (نوبه سفلی) و نیمی دیگر جزء سودان (نوبه علیا) است .

دستگیر می کند و امامت پس از من به فرزندم علی بن موسی الرضا علیهما السلام منتقل می شود، زمانی که او را ملاقات کردی به او بشارت بده که به زودی برای وی فرزندی امین و ایمن و خجسته متولد خواهد شد و به او بگو این فرزند از زنی از خاندان ماریه قبطیه خواهد بود، و اگر برای تو مقدر شد حتماً سلام مرا به آن زن برسان(1) و از این کار سرباز مزن.(2)

سمانه مادر امام هادی علیه السلام

محمد بن الفرّج می گوید: روزی امام جواد علیه السلام مرا فرا خواند و به من خبر داد که در قافله ای که اخیراً وارد مدینه شده برده فروشی وجود دارد که کنیزکانی برای فروش (از مغرب) آورده است. سپس آن حضرت 60 دینار به من دادند و از من درخواست نمودند که با آن پول به نزد آن برده فروش بروم و کنیزی را که خصوصیات او را برایم مشخص کرده بودند، برای آن حضرت خریداری نمایم. لذا من به امر آن حضرت آن کنیز را که با همان مشخصات بود خریداری نمودم و نزد آن حضرت آوردم و خداوند متعال از آن کنیز فرزندی به امام جواد علیه السلام عطا نمود که او «هادی» لقب گرفت. مورّخان بیشتر او را به «سمانه المغربیه» نام می برند. (که نشان می دهد او کنیزی از اهل مغرب بوده است.)

ص: 176

-
- 1- . همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله انصاری امر فرمودند: سلام مرا به امام محمدباقر علیه السلام برسان .
 - 2- . کافی، ج 1، ص 315.

امام هادی علیه السلام در حق ایشان فرمودند :

أَنَّهَا عَارِفَةٌ بِحَقِّي، وَهِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، لَا يَقْرُبُهَا شَيْطَانٌ مَارِدٌ، وَلَا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَهِيَ مَكْلُوءَةٌ بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَلَا تَتَخَلَّفُ عَنْ أُمَّهَاتِ الصِّدِّيقِينَ وَالصَّالِحِينَ؛ (1) مادرم عارفه است به حق من و او از اهل بهشت است که نزدیک نمی شود به او شیطان سرکش و نمی رسد به او مکر جبار عنید و خداوند او را نگهدار و حافظ است و تخلف نمی کند از مادران صدیقین و صالحین و با آنها هم مرتبه است .

این جمله امام هادی علیه السلام می رساند که مادران صدیقین و صالحین که همان ائمه معصومین علیهم السلام می باشند صفاتی خاص دارند . 1: عارف به حق امامت هستند ؛ 2: اهل بهشت می باشند ؛ 3: شیطان به آنها نزدیک نمی شود ؛ 4: خداوند نگهبان و حافظ آنها است .

سلیل (سوسن) مادر امام حسن عسکری علیه السلام

حاج شیخ عباس قمی در « منتهی الآمال » می نویسد : در « جنات الخلود » آمده است : مادر امام یازدهم حَدِيثٌ یا به قولی سلیل کنیزی بوده که در ولایت و شهر خویش پادشاه زاده بوده است . (2)

و در فضیلت و منزلت او همین بس که طبق روایت شیخ صدوق پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام او مفرع و پناه شیعیان بوده و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به او که « جدّه » لقب گرفته بوده ، مراجعه می کردند . (3)

ص: 177

1- . مدينة المعاجز ، ج 7 ، ص 420 .

2- . بحار الانوار، ج 50 ، ص 238 ؛ منتهی الآمال ، زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام .

3- . کمال الدین و تمام النعمه ، ص 507 .

به قلم: نویسنده ولایتی و پرسوز و تلاشگر

آقای شیخ محسن جلائی

گزارش مختصری از برنامه های بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام

مقدمه

از آثار و برکات توسل به محضر مبارک حضرت نرجس خاتون علیها السلام و تجلیل گسترده از مقام و منزلت ایشان در ماه های اخیر در سال 1444 هجری قمری، توجه و توسل عمومی جامعه به محضر امّهات طاهرات ائمه علیهم السلام و به طور خاص توسل به مادر گرامی امام زین العابدین علیه السلام، حضرت شهربانو علیها السلام و تجلیل و گرامی داشت مقام ایشان است که در دهه پرفیض کرامت رضویه، با عنایات کریمانه حضرت رضا و حضرت فاطمه معصومه علیهما السلام با پیگیری ها و تلاش های ستودنی استاد معظم، حضرت آیه الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه کلید خورد.

در مقدمه برنامه، به سرعت پوسترها و پرچم هایی با طراحی زیبا و مناسب شأن حضرت شهربانو علیها السلام آماده شد و مقاله جامع نویسنده و محقق گرانمایه، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام ظلّه به همراه مقاله ای دیگر و اشعاری که به تازگی در مدح حضرت شهربانو علیها السلام سروده شده بود، در مجموعه ای با عنوان « زندگی و شخصیت حضرت شهربانو علیها السلام حلقه وصل ایران و اسلام » گردآوری شد و چاپ اول آن در دهه کرامت در اختیار نویسندگان و شعرای گرامی قرار داده شد، و با موج گسترده ای که به لطف

الهی در جامعه شکل گرفت، با رسیدن مقالات دیگری از محققین و اشعار دیگری از شاعران آئینی همان مجموعه، با اضافات به چاپ رسید به طوری که در دهه عاشورای 1445 هجری قمری، چاپ سوم آن به جامعه عرضه شد، و بحمدالله فوق انتظار و فراتر از باور، این حرکت مقدّس روز به روز اوج گرفت و دامنه آن از اصفهان تا مشهد مقدّس و قم و دیگر شهرها گسترده شد.

با عنایات رضویه در شروع این حرکت، در ایام ولادت حضرت امام رضا علیه السلام اولین مجلس گرامی داشت حضرت شهربانو علیها السلام در مکان بیت الزهرا علیها السلام (واقع در کوی سرشور) در شهر مقدّس مشهد برنامه ریزی شد و اطلاعیه مجلس در سطح وسیعی در فضای مجازی نشر و بازنشر داده شد، که ذیلاً گزارش آن به محضر علاقه مندان امور ولائی تقدیم می گردد.

سفر به مشهد مقدّس و استعانت از حضرت رضا علیه السلام

در اولین مراحل اقدامات و فعالیت ها، جهت بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام، آیه الله موحد ابطحی دام ظلّه به منظور استعانت از حضرت رضا علیه السلام و توسل به محضر ایشان به مشهد مقدّس مشرف شدند و طی چند روزی که میهمان امام رئوف علیه السلام بودند در راستای گرامیداشت حضرت شهربانو علیها السلام اقدامات مؤثری انجام دادند. پس از تشرّف به حرم مطهر و توسل ویژه به محضر امام رضا علیه السلام، در اولین اقدام با دعوت مؤسسه غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله پیش از ظهر روز ولادت امام رضا علیه السلام (چهارشنبه 10/3/1402) در جمع کثیری از بانوان فرهیخته و صاحب قلم و صاحب

سخن و پیش از ظهر روز پنجشنبه 11/3/1402 در جمع طلاب و مبلغین خراسان رضوی، از بستر گفتمان « غدیر در خانواده » استفاده نموده و به مناسبت، لزوم تجلیل و تکریم امّهات طاهرات علیهم السلام و به طور خاص تکریم حضرت شهربانو علیها السلام را مطرح نمودند و دقایقی با سخنان مهیج و تاثیرگذار، اذهان آماده حاضرین را به موضوع تکریم حضرت شهربانو علیها السلام معطوف کردند، که از متن این دو جلسه برکات ویژه ای به دست آمد و موج آفرین شد به طوری که مشابه این جلسات در اصفهان تکرار شد و در تاریخ (دوشنبه 22/3/1402، 23 ذی القعدة) در حوزه علمیّه جوادیه، به مناسبت شب زیارتی امام رضا علیه السلام و در مقدمه برنامه های عید غدیر، در جمع مبلغین و فعالین غدیری اصفهان و نیز در تاریخ (سه شنبه 23/3/1402 در مجموعه بیت العتره، در جمع بانوان فرهیخته و فعال در عرصه تبلیغ و ارشاد دینی اصفهان) سخنان مهیج و موج آفرینی در مرود لزوم اقدام برای بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام ایراد فرمودند که زمینه را برای اقدامات بعدی فراهم نمود.

جلسه توجیهی مستقل برای برگزاری مجلس بزرگداشت در مشهد مقدّس

به وسیله فعالان ولائی مشهد مقدّس، از جمعی از علماء و خطباء و برخی دیگر از فرهیختگان و چهره های مؤثر برای شور و مشورت و به اشتراک گذاشتن نقطه نظرات برای موفقیت بیشتر در احیای امر حضرت شهربانو علیها السلام و شکوه بخشی بیشتر به مراسم گرامیداشت دعوت به عمل آمد و هنگام ظهر روز پنجشنبه 11/3/1402 در منزل شاعر و مداح با اخلاص

اهل بیت علیهم السلام آقای حاج علی پاکدامن با حضور مدعوین مجلس ویژه ای رقم خورد .

حضرت آیه الله موحد ابطحی دام ظلّه با حضور مدعوین محترم از جمله آیه الله سید جعفر سیدان دام ظلّه و آیه الله مصباح دام ظلّه گزارشی از چگونگی برنامه های بزرگداشت حضرت نرجس خاتون علیها السلام ارائه فرمودند و راجع به لزوم تجلیل از مقام حضرت شهربانو علیها السلام و اقدامات انجام شده ، سخنان شیوائی عرضه داشتند .

در ادامه ، حضرت آیه الله سیدان دام ظلّه تحت تأثیر مجلس ، دقایقی به ایراد سخن پرداختند و نکات و نقطه نظرات قابل توجهی را بیان نمودند ، سپس آقای پاکدامن اشعاری را در مدح حضرت شهربانو علیها السلام خواندند و مجلس با توسل به ذیل عنایات حضرت رضا علیه السلام ادامه یافت و مهمانان سر سفره اطعام رضوی مهمان شدند و تا ساعتی بعد هم در نشستی صمیمانه و عالمانه در ابعاد مختلف موضوع صحبت های مفیدی رد و بدل شد و در مجموع ، آثار و برکات فراوانی به دست آمد . مشهد مقدّس - بیت الزّهرا علیها السلام مراسم بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام

بیت الزهرا علیها السلام حدیث کساء (واقع در خیابان اندرزگو ، کوی سرشور ، رویروی سرشور 24) شام پنجشنبه 11/3/1402 (12 ذی القعدة الحرام 1444 قمری) پذیرای مهمانان حضرت شهربانو علیها السلام بود ، مراسم با قرائت حدیث شریف کساء آغاز شد و از همان ابتدای مجلس حال و هوای متفاوتی بر بیت الزّهرا علیها السلام حاکم بود .

چهره های برجسته از علماء و خطباء و فضلاى حوزه علمیه مشهد، شاعران آئینی، پیرغلامان و مادحین و فعالان برنامه های دینی و هیئات مذهبی و جمعی از زائران گرامی حضرت رضا علیه السلام از شهرهای مختلف ایران، زینت بخش مجلس بودند و همچنان فوج فوج و دسته دسته بر انبوه میهمانان مراسم افزوده می شد. مجلس در مدح خوانی و شعرخوانی ویژه حضرت شهربانو علیها السلام با افاضه شاعران و مادحین گرامی آقایان حاج علی پاکدامن، محمد علی بقائی، مسعود یوسف پور و مجتبی خلیلی دنبال می شد و هر کدام به اقتضای مجلس اشعار تازه خود را با شور و حال ارائه نمودند. سپس خطیب توانا و استاد گرامی، آقای حاج شیخ حامد رضا معاونیان دام عزه مشرف به منبر شدند و با بیاناتی زیبا، جامع و عالمانه، با شور و هیجان مناسب شأن حضرت شهربانو علیها السلام ایشان را تکریم نمودند. (1) در فرازهایی از سخنرانی جناب آقای معاونیان، جمعیت با چشمان اشکبار گوش جان فراداده بودند و در ذکر مصیبت، و توسل مجلس یکپارچه اشک و گریه شد.

در پایان مجلس، به عنوان حسن ختام، دقایقی خطیب گرانقدر آقای حاج سید حسن احمدی اصفهانی دام عزه با بیان دو کرامت از حضرت شهربانو علیها السلام افاضه فرمودند و بار دیگر بیت الزهرا علیها السلام در حالت شور و اشک، در اوج قرار گرفت و حال و هوای ویژه ای به وقوع پیوست. با توجه به کیفیت ویژه و منحصر به فرد مراسم، و اینکه میهمانان مجلس نوعاً از

ص: 182

1- . متن سخنرانی آقای معاونیان در پایان مقالات، به محضر علاقه مندان تقدیم می گردد.

اثرگذاران در برنامه های دینی بودند و از شهرهای مختلف کشور در مجلس حضور داشتند ، آثار و برکات فوق العاده به دست آمد و دامنه موج تکریم از حضرت شهربانو علیها السلام به شهرهای مختلف ایران رسید .

شهر مقدّس قم ، بیت آية الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره

« مراسم بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام »

به لطف الهی مجلس بزرگداشت مشهد ، بازتاب فوق العاده ای در جامعه دینی و ولایتی داشت و هر روز اخبار خوبی از گوشه و کنار کشور حکایت می شد ، به طوری که آية الله ابطحی دام ظلّه پس از بازگشت از مشهد مقدّس ، با هم اندیشی فعالان و دوستان قم ، مراسم بزرگداشتی را در قم در بیت شریف مرحوم آية الله العظمی آقای حائری یزدی قدس سره برنامه ریزی نمودند و برای ساعت ده صبح روز چهارشنبه 24/3/1402 (25 ذی القعدة الحرام) اعلام برنامه نمودند و اطلاعیه مراسم ، در سطح وسیعی در فضای مجازی ، توسط دوستان ولایتی نشر و باز نشر داده شد .

سحرگاه روز موعود ، آية الله ابطحی دام ظلّه با جمعی از شاگردان و دوستانشان ، عازم قم شدند و در اولین اقدام ، مشرف به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام شده و با استعانت و مددخواهی از آن حضرت برای حضور در مراسم آماده شدند .

پوسترها و پرچم نورانی حضرت شهربانو علیها السلام در محل برگزاری مراسم نصب گردید و با حضور جمع کثیری از علماء و خطباء و مبلغین استان قم ، از جمله آية الله العظمی آقای کریمی جهرمی ، آية الله زادگان مرحوم آية الله

العظمیٰ آقای گلپایگانی قدس سره، آیه الله احمدی یزدی، استاد محقق آقای مهدی پور و ... مراسم بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام در رأس ساعت ده صبح آغاز شد.

آیه الله موحد ابطحی دام ظلّه با بیاناتی گرم و پرشور و با استفاده از ارائه گزارشی از چگونگی برنامه های تکریم حضرت نرجس خاتون علیها السلام از کم و کیف برنامه های حضرت شهربانو علیها السلام و لزوم تجلیل و تکریم از ایشان سخن گفتند، و در ادامه مراسم، دیگر بزرگواران از جمله، محقق و نویسنده نامدار، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور و آیه الله زاده صدر حسینی و ... دقایقی پیرامون این موضوع مهم سخن گفتند. در ادامه برنامه ها، دیدار با حضرات آیات: کریمی جهرمی و طبسی و ... دستور کار قرار داده شد. آیه الله ابطحی دام ظلّه و هیئت همراه بعد از ظهر چهارشنبه، ابتدا خدمت آیه الله طبسی دام ظلّه و سپس خدمت آیه الله العظمی آقای کریمی جهرمی دام ظلّه رسیدند و از رهنمودها و پشتیبانی های معنوی آنها استفاده نمودند. و به عنوان حُسن ختام سفر به مسجد مقدّس جمکران مشرف شدند و از محضر مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکر نموده و به ایشان برای ادامه حرکت متوسل شدند.

برنامه

مقدماتی بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام - اصفهان - بیت الزهرا علیها السلام

تحت الطاف و عنایات اهل بیت علیهم السلام و تلاش ها و کوشش های خادمین اهل البیت علیهم السلام و پیگیری های مُصرانه مسئولین مربوطه و بازتاب مراسم بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام در شهرهای مقدّس مشهد و قم و پشتیبانی معنوی علماء

ص: 184

و بزرگان دین و رهنمودهای ایشان، علاقه مندان به اهل بیت علیهم السلام همگی به میدان آمدند، و اهل قلم و نویسندگان و گویندگان و شعراء و مداحان اهل البیت علیهم السلام دست به کار شدند و با همراهی مردمان ولایتی، در راستای گرامیداشت حضرت شهربانو علیها السلام موج گسترده ای را آغاز نمودند.

آیه الله موحد ابطحی دام ظلّه علی رغم برنامه های علمی و اجتماعی گسترده و همیشگی در امر حوزه علمیّه و تدریس و نیز امر مسجد و خطابه و مراجعات مردمی، برگزاری مجلس مقدماتی گرامیداشت حضرت شهربانو علیها السلام را برنامه ریزی فرمودند و شخصاً از علماء، فضلاء، و خطباء و جمعی از مادحین و شعرای گرامی و عده ای از فعالان هیئات مذهبی و خدمتگزاران ولایتی برای مراسم مقدماتی بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام در بیت الزهرا علیها السلام برای ظهر جمعه 30/4/1402 (سوم محرم الحرام 1445 قمری) دعوت فرمودند.

ظهر روز موعود با حضور همه مدعوین از جمله مهمانان گرانقدری از شهر قم با اجرای مداح دلسوخته اهل البیت علیهم السلام آقای حاج علیرضا مهرپرور مراسم آغاز شد.

عده ای از شعرای گرامی، اشعارشان را در مدح حضرت شهربانو علیها السلام قرائت فرمودند، و سپس آیه الله موحد ابطحی دام ظلّه پیرامون شخصیت حضرت شهربانو علیها السلام و کم و کیف برنامه های انجام شده و اقداماتی که باید انجام شود بیاناتی را عرضه داشتند. سپس در مورد آشنائی شان با کتاب « همراه با خورشید

«(1) پیرامون توسعه حرم مطهر حضرت رقیه علیها السلام سخن گفتند و از پژوهشگر و محقق آن که در مجلس شرفحضور داشتند، تجلیل به عمل آوردند و از ایشان دعوت کردند دقایقی پیرامون این کتاب شریف سخن بگویند .

حجة الاسلام آقای سید حسن سجادی دره صوفی دام عزه با بیان گرمشان مطالب ویژه ای راجع به حضرت رقیه خاتون علیها السلام عنوان فرمودند که در فرازهایی از آن همگان منقلب شدند و حال ویژه ای در بیت الزهرا علیها السلام به دست آمد .

در پایان، آیه الله ابطحی دام ظلّه به عنوان حُسن ختام مجلس، از کتاب « از غدیر تا عاشورا » که یک اثر فاخر هنری - ولائی است رونمایی فرمودند و از صاحب این اثر فاخر آقای عباس عمومی که خطاط و هنرمند ولائی و دلباخته اهل البیت علیهم السلام هستند، در حاشیه مراسم، تجلیل به عمل آوردند . سپس همه بر سر سفره اطعام حضرت شهربانو علیها السلام پذیرایی شدند و چاپ سوم کتاب حضرت شهربانو علیها السلام به همراه منتخبی از کتاب « همراه با خورشید » و مقاله ای راجع به حضرت رقیه خاتون علیها السلام در اختیار مدعوین قرار گرفت .

مجلس بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام، حسینیه حضرت جوادالائمه علیه السلام

ص: 186

1- . کتاب بسیار جالبی است به قلم زنده یاد، مرحوم آیه الله حاج شیخ مجتبی عراقی رحمه الله که از یاران مرجع عالیقدر شیعه، مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی قدس سره بوده است . و در این کتاب، خاطرات مهمی از دوران زعامت آن پیشوای بزرگ نقل نموده که از جمله آنها، اقدام آن بزرگ مرد در ساخت ضریح برای قبر مطهر حضرت رقیه علیها السلام و فرستادن و نصب کردن آن بر مزار شریف آن حضرت و دیگر اقدامات آن پیشوای ولائی و دلسوخته اهل البیت علیهم السلام برای توسعه و تجهیز حرم مطهر آن مظلومه شهیده علیها السلام می باشد . مطالعه این کتاب بسیار جالب و دلنشین می باشد .

با رهنمودهای الهی، مقرر شد مجلس بزرگداشتی برای حضرت شهربانو علیها السلام با دعوت از علماء و خطباء، مادحین و شعرای گرامی و فعالان از هیئات مذهبی و فرهیختگان دانشگاهی و اجتماعی در حسینیه جوادالائمه علیه السلام اصفهان در تاریخ جمعه 20/5/1402 (24 محرم 1445) برگزار گردد. پس از برگزاری مجلس بیت الزهرا علیها السلام که گزارش مختصر آن گذشت و برگزاری شکوهمندانۀ مراسم دهۀ عاشورا، همه توجہات و دغدغۀ خادمین، به مراسم بزرگ حسینیه حضرت جوادالائمه علیه السلام معطوف شد.

حضرت آیة الله موحد ابطحی دام ظلّه مجدّدانه برنامه بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام را با برگزاری جلسات پی در پی و پیگیری های مصرّانه دنبال می فرمودند، که از جمله، جلسه ای را برای توجیه دوستان و تاکید بر نکات و تذکرات مهم و مشورت برای هر چه بهتر شدن مراسم، با فعالان ولائی در تاریخ چهارشنبه 11/5/1402 (15 محرم الحرام 1445 قمری) در بیت العتره علیهم السلام برگزار نمودند که با توجه به کمّ و کیف جلسه، و شور شوق حاکم بر آن نقش بسیار مؤثری در برگزاری مجلس بزرگ حسینیه جوادالائمه علیه السلام داشت.

هم چنین، در روز یکشنبه 15/5/1402 جلسه ای دیگر برای هم اندیشی در مورد شکل چینی و تزئین مجلس بزرگداشت، ترتیب داده شد و اطلاعیه مراسم در سطح وسیعی در فضای مجازی نشر داده شد و... و بدین ترتیب هر چه به روز موعود نزدیکتر می شدیم، تلاش ها جانانه تر می گردید و با نشاط و شوق بیشتری برنامه ها دنبال می شد.

سر انجام صبح روز جمعه 20/5/1402 (24 محرم الحرام 1445 قمری) در آستانه شهادت حضرت سجاد علیه السلام حسینیه حضرت جواد الائمه علیه السلام پذیرای میهمانان اُمّ السّجاد ، حضرت شهربانو علیها السلام بود ، و عده ای از دوستان و خادمین اهل البیت علیهم السلام ساعتی زودتر از شروع مجلس آمده بودند و در تکاپوی آماده سازی مجلس بودند ، و از همان ابتدای مجلس علاقه مندان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دسته دسته ، به حسینیه وارد می شدند .

جمع گسترده ای از فضلا و طلاب حوزه علمیه و مردمان ولائی ، از طرف خیابان حافظ از مسجد نور و عده ای از دوستداران اهل بیت علیهم السلام از کسبه و هیئتی ها از سمت خیابان نشاط از مسجد حاج ابوالمحسن به صورت قافله عزاداری با شور و نوا به سمت مجلس در حرکت بودند ، که در ورودی حسینیه با هم تلاقی کردند و به صورت یک قافله بزرگ و منسجم وارد بر مجلس شدند و سینه زنان در حسینیه شور و نوا را به اوج رساندند ، و با نوای مادحین ، ذکر (یا شهربانو مدد) را همه فریاد کردند .

جمعیت قابل توجهی آمده بودند و هر لحظه بر انبوه ایشان افزوده می شد ، عده ای پس از بهره مندی از فیض مجلس ، می رفتند و جمعی دیگر وارد بر انجمن می شدند و همواره فضای حسینیه مملو از جمعیت بود ، مجلس با اجرای مداح توانا و با اخلاص ، آقای حاج علیرضا مهرپرور دنبال می شد ، نقراتی از شاعران عزیزی که در مجلس شرف حضور داشتند به نوبت با اشعار تازه شان در مدح حضرت شهربانو علیها السلام ، با توجه به فضای فوق العاده مجلس ، بر شور و هیجان احساسات ولائی می افزودند .

مهمانان عزیزی از شهرهای مختلف از جمله قم، اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شهرضا و کوهپایه و خمینی شهر و ... آمده بودند و حضور گسترده فضلا و طلاب در مجلس چشمگیر بود.

خطیب توانا و دانشمند فرزانه، حضرت آیه الله حاج شیخ احمد رضوی حفظه الله از شهر قم، مشرف به منبر شدند و عالمانه و محققانه، پر شور و غیرتمندانه در شأن حضرت شهربانو علیها السلام سخن گفتند، در فرازهایی از سخنان ایشان، مجلس یکپارچه شور و اشک بود و این حال و هوا در هنگام توسل و ذکر مصیبت، اوج گرفت و در تمام مدت خطابه حال ویژه ای در مجلس حکم فرما بود.

در پایان مجلس، آیه الله موحد ابطحی دام ظلّه با چشمانی اشکبار و حالتی منقلب دقایقی پر هیجان و پر اثر، افاضه فرمودند و در پایان سخن، شاكرانه از افتتاح سایت حضرت شهربانو علیها السلام خبر دادند و در این مدت، خیل کثیر جمعیت، گریان گوش به سخنان فرا داده بودند.

جناب آقای احمد علوی شاعر دلسوخته اهل البیت علیهم السلام که از شهر قم مهمان مجلس بودند در دقایق پایانی مجلس فیض دادند، و شور و اشک و صدای ناله ها و گریه ها مجلس را پر کرد و در پایان از سایت حضرت شهربانو علیها السلام به نام (سایت شاه زنان) رو نمائی شد. و این مجلس نوارانی و تماشائی با آنچه در آن از شور و معنویت و نورانیت گذشت خاطره ای ماندگار برایمان رقم زد، امیدواریم انشاءالله تحت توجهات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در گذر زمان این حرکت همچنان پر اثر و پر برکت باشد و موجب خوشنودی و رضایت حضرت زهرا علیها السلام گردد.

کرامتی جالب و امید بخش

یکی از ارادتمندان حضرات معصومین علیهم السلام کرامتی از حضرت ام الاوصیاء شهربانو علیها السلام نقل نمودند که بدین قرار است :

دو سال می شد که درگیر مشکلی در زندگی بودیم و به اتفاق همسر با آن دست و پنجه نرم می کردیم و در تمامی ایام شهادت ها و شادی معصومین علیهم السلام در جلسات شرکت می نمودیم و به همه انوار مقدس معصومین علیهم السلام متوسل می شدیم ولی مشکل ما حل نمی شد. به همت عالم خدوم شهرمان، حضرت آیه الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه مجلسی به نام مادر حضرت سیدالساجدین، امام زین العابدین علیه السلام، یعنی حضرت شهربانو علیها السلام در حسینیه جوادالائمه علیه السلام بر پا گردید و مشکلمان بر طرف شد.

یک روز چشمم به بنر و اعلامیه بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام افتاد همانجا مکث نموده و دقایقی به فکر فرو رفتم. در همان لحظه تصمیم گرفتم که به همراه همسر به نیت بر طرف شدن مشکلمان، در این مجلس نورانی شرکت کنیم. وقتی موضوع را با ایشان در میان گذاشتم با روی باز استقبال نمودند و قرار شد که در روز 24 محرم الحرام 1445 قمری در مجلس مزبور شرکت کنیم تا ان شاء الله حاجت روا شده و به طور کلی مشکلمان حل شود.

چند روز مانده به این مجلس، استارت بر طرف شدن مشکل چند ساله ام زده شد، به طوری که خودمان هم باورمان نمی شد. برای حضور در مجلس اشتیاق بیشتری پیدا نمودیم و از همان ساعتی که جلسه شروع شد، حضور پیدا کردیم. به محض تمام شدن مجلس، برای کارمان به جاهائی که باید مراجعه نمودیم و الحمدلله مشکلمان به طور باور نکردنی حل شد و ما این لطف را مدیون حضرت شهربانو علیها السلام همسر با وفای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هستیم و تا آخر عمرمان فراموش نخواهیم نمود.

در پایان، تشکر ویژه ای از عالم بزرگوار شهرمان، حضرت آیه الله ابطحی دام ظلّه و همه کسانی که برای حضرات معصومین علیهم السلام قدم بر می دارند و ما را با این بزرگواران آشنا می نمایند داریم. اجرشان با مادرشان حضرت زهرا علیها السلام باد.

متن سخنرانی دانشمند فرهیخته و دلسوخته اهل البیت علیهم السلام

آقای حاج شیخ حامد رضا معاونیان دامت برکاته

درباره جایگاه والای مادران ائمه علیهم السلام و شخصیت و عظمت حضرت شهربانو علیها السلام (مادر امام سجاد علیه السلام)

در مجلس بزرگداشتی که در ایام میلاد مقدّس امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام در جوار آن حضرت، در بیت الزهراء مشهد مقدّس، با حضور علماء اعلام و شعراء و مداحان بزرگوار و مردم با ایمان (زائران و مجاوران)، همراه با احساسات ولائی و شور و شوق معنوی، تشکیل گردید و مراتب تجلیل از آن بانوی با فضیلت به عمل آمد و موجی در دل ها و جان ها ایجاد شد که زمینه ساز اقدامات دیگر، در این میدان گردید و در شهرهای دیگر و در میان اقشار گوناگون، آثار و برکات گسترده ای را به دنبال آورد.

در این مجلس نورانی و ولائی، خطیب نامدار و دلباخته اهل البیت علیهم السلام جناب آقای معاونیان سخنرانی پر محتوا و پرشوری ایراد کردند که ذیلاً در اختیار علاقه مندان به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام قرار داده می شود.

رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ أَحْمَدُ دَلِيلُهُ عَلَيَّ مَا أَنْعَمَ، وَلَهُ الشُّكْرُ بِمَا أَلْهَمَ، وَالْتِنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومِ نَعْمٍ ابْتِدَاءً، وَسَبُوحِ الْإِسْمَاءِ، وَتَمَامِ مَنَنِ وَالْإِخْصَاءِ عَدَدُهَا، وَتَأْيِ عَنِ الْجَزَاءِ أَمَدُهَا، وَتَقَاوُتِ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبَدُهَا، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ، عَلَى سَيِّدَتِنَا الزَّهْرَاءِ وَابِيهَا الَّذِي سَمَّاهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بَيْسَ وَطَهُ وَفِي أَرْضِهِ بِأَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى بَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا، وَلَا سَيِّمًا الْمُنْتَقَمِ مِنْ ظَالِمِيهَا بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَكُنِ اللَّهُمَّ لَهُ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا، وَالْعَنِ اللَّهُمَّ أَعْدَائَهُمْ وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا .

در این شب آدینه ، در جوار مرقد ملکوتی حضرت ابوالحسن الرضا روحی لمضجعه الفداء ، خداوند مجیب قادر مئان را سوگند می دهیم و می خوانیم به اسم مکنون مقسوم حیّ مبارک قیوم و تمامی اسماء الله الحُسنی ، و به مقام و منزلت حضرت رضا علیه السلام به وجاهت و منزلت حضرت شهربانو ، مادر گرامی امام سجاد علیه السلام که هر چه زودتر فرج امام عصر ما را مقدر و معجل بفرماید و با مؤدّه اذن ظهور آن حضرت ، بهترین عیدی را ، نصیب چشم انتظاران بگرداند و به پریشانی حال شیعیان در این فتن و محن و اوضاع ناپسامان در آخر الزّمان ، به وسیله ظهور آفتاب پنهان ، خاتمت ببخشد . یا رب فرج امام ما را برسان . آن صاحب انتقام ما را برسان .

در جلسه شب گذشته عرض شد که اسماء الله الحسنی این 99 اسم قرآنی هر یک دریچه ای است به معرفت کردگار و اشرف علوم، شناخت همین اسماء الله الحسنی است. که خداوند مَنان « معاذ » است و « ملاذ » است و پناه بندگان است و خلفاء الرَّحمن، یعنی امامان و اهل بیت علیهم السلام، آنها هم ملاذند و معاذند. پناهمان در حوادث و نوائب دهور و روزگار.

امشب عرض می شود که دو اسم دیگر از اسماء الله الحسنی، این است که خدا « حَکَم عدل » است. خدا حکیم است و عادل است. عدل یعنی چه؟ عدل چه بود وضع اندر موضعش، ظلم چه بود وضع در غیر موضعش.

اگر گلی به این زیبایی را شما در گلدان و در معرض چشم همگان گذاشتید، این می شود عدل. ولی اگر گل را در زباله دان گذاشتید، این می شود ظلم. اگر زباله را در زباله دان انداختید، می شود عدل. اگر همین زباله را در گلدان گذاشتید، می شود ظلم هر چیزی جایی دارد. اگر هر چیزی را در جایگاه خودش قرار دادید، می شود عدل. اگر چیزی در جایگاه خودش نبود می شود ظلم. خداوند عادل است و هر چیزی را در جای خودش می نهد و جایگاه خودش را برایش تعیین می کند.

از آن طرف، خداوند حکیم است، اگر چیزی را در جای خودش قرار داد، به کسی داد یا به کسی نداد، موهبتی کرد یا نکرد از روی حکمت و مصلحتی است که خود او می داند. قرآن کریم می فرماید: چه بسا شما چیزی را کراهت دارید و خوشتان نمی آید و همان خیر شماست و چه بسا چیزی را شما

دوست می دارید «و هو شَرُّ لکم» (1) یعنی آن چیز، شر برای شماست. خدا می داند که هر چیزی و هر امری جایگاهش چیست.

الآن دقت بفرمایید، یکی از مسائل مهم تکوین بشر، مسئله پرورش یک جنین در رحم مادر است. روحیات مادر، تمام حالات روحی مادر، خورد و خوراک مادر از جهت تمیزی و پاکی و از جهت حلالیت، حلالیت لقمه، در فرزند اثر می کند. حالات روحی مادر در فرزند اثر می کند. به همین روی بارها گفته ایم و بار دگر می گوئیم که باقرالعلوم علیه السلام فرموده: اگر خنکای محبت ما را در دل خودتان می چشید و لذت می برید برای مادرتان دعا کنید که اگر دامن پاک او نبود، شما محبت ما را نداشتید. (2)

نَبُودَ صَدْفَشِ اِگَر مَطَهَّرٌ *** کِی صَافِ وَ بِي غِشِ اسْتِ گُوهر

این مهر و محبتم به حیدر *** از دامن پاک توست مادر

اگر شما دیدید یک شخصیت فرهیخته ای هست، عالمیست، علامه ایست یا نه انسانیت، خدوم به مردم، خدمت گزار مردم، غریق در ولایت اهل

ص: 194

1- . وَ عَسَى اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَى اَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرُّ لَّكُمْ ؛ وَ بَسَا چِيزِي رَا خُوشِ نَدَارِيْدِ وَ اَنْ بَرَايِ شَمَا خِيْرِ اسْتِ ، وَ بَسَا چِيزِي رَا دُوسْتِ دَارِيْدِ وَ اَنْ بَرَايِ شَمَا زِيَانِ دَارِدِ . بقره / 216 .

2- . عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : مَنْ أَصْبَحَ يَجِدُ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى بَادِيِ النَّعْمِ ، قِيلَ : وَ مَا بَادِيُ النَّعْمِ ؟ فَقَالَ : طَيْبُ الْمَوْلِدِ . . . ؛ هَرِ كَسِ صَبْحِ كَنْدِ وَ خُوشِي وَ خَنْكِي مَحْبَتِ وَ دُوسْتِي مَا رَا دَرِ دَلِ خُودِ اَحْسَاسِ كَنْدِ ، خُدَايِ رَا بَرِ سَرَاغَازِ نَخَسْتِيْنِ نَعْمَتِ هَا سِپَاسْگِزَارِي كَنْدِ . گَفْتِه شُد : نَخَسْتِيْنِ سَرَاغَازِ نَعْمَتِ هَا چِيسْتِ ؟ فَرْمُود : حَلَالِ زَادْگِي . بشارة المصطفى لشيعة المرتضى ص 273 ؛ امالی صدوق ، ص 384 ؛ و علل الشرايع ، ج 1 ، ص 141 .

بیت علیهم السلام، دلباخته و عاشق اهل بیت علیهم السلام. باید دید که مادر او چقدر پاک دامن بوده؟، مادر او چقدر نجیبه بوده، عقیقه بوده؟ یا اگر یک شخصی را خیلی عاقل یافتید باید ببینید مادر او چقدر حکیمه بوده که چنین گوهری در رحم او پرورش یافته است؟ آنقدر مادر مؤثر است که شنیده اید اهل بیت ما علیهم السلام فرموده اند که « اِخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ »⁽¹⁾ این جوری نیست که زن شما فقط هم بستر شماس است. او همسر شماس است و مادر نسل های شماس است. هرچه که این مادر اصیل تر باشد، از نژاد و تبار برجسته تر باشد، از حالت ها و کرامت های اخلاقی در نسل او، در پدران او بیشتر باشد، این مادر جایگاه بالاتری دارد. فرزند خاص تری به عمل خواهد آورد. مخصوصاً جوان ها دقت کنید. امروز می بینیم جوان ها به یک عشق خیابانی مجازی دل می بازند، و سریع ازدواج می کنند. بابا یک بررسی کن. آقا یک اسب را امروز می خواهند بخرند، یک اسب قیمتش از 5 میلیون تومان تا 5 میلیارد تومان است. یا حتی بیشتر، آن اسبی که 10 میلیارد تومان 20 میلیارد تومان قیمتش می باشد، شناسنامه دارد. در شناسنامه اش نوشته که مثلاً پدرش فلان اسب عرب بوده مادرش فلان اسب ترکمن، شجره اش با آن است. شما همینطور می روی بی گذار به آب می زنی، نمی دانی پدر این دختر کیست، مادرش کیست، کجا پروریده شده که دلت رفته. امیرالمؤمنین علیه السلام به عقیل فرمود: عقیل! برو از خاندان های اصیل

ص: 195

1- . عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اِخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْحَالَ أَحَدُ الضَّحِيجَيْنِ ؛ برای نطفه های خود جایگاه مناسبی اختیار کنید که ویژگی های دانی در شکل گیری فرزند مؤثر است. الکافی، ج 5، ص 332.

عرب دختری را برای من خواستگاری کن که پدرانش و اجدادش همه کریم و تهمتن و همه از شجاعان باشند . عقیل ، ام البنین فاطمه کلابیه را انتخاب کرد و از دامن ام البنین نیز اباالفضل علی طلوع کرد که ماه بنی هاشم بود و مهتاب جهان شد . این مطلب خیلی مهمی است که رخش باید تا تن رستم کشد .

هر دامنی و هر رحمی نمی تواند یک مؤمنِ مقدّس تربیت کند . محمد بن ابی بکر که پسر ابوبکر است اما شیعه خالص خالص امیرالمؤمنین علیه السلام ، حتی بر پدرش یعنی بر ابوبکر لعنت می فرستاد . امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : نجابت محمد بن ابی بکر از سوی مادرش اسماء بنت عمیس است . (1) یعنی وقتی دامن مادری نجیب و اصیل است ، فرزند او و لو پدرش ابوبکر باشد ، باز می شود محمد بن ابی بکر . نقش مادر خیلی مؤثر است و این چنین نیست که یک مقدّس اردبیلی ، یک مؤمن الطاق ، یک حکیم مؤمن از هر رحمی به وجود بیاید . خدا نطفه یک بنده خاص خالص خودش را در هر رحمی نمی گذارد . خاک بر فرق من و تعبیر من . مؤمن کجا ؟ مقدّس کجا ؟ امام معصوم کجا ؟ حضرت رضا علیه السلام می فرمایند : « نَحْنُ اَهْلَ الْبَيْتِ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ » (2) . هیچ کس قابل مقایسه با ما نیست . هیچ کس در فراز و تراز با امام نیست . اصلاً خاک پای امام هم نیست ، علی بن موسی الرضا علیهاالسلام فرمود : اگر همه سخنوران جمع بشوند و همه شاعران و همه ادیبان جمع بشوند یک وصف

ص: 196

-
- 1- . قال أبو عبد الله عليه السلام : كَانَ إِجَابَةُ مَنْ قَبِلَ أُمَّهُ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ رَحْمَةً لِلَّهِ عَلَيْهَا لَا مِنْ قَبْلِ أَبِيهِ . رجال کشی ، ج 1 ، ص 282 .
 - 2- . عيون الاخبار ، ج 2 ، ص 71 .

با این وصف اگر خداوند اراده کند، یک امام معصوم که، خلیفه الله، امین الله، عین الله، اذن الله، یدالله، ولی الله، سفیرالله است، بر روی زمین تکوین یابد، ممکن است چنین نطفه پاکیه که معتقدیم «اشهد انک طهر طاهر مطهر من طهر طاهر مطهر» (2) را در هر رحمی قرار دهد؟ نه!! خجسته ترین، پاک ترین، پاکیزه ترین، طیب ترین، نفیس ترین رحم، نطفه امام را خواهد گرفت؛ لذا بر اساس برهان، مادر هر یک از امامان ما، در زمان خود سیده نساء العالمین بودند. سیده نساء العالمین من الاولین الى الآخین بلاشک فاطمه است. اما فرض بفرمایید مادر گرامی اعلی حضرت ولی عصر، حضرت ملیکا نرجس خاتون علیها السلام در زمان خودش پاک ترین

ص: 197

1- حضرت رضا علیه السلام در ضمن روایت مفصلی که در مورد امامت و مقام امام بیان می کنند چنین می فرمایند: ... فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ أَوْ يُمَكِّنُهُ اخْتِيَارَهُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ، ضَلَّتِ الْعُقُولُ، وَتَاهَتِ الْحُلُومُ، وَحَارَتِ الْأَلْبَابُ وَخَسَّاتِ الْعُيُونُ وَتَصَاغَرَتِ الْعُظْمَاءُ، وَتَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ، وَتَقَاصَدَتِ الْحُلَمَاءُ، وَحَصِرَتِ الْخُطَبَاءُ، وَجَهَلَتِ الْأَلْيَاءُ، وَكَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَعَجَزَتِ الْأَدْبَاءُ، وَعَيَّيَتِ الْبُلْغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ...؛ کیست که بتواند به کنه معرفت امام دست یابد یا آنکه بتواند او را برگزیند؟ هیهات! هیهات! عقل و دانش در او گم و خردها حیران و چشمها بی فروغ و بزرگان کوچک و حکیمان متحیر و خطیبان الکن و خردمندان قاصر و دانایان جاهل و شاعران در مانده و ادیبان ناتوان و بلیغان عاجزند که شائی از شئون و فضیلتی از فضایل امام را توصیف کنند. ر.ک کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 678.

2- کامل الزیارات، ص 105 و 632. شهادت می دهیم که ذات پاک تواز هر الایش پاکیزه و از آباء پاک گوهر پاکیزه جان به وجود آمدی.

رحم و برجسته ترین زن در ایمان و در تقوا و در قرب الی الله بوده است ، لذا می شود مادر صاحب الزمان که در زیارتشان می خوانیم :

« السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ وَ الْمَوْدَعَةِ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَامِ ؛ سلام بر والده امام که سرّ الهی در رحم او به ودیعت سپرده شده است ».

ما یک چیزی می گوئیم و یک چیزی می شنویم . امام ؟ توبه تاریکی علی را دیده ای . امام کسی است که در رحم مادر ذکر خدا می گوید . معلوم است که این سخن را بنده بگوئیم ، فردا ممکن است صدای آمریکا یا کانال های وهابی یا آنتیسم مسخره کنند . بگویند اینها چه می گویند ؟ می گویند ائمه ما ، در رحم مادر تسبیح می گفتند ؟ مسخره کنند !! مگر آنها قرآن را مسخره نمی کنند ؟ مگر قرآن نمی گوید عیسی علیه السلام در گهواره سخن می گوید ؟ مگر قرآن نمی گوید جناب مریم علیها السلام مادر عیسی علیه السلام بدون پدر ، و با دم جبرئیل باردار شد ؟ بگذار مسخره کنند آنها کورند . آنها « یؤمنون بالغیب » نیستند . ایمان به غیب و قدرت خدا ندارند . علی کل حال ، یک کسی که می خواهد وجود قدّوس سبّوح خاصّ ، خاصّ الخواصّ ، که حتی نمی شود گفت ملکوتی ، بلکه برتر از ملک و ملکوت است یعنی امام معصوم را در خود جای دهد ، این بانو باید در آن زمان به اقتضای حکمت و عدالت حق ، سیده نساء العالمین باشد . وقتی یک گلی داشته باشید که در عالم مثل او پیدا نمی شود . باید بهترین و نفیس ترین و گران ترین گلدان را پیدا کنید . اگر الماسی داشته باشید که در عالم چنین الماسی پیدا نمی شود ، باید نفیس ترین طلا را بیاورید ، گران ترین رکاب را بیاورید تا این الماس را بر آن سوار کنید . الماس کوه نور

را مگر در هر جایی نگه می دارند؟ نه!! امکان دارد وجود امام در هر رحمی پرورش پیدا کند؟ هرگز!! لذا امام زمان هر زمانی مادرش برگزیده ترین، نخبه ترین، پاک ترین، تحفه ترین رحم و برترین زن روزگار است. به همین جهت امام باقر علیه السلام فرمودند: مادر من فاطمه بنت الحسن روزی نشسته بودند، دیوار ترک خورد و کج شد، مادرم به دیوار اشاره کردند و فرمودند: بایست! دیوار در همان حالت ایستاد. (1) یعنی مادر من ولایت تکوینی و قدرت تصرف در عالم وجود داشت. یا جناب حمیده مادر موسی بن جعفر علیهما السلام. یا جناب نجمه، یا هر یک از مادران ائمه علیهم السلام ما سیده نساء العالمین بودند. در مورد حضرت نرجس خاتون علیها السلام نقل شده که جناب حکیمه خاتون علیها السلام که هم دختر امام و هم خواهر امام و هم عمه امام بودند و از لحاظ سن نیز بزرگتر از نرجس خاتون علیها السلام بودند با این وجود می فرمودند: من با کمال میل خدمت تو را می کنم چه اینکه تو مادر مهدی خواهی شد!! (2)

ص: 199

1- . عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَتْ أُمِّي قَاعِمِدَةً عِنْدَ حِدَارٍ فَتَصَدَّعَ الْحِدَارُ وَ سَدَّ جِعْنَا هَدَّةً شَدِيدَةً، فَقَالَتْ يَبْدِيهَا لَا وَ حَقَّ الْمُصَدِّقُ مَا أَدْنَى اللَّهُ لَكَ فِي السَّقُوطِ، فَبَقِيَ مُعَلَّقًا فِي الْجَوْ حَتَّى جَا زَتْهُ فَتَصَدَّقَ أَبِي عَنْهَا بِمِائَةِ دِينَارٍ؛ أَبِي الصَّبَّاحِ از امام باقر علیه السلام نقل فرمود: مادرم زیر دیواری نشسته بود، آن دیوار شکست، ما صدای نگونساری سختی را شنیدیم، مادرم با دست خود اشاره کرد و گفت: نه، به حق مصطفی، خدا به تو اجازه نداده که بر من فرود آئی، آن دیوار میان جو آویزان ماند تا مادرم از زیر آن گذشت، و پدرم صد اشرفی از طرف او صدقه داد. الکافی، ج 1، ص 469.

2- . قَالَتْ حَكِيمَةُ: فَصَدَّقَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَلَسَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَكَانَ وَالِدِهِ وَ كُنْتُ أُرْوُهُ كَمَا كُنْتُ أُرْوُ وَالِدَهُ فَجَاءَتْنِي نَرْجِسُ يَوْمًا تَخَلَّعَ خُفِّي، فَقَالَتْ: يَا مَوْلَا تِي نَمُولِي نِي خُفَّكَ، فَقُلْتُ: بَلْ أَنْتِ سَدِّدَتِي وَ مَوْلَا تِي وَ اللَّهُ لَا أَدْفَعُ إِلَيْكَ خُفِّي لِتَخْلَعِيهِ وَ لَا لِتَخْدُمِي بَلْ أَنَا أَخْدُمُكَ عَلَى بَصَرِي؛ حَكِيمَةُ گوید: امام هادی علیه السلام در گذشت و ابو محمد بر جای پدر نشست و من همچنان که به دیدار پدرش می رفتم به دیدار او نیز می رفتم. يك روز نرجس آمد تا کفش مرا بگیرد و گفت: ای بانوی من کفش خود را به من ده! گفتم: بلکه تو سرور و بانوی منی، به خدا سوگند که کفش خود را به تو نمی دهم تا آن را برگیری و اجازه نمی دهم که مرا خدمت کنی، بلکه من به روی چشم تو را خدمت می کنم. کمال الدین، ج 2، ص 427.

یکی از این مهین بانوانی که شرافت داشتند ، خداوند آنها را برگزیده است ، انتخاب شده خدا بوده اند ، از اول خلقت به اینکه مادر یکی از برترین امامان ما باشند ، مادر یکی از چهار علی ابوالحسن بوده باشند ، جناب حضرت شهربانویه مادر حضرت سید الساجدین و زین العابدین علیه السلام هستند .

بسی خوشنودیم . دیشب به بنده اطلاع دادند که قرار است که شام آخر مجلس بزرگداشت و اعیاد حضرت رضا علیه السلام ، بزرگداشت حضرت شهربانو علیها السلام باشد و من واقعاً مسرور شدم . واقعاً مشعوف شدم . به جناب آقای پاکدامن عرض کردم به آقای ابطحی بفرمایید : چشم! من با شوق ، با ذوق امثال می کنم . سال هاست که این شوق و ذوق را دارم که در مجلسی بتوانم از حضرت شهربانویه سخنی بگویم و به محضر ایشان ابراز ارادتی کنم و سعادتی ببرم .

خوب شما می دانید که در تمدن باستان ایران ، سلسله های پادشاهی فراوان بودند . هخامنشیان بودند و بعد ساسانیان آمدند . تمدن ایران خیلی درخشان بوده . تنه می زده است به تنه تمدن روم و یونان . در معماری ، در شهر

سازی، در بسیاری از علوم. حتی در برخی از علوم در جندی شاپور فلاسفهٔ فلهویون بودند و مطالبی را بسیار دقیق و عمیق بیان می کردند. اوج تمدن دنیای کهن، یونان بوده است و ایران! در روایات شیعه و سنی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از یکی از پادشاهان ایرانی، ثنایی و ستایشی بر زبان راندند که خیلی مهم است. آخر دیدید بعضی چیزها با هم تناقض دارد. شما هم حاکم باشی، هم سلطان باشی و هم هیچ ظلمی نکرده باشی، هم عادل باشی این خیلی سخت است. سلاطین با هر وسیله ای کارشان را جلو می بردند. می کشتند، قتل عام می کردند. زندان ها، شکنجه ها و جلاد داشتند. جلاد یعنی متخصص پوست کندن. افراد را جلوی سلاطین زنده زنده پوست می کندند. سلطان عادل! خنده داره، مگر می شود سلطان عادل باشد؟ مملکت داری آن هم ممالکی که ساسانیان یا هخامنشیان داشتند که قلمرو شاهنشاهی شان فراوان بوده. شما در همین تخت جمشید، پاسارگاد و پرسپولیس، شاه ایران شاهنشاه بود. یعنی در روز عید نوروز همهٔ 360 پادشاهشان می آمدند به قصر تخت جمشید، برای او هدیه می آوردند و دست و زانویش را می بوسیدند. لذا شاه شاهان بود، شاهنشاه بود. خوب یک کسی که امپراطوری به این بزرگی، قلمرو به این بزرگی دارد و خسرو نیمی از جهان است، همه جا را می تواند به عدالت رفتار کند؟ نه! اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با لسانی که « ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ » (1)، انوشیروان را ستودند به اینکه « الْمَلِكُ الْعَادِلُ » (2) - پادشاه عدالت گستر - است.

ص: 201

- 1- . نجم / 3 و 4. و هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید. سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست.
- 2- . از رسول خدا صلی الله علیه و آله در منابع متعدد روایت شده که: « وُلِدْتُ فِي زَمَنِ الْمَلِكِ الْعَادِلِ يَعْنِي أَنُوشِيرَوَانَ »؛ یعنی من در زمان انوشیروان پادشاه عادل به دنیا آمدم. بحار الانوار، ج 15، ص 250؛ سفینه البحار، ج 6، ص 175؛ قصص الانبياء، قطب راوندی، ص 316.

شما ایوان مداین را دیده اید؟ هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان.

ایوان مدائن کاخ اداری ساسانیان بوده، نه محل سکونتشان. مراسماتشان را آنجا برگزار می کردند. در تیسفون، پایتخت ساسانیان، که 35 کیلومتری بغداد امروز بوده، یعنی عراق امروز در اصل قلب ایران کهن بوده. نمی دانم مشرف شدید قبر جناب سلمان و حذیفه، این دو یار خجسته امیرالمؤمنین؟. پشت سر مرقد سلمان و حذیفه، به فاصله 500 متر، 1000 متر همان ایوان معروف است. طاق کسری. الان که طاق کسری تشریف ببرید، ویرانه های طاق کسری و کاخ ساسانیان باقی مانده است یک گوشه ای از این کاخ، کج و ناقص است یعنی چه؟

کاخ به این عظمت! چنین معماری بدیع! چرا یک گوشه اش کج است؟ چرا یک گوشه اش ناقص است؟ تاریخ می گوید که در این گوشه خانه یک پیرزنی بود، هرچه کرد کسری که این را از او بخرند، گفت: من ملکم رانمی فروشم. پادشاه عادل گفت: اگر کاخ ما کج بشود بهتر است تا نام ما را در عدالت به کجی ببرند و عدالت را زیر پا بگذاریم. و کاخ را کج ساختند. خیلی مهم است.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: انوشیروان ملک عادل است. پادشاه عادل. پیغمبر صلی الله علیه و آله از دو نفر تعبیر به پادشاه عادل کرده است. یکی از نجاشی پادشاه

ص: 202

حبشه، (ایتوپی امروزی) (1). یکی هم از انوشیروان، شاهنشاه ایران. الغرض، در بین پادشاهان ایرانی کسانی بوده اند که به تمدن و عدالت شهره بوده اند که شهرتشان به گوش پیامبر خدا رسیده بوده است. واقعاً افسوس می خورم به حال این مملکت که چرا ما تاریخ درخشان برخی از پادشاهان ایرانی را حذف کردیم و به نوجوانانمان نمی گوئیم. چند تا نوجوان ایرانی تاریخ ایوان مدائن و ساسانیان را می دانند؟ هیچ! خوب اینها ریشه یک نژاد اصیل، متمدن، با فرهنگ و فکور در ایران بودند. افتخار می کنیم که مادر حضرت زین العباد، امام سجاد علیه السلام بدون هیچ تردیدی در تاریخ، جناب شهربانویه دختر یزدگرد سوم است. و می دانید که یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی است. یزدگرد بود که بعد از جنگقادسیه، ایوان مدائن را، کاخ تیسفون را ترک کرد، عقب نشینی کرد، عقب نشینی کرد، عقب نشینی کرد، همینطور به طرف شرق ایران عقب نشینی می کرد و عرب ها جلو می آمدند و مادر حضرت سجاد علیه السلام و همشیره ایشان به اسارت در آمدند. در نهایت بعد از مرگ یزدگرد آنها را به مدینه آوردند. بعضی روایات تاریخی می گویند در زمان متخلف دوم بوده است و برخی می گویند در زمان متخلف سوم. آن روایاتی که می گویند در زمان عمر بوده است، که در مدینه بود، دختران یزدگرد را در

ص: 203

1- . در جریان مهاجرت مسلمانان به حبشه، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: لو خرجتم إلى الحبشة، فإن بها ملكاً لا يظلم عنده أحد. وهي أرض صدق حتى يجعل الله لكم فرجاً مما أنتم فيه...؛ اگر به حبشه رفتید، پادشاهی دارد که در نزد او به کسی ستم نمی شود، و سرزمین اخلاص است تا اینکه خداوند تو را از آنچه در آن هستی آسوده سازد. بحار الانوار، ج 18، ص 412.

مسجد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آوردند وقتی جناب شهربانویه چشمش به عمر افتاد امیرالمؤمنین علیه السلام هم شرف حضور داشتند . جناب شهربانویه زیر زبان به فارسی گفت : « سیه باد روی هرمزان ، که ما به این اسارت افتادیم ». خوب عمر که مساویست با جهل . چه می داند که او چه می گوید . شروع کرد به داد و بیداد کردن که این دختر ایرانی چه می گوید؟ به من فحش داد ، ناسزا گفت؟ طبق معمول شعله ور و خشمناک بود .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : آرام باش ! او به تو ناسزا نگفت ، گفت : « سیه باد روی هرمزان که ما به اسارت درآمدم ». عمر گفت : اینها را به بازار برده فروشان بپسند تا آنها را در معرض فروش بگذارند .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : تو حق چنین کاری نداری! خیلی به او برخورد . به چه مناسبت من حق ندارم؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : **إِذَا اتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمِ فَآكِرِ مَوْه . (1)** وقتیکه بزرگ زاده ای و لو کافر زاده باشد ، در جایگاه خودش ، در ملت خودش ، در قبیله خودش ، در کشور خودش بزرگ زاده بوده ، حق ندارید به مانند بردگان با او رفتار کنید . گفت : چه باید بکنیم؟ فرمودند : خود این دو دختر را مخیر کن ، از مردانی که در این مسجد ایستاده اند ، خودشان شوی آینده شان را انتخاب کنند . و شوهرشان پول او را به بیت المال پردازد .

ص: 204

عمر همیشه می گفت: ما أَبَقَانِيَّ اللّٰهَ فِي مُعْضَلِهِ لَيْسَ لَهَا أَبُو الْحَسَنِ؛ خدا مرا در مشکلی باقی نگذارد که علی علیه السلام گره گشا نبوده باشد. (1)

اگر دست علی علیه السلام دست خدا نیست *** چرا دست دگر مشکل گشا نیست

نه تنها دست امیرالمؤمنین علیه السلام، بلکه زبان امیرالمؤمنین علیه السلام، بیان امیرالمؤمنین علیه السلام، نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام گره گشاست. پسندید. به دخترکان یزدگرد گفتند: شوی خودتان را انتخاب کنید. امیرالمؤمنین علیه السلام به شهربانویه فرمودند: که نام تو چیست؟ گفت: شاه زنانم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: نه، شاه زنان فقط زهراست. سیده نساء العالمین، زهراست. تو شهربانویه هستی و خواهرت مروارید است. گفت: شما از کجا اسم من را می دانید. بهتش زد. فرمودند: شوی خود را انتخاب کن. یک نگاهی کرد بین کل جمعیت، چشمش افتاد به حضرت سیدالشهدا، حسین علیه السلام که 18-19 ساله بودند.

نمک عالم است نام حسین. دلش رفت. آهسته با شرم چند قدمی آمد. سر به پیش افتاده از شدت شرم. دستش را گذاشت روی شانه سید الشهدا علیه السلام. یعنی انتخاب من این هست. امیرالمؤمنین علیه السلام تکبیر گفتند، فرمود: حسینم! این دختر را به منزل ببر، او را حفظ کن که برترین خلق خدا از او به دنیا خواهد آمد. این چنین بود که زین العابدین علیه السلام در حقیقت نوه پادشاه ایران یزدگرد هستند. و مروارید را دادند به قاسم بن محمد بن ابی بکر.

ص: 205

نکته ای ظهر امروز خدمت برخی از علما عرض کردم و برای من خیلی عجیب و زیباست و رفیق شفیقمان جناب آقای مهدی پور هم در کتاب « او خواهد آمد » اشاره کرده اند . کتابی است به نام « مقتضب الاثر » . این کتاب در هزار و اندی سال پیش نوشته شده . نویسنده این کتاب ، معاصر شیخ صدوق¹ است . وی در آن کتاب نقل کرده : وقتی یزدگرد پادشاه ایران ، آخرین شاه ساسانی از تیسفون بیرون می آمد به هزیمت برود ، رو کرد به ایوان مدائن و گفت : « ای ایوان ! من می روم اما به سوی تو باز خواهم گشت . یا من برمی گردم یا فرزندی از فرزندان من که زمان ظهورش هنوز نرسیده است » . تعبیر به ظهور!! سلیمان دیلمی در روایتی به امام صادق علیه السلام می گوید : منظور یزدگرد سوم که به ایوان مدائن گفت : من می روم اما به سوی تو یا من باز می گردم یا فرزندی از فرزندان من که زمان ظهورش نرسیده است کیست ؟ فرمود : قیام کننده از ما مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف . چطور آقا؟ فرمود : ولده یزدجرد. (1) یزدگرد نیای امام

ص: 206

1- . مقتضب الاثر ، ص 41 : لَمَّا جَلَى الْفُرْسُ عَنِ الْقَادِسِيَّةِ؛ وَبَلَغَ يَزْدَجَرْدُ بْنُ شَهْرِبَارٍ مَا كَانَ مِنْ رُسْتَمٍ وَإِدَالَةَ الْعَرَبِ عَلَيْهِ، وَظَنَّ أَنَّ رُسْتَمَ قَدْ هَلَكَ وَالْفُرْسَ جَمِيعاً، وَجَاءَ مَنَاذِرُ فَأَخْبِرَهُ بِيَوْمِ الْقَادِسِيَّةِ وَانْجِلَالِهَا عَنْ خَمْسِينَ أَلْفَ قَبِيلٍ مِنَ الْفُرْسِ، خَرَجَ يَزْدَجَرْدُ هَارِباً فِي أَهْلِ بَيْتِهِ، فَوَقَفَ بَبَابِ الْإِيوَانِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِيوَانُ هَا أَنَا ذَا مُنْصَرِّفٍ عَنْكَ وَأَزْجِعُ إِلَيْكَ أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، لَمْ يَدُنْ زَمَانُهُ وَلَا أَنْ أَوَانُهُ؛ قَالَ سُلَيْمَانُ الدِّيَلَمِيُّ: فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ؟ وَقُلْتُ لَهُ: مَا قَوْلُهُ أَوْ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ذَلِكَ صَاحِبِكُمْ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ السَّادِسُ مِنْ وُلْدِي، قَدْ وَلَدَهُ يَزْدَجَرْدُ فَهُوَ وَوَلَدُهُ ؛ ابن عیاش در کتاب « مقتضب الاثر » از حسین بن علی بن سفیان بزوفری از محمد بن علی بن حسن نوشجانی و او از پدرش و او از محمد بن سلیمان و او از پدرش و او از « نوشجان بن بود مردان » نقل کرده که چون ایرانیان در جنگ « قادسیه » شکست خوردند ، و یزدگرد از کشته شدن « رستم فرخ زاد » سردار لشکرش مطلع گشت و دانست که پنجاه هزار تن از سپاهش در نبرد با مسلمین کشته شده اند . در حالی که با کسانش عزم فرار داشت در ایوان کاخ خود ایستاد و گفت : هان ای ایوان! درود من بر تو باد! آگاه باش! هم اکنون از تو روی بر میتابم تا وقتی که من یا مردی از فرزندان من که هنوز زمان وی نزدیک نشده و موقع آمدن او فرا نرسیده است ، برگردیم . سلیمان دیلمی می گوید: خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: قربانت گردم مقصود یزدگرد از « یا مردی از فرزندان من » چیست؟ حضرت فرمود : او مهدی صاحب الزمان است که به فرمان خدا قیام خواهد کرد . و او ششمین فرزند من و اولاد دختری یزدگرد است . او از فرزندان یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر وی می باشد .

زمان است . یزدگرد جدّ امّ جدّ مادری صاحب الزمان است . لذا درست است که امام زمان از یک سویی نواده و نبیره و از احفاد قیصر روم است ، از دیگر سوی از احفاد یزدگرد سوماست ؛ لذا حضرات آقایان یک قصیده ای دارند برای امام زمان یک مصرعش این است :

پسر یزدگرد و قیصر روم .

از یک طرف تو پسر یزدگری . که یزدگرد هنگام رفتن از ایوان می گوید : من می روم ، پسر من که زمان ظهورش نرسیده است می آید . یعنی مهدی را پسر خود می داند . به امام صادق علیه السلام می گویند: آقا منظور از پسر ، چه کسی بوده؟ می فرماید : مهدی ما . خوب آقایان علما از این معلوم می شود که جناب یزدگرد نه تنها آتش پرست نبوده ، نه تنها مجوس نبوده ، بلکه موحد بوده ، خداشناس بوده و می دانسته است که خودش پدر مهدیست . یعنی

قرن ها قبل از مهدی می دانسته است که مهدی به دنیا خواهد آمد و نواده اوست . از نسل دختر اوست . آدرسش رو هم عرض کردم کتاب « مقتضب الاثر ». بنابراین شهربانو ، مادر امام عصر ، نه این است که دختر یک پادشاه مجوس بود ، نه آقا ، پدر او هم فرهیخته است . پدر او هم اهل ایمان است . پدر او هم مشرک نیست . پدر او چندان ایمان راسخی دارد که علم به مایکون دارد یعنی علم به آینده . که آینده بشریت چیست ؟ و پایان شب سیه سپید است و آفتاب مهدی خواهد درخشید و گلی هست که عالم را گلستان می کند . لذا عزیزان ، سروران ، بانوان ، آقایان ، اگر می خواهید واقعاً در نوائب الدهور ، در مشکلات ، گرفتاری ها ، به خصوص در سیر معنوی . گاهی انسان در سیر معنوی و سیر الی الله وصل نمی شود ، کارش پیش نمی رود . می بیند دلش پرواز نمی کند . اگر می خواهید در جایی صعودی بکنید ، در جایی رفع گرفتاری بکنید ، بار خودتان را سبک بکنید ، دست به دامن مادر زین العابدین بشوید و بگویید : ای شهزاده خانم ایرانی! ای ملکه ای که مادر زین العباد و امام سجاد هستید ، کسی که ذوالثقات است ، کسی که زُهری سَنّی متعصب دشمن امیرالمؤمنین ، وقتی که نام علی بی الحسین را می بردند ، آن دشمن خدا و رسول و امیرالمؤمنین می گفت : زین العابدین و سید الساجدین . کسی که می گفتند هم هیبت انبیاء دارد هم زیّ ملوک دارد . این است که امام سجاد علیه السلام هزار تا بنده را آزاد می کرد . این همه کریم بود .

يُغْضِي حَيَاءً وَيُغْضِي مِنْ مَهَابَتِهِ

جُردای از جلالت مقام امامت الهی مطلق و مقام خلافت اللّهی ، او بر حسب ظاهرِ دنیوی ، پادشاه زاده است ، آن هم پادشاه ایران ، بزرگترین تمدن جهان . شهربانویه ، متوسل به ایشان بوده باشید . با افسوس تمام باید گفت که امام سجّاد علیه السلام لحظه ای که به دنیا آمدند در همان حین زایمان مادرشان از دنیا رفت و به یتیمی دچار شدند . امام سجّاد علیه السلام را به دایه ای سپردند که حضرت را شیر داد و ایشان را بزرگ نمود . این که حدیث دارد امام سجّاد علیه السلام می فرمایند : من می هراسم که با مادرم بر سر یک سفره باشم ، ایشان دستشان بخواد برود به طرف یک لقمه و دست من جلوتر رفته باشد، (2) اینکه تا این حد مراعات مادر را می کنند ، مادر حقیقی ایشان نیست . مادری است که ایشان را بزرگ کرده . یعنی دایه آن حضرت است . با این حال امام را ببینید . با اینکه این مادری

ص: 209

1- . الاختصاص ، ص 192 . از روی حیاء چشم را می پوشاند و مردم نیز از هیبت وی چشم را برهم می گذارند، و حرف نمی زند با کسی مگر بعد از تَبَسُّم .

2- . وَ لَقَدْ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْتِي أَنْ يُؤَاكِلَ أُمَّهُ فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ أَبْرُّ النَّاسِ وَأَوْصَلُهُمْ لِلرَّحِمِ فَكَيْفَ لَا تُؤَاكِلُ أُمَّكَ؟ فَقَالَ: إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ تَسَبِّحَ يَدِي إِلَى مَا سَبَقَتْ عَيْنُهَا إِلَيْهِ؛ وَ چنين بود که از هم خوراك شدن با مادرش خود داری می فرمود . به خدمتش عرض شد : ای پسر پیغمبر! شما که از همه مردم نیکوکارتر و از همه بیشتر صله رحم می کنید ، چرا با مادر خود هم خوراك نمی شوید؟ فرمود : خوش ندارم که مبدا پیش دستی کنم به غذایی که مادرم چشم بر او داشته است . خصال مرحوم شیخ صدوق ، ج 2 ، ص 518 .

نیست که حضرت را به دنیا آورده ، دایه بوده در عین حال امام سجاد علیه السلام این همه مراعات می کند تا چه برسد به حق مادر حقیقی شان .

هذا اولاً و ثانياً امام سجاد علیه السلام که به دنیا آمدند ایشان به رحمت خدا رفتند . قبر مطهر ایشان در کجاست ؟ قاعدتاً همه نقل کردند که در مدینه . ولی برخی از مورخین گفته اند که : باید رحلت آن مهین بانو در کوفه باشد و میلاد حضرت امام سجاد علیه السلام در کوفه بوده باشد چون در آن دوران ، امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه می زیستند و دوران خلافت حضرت بود و لیکن جواب این است که ممکن است که میلاد امام در مدینه بوده ، بعد منتقل شدند خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه که امیرالمؤمنین علیه السلام امام سجاد علیه السلام را روی پا گذاشتند و تا یک سالگی امام سجاد علیها السلام ، امیرالمؤمنین علیه السلام حیات طیبه داشتند و باز هم عرض می کنیم . ما تک تکمان آقایان ، نسبت به برخی از ستارگان کهکشان و منظومه شمسی ایمان تقصیر داریم و قصور داریم . ما در بزرگداشت نام حضرت خدیجه علیها السلام کوتاهی کردیم . در بزرگداشت نام مادر امامان و تک تک امامان و اظهار ارادت به آنها کوتاهی کرده ایم . مثلاً توجه داریم الحمدلله به ساحت مقدس حضرت ام البنین علیها السلام و لله الحمد ، اما حضرت ام البنین علیها السلام و لو که مه زاییده و مه از دامن او تابد ، اما حضرت ابوالفضل علیه السلام (پدر و مادرم به فدایش ، عالم به فدای ابوالفضل ، انبیاء به فدای ابوالفضل) اما به هر حال حضرت ابوالفضل مطیع لله و لرسوله و لامیرالمؤمنین و للحسن و الحسین ماموم است ، و امام ، امام است . مادر حضرت سجاد شهربانوست . چرا توجهمان کم است ؟ به همین مناسبت ، مخصوصاً خانم ها در مجالس خودتان سعی کنید به ایشان اظهار ارادت بکنید .

الان تک تک شما که اکثراً زایر حضرت رضایید و حتی مجاورین ، همین امشب نیت کنید که آقا من امشب شب جمعه ، سحر

صبحگاهان یا بین الطلوعین حرم امام رضا رفتم ، بروم بایستم و بگویم : السلام علیک یا ابالحسن یا امین الله فی ارضه ، زیارت می کنم شما را به نیابت از دختر پادشاه ایران و مادر زینت عبادت کنندگان حضرت شهربانویه . خدا می داند من الان دلم چقدر می تپد ، چقدر لذت می برم ، خدایا! تو شاهدی و المنة لک و الحمد لک یا رب که چقدر لذت می برم که نام حضرت شهربانو بر زبان من است و چه افتخاری برای ایرانیان است . برخی از معرفت ها را آقایان ، نمی شود از یاد برد .

در حدود 20 سال قبل روز اربعین سیدالشهدا مصادف شد با روز جشن اسپندان زرتشتیان ایران . ملاحظه کرده اید شاید دیده اید ، شاید از نزدیک دیده اید که اینها در یزد یک جایی دارند مثل حج ما . یک مراسم سالیانه ای دارند مثل حج که برایشان خیلی مهم است .

آن سال ، آن روز جشن اسپندان مصادف شده بود دقیقاً با چه روزی ؟ با روز اربعین . آتشکده یزد ، موبدان یزد اعلام کردند که ما امسال به حرمت حضرت حسین ، جشن قرن های خودمان و رسم باستانی خودمان را تعطیل می کنیم و تعطیل کردند و واقعاً جشن نگرفتند . گفتند حسین داماد ما ایرانیان هست . حرمت حضرت حسین علیه السلام را نگه می داریم .

شاید باور نکنید ولی خود بنده از مشهد به یکی از رفقا گفتم شما برو موبد بزرگ یزد ، آتشکده یزد را پیدا بکنید ، پیدا کرد . با تلفن معمولی به ایشان زنگ زدیم . بفرمایید . گفتم : من حامد رضا معاونیانم . یک طلبه ام . از مشهد با شما تماس

می‌گیرم. گفت امرتان، بفرمایید. گفتم: زنگ زدم تشکر کنم از ادب شما، که شما این همه ادب داشتید. من نوکر امام حسینم.

همین مولوی عبدالحمید، همین دو-سه سال قبل جشن عروسی پسرش را شب اربعین گرفت. خوب ببینید چقدر طرف باید شقی باشد، چقدر باید عنود باشد؟ یک شب آن طرف تر بگیر، دو شب آن طرف تر بگیر. به ایشان اعتراض کردند، گفت از نظر ما و در فقه ما سنی‌ها اصلاً چیزی به نام اربعین وجود ندارد. چه برای حسین چه برای غیر حسین. برای شیعه هست که هست. بعد استاندار آن زمان، در آن جشن شرکت کرده بود. شب اربعین تو رفتی آنجا چه غلطی بکنی؟ او دهن کجی کرده. زرتشتی مراسم خودش، مراسم قرن‌ها رسم دیرینه آیین خودش را به حرمت حسین علیه السلام تعطیل می‌کند. علی‌کل‌حال، آنها گفتند که حسین داماد ما ایرانیان است و درست است. افتخار است برای ایران که امام چهارم ما از تبار ایرانیان است. سید العرب و العجم می‌باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام سید العرب و العجم هستند. اما این امام سجاد از سوی مادر در واقع ایرانی است و از سوی پدر در واقع هاشمی، قریشی و عرب است. زین العابدین علیه السلام می‌خواهند به دنیا بیایند مادرشان از دنیا می‌رود. چشم به دنیا گشودند، یتیم. اما دایه‌ای حضرت را بزرگ نمودند، چیزی از مادر به یاد ندارند.

شب جمعه است، من عرض می‌کنم که یا ابوالحسن، یا زین العابدین! امشب اعلام کردند که این مجلس یادواره بزرگداشت مادر شماست. هر جوان غیور و مرد غیور نسبت به مادرش حساس است. خدا مادران و پدران شما را رحمت کند. الان دو ماه از فوت مادر من گذشته است، خدا می‌داند

امروز اذان صبح به یاد مادر افتادم ، آنقدر گریستم که اهل خانه بیدار شدند . چون داغ مادر با داغ پدر قابل مقایسه نیست .

مادر من 80 سال دقیقاً عمر نمود . پیرزنی بوده به سلامت از دنیا رفته . من نزدیک به 60 سال عمر نموده ام . نمی توانم دلم را آرام کنم . هرچه همشیره ها ، خانواده ها به من می گویند آقا یک کمی خودتان را کنترل کنید می گویم نمی توانم ، از مادرم ، از مهربانی هایش یادم می آید ، دست خودم نیست . تمام بیماری ام برگشته و از فقدان مادر ده برابر شده است . اما عرض می کنم یا زین العابدین! الان اگر یک کسی می آید به من می گوید آقا شما را به روح مادر یک کاری برای گرفتاری من بکن . من هرچه با خودم پس و پیش می کنم می بینم نمی توانم ولی می بینم به روح مادر من را قسم داده . یا زین العابدین!

یا ابالحسن ، یا وجیهاً عندالله ، ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم .

این جمعیت آمدند امشب به این مناسبت که بزرگداشت شهربانوست . به حرمت مادرت شهربانو ، دختر پادشاهی ، پادشاه زاده ای ! یا ابن هاشم! یا ابن عبد مناف! یا ابن مکه و منا! یا ابن امیرالمؤمنین! تَصَدَّقْ عَلَینَا . شب جمعه ، آقا یا زین العابدین، به ما یک صدقه بده ، عرفه کربلا باشیم . یک صدقه بده دعای ما برای امام عصر تأثیری داشته باشد . اما من یک جمله با امام سجاد دارم . (1)

ص: 213

1- . در این قسمت از سخنرانی سوز و شور عجیبی در جلسه حاکم بود و حال توجه و استغاثه در شنوندگان و عموم حاضرین حاصل شده بود و اشک و ناله و سوز و گداز مجلسیان ، امید بخش و دلگرم کننده بود .

آقا شما در بدو تولد یتیم شدید اما خدا را شکر کن چون شما مادرتان را ندیدید که چطور از دنیا رفت . دلها بسوزد برای بابایت امام حسین .
چرا؟ گفت :

من چه گویم که چه ها بر سر من آوردند؟ *** طفل بودم که گل خاطر من آزدند

پیش چشمم پس در، مادر من را کشتند *** ریسمان بسته به مسجد پدرم را بردند

من هم استاده و آن منظره را می دیدم *** مات و وحشت زده می دیدم و می لرزیدم

یا زین العباد! مرگ مادرت را ندیدی اما امام حسین علیه السلام تا زنده بود یادش نمی رفت که قنذ کتکش می زد ، ثانی لگدش می زد . به
شیخ عبدالزهره فرموده بود که عبدالزهره ما مانده بودیم ، ما دو برادر که برویم مادر را از زیر پا جمع کنیم ، یا برویم به پدرمان کمک کنیم .

یا رب فرج امام ما را برسان .

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ وَ مَدِّ فِي عُمْرِهِ الشَّرِيفِ وَ اجْعَلْ ذُنُوبَنَا بِهٖ مَغْفُورَةً ، وَأَعْمَالَنَا بِهٖ مَقْبُولَةً ، وَ حَوَائِجَنَا بِهٖ مَقْضِيَةً ،
وَهُمُومَنَا بِهٖ مَكْفِيَةً . آقا من خیلی امیدوارم به این دعا ، واقعا خیلی امیدوارم ، نه به دعا های خودمان نه به اشکی که شما ریختید ، به اینکه
مجلس ، مجلس حضرت شهربانوست . الان واقعاً من بر حسب رسم ، دعا نمی کنم . به حقیقت دعا می کنم ، شما به حقیقت بخواید .
عرفه ، کربلا بودن خیلی مهم است .

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ عَرَفَةَ ، وَارْزُقْنَا شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ ، نَجِّنَا مِنَ النَّارِ بِالْحُسَيْنِ ، أَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ
بِالْحُسَيْنِ ، وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

صلواتی به حضرت شهربانو تقدیم بفرمایید .

فصل دوم : سروده های شعراء عالیقدر پیرامون حضرت شهربانو علیها السلام

اشاره

ص: 215

عزیز آل محمد صلی الله علیه و آله / محمد آتشی (آتشی)

سروده های شعراء عالیقدر پیرامون شخصیت حضرت شهربانو علیها السلام سروده : شاعر گرانقدر و ولایتی

استاد محمد آتشی (آتشی) از اصفهان

عزیز آل محمد صلی الله علیه و آله

ز روزگار چه گویم وفا نداشت کسی را *** برای کسی نهاده است یار و هم نفسی را

فکند گر چه ز قد روز اقتدار بسی را *** نگاه داشته گاهی بزرگ دادرسی را

خصوص بهر زنی با هزار خصلت والا

ز حکمتی است این زن اسیر گشت عرب را *** اگر چه داشت بزرگی و داشت اصل و نسب را

و در وجود خود او داشت احترام ادب را *** همیشه داشت هواخواه خویش حضرت رب را

که راه یافت به لطف خدا به خانه مولا

قدم نهاد ز روی ادب به خانه حیدر *** عروس فاطمه گردید او ز رتبه برتر

که گشت همسر مولا حسین سبط پیمبر *** و گشت مادر سجاد آن ستوده داور

به رأی حضرت مولا به لطف خالق یکتا

ز روی مهر ، گلی شد به گلستان پیمبر *** ز روشنی که چراغی شد او به خانه حیدر

بزرگوار زنی پاکدل به جلوه مادر *** چه مادری چه عزیزی عزیز خالق اکبر

چنین نمود مقدر بر او خدای توانا

نکو نهاد زنی شهربانوئیست مطهر *** که بر حسین شد از روی مهر همسر و یاور

که گشت وصل ز رتبت به خاندان پیمبر *** به خانه علی او وصل و حلقه وار بر آن در

که قسمت است بر او این چنین ز حیّ تعالی

گسست رشته زرتشت و، رو نمود به احمد *** چه خوب شد گل خوشرنگ و بوی گلشن سرمد

خدای خواست که گردد به روزگار سر آمد *** عزیز خانه مولا عزیز آل محمّد

و شد به لطف خداوند اصل جلوّه تقوی

به لطف حضرت حق یافت او سعادت کامل *** که داشت بهر حسین او به دل ارادت کامل

و داشت حضرت سجّاد و آن عبادت کامل *** به حق که زنده دلی داشت در رشادت کامل

که داشت تکیه به آل علیّ و ایزد دانا

خدای خواسته اینسان بزرگوار شود او *** عزیز آل نبوت به دین مدار شود او

به مادریّ و، به حرمت به روزگار شود او *** به نام شهره و خوشنام و ماندگار شود او

که هست صاحب حرمت ستوده خوی و حق آرا

به شهربانو و همراز بی مثال حسینش *** به شهربانو وزین العباد و زیور و زینش

به شهربانو و مولا و فتح بدر و حنینش *** به شهربانو و زهرا که هست نور دو عینش

به شهربانو و این چار اصل جلوّه طاها

رها ز فتنه کن ای کردگار اهل ولا را *** نصیب اهل ولا کن ز مهر کربلا را

و دور کن توز اهل ولا جمیع بلا را *** به (آتشی) تو عطا کن ز مهر حُسن جزارا

به روز حشر من ورشته ولایت مولا

بانوی آسمانی نشان / جعفر رسول زاده (آشفته)

سروده: شاعر پراثر و کوشا و ولایی

آقای جعفر رسول زاده (آشفته)

از کاشان

بانوی آسمانی نشان

غزل بود و تک بیت ایجاز داشت *** خدا باوری را ز آغاز داشت

همای دلش اوج پرواز داشت *** رموز محبت که ابراز داشت

سفر از مدائن به شوق تمام

مدینه کند بر حضورش سلام

خدا برگزیدش ، برای حسین *** که شد عشق او رونمای حسین

گلی در بهشت برای حسین *** بهار وجودش ، صفای حسین

که آینه در چشم خود یار دید

پسندید و دل داد و دلدار دید

فرشته به عصمت ، ستایشگرش *** که بوسه زند ، چادر و معجزش

صدف بود و سجاد شد گوهرش *** و نسلی نبوده از این بهترش

چه نسبت؟ که دل برده از عالمین

حسین از علی ، این علی از حسین

چنین بانویی را سزد مادری *** برد ارث زهرایی و کوثری

چه دامن؟ امام دعا پروری *** عجم را دهد بر عرب برتری

فروغی که خورشید ، مهمان اوست

که نور امامت ، به دامن اوست

ص: 218

از این شهربانوی فرّ کیان *** از این دُرّ گنجینه خسروان

از این بانوی آسمانی نشان *** از این عصمت الله و سرّ نهران

تباری بیایند ، معصوم و پاک

چه خورشیدها ، داده زینت به خاک

حسین است و این شهربانوی نور *** که قسمت کند با دلش ، شوق و شور

دلش مهربان است و جانش صبور *** به حجب و حیا ، عصمت آموز حور

مقام از لیاقت ، چنین داشتن

به آزادگی ، سر برافراشتن

شهربانو نمونه ای فاخر / اکبر افشار زاده (افشار)

سروده : شاعر دودمان ولایت علیهم السلام

آقای اکبر افشار زاده (افشار)

از اصفهان

شهربانو نمونه ای فاخر

یزدگرد آن که شاه ایران بود *** حق پرست و شجاع میدان بود

دختری داشت نیک و وارسته *** نوگلی در میان بستان بود

خواهری داشت شهربانوی ما *** او وِرا هر کجا نگهبان بود

خواب دید او شبی جمال رسول *** او که ختم رُسل ز رحمان بود

آمدش تا دهد به او خبری *** سخنش از برای پیمان بود

خواست او را برای فرزندش *** چونکه از بهترین جوانان بود

فاطمه باب دین نشانش داد *** چونکه زرتشت پیر ساسان بود

خواستگاری نمود بهر حسین *** آنکه الگوی هر مسلمان بود

ناگهان خواب از دو چشمش رفت *** اضطراب از رخس نمایان بود

ص: 219

شکر یزدان نمود آن بانو *** همچو عبدی که در شبستان بود

در زمان خلیفه دّوم *** او که در فکر فتح ایران بود

لشکر یزدگرد ساسانی *** گر چه سرشارِ پهلوانان بود

منهدم گشت در نبردی سخت *** چونکه تقدیر حیّ سبحان بود

آن دو بانو اسیر گردیدند *** این چنین سرنوشت آنان بود

چون خلیفه نمود کج خُلقی *** نه چنین شأن این بزرگان بود

حیدر آنجا نمود رسم کرم *** او که حامیّ دین و قرآن بود

شهربانو چو شد عزیز حسین *** عقدشان با علی عمران بود

حمل او شد علی ز پشت حسین *** او که چارم دوران بود

شهربانو نمونه ای فاخر *** مادر نُه تن از امامان بود

خواست (افشار) از حسین شهید *** او که در سوگ شاه گریان بود

نظر یاری و شفاعت را *** در مسیری که راه ایشان بود

عذرخواهی کنم ز اهل ادب

شایگان گر نبود شایان بود

هسمر شاه شهیدان / علی رضا شیرانی (امین)

سروده: شاعر خاندان امامت علیهم السلام

آقای علی رضا شیرانی (امین)

از اصفهان

هسمر شاه شهیدان

شد به خواب و خاتم پیغمبران آمد به خوابش *** تا گزیند بهر خیرالخلق پُورِ بو ترابش

عالمِ رؤیا در آن شب غرقِ نورِ ایزدی شد *** امرِ حق جاری شد از قولِ نبی در انتخابش

ص: 220

شد اسیر تازیان در حملهٔ اعراب و گوئی *** وقتِ آن آمد که گردد نوبت تعبیر خوابش
غیرتِ ایرانش بود این که هرگز بین مردان *** کس ندید از چهره و گیسوی برگیرد حجابش
شهربانو دختِ شاهنشاهِ ایران بود و حیدر *** گفت با دیگر اسیران فرق دارد او حسابش
هان مبادا خاطرش رنجیده گردد از کلامی *** هان مبادا کس کند با لفظ نا بابی خطابش
عاقبت شد ، همسرِ شاه شهیدان تا که گردد *** خانهٔ خورشیدِ دین روشن ز روی ماهتابش
تا به دنیا آورد سجّاد خیرالساجدین را *** آنکه شد مرآتِ عاشورا و نقشِ انقلابش
شد (امین) را این سعادت شامل از لطفِ الهی
تا دهد زینت به نام شهربانو بر کتابش

ماه درخشان / اسدالله امینی (امینی)

سروده: شاعر خاندان ولایت علیه السلام

آقای اسدالله امینی (امینی)

از اصفهان

ماه درخشان

تورفتی شهربانو راه ایمان *** رهاندی خویش را از دام شیطان

ز نسل یزدگرد سومی تو *** به شهر یترب بردند از ایران

تو امّ الاوصیائی بعد زهرا *** شد از نسلت امامانی نمایان

منور خاک ایران شد ز نورت *** وجودت بوده چون ماه درخشان

پیمبر را به رؤیا دیده بودی *** که گشتی عاشق فرزند ایشان

حق اندیش و خداجو بوده ای تو *** که گشته رهنمایت نور قرآن
در آن دوران دشوار اسارت *** نصیبت شد حسین از امر یزدان
حسین بن علی فرزند زهرا *** تو را شد یاور و همسر از احسان
حسین فاطمه آن سرفرازی *** که از کارش جهان شد مات و حیران
تمام مردم دنیا شفاعت *** از او خواهند بهر عفو عصیان
تو هم ای شهربانو در قیامت *** شفاعت می کنی بر خیل نسوان
بود چشم (امینی) روز محشر
به لطف همسرت شاه شهیدان

سروده ای شیوا و سرگذشتی شیرین / امیر ایزدی

سروده: شاعر و مداح

دلباخته اهل البیت علیهم السلام

آقای امیر ایزدی

از همدان

سروده ای شیوا و سرگذشتی شیرین (1)

«قطب راوندی» خجسته سیر *** در «خرایج» نموده نقل خبر

ثبت کرده ز حضرت باقر *** ماجرای شنیدنی، نادر

سرگذشت حمیده جدّه خویش *** شرح فرمود آن مبارک، کیش

در زمان خلیفه دوم *** که بسی ظلم کرده بر مردم

از پی حمله مسلمانان *** فتح گردید، کشور ایران

کشته شد پادشاه ساسانی *** فتح شد کاخ او به آسانی

أسرا را به شهر پیغمبر *** چونکه بردند در حضور عمر

1- . ترجمه الخرائج و الجرائح ، ص 528 و مستدرک الوسائل ، ج 13 ، ص 377 ، باب 16 و منتهی الآمال ، ج 2 ، ص 13 .

فطرتِ پاک او، الهی بود *** « فطرتِ الناس » را گواهی بود

دخترِ شهریارِ ملکِ عجم *** کز وجاهت نداشت چیزی کم

دخترانِ مدینه در برِ وی *** حلقه زن، چون بنات، گردِ جُدی

جمله مجذوبِ آن جمال شدند *** محوِ عزّ و فر و کمال شدند

مسجدِ شهر، روشن از او شد *** شهربانو به دهر، بانو شد

چون عمرِ خواست روی او بیند *** حُسن و چهرِ نکوی او بیند

شهربانو از این عمل آشفته *** مانع کار زشت او شد و گفت

روی هُرمز، سیاه باد سیاه *** که به ناموس او کنی تو نگاه

دست بر من چرا دراز کنی؟ *** صورتِ بسته از چه باز کنی؟

پس عمر، با هزار کبر و غرور *** افترا زد به بانویِ مستور

گفت: این گبرزاده بین، دشنام *** می دهد بر خلیفهٔ اسلام

خواست از کین ورا دهد آزار *** ناگهان گفت حیدر کزّار

جمله ای پارسی تو بشنیدی *** بی گمان، معنی اش نفهمیدی

او ز زشتیِ کار تو آشفته *** سخنی بر نیای خویش، بگفت

از چه تهمت زدی بر این دختر؟ *** گفتی: او فحش می دهد به عمر!

باز ثانی به ظلم و کین کوشید *** گفت: هان! این اسیر بفروشید

شیر حق گفت: حکم، حکم بدی است *** دختر پادشه، فروشی نیست

گر چه او شاهزاده ای کافر *** باشد و کفرِ وی بُود ظاهر

بلکه باید به اختیارِ تمام *** شوی گیرد ز اُمتِ اسلام

مهرش از شوی او، تمام و کمال *** کم شود از عطایِ بیت المال

این سخن را ز نفس پاک رسول *** غاصب دُومین نمود قبول

او که سر تا قدم، خباث بود *** رو سوی دختِ یزدگرد، نمود

گفت: کز مسلمین نیک آئین *** شوهری بهر خویشان بگزین

شهربانو نمود نظاره *** بر صفِ مسلمین به یکباره

ص: 223

پیش رفت و نهاد در آن بین *** دستِ پاکش به رویِ دوشِ حسین
کاین جوان مرد ، شوهرم باشد *** تاجِ سر ، روحِ پیکرم باشد
الغرض مرتضی به خاطرِ شاد *** کرد آرامِ جانِ خود ، داماد
آن که خُور زد به خاکِ پایش بوس *** از شهانِ عجم گرفت عروس
پس حسین آن ولیِ عالی شأن *** گشت دامادِ ملتِ ایران
حیدرش گفت : دیده روشن دار *** همه نیکی روا بر این زن دار
دهد از او ، تو را خدای جهان *** پسری بی قرین به دورِ زمان
آن پسر هست بی گمان به یقین *** بعدِ تو ، بهترینِ اهل زمین
شود از لطفِ داور ، این دختر *** پاکِ ذریّهٔ مرا ، مادر
مادرِ اوصیایِ دین ، این است *** مشرقِ شمسِ العارفین ، این است
نقل گردیده ز آن حمیده صفات *** که نثارش ز شیعیان ، صلوات
پیشتر ز آنکه لشکرِ اسلام *** دست یابد بر آن بلند مقام
کرد در خواب ، سیدِ ثقلین *** خواستگاری از او ، برای حسین
پس به اذن پدر ، به امر رسول *** خطبه خواندند و شد عروسِ بتول
صبحدم چون ز خوابِ خوش برخاست *** دلش از حق ، وصالِ دلبر خواست
بود هر لحظه در خیال حسین *** دیده اش در پی جمالِ حسین
شب دوم به عالمِ رؤیا *** آمد از لطف ، در برش زهرا
واندر آن خواب ، اهل ایمان شد *** دختِ زرتشتیان ، مسلمان شد
حضرتِ فاطمه در آن رؤیا *** داد ز آیندگان ، خبر او را
گفت: در جنگ ، با مسلمانان *** بشکنند پشتِ لشکرِ ایران
شاه ایران ، شکست خواهد خورد *** ره به کویِ ظفر نخواهد بُرد

نوعروسم! تو هم اسیر شوی *** با اسیران سوی حجاز روی

حافظت هست لطف و رحمت حق *** تاشوی بر حسین من ، ملحق

خواب شهزاده زود شد تعبیر *** بر حسینش رساند حی قدیر

ص: 224

داد سبحان ، به پنجم شعبان *** کودکی نازدانه بر ایشان

گشت آن کودک خجسته نژاد *** سیدالساجدین وزین عباد

از جلالش خدا خبر دارد *** حُسن خُلُقِ پیامبر دارد

سجده هایش نشان ز حیدر داشت *** خطبه اش ، نورِ نطقِ کوثر داشت

علی دُوم ، از ائمه نور *** کاو به زُهد و وَرَع بُود مشهور

چارمین حجّت الهی ، اوست *** رهبرِ ماه تا به ماهی ، اوست

سیطره بر همه جهان دارد *** هر طرف ، ابرِ لطفِ او بارد

مُرده را با دعا کند زنده *** گشته آهو بر او پناهنده

کعبه بر حضرتش سلام کند *** حَجَر از دستش استلام کند

مایه فخر آدم و خاتم *** تشنه کام او بود زمزم

ناودان و مقام ابراهیم *** مروه و مشعر و منی و حطیم

همه مشتاقِ مقدمش هستند *** دل به مهر ولای او بستند

در وجودش عیان بین حق را *** یاد کن گفته « فرزدق » را

به جز از « لا اله الا *** کس ندارد به یاد « لا » از

هو » روشنایی به آفتاب دهد *** او سائلین را « نَعَم » جواب دهد

کیست سجاد ؟ فاتح دلهاست *** ذکرِ او ، راه حل مشکل هاست

هشت گوهر عیان شد از این یم *** که از ایشان ضیا گرفت عالم

جایگاهی رفیع دارد او *** غربتی در بقیع دارد او

گر چه قبرش به خاک ، یکسان است *** قبله قلبِ اهلِ ایمان است

هر کجا یاد او ، مدینه ماست *** بارگاهش درونِ سینه ماست

هر کسی مطلبی ز وی خواهد *** حاجت از آن خجسته پی خواهد

« ایزدی » سوزِ سینه می خواهد *** کربلا و مدینه می خواهد

ص: 225

عروسی از تبار ایرانی / سید علی اصغر هاشمی (بقا)

سروده: شاعر دلباخته خاندان رسالت علیهم السلام

آقای سید علی اصغر هاشمی (بقا)

از اصفهان

عروسی از تبار ایرانی

مرغ دل پر کشیده گاه سحر *** جانب کوی عشق بار دگر

در هوای مدینه بال گشود *** داد بر اهل بیت پاک درود

رفت گرد سرای آل رسول *** دید ماهی که شد عروس بتول

یک عروس از تبار ایرانی *** دختر یزدگرد ساسانی

که خداوند برگزید او را *** آن زمانی که آفرید او را

او ز شهزادگان ایران بود *** لیک در زمره اسیران بود

شهربانو چو در مدینه رسید *** جمله تلخی از خلیفه شنید

شهربانو از او مکدر شد *** متمایل به سوی حیدر شد

حیدر آمد سکینه اش بخشید *** آری آرام سینه اش بخشید

زنگ اندوه از دلش بزدود *** بر جلال و کمال او افزود

بیم رفت از دل ایمنی آمد *** دوستی جای دشمنی آمد

شهربانو نظر به هر سو کرد *** نرم نرمک به هر طرف رو کرد

پنجمین تن ز پنج تن را دید *** دل پاکش به عشق او لرزید

لیک گفتا علی امام من است *** هر چه گوید علی کلام من است

مرغ خوشبختی اش به شانه نشست *** تا به اسلام راستین پیوست

شاه مردان چنین پناهش داد *** از عنایت مقام و جاهش داد

گفت همتای تو حسین من است *** هم نشین تو نور عین من است

دختر پادشاه ساسانی *** شد عروس علی عمرانی

چون علی شهربانویش نامید *** نور حق در جبین او تایید

ص: 226

محو روی حسین زهرا شد *** دل پاکش اسیر مولا شد
با حسین علی چو همدم شد *** آسمان در برابرش خم شد
دومی خواست خارشش بیند *** دهد آزار و زارش بیند
لیک حق منزلت به او بخشید *** بهترین موهبت به او بخشید
منزلت یافت شهربانوی ما *** یافت رفعت به دست آل عبا
چون به آل رسول ملحق شد *** مادر نه امام بر حق شد
بانوی بی نظیر و پاک نهاد *** مادر پاک حضرت سجاده
از مقامات او چه گویم من *** که بود مام حجت ابن حسن
موجب افتخار ایران است *** شهربانوی ملک سلمان است
ای تو سادات را بهین مادر *** ای حسین شهید را همسر
ای ز شهزادگان ساسانی *** فخر ملک حجاز و ایرانی
روز محشر به من عنایت کن *** جان زهرا ز من شفاعت کن
از عنایت بگیر دست (بقا) *** تا شود رو سفید روز جزا

بانوی عالی نسب / رضا رضایی (بی ریا)

سروده: شاعر خاندان ولایت علیه السلام

آقای رضا رضایی (بی ریا)

از اصفهان

بانوی عالی نسب

شهربانو دختر ایرانی عالی نسب *** شد اسیر مسلمین و رهبر دنیا طلب

این اسارت شد سبب بر این زن والا مقام *** تا بگیرد همسری دریا دل و عالی نسب

روز پایان اسارت شد مخیر تا کند *** انتخاب همسر از بین بزرگان عرب
سرو قدش شد روان سوی حسین بن علی *** آن حسینی که خدا او را نموده منتخب
این چنین وصلت ورا برده بسوی آسمان *** چون بر او شامل شده بی گفتگو الطاف رب
خالق هستی رقم زد وصلت را این چنین *** علتی بوده بر آن هرگز نبوده بی سبب
بعد از این وصلت بُرید از دین زرتشت و به حق *** شد مسلمان آن زمان از روی ایمان و ادب
در وجود آمد از این وصلت امام چارمین *** حضرت سجاد زین العابدین خوش لقب
فخر این مادر شده مولا علی بن الحسین *** سروری که نام حق بوده ورا دائم به لب
از همین وصلت شده دین پیمبر مستدام *** آنچه آنکه نام او باشد فراتر از ذهب
شهربانو هر زمان بالذ بخود از این پسر *** این پسر کو آبرو داده به دین و مام و اب
نخل پر بار امامت بعد از او در این جهان *** جملگی از نسل او باشند و این نبود عجب
این پسر شد همره بابش بدشت کربلا *** شد از این همراهی او قلب دشمن ملتهب
با اسیران بلا شد همسفر در شهر شام *** در حضور دشمنان خواند او چنان غرا خطب

شد از این خطبت به حق کاخ ستمگر زیر و رو *** آن ستمکاران که بودند از نژاد بولهب

(بی ریا) بالذ به خود از این زن مرد آفرین *** کو بود ایرانی و فرخنده و عالی نسب

شهربانو دختر ایرانی عالی نسب *** شد عروس خانه مولا علی میر عرب

همسری والا گهر شد بر حسین بن علی *** این مقدر بوده از روز ازل نبود عجب

بعد زهرا بر امامت مادری / محسن اسلامی (پویا)

سروده: شاعر ادیب و پرشور و ولانی

آقای محسن اسلامی (پویا)

از اصفهان

گزیده ای از یک مثنوی یکصد و سی بیته

بعد زهرا بر امامت مادری

ای که می آئی ز شهر خاوران *** ای که داری خنده نیلوفران

ای که چشمانت به دریا می زند *** دستهایت نقش فردا می زند

من تو را می جویم ای آن سوی نور *** ای شکوه اعتباری پُر غرور

شعر من از نام تو جاری شده است *** دفترم با عشق ، گلکاری شده است

نور با من آشنایی کرده است *** شعرهایم را خدایی کرده است

ای صفای سبز ، ای پاک نجیب *** همصدای من در این عشق عجیب

ای دلیل گریه های بی حدم *** مست و بی پروا به سویت آمدم

جا نماز کهنه را وا می کنم *** با دلم آهسته نجوا می کنم

از نم مهر نمازم چون سپند *** عطر خاک کربلا گردد بلند

قطره را سجاده دریا می کند *** سجده دردم را مداوا می کند
در نگاهش می نشیند گاه گاه *** نور اصحاب کسا ، در یک نگاه
رنگ سرخ عشق دارد دین او *** می وزد آئینه از آئین او
آه می خواند کنار گوش ماه *** اشک می ریزد میان چشم شاه
شاه بانویی بزرگی آفرین *** آفرین بر این بزرگی ، آفرین
تاج حُسنش گردباد کائنات *** زیر چتر نسل او ، اهل نجات
نسل پاکان را حمایت می کند *** بادبان ها را هدایت می کند
می توان در خاک پایش بوته کرد *** زیر سقف عترتش بیتوته کرد
نور اعجاز است در ایجاد او *** عالمی مست مبارکباد او
مقصد او کوچه های هاشمی است *** پنجمین نور از کسای فاطمی است
می رسد بار مز قاف و شین و عین *** (شهربانویی) به دیدار حسین
نور دارد خنده شفاف او *** جامه های پاکِ عفت باف او
در نگاه ناب او نور شفاست *** دستهایش پنجه مشکل گشاست
آفتابی روبروی آفتاب *** لیک مستور است در پشت نقاب
عشقباز حق شعار عالمین *** آبروی عشق را بنیان ، حسین
خط شمشیری عیان بر گردنش *** مهرِ معهودِ شهادت ، بر تنش
تشنگی پیچیده در آغوش او *** نینوا در نینوا چاووش او
هاله ای بر چهره نورانی اش *** کربلا مشهود در پیشانی اش
لحظه پیوند مهر و ماه شد *** شاه بانویی عروس شاه شد
آب و خاک و آسمان در هممه *** شهربانو ، شد عروس فاطمه
ای که نامت نور را شیرازه کرد *** در عرب نام عجم را تازه کرد

تا صداقت سیرت آئینه هاست *** نام تو شمع و چراغ سینه هاست

در مشامم ای سروش خوش سرشت *** خاک پایت می دهد بوی بهشت

عشق را اینک طلوع دیگری *** بعد زهرا بر امامت مادری

ص: 230

از تبار ناری و از نسل نور *** می دمد این نور تا صبح ظهور
دین ما آئینه علیت است *** مذهب ما در کنار عترت است
مذهب ما مذهب نور است و ناز *** دین مایعنی زن و عطر و نماز
وَه عجب تصویر زیبایی شده است *** بانوی ایران ، تماشائی شده است
بانویی با عُرف و عترت آشنا *** با رموز استعارت آشنا
شاه بانویی که همراز دل است *** مادر آئینه های مُقبل است
مادری از عطر گل‌های ارم *** مادری از نسل شاهان عجم
مادری فرّ و شکوه خاوران *** شهر بانویی اهورائی نشان
همسر شاه جوانان بهشت *** اولیا را مادری نیکو سرشت
گفتم از شهبانوی ایران زمین *** حلقه اسلام و ایران را نگین
بانوی آئینه عاری ز زنگ *** یک بهار و یازده معصوم ، رنگ
گفتم از بانوی یاس و یاسمین *** آسمان مهر زین العابدین
باز اما سینه ام آرام نیست *** شعر (پویا) را سرِ اتمام نیست
می گشاید پر به گلزار بقیع *** می نشیند پشتِ دیوار بقیع
با ملایک باز ، همپر می شود *** زائر فرزند و مادر می شود
راستی ای جانِ جانبخش وجود *** کیست مسجود ملایک در سجود
آنکه گفت از آسمان روح الامین *** در مدیحه انت زین العابدین
حرز جان شب نشینان جوشنش *** در بقیع عاشقی ها مدفنش
این بقیع آینه دار جان ماست *** آسمان عشق بی پایان ماست
از من و از عشق ، تا یوم القیام *** هم بر این فرزند و این مادر ، سلام

سروده: شاعر جوان و ولایی

آقای علی رضا خیامی (پیچک)

از اصفهان

افتخار مردم ایران

سر فرود آرد جهان در پای ام العابدین *** همسر خون خدا و همسر سلطان دین
مدح او را نه فقط اشعار شاعرها کنند *** شاعر اوصاف او باشد سماوات و زمین
کاخ ساسانی به خود لرزد ز حجب و عفتش *** باشد این حجب و حیا بر جن و بر آدم مبین
بهر تو بیت الحزانِ پورِ حیدر به بود *** از شکوه و هیبت آن قصرهای مرمرین
جز تو بانو کس نباشد لایق خون خدا *** جز تو بانو کس نباشد این چنین اهل یقین
قدر تو افزون شده بعد از وصالت با حسین *** همچنانی که بود زیبا به انگشتر، نگین
حق گواهی می دهد، هستی تو بانو تا ابد *** در میان بانوان سرزمینم، بهترین
افتخار مردم ایران بود کز لطف تو *** خون ایرانی شده از خون پیغمبر وزین
«یا حسین بن علی جانم فدای غربت» *** می رسد از کربلا بر گوش عالم این طنین
سجده « پیچک » به تقلید از سجود پور توست *** شهربانو! مادرِ سجاد، زین العابدین

هدایت شده فاطمه زهرا علیها السلام / ابوتراب هاشمی (تراب)

سروده : شاعر دلدادۀ اهل بیت علیهم السلام

آقای سید ابوتراب هاشمی (تراب)

از اصفهان

هدایت شده فاطمه زهرا علیها السلام

دختر شاهنشاه ایران زمین *** مادر سجّاد زین العابدین

از مدائن تا مدینه روز و شب *** رفت و ذکرش بود دائم زیر لب

مهر آن ماهی که در رؤیا بدید *** در ضمیرش شور و غوغا آفرید

بعد از آن رؤیای شیرین روز و شب *** دست حاجت برد بر درگاه رب

راه می پیمود و می گفت این سخن *** با خداوند کریم ذوالمنن

که ای خدای پاک و بی همتای من *** کی شود تعبیر این رؤیای من

کی وصال یار ممکن می شود *** وصل آن دلدار ممکن می شود

بر وصالش قلب ما را شاد کن *** این بنای شوق را آباد کن

من شهادت گفته ام با فاطمه *** (لا اله غیر هو) بی واهمه

فاطمه ما را هدایت کرده است *** رهبری سوی ولایت کرده است

من اسیرم نی اسیر دشمنان *** بلکه بر سیمای آن آرام جان

خود نه با پا بلکه با سر آمدم *** در اسارت سوی دلبر آمدم

مادرش بر من بشارت داده است *** او نجاتم از اسارت داده است

گفت: شهبانو! عروسم می شوی؟ *** مام نه شمس الشموسم می شوی؟

پاسخش گفتم بلی آماده ام *** بر حسین بن علی دل داده ام

کفو دیگر غیر او نشناختم *** زین جهت بر روی او دل باختم

با شکوه آن مریم کسری نژاد *** با متانت بین زن ها ایستاد

دست رد بر سینه ثانی نهاد *** دیو و حوری را نباشد اتحاد

لیک راه خانه حیدر گرفت *** سایه ثار الهی بر سر گرفت

ای مهین بانوی ایرانی تبار *** خوش رسیدی بر دیار ملک یار

ص: 233

چادر شام زلفت زلف حور *** چشم اصحاب سقیفه از تو دور
شهربانو! بانوی عالم شدی *** همسر وجه الله اعظم شدی
کیست فرزندات امام العارفين *** سيّد سجاد زين العابدين
تو علی بن حسین آورده ای *** بر علی نور دو عین آورده ای
پرده تا از نسل زهرا بر گرفت *** چشم بست و روز دنیا بر گرفت
روح پاکش سوی جنت شد روان *** در جوار مصطفایش شد مکان
من (ترابم) از غمت دلخسته ام *** اشغعی لی دل به لطف بسته ام

تفسیر ذکر یا حسین علیه السلام

سروده: خطیب ولایتی و دلباخته خاندان

عصمت و طهارت علیهم السلام آقای ...

از اصفهان

تفسیر ذکر یا حسین علیه السلام

آنگونه که، قرآن شرف، از آنما یافت *** ایران و ایرانی شرافت از شما یافت

بانوی شهر عصمت و پاکی شما یید *** محبوب قلب حضرت زهرا شما یید

قلب شما شد چشمه خون خداوند *** باید شما را قلب ثارالله بدانند

ای امتداد آیه تطهیر قرآن *** ای مادر پاک و پر از نور امامان

بی شک، شما فرمانروای عالمینید *** انسیة الحورای دربار حسینید

ای نو عروس پاک زهرا ی مطهر *** ای ماهتاب آسمان قلب حیدر

بی بی! شما اصل وقار و اقتدارید *** در آسمان هم ، مثل و مانندی ندارید
در بین حوران بهشت این گفته پیچید *** شاه ولایت شهربانورا پسندید
زهراشما را خواست از بهر حسینش *** شد مونس جان شما نور دو عینش
شه دخت ایران شاه بانوی جهان شد *** فرمانروای آسمان و کهکشان شد
خورشید عالم شد انیس جان مهتاب *** داماد ما ایرانیان گردیده ارباب
نور خدا شد جلوه گر از خاک ایران *** شاه زنان شد همسر شاه شهیدان
بی بی! شما تفسیر ذکر یا حسینید *** در عرش اعلی هم یقینا با حسینید
شهزاده اید و شاه بانوی جهانید *** بی شک برای ما حسینی ها امانید
یا حضرت امّ الائمّه! مادر عشق *** ای سلسبیل مرحمت! ای کوثر عشق
ما را گدای سفره های خود بدانید *** در آخرت هم مادر شیعه بمانید
ما بندگان حضرت سجّاد هستیم *** از غیر دربار شما آزاد هستیم
زانو زدیم و جبهه بر این در نهادیم *** بر خاک این در چون گدایان سر نهادیم

تنها پناه ما در این دنیا شماست *** بی بی شما با درد شیعه آشناست
شیعه دلش از داغ تنهایی شکسته *** درد غم غیبت به جان ما نشسته
مادر! شما از بهر ما تنها پناهیید *** در ربّای خود ظهورش را بخواهید
مادر، دعایش مطمئناً مستجاب است *** حال دل ما از غم غیبت خراب است
در زیر قبه یک شب جمعه بمانید *** امن یحیی و ذکر یا زهرا بخوانید
باشد که از لطف شما دلشاد گردیم *** از درد غربت جملگی آزاد گردیم

آبروی ملت و کشور / رمضانعلی جان نثاری (جان نثار)

سروده: حافظ کل قرآن کریم و مدرّس حوزه علمیه

آقای شیخ رمضانعلی جان نثاری (جان نثار)

از اصفهان

آبروی ملت و کشور

چون حسین بن علی را گشت همسر شهربانو *** تا قیامت جایگاهی یافت برتر شهربانو

دست تقدیر خدا از ابتدا در کار بوده *** تا که همسر گشت بر سبط پیمبر شهربانو

او مقام و اعتبار یزدگردی را نمی خواست *** از ازل سودای دیگر داشت در سر شهربانو

فطرتش مشتاق وصلت بود با آل محمد *** با وجود آنکه بُد شهزاده دختر، شهربانو

ص: 236

دست توفیق خدا بردش ز ایران در مدینه *** تا که گردد همسر فرزند حیدر شهربانو
در حقیقت شاه بانوی تمام بانوان شد *** تا امام سومین را گشت همسر شهربانو
او ابالزوجه همانند علی مرتضی یافت *** شد عروس حضرت زهراى اطهر شهربانو
او پس از صدیقۀ اطهر بود ام الائمه *** نه امام راستین را هست مادر ، شهربانو
افتخار اهل ایران شد از آن وصلت که بنمود *** آبروی ملت است و دین و کشور شهربانو
داشت فرزندی که باشد وارث خیر النبیین *** گشت مادر بر امامان مطهر شهربانو
دامن او مهد زین العابدین گردید زیرا *** داشت از ایمان و تقوا حدّ اکثر شهربانو
گر شهید فی سبیل الله را اجری عظیم است *** می توان گفت از شهیدان نیست کمتر شهربانو
مردهایی از دل و جان یاری اسلام کردند *** هست در این امر با مردان برابر شهربانو
آن درختی را که در قرآن خدا فرموده باشد *** ثابت و پاکیزه و پر شاخه و بر ، شهربانو
آتش سوزنده قهر خدا هرگز نسوزد *** آنکه را باشد شفیعش روز محشر شهربانو
یک زن و اینقدر جاه و منزلت ، الله اکبر *** این مراتب دارد از خلاق اکبر شهربانو
بسکه قرب و منزلت دارد به نزد حق تعالی *** می درخشد روی او چون ماه انور شهربانو

چارده معصوم در نزد خدا هر یک وجیهند *** این وجاهت نیز باشد بی گمان در شهربانو
حاجتش گردد روا و از الم یابد رهایی *** گر برد در حاجت خود التجا بر شهربانو
هر که نامش را کند احیا خدا احیاگر اوست *** هست محبوب و عزیز حیّ داور شهربانو
این که در قرآن خدا فرمود اعطیناک کوثر *** چشمه ای سرشار می باشد ز کوثر شهربانو
از فضیلت های او هر چند گویند و نویسند *** باز هم دارد فضیلت های دیگر شهربانو
کم سخن گفتند در توصیف این بانوی عظمی *** مانده پنهان همچنان ارزنده گوهر شهربانو
رتبه او هست فوق رتبه ها نزد خداوند *** هر چه خوبی هست از آنست بهتر شهربانو
در مدیحهش چون منی حق سخن نتوان ادا کرد *** افتخار شاعر است و زیب دفتر شهربانو
همچو فرزندان خود خیرش به گیتی مستدام است *** بر خلاق می رساند فیض آوفر شهربانو
حجت بن العسکری قدر و جلالش می شناسد *** هر چه ما گوئیم هست از آن فراتر شهربانو
نام نیکش تا ابد هرگز نمی گردد فراموش *** دارد این خوشنامی از فرزند و شوهر شهربانو
(جان نثارم) دارم این امید کز احسان نماید *** التفاتی بر من مسکین مضطر ، شهربانو

ام الاوصياء / سيد محمد مهدي جزايري

سروده: شاعر روحانی و دلدادۀ اهل البيت عليهم السلام

آقای سيد محمد مهدي جزايري

از اصفهان

ام الاوصياء

قلم چون می نگارد وصفی از نیکویی خویش *** خرد پی می برد بر شیوه رفتار دلجویش

به امّ الاوصياء کنیت گرفته شهر بانویی *** که بنمود است امّ الاولياء حق، نظر سويش

به شاه بانوان مشهور بود و شهر بانو شد *** سلافه با سلامه هم غزاله نام نیکویش

امير المؤمنین فرمود او را شهر بانو چون *** که زهرا شاه زنها بود آنجا در فرارویش

عروس حضرت زهراي اطهر گشت آن دختر *** شد از الطاف یزدانی حسین بن علی شویش

به دنیا چونکه آورد او چهارم حجّت حق را *** خداوند جهانش خواند سوی قصر مینویش

تمام بانوان این جهان دارند امیدی *** که در گلزار جنت مسکنی یابند در کویش

يار و ياور امام حسين عليه السلام / صادق چترایی

سروده: شاعر خاندان امامت و ولایت عليه السلام

آقای صادق چترایی

از اصفهان

يار و ياور امام حسين عليه السلام

لشگری بر ملک ایران چون بتاخت *** طبل جنگی او به این سامان نواخت

مرد وزن از آن حکومت خسته دید *** خلق ایران را ز هم بگسسته دید

یزدگردی شاه این میهن چو بود *** از مقامش آن زمان آمد فرود
چون ملخ بر باغ ایران حمله کرد *** تا فنا شد کیش زرتشت از نبرد
رفت سرها از بشر هر جا که بود *** تا که آرد دین احمد در وجود
تا که دین جاری بشد بر هر که بود *** هر کسی از بهر دین شد در سجود
شهربانو دید در خوابش بتول *** گفت زهرا دین اگر کردی قبول
شهربانو می شوی بر من عروس *** سجده کن بر حق بیا خاکش ببوس
با اسیران سوی یثرب روی کرد *** با نکویانِ مسلمان خوی کرد
چون نگاهش شد مقابل با حسین *** گفت او باشد مرا نور دو عین
می کنم همسر به پا کی اختیار *** گشت یاور بر حسین و گشت یار
فخر دنیا شهربانو از کرم *** راه حق پیمود و شد بس محترم
گشت مادر بهر زین العابدین *** (صادقا) پیروز شد حق این چنین

سروده شاعره خاندان عصمت علیهم السلام

خانم سیده تکتم حسینی

از افغانستان مقیم قم

عشق مادر زاد

زیور و زر داشت ، اما غیر ویرانی نبود *** لایق روح بلندت کاخ ساسانی نبود
گرچه بعضی ها بر آن نام اسارت می نهند *** غیر آزادی ، خودت هم خوب می دانی ، نبود
آشنا پیشانی ات با سجده توحید شد *** چون که پیشانی نوشتت نامسلمانی نبود
تا بساط غیر ” او ” از سینه ات بیرون شود *** هیچ چیزی در دلت جز عشق زندانی نبود
جز به درگاه خدا سر خم نکردی هیچ جا *** جز به هنگام دعا چشم تو بارانی نبود
این که با خون خدا در یک بدن جاری شود *** بی تو حتی در خیال خون ایرانی نبود
عشق مادرزاد را شاید اگر با خود نداشت *** سجده سجّادت این اندازه طولانی نبود
مرگ پیش اهل حق سهل است ، اما از حسین *** شک ندارم دل بریدن کار آسانی نبود

نشان بزرگ زادگی / مجتبی خرسندی

سروده: شاعر اهل البیت علیهم السلام

آقای مجتبی خرسندی

از قم

نشان بزرگ زادگی

فرا تر است مقام تو از فراسوها *** که روبروی تو خم می شوند زانوها

اگر چه عالم و آدم نوشته اند از تو *** نمی کشند ولی کوه را ترازوها

هنوز فلسفه درک شأن تو داغی ست *** که مانده بر دل سقراط ها ، ارسطوها

نمونه اند از این خیل مریم و هاجر *** کلاس درس تو پر می شود از الگوها

حجاب توست نشان بزرگ زادگی ات *** ندیده چشم کسی از تو تاری از موها

مدینه آمدنت حکمت بزرگی داشت *** نمی رسد به مقام تو درک زالوها

به این مقام و به این نام مفتخر شده ای *** که زیر دین تو باشند "شهربانو"ها

گره محکم / عباس شاهزیدی (خروش)

سروده: شاعر ادیب و نکته سنج و ولایی

آقای عباس شاهزیدی (خروش)

از اصفهان

گره محکم

تا دید به چشم خود مسلمانی را *** انگار ندیده کاخ ساسانی را

از صبح ازل خدا گره زد محکم *** با خون خدا غرور ایرانی را

فخری که به این دیار ارزانی شد *** سهم یکی از زنان ایرانی شد

همخانگی حسین زهرا کم نیست *** این فخر نصیب آل ساسانی شد

از منتخبین سید بطحایی *** دُرْدانه عروس حضرت زهرایی

هم همسر حضرت اباعبدالله *** هم مادر چارمین امام مایی

ص: 242

نو عروس خانۀ حضرت زهرا علیها السلام / سید مسعود داستار

سروده: شاعر دلباخته حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

آقای سید مسعود داستار

از شهرضا

نو عروس خانۀ حضرت زهرا علیها السلام

اسارت!؟ نه شما شهزاده ای آزاده ای بانو *** حسین بن علی را عاشق و دلدادۀ ای بانو

به نور مصطفی خوابت شبی بانو منور شد *** نبی الله را دیدی و حالت خوب و بهتر شد

برای دردهایت در شبی دیگر دوا آمد *** به رویای شما دخت نبی خیر النساء آمد

به دست حضرت زهرا شدی آن شب مسلمان تو *** شدی سرحلقه وصل میان دین و ایران تو

خدا بر تو نظر کرد و مسیر تو خدایی شد *** که مام نه امام از نسل زهرا آریایی شد

شما را از خراسان تا مدینه دست حق آورد *** دلت را در کنار حضرت زهرا مصفا کرد

حسین بن علی را بین مردم ناگهان دیدی *** و از بین همه ، بانو فقط او را پسندیدی

به دستور علی خود برگزیدی نور عینت را *** حسینت را حسینت را حسینت را حسینت را

الا ای نو عروس خاندان حضرت زهرا *** توئی سرحلقه سوم برای عروۀ الوثقی

تورا مریم نهاده نام رکن الاولیا زیرا *** که سجادت کند زنده به یک دم صد مسیحا را

خدا را شکر از دامان تو نوری مبین آمد *** امام چارمین سجاد زین العابدین آمد

تو ام الاوصیا ، ام الصحیفه ، شهر بانویی *** به حق دارای القاب و صفات و ذات نیکویی

حسین آمد ، نگاهت تا که بر ابن الحدید افتاد *** دل از دنیا بریدی و تورا طرز جدید افتاد

حسین بن علی نزد تو بانو جان جانان بود *** تورا روی زبان جانم حسین جانم حسین جان بود

خدا تاباند بر روی دلت انوار قدسیه *** دلت شد یک حسینیّه از آن اذکار قدسیه

درون این حسینیّه همیشه ذکر زهرا بود *** حسینش روضه می خواند و دو چشمش همچو دریا بود

برایت گفته از محسن شهید شعله ها آیا ؟ *** از آن نو غنچه پر پر شده در دامن زهرا

تو بانو بوده ای غمخوار غم های حسین اما *** نبودی کربلا او شد غریب و بی کس و تنها

تو بودی یار و غمخوارش ولی در روز عاشورا *** نبودی تا بینی غربت آقای عالم را

نبودی تو ولی زهراى اطهر مادرش آمد *** در آن گودال زهرا نوحه خوان بر پیکرش آمد

از جام شراب آل طاها مستی *** با لطف خدا به اهل بیت پیوستی

باید بفرستیم برایت صلوات *** چون مادر سادات حسینی هستی

چشم سوی آفتاب / محسن درویش

سروده: شاعر نکته سنج و ولایی

آقای محسن درویش

از اصفهان

چشم سوی آفتاب

تاریخ گفت: دختر ایران حجاب داشت *** خورشید بود و چهره ماهش نقاب داشت

با شرم چشم روی فریب زمانه بست *** از بس که روزگار فراوان سراب داشت

دل بر کسی نیست و گرفتار شب نشد *** شهزاده ای که چشم سوی آفتاب داشت

در خواب از محبت زهرا چشیده بود *** در دل از اشتیاق حسین التهاب داشت

درباره نکاح از او تا سؤال شد *** چیزی نگفت چون که سکوتش جواب داشت

دستش رسید بر سر دوش امیر عشق *** از ابتدا نگاه به این انتخاب داشت

در بیت آخرین صدفی پاکتر ز پاک *** از نور سیدالشهدا دُر ناب داشت

آن گوهر بی نظیر ایرانی بود *** فرزند شریف شاه ساسانی بود

تاریخ نوشته شهر بانوی عجم *** در عشق حسین بن علی فانی بود

این زوج که از نژاد باران هستند *** پیمان وفا و مهر با هم بستند

خورشید قریش و ماهتاب ایران *** در محضر آسمان به هم پیوستند

عروس شاه ولایت علیه السلام / احمد میرزایی (دلدار)

سروده: شاعر با ولایت علیه السلام

آقای احمد میرزایی (دلدار)

از اصفهان

عروس شاه ولایت علیه السلام

یک سخن بشنوز الطاف خدای مهربان *** تا در آن حیران بمانی زین حقیقت در جهان

طی جنگ قادسیه در زمان یزدگرد *** تیره شد بر شاه ساسانی به ناگه آسمان

لشکر شاهی شکست و سلطنت شد منقرض *** رفت همراه اسیران ، دختر شاه زمان
شهربانو نام ، اما کشوری در زیر پای *** صورتش چون ماه تابان هیبت و شوکت عیان
با وقار و کم سخن بنشسته ، یاران گرد او *** رنگ رخسارش ز بخت بی نشان دارد نشان
چون نظر افکند بر روی حسین بن علی *** گفت همچون او نیابم همسری را بی گمان
شد عروس خانه شاه ولایت دخت شاه *** نام ایران شد به عزت از کران تا بی کران
نخل این وصلت ثمر آورد ، زین العابدین *** تا امامت را دهد دنباله در این کهکشانشان
افتخاری شد بر این پیوند میمون شیعه را *** می کند (دلدار) شکری زین سعادت بی امان

افتخاری برای ایران / محمد حسن زاده (راضی)

سروده : شاعر فرهیخته و

دلباخته اهل البیت علیهم السلام

آقای محمد حسن زاده (راضی)

از اصفهان

افتخاری برای ایران

دختر پادشاه ایران بود *** همسر پادشاه عالم شد

با رضای خدا به امر علی *** نام آن برگزیده مریم شد

ص: 246

خواستگارش زیاد بود اما *** او فقط گفت یک کلام ، حسین

افتخاری برای ایران شد *** تا که شد همسر امام حسین

خطبه اش را در عالم رؤیا *** حضرت ختم الانبیا خوانده

بعد از آن مرتضی عروسش را *** حضرت ام الاوصیا خوانده

فاطمه انتخاب خود را کرد *** او مسلمان به دست زهرا شد

عاشقانه به اختیار خودش *** هستیش نذر هست زهرا شد

من چه گویم به وصف آن بانو *** که مقاماتش اینچنین بوده:

همسرش سید شهیدان و *** پسرش زین العابدین بوده

روح بلند / سید محمد رستگار

سروده: شاعر خاندان رسالت علیهم السلام

آقای سید محمد رستگار از مشهد مقدس

روح بلند

بر روح بلند شهربانو صلوات *** بر عطر و شمیم گل مینو صلوات

خواهی که دعایت به اجابت برسد *** بفرست برای زاده او صلوات

ماه مدینه

بر ماه مدینه بیش از انجم صلوات *** بر مام آب امام پنجم صلوات

چون پنجم شعبان شده ، یکبار دگر *** بر دختر یزدگرد سوم صلوات

بی خود که علی نبوده خواهان عجم *** شاهد شده بر صدق گواهان عجم

این است که برگزید از بهر حسین *** یک دسته گل از گلشن شاهان عجم

خواستگاری

از حضرت شهربانو آثار این است ***مقبول ترین عاقبت کار این است

ص: 247

در عالم خواب خواستگاری شده است(1)*** خوابی که شود دولت بیدار این است

لوح فاطمی

در عرش الهی اثر از گامش بود *** جبریل امین کبوتر بامش بود

پیداست که شهربانو از روز ازل *** در لوح منیر فاطمی ، نامش بود(2)

ارحام مطهره

از نام ، بؤد مقام او بالا تر *** نسل اش یکی از یکی دگر، آقا تر

او مادر نه امام معصوم بؤد *** ارحام مطهره از این والاتر؟

مقام

در ملک عجم بود و جهان آرا شد *** در بین عرب خادمه اش سارا شد

از نسل وی اند نه امام معصوم *** چون او چه کس این مقام را دارا شد؟

مریم

تا بر حسنات خود فزاید مریم *** در خدمت شهربانو آید مریم

وقتی که امام ، مریم اش می نامد(3) *** باید که بر او فخر نماید مریم

جانان جهان ، جان جهان زاد و برفت *** بگذشت زجان به پای سجاد و برفت

از بهر حسین ، شهربانو ، پسری *** آورد ، ولی ز پای افتاد و برفت

ص: 248

1- . مرآت العقول ، ج 6 ، ص 6.

2- . کمال الدین ، ج 1 ، ص 307 ؛ عیون الاخبار ، ج 1 ، ص 33.

3- . حیاة الامام زین العابدین ، ص 31.

آینه عین و قاف و لام است این زن *** در عشق حسین هم تمام است این زن
در هر دو جهان یگانه در منزلت است *** چون محرم یازده امام است این زن

ماه است و چراغ هفت کشور باشد *** خاک رهش آسمان دیگر باشد
جز حضرت شهربانوی عالم، کیست؟ *** یک زن، که به نه امام مادر باشد

شهزاده ما که قصه اش شیرین است *** دلدادگی اش سوای دنیا، دین است
در خواب عروس حضرت زهرا شد *** آن دولت بیدار که گویند، این است

بین اسرا هلهله بر پا شده بود *** در پای حسین، عشق معنا شده بود
شهزاده، ملیکه عرب بود دگر *** پیروزی از آن ملت ما شده بود

غم نیست، اگر اسیر یا تنها شد *** دلداده دوست بین دشمن ها شد
در عین اسارت از عمر روی گرفت *** تا مایه سربلندی زن ها شد

سروده: شاعر نکته سنج

و دلدادۀ اهل بیت علیهم السلام آقای احمد رفیعی وردنجانی

از شهرکرد

نوعروسِ سرورِ زنها

کیست او که رنج ها ، آسان به لطف او شود *** بانگاهش هر چه غم باشد به دل جارو شود

کیست این نور خداوندی که وقت دیدش *** هر دلِ آزاده مست از گفتنِ یا هو شود

هر که باشد نور را مشتاق ، گردد غرق نور *** هر که با گل می نشیند ، مثل گل خوشبو شود

جلوه خورشید نورافشان حق راهر که دید *** خود اگر حائل نباشد ، بی امان حق جو شود

می رود تا آسمان عشق راهش مستقیم *** هر که با راه حسین بن علی همسو شود

می شود با گوشه چشمش به خوشبختی رسید *** شهربانو می شود با او جهان بانو شود

ای برای عشق او دل کنده از دنیا سلام *** ای جهان بانو عروس حضرت زهرا سلام

شهربانو گفت در گام نخستین یا حسین *** غم چه خواهد داشت هر کس آشنا شد با حسین

شهربانو تا قدم برداشت در دل گفت کاش *** کار من هرگز نیفتد با کسی الا حسین

قبل از آنکه همسر مولا شود از هر چه داشت *** دست شست و بنده شد در مکتب مولا حسین

هر نفس در جان خود شوق وصال دوست داشت *** آرزویش بود که با سر شتابد تا حسین

بس که با شوق وصال او به خلوت اشک ریخت *** قطره ای شد غرق مهر حضرت دریا حسین

شهربانو با دعایش مونس ارباب شد *** دست رد کی می زند بر عاشقان آقا حسین

ای نگاهت بر امامت عشق رامعنا سلام *** ای جهان بانو عروس حضرت زهرا سلام

با اسارت رفتنش شهزاده آزاد شد *** خانه ی بختش نشد هرگز خراب ، آباد شد

عشق بار دیگری با شیوه ای اعجاز کرد *** پیش چشمی با بصیرت یک جهان ایجاد شد

این حقیقت بوده از روز ازل همراه خلق *** رهرو راه خدا هر کس که شد امداد شد

شهربانوی دیار کاخ ها و شاه ها *** مادر والا مقام حضرت سجاد شد

او که با هر واژه ای که شعله زد از خطبه هاش *** آتشی بر روزگار خصم بی بنیاد شد

هر الفبایی که این مادر به طفلش یاد داد *** در ره احقاق حق یک آسمان فریاد شد

ای به داد شیر مردت مانده عاشورا سلام *** ای جهان بانو عروس حضرت زهرا سلام

تا رسیدی یافتی از نور رخسارش قرار *** سرزمین جان تو گردید لبریز از بهار

حق شود یار کسی که در مسیر زندگی *** می شود با نور چشم حضرت صدیقه ، یار
زندگی تفسیری از نو یافت پیش چشم تو *** روزهای پر سعادت را شدی امیدوار
به چه بانویی که با مردانگی در راه عشق *** پای کار او شدی باهستی خود ماندگار
بهرمند از خوان الطاف خداوندی شده *** هر که مانده پای عهد خویشتن با این تبار
نوری از هر سجده سجاد آید سوی تو *** از صحیفه می رسد برکت برایت بشمار
می رسد از هر دعایش بر تو یک دنیا سلام *** ای جهان بانو عروس حضرت زهرا سلام
عشق وقتی اینچنین شد عشق اعظم می شود *** بهترین احوال از فیضش فراهم می شود
او که با جان شد مرید مکتب عشق حسین *** از صفا و پاکی اش مانند مریم می شود
ماهتابی که کسی یک تار مویش را ندید *** با حسین بن علی همراه و محرم می شود
ثبت گردد نام او در دفتر آزادگی *** تا انیس اشرف اولاد آدم می شود
او اسیر عشق شد با لطف حق آزاد شد *** کی اسیر عشق از شهزادگی کم می شود
رشک هر شهزاده ای گردد مقام عالی اش *** نو عروس سرور زنهای عالم می شود

ای نصیبت سرنوشت بهترین زنها سلام *** ای جهان بانو عروس حضرت زهرا سلام
هر که شد یار حسین از جان سلامش می کنیم *** گوشه ای از خانه دل را به نامش می کنیم
با کسی که دشمن او شد همیشه دشمنیم *** هر که او را دوست دارد احترامش می کنیم
هر دم از زیبایی رفتار او دم می زنیم *** شعر را وقف سرودن از مقامش می کنیم
مجلس سادات می گردد به پا در شان او *** اینچنین جانانه تجلیل از مرامش می کنیم
هر که با این خاندان پیوست فرجامش نکوست *** یاد از این شهزاده و حسن ختامش می کنیم
او نبوده کربلا اما همیشه در خیال *** یاد از او در جمع نسوان خیامش می کنیم
ای به خاک کربلا در آه و واویلا سلام *** ای جهان بانو عروس حضرت زهرا سلام
تا که آبادی ست در این عشق ویرانی چرا؟ *** سوختن در رنج و اندوه و پریشانی چرا؟
می شود وقتی که با عشق حسین آزاده شد *** در میان محبس تردید زندانی چرا؟
تا بهشت وصل حق گردد فراهم با حسین *** گوشه ای رنجور کنج کاخ ساسانی چرا؟
می شود تا عازم مُلک بقا شد با حسین *** اینچنین در گیر و دار عالم فانی چرا؟

میهمان حضرت عشق است مهمان حسین *** عاقلی غافل شود زینگونه مهمانی! چرا؟
کوبه این عالم گران تر دژی از عشق حسین *** جان ندارد در ره این عشق ارزانی چرا؟
تا جهان باقیست بر تو می رسد از ما سلام *** ای جهان بانو عروس حضرت زهرا سلام

گوهر والا/حسین روشن (روشن)

سروده: شاعر مکتب امامت

آقای حسین روشن (روشن)

از اصفهان

گوهر والا

شهربانو هسمر مولا حسین *** بر امام چارمین نور دو عین

شهربانو ای مهین فخر زمان *** ای که هستی افتخار شیعیان

ای که از نسل تو آئین خدا *** شد به پا در این جهان از بهر ما

نو عروس حیدر و زهرا توئی *** خود یگانه گوهر والا توئی

نه امام شیعیان را مادری *** هم عزیز فاطمه هم حیدری

مایه فخر عرب فخر عجم *** ای که هستی منبع جود و کرم

مادر پاک امام چارمین *** بر جلال و جاه تو صد آفرین

فخر ایرانی در این دنیا توئی *** چون عروس حضرت زهرا توئی

شهربانو کن تمنا از خدا *** بر ظهور مهدی آل عبا

(روشن) از لطف شهید کربلا *** چشم امیدش بود سوی شما

اختر برج یقین / علی پاکدامن (روضه خوان)

سروده: شاعر ومداح دلباخته‌ا هل البيت عليهم السلام

آقای علی پاکدامن (روضه خوان)

از مشهد مقدس

اختر برج یقین

گرفتم روی صورت آستین را *** چه خوانم اختر برج یقین را

که مدح او نباشد حد هرکس *** بین مبهوت او روح الامین را

کسی که شد اسیر روی ارباب *** اسیرش بین همه ایران زمین را

حسین بن علی را همسر است او *** در او دیده است رب العالمین را

غزاله یا سلامه یا که خوله *** به هر نامش بین حسن مبین را

بخوانش شهربانو و نگه کن *** در او زهرا بهین بانوی دین را

که ام الاوصیاء کرده ملقب *** امیرالمؤمنین آن مه جبین را

سفارش کرده او را بر حسینش *** برایش خواسته او بهترین را

به شانش بس که بر دامان او حق *** عطا فرموده زین العابدین را

علیّ دوم زهرا که حق کرد *** مباحات از وجودش ساجدین را

به نام او توسل کردم و شد *** هر آنچه خواستم هم آن ، همین را

شب جمعه هوایی حرم کرد *** ادب بر او دل این آتشین را

جواز کربلا از او بگیرم *** شوم زائر من آن عرش برین را

خدا را شکر عاشورا نبوده *** ندیده بی حیایی های کین را

ندیده سر بریدن از قفا را *** ندیده خنجر کند لعین را

نخورده تازیانه بر تن او *** نکرده معجز خود آستین را

مگواى (روضه خوان) ديگر كلامى *** كه خون كرده دل روضه نشين را

ص: 255

« شَأْن ام الاوصياء » / سَيِّدِ عَلِي اصغر موسوی (سَعَا)

سروده: شاعر ولائی و دوستدار اهل البيت عليهم السلام

استاد سَيِّدِ عَلِي اصغر موسوی (سَعَا)

از قم

« شَأْن ام الاوصياء »

(نذر حضرت شاه زنان ، « شهربانو عليها السلام »)

هرکه را در فرهی ایزد ، مدار قدرت است *** جلوه اش در نیک نامی ، ترجمان حُرمت است

فَرّ یزدان در سرشت از هستِ هستی شد شروع *** فَرّهان را جاودانی در نژاد از عصمت است

جایگاه نیک خویی در سپهر نیک ورز *** ساحت شایستگی در امتحان قسمت است

« شهربانو » را جهان بانویی از تقدیس بود *** گوهر از پاکی معلا در جوار عفت است

« کوثر » شایان اگر شد همسر شاه شهید *** « کفو » عالی صاحب آیینگی در فطرت است

هم ، کیان عرش والا از وجود جایگاه *** حضرت مولا حسین بن علی در اُمت است

میوه پیوند این بشکوه آیین شگرف *** صاحب گویاترین گنجینه های « حکمت » است

نام او را حضرت خاتم « علی » نامیده بود *** در « ولایت » ، در « امامت » ، وارث آن حضرت است

مهر « آل مصطفی » ، آسان نمی آید به دست *** شَأْن « ام الاوصياء » ، جذب مرام « عترت » است

ملت « ایران » به عشق « آل طه » زنده اند *** نام « مهدی » هر زمان ، هم دلربای صحبت است

می شکافد عاقبت نورش شب دیجور را *** آه، اگر امروز پنهان در ورای « غیبت » است!
گرچه قاموس حقیقت در کف تاریخ نیست! *** بر « سعا » مهر « علی »، عشق « محمد » حجت است

شهزاده حق گرا / فریدون آقا لُر (سفیر)

سروده: شاعر با اخلاص اهل البیت علیهم السلام

آقای حاج فریدون آقا لُر (سفیر)

از اصفهان

شهزاده حق گرا

شهربانو، بانوی والا مقام *** دختری ارزنده صاحب احتشام

بانوی وارسته و نیکو خصال *** حق گرا، شهزاده ای نیکو مرام

جلوه معشوق را در خواب دید *** شد مهیا تا دهد بر او پیام

عشق جانان در دل او جا گرفت *** در سفر شد تا رود، دربارِ عام

مرغ عشقش از قفس پرواز کرد *** پر زد آمد تا از او گیرد قوام

جرعه ای از جام وحدت نوش کرد *** محو دلبر شد از آن صهبای تام

دین حق را شد پذیرا با خلوص *** شد عروس دختر خیرالانام

دختری از خانه ساسانیان *** آمد و شد همدم سوم امام

مونس و محبوب و همراز حسین *** همسر شایسته شد بر تشنه کام

مادرِ دلسوز زین العابدین *** آمد از دامان او چارم امام

گفته شد او روی فرزندش ندید *** بعد وضع حمل شد عمرش تمام

والده بر نه امام راستین *** این سخن الحق بود لب کلام

وصل شد ایران چو با اسلام ناب *** جلوه حق شد نمایان زان قیام

مردم ایران و ایران سر بلند *** مفتخر باشند زان مام همام

افتخار شیعه و ایرانیان *** زانکه ایرانی بود فرخنده مام

این سخن باشد ز اذکار (سفیر) *** بر روان پاک او صدها سلام

ص: 257

سروده: شاعر نکته سنج

و دوستدار خاندان عصمت علیهم السلام

آقای علی سلیمیان

از زرین شهر اصفهان

عروس حضرت شیر خدا علیه السلام

جهان بانویی از بین اسیران می شود پیدا *** که از رفتار او رسم دلیران می شود پیدا

نگاه لطف مولا می کند از بند آزدش *** که این اخلاق در شاه امیران می شود پیدا

به خاک افتاد کاخ کهنه ساسانیان ، اما *** سعادت ها از آن بنیان ویران می شود پیدا

برای مادری بر نه امام و همسری با عشق *** لیاقت را ببین دختر از ایران می شود پیدا

پیمبر خواستگاری کرده و زهرا مسلمانش *** چنین فیضی فقط در بی نظیران می شود پیدا

حسینش را چه زود از بین آن اغیار پیدا کرد *** که نور عشق بر روشن ضمیران می شود پیدا

عروس حضرت شیر خدا شد شهر بانویی *** که از نسلش کماکان خیل شیران می شود پیدا

دو قرن بعد در پیکار دیگر، با شکست روم *** جهان بانوی دیگر در اسیران می شود پیدا

کهکشانی از گل نور / محمدرضا کاکایی (شفا)

سروده: شاعر نکته سنج و ولایی

استاد محمدرضا کاکایی (شفا)

از اصفهان

کهکشانی از گل نور

خواب دیدی حسین را و دلت *** تا شب وصل او قرار نداشت

آنچه را داشتی به سینه ز عشق *** هیچ قلبی به روزگار نداشت

به لب از شهادتین نشاند *** آسمان، کهکشانی از گل نور

به دلت کاشت حضرت خورشید *** گرمی عشق و شور و شوق حضور

چشم واکردی و تمامی قصر *** پر احساس و ذوق زمزمه بود

پشت در روی دستهای نسیم *** پر ز عطر حضور فاطمه بود

باید آزاد می شدی از غم *** پس خریدی به جان اسارت را

بهر دیدار آشنا بردی *** رنج و اندوه و درد غربت را

بود تقدیر، آفتاب حسین *** تا ابد سایه سرت باشد

تو جهان بانوی حرم بشوی *** او شهنشاه و همسرت باشد

بود تقدیر تا طلوع کند *** در تو فرزندی از سلاله نور

ای که صحرای دامت سیناست *** ای که جانت حریم وادی طور

شهر بانویی و دامت دارد *** عطر گلهای باغ ایمان را

ای که پیوند داده با اسلام *** از دواج تو قلب ایران را

ابتدای تو گرچه ساسانی است *** امتداد تو هست نه خورشید

افق جاده امامت را *** دامت هست جلوه توحید

دریافت دلت حلاوت شادی را *** دیدی در بند راه آزادی را

ترجیح به یزدگرد و کسری دادی *** در کاخ دلت هدایت هادی را

ص: 259

شهربانو افتخار پهنه ایران زمین / مصطفی هادوی (شهیر)

سروده: شاعر آئینی اهل بیت علیهم السلام استاد مصطفی هادوی (شهیر)

از اصفهان

شهربانو افتخار پهنه ایران زمین

شهربانو افتخار مردم ایران زمین *** شد عروس حضرت مولا ، امیرالمؤمنین

از نسب ایرانی الاصل ، از حسب والامقام *** حلقه ای شد متصل بر محور دنیا و دین

همسر شاه شهیدان سرور آزادگان *** مادر فخرالبشر یعنی امام الساجدین

مظهر ایمان و تقوا جلوه نور خدا *** طینت بین دو خوبی گشت زین العابدین

بانوی نیکو خصال آن اسوه فضل و کمال *** شد به قلب پاک او روح مسلمانی عجیب

دست تقدیر زمان این حلقه را پیوند داد *** شد به انگشت جهان این حلقه چون نقش نگین

نوگل باغ رسالت در گلستان وجود *** جلوه نور الهی حامل جبل المتین

گشت ممتد رشته پر افتخار ایزدی *** تا به خورشید فلک تابان به چرخ هفتمین

جلوه نور خدا آن مظهر تقوا و دین *** معنی حق یقین یعنی امام چارمین

آنکه حرف لا نگفتی غیر الا الله به عمر *** سالک راه حقیقت ناهج احکام دین

آنکه هنگام رکوعش عالمی اندر رکوع *** در قیامش قائمین و در سجودش ساجدین

حاصل این وصلت فرخنده در طولِ زمان *** افتخاری شد برای مردمِ ایران زمین

گفت در وصفش (شهر) از روی اخلاص و صفا *** آفرین، صد آفرین، بر این زنِ مرد آفرین

شمع رخشان و نور مستور / محسن صافی

سروده: شاعر اهل بیت علیهم السلام، آقای محسن صافی

فرزند مرجع عالیقدر شیعه، حضرت آیه الله العظمی

آقای صافی گلپایگانی قدس سره

از قم

شمع رخشان و نور مستور

شهربانو و شاه بانو بود *** قبله آفتاب و خوش خوب بود

از تبار نجابت و رفعت *** پارسا و نشانه عفت

گوهر عشق بود و مهر و وفا *** پا به سر نور بود و بی همتا

چه قدر دوست داشته است خدا *** آن درخشان شهاب گل آسا

که چنین بخت او بود سفید *** گشته محبوبه حسین شهید

چه مقامی برای او بهتر *** نه امام همام را مادر

فخر ایران زمین و ایرانی *** اختر دین و دژ ایمانی

بانوی برتر حسین است او *** همدم و یاور حسین است او

شمع رخشان و نور مستور است *** خانه افروز حضرت نور است

اسوهٔ پارسایی است و سداد *** مادر پاکدامن سجّاد

مهر خاتون نیک سیرت اوست *** بانوی شوکت و شرافت اوست

بس که نیکویی و صداقت داشت *** طینت طیّب و قداست داشت

صاحب قدر و شأن والا شد *** نو عروس علی و زهرا شد

صلوات خدا بر آن بانو *** و سلام فرشتگان بر او

محسن صافی از حسینش خواه *** صلهٔ شعر و بذل نگاه

دُرّ ثمین / حسنعلی صغیرا (ضمیر)

سروده: شاعر دلدادۀ خاندان عصمت علیهم السلام

آقای حسنعلی صغیرا (ضمیر)

یادگار مرحوم صغیر اصفهانی

از اصفهان

دُرّ ثمین

کیست بر زهرا عروس و لایق دین مبین *** کیست اقیانوس عصمت را نکو دُرّ ثمین

کیست آن بانو که شد لطف خدایش ره گزین *** کیست آن مادر که آرد سیدی بر ساجدین

شهربانو دختری از کشور ایران زمین

شهربانو یاور و مددکار حسین *** شهربانو همسر و دلدار و غمخوار حسین

شهربانو پیرو رفتار و افکار حسین *** شهربانو شد چو لایق بهر دیدار حسین

شد زدامانش عیان سبطی زخیرالمرسلین

نور چشمش مهر تابان و مه روشن ضمیر *** دومین پور حسین و بر همه عالم امیر

زاده نسل بتول و حجت حیّ قدیر *** عرشیان را رهنما و فرشیان را هم بشیر

جبهه ساید بر سجودش حضرت روح الامین

شوهر و فرزند نیکش از امامان همام *** حق به او بخشیده اینسان عزّت و جاه و مقام

گشته بر او حکمت و لطف خداوندی تمام *** داده از پورش خدا نظم جهانی را نظام

زین سعادت گشته او انگشتر دین را نگین

ای که باشد در دو عالم یاورت لطف إله *** گشته ای بر دین احمد متصل در رسم و راه

از درایت وه چه خوش تشخیص دادی ره زچاه *** زین سبب داده تو را یزدان ز لطف خود پناه

گشت پیدا از وجودت ثانی جبل المتین

از تو می خواهند یاران و محبّان مرحمت *** تا نمایی از خداوند تبارک مسئلت

بر (ضمیر) و بر محبان آید از حق موهبت *** تا شفاعت از حسین آید ز روی مکرمت

نیست راهی غیر این ره جانب خلد برین

رباعیات درباره حضرت شهربانو علیها السلام / سعید علامه

سروده: شاعر جوان و ولایتی

آقای سعید علامه

از اصفهان

رباعیات درباره حضرت شهربانو علیها السلام

شد جلوه گر از نگاه تو نور مبین *** معنا شده در وجود تو دُرّ ثمین

شک نیست، منابع زیادی گفتند *** تو حلقه اتصال ایرانی و دین

از خاک گهر خیز دلیران هستی *** در قوم عرب نماد ایران هستی

از حجب و حیای تو همه فهمیدند *** از مرتبه هم شأن بزرگان هستی

گفتند به جمعیت نظاره کردی *** در شهر غریب فکر چاره کردی

ناگاه بدون شک و تردید همه *** دیدند که بر حسین اشاره کردی

وقتی که قلم تشنه اوصاف هست *** باید بشود وقت نوشتن سرمست

هر چند که از سرم زیاد است اما *** من نوکر سجاد تو هستم دریست

حالا که مقام حد اعلی داری *** یک باطن پاک مثل دریا داری

باید که چنین بگویم امّ السجاد *** در قلب حسین بن علی جاداری

از مردمِ روزگارِ خود سر بودند *** آینهٔ ارحامِ مطهر بودند
ای پاک ترین زنِ زمانه، بی شک *** نسلت، همه با نور برابر بودند

در محضر فاطمه ادب کردی تو *** بر دشمن فاطمه غضب کردی تو
یک شهر به انتخاب همسر دیدند *** با عشق، حسین را طلب کردی تو

بر دین محمدی تدبیر داری *** از هر چه به جز دین نبی بیزاری
از شوق به وجد آمدی وقتی که *** گفتی به حسین از ته قلبت، آری

دارند مدد به نام او می جویند *** از نام بزرگش همه جا می گویند
من ترس ندارم از قیامت، آری *** زیرا همه در پناه این بانویند

هم پرده نشین آسمان هایی تو *** هم منتخب حضرت مولائی تو
از طالع روشنیت همه فهمیدند *** خوشبخت ترین عروس زهرایی تو

اندازهٔ قطره های باران صلوات *** بر تک تک اهل بیت از جان صلوات
از صدق دلت بیا و حالا بفرست *** بر مادر سجاد فراوان صلوات

یکتا گهر خزانۀ اربابی *** آرامشِ امنِ خانۀ اربابی
هم رتبه مادر علی اکبر *** تو همسر جاودانۀ اربابی

شد فاطمه میهمان خوابت بانو *** بوده است بلی جواب نابت بانو
در جمع تو بر حسین اشاره کردی *** احسنت به حُسن انتخابت بانو

هر آینه از آینه هایت زیباست *** خورشید هم از نور دو چشمت پیداست
صد شکر کنار پرچم ثارالله *** دیدیم که پرچم شما هم بالاست

ص: 265

تو منتخب از عالم و آدم هستی *** از جمله زنان پاک عالم هستی
فرمود به وصف خُلق و خویت مولا *** هم مرتبه با حضرت مریم هستی

وقتی که مقام حدّ اعلی داری *** یک باطنِ پاک مثل دریا داری
باید که چنین بگویم امّ السجّاد *** در قلبِ حسین بن علی جا داری

افتخار اهل ایران / سید احمد علوی

سروده: شاعر و دلدادۀ علوی و ولائی

آقای سید احمد علوی

از قم

افتخار اهل ایران

دمی از چهره خود بر نمی دارد حجابش را *** نباید چشم نامحرم ببیند آفتابش را (1)

جهانشاهی که بین آن همه سردار در مجلس *** ندیده می شناسد حضرت عالیجنابش را

جهانشاهی که با فرمان حیدر شهربانو شد (2) *** جدا کرد از همه غیر از حسین آنجا حسابش را

مسلمان شد به دست فاطمه در عالم رؤیا (3) *** بخوان در شرح « مرآت العقول » آیات نابش را

حسین از شهربانو خواستگاری کرد و می دانست *** خودش از سالهای سال پیش از این جوابش را

ص: 266

1- الخرائج و الجرائح ، ج 2 ، ص 750 .

2- بصائر الدرجات ، ج 1 ، ص 593 .

3- مرآت العقول ، ج 6 ، ص 6 .

سکوتش از رضایت بود و تا لب بسته آری گفت (1) *** ملانک آفرین گفتند حُسن انتخابش را

چه تقدیری نصیبش شد که کل شهربانوها *** در اقصای جهان حتی نمی دیدند خوابش را

موحد زاده ای که افتخار اهل ایران شد (2) *** بنام جلوۀ بی انتهای مہتابش را

چه نامی داشت فرزندش که وقت یا علی گفتن *** فرشته عاجز است از اینکه بشمارد ثوابش را

علی بن حسین بن علی بن ابیطالب *** در این اصل و نسب بنگر شکوه بوترباش را

عجب نامی که قرآن خدا از بام بسم الله *** معطر کرده با نام علی ام الکتابش را

چه زیبا شهربانو زیر لب تفسیر فرموده *** کتاب عاشقی همراه هفتاد و دو بابش را

یگانه همسرش خون خدا شد روز عاشورا *** شهید تشنه ای با پیکر در خون خضابش را

ص: 267

1- . دلایل الامامہ ، ص 194.

2- . بحار الانوار، ج 51، ص 164.

لاله کوثر / شیخ روح الله فروتن

سروده: شاعر فاضل و

دلسوخته اهل بیت علیهم السلام

آقای شیخ روح الله فروتن

از اصفهان

لاله کوثر

نوحه سینه زنی

شهربانو توئی مادر والامقام

نور چشم علی علیک منی سلام

لاله کوثری - با حسین همسری

شهربانو مدد

تا شوم شامل عنایت اولیاء

متوسل شدم به مادر اوصیاء

ذکر تو دائماً - روی لبهای من

شهربانو مدد

تو به ظاهر اگر نبوده ای کربلاء

قبل از آن بر غم حسین شدی مبتلا

دل تو با حسین - ناله ات یا حسین

شهربانو مدد

نه امامی که از بعد حسین آمدند

همه از پاکی و فضائلت دم زدند

مادر نُه امام - بر تواز حق سلام

شهربانو مدد

دلت از قاتلِ فاطمه بیزار بود

ص: 268

سید و سرورت حیدر کزار بود

دل به دریا زدی- دم ز مولا زدی

شهربانو مدد

در پناه شما ، شیعه گرفته امان

دست ما را بده ، دست صاحب زمان

تو ز مهدی بخواه - بخشد از ما گناه

شهربانو مدد

با دلی غمزده ، همیشه با یاد تو

می کنم گریه بر ، غربت سجاد تو

کشته شد از جفا - وارث کربلا

شهربانو مدد

شهر بانو بیا ، عزا به پا کن عزا

تو بخوان روضه ، زینب غمدیده را

ماه زینب چرا - رفته بر نیزه ها

شهربانو مدد

پسر ماهت ای ، به فاطمه نورعین

شده تاج سر ، گریه کُنان حسین

یاد آن تشنه لب - ناله زد روز و شب

شهر بانو مدد

شهربانو قسم ، به سید الساجدین

ببرم کربلا ، در سحر اربعین

سائلِ این دَرَم - حاجتِ من حرم

شهرِ بانو مدد

ص: 269

در مقام توسل و استمداد از

ام الاوصیاء ، حضرت شهربانو علیها السلام

ای آبروی اهل ایران شهربانو

ای گوهر دریای ایمان شهربانو

ای همسر والفجر قرآن شهربانو

ای مادر پاک امامان شهر بانو

ای نور چشم آل زهرا شهر بانو

إِنَّا تَوَسَّلْنَا بِكَ يَا شَهْرَبَانُو

در بندگی تو بهترین معیار هستی

تو در ولایت چشمه ای سرشار هستی

ای ابر رحمت! مادر ابرار هستی

از قاتلان فاطمه ، بیزار هستی

بیزار از آن بی حیاها ، شهر بانو

إِنَّا تَوَسَّلْنَا بِكَ يَا شَهْرَبَانُو

ای نام تو مشکل گشایم شهر بانو

من دردمندم تو دوایم شهربانو

شهزاده ای، من هم گدایم شهر بانو

یعنی که محتاج عطایم شهر بانو

دستم بگیر ای ماو والا ، شهر بانو

إِنَّا تَوَسَّلْنَا بِكَ يَا شَهْرَبَانُو

ای آنکه می زد آسمان پیش تو زانو

شد خَیْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ ، فرزند تو بانو

در این زمانِ فتنه و ، در این هیاهو

یا شهر بانو! بر درت آورده ام رو

دیگر ندارد غم دلم ، با شهر بانو

إِنَّا تَوَسَّلْنَا بِكَ يَا شَهْرَبَانُو

ص: 270

ای در وجودت نورِ زهرای شهیده

ای مهدیِ موعود را نور دو دیده

نام تو را در لوحِ زهرا، هر که دیده

گوید عجب ماهی خداوند آفریده

ای در فضائل فردِ یکتا، شهربانو

إِنَّا تَوَسَّلْنَا بِكَ يَا شَهْرِبَانُو

ای فخر ایران و عرب، یا شهربانو

ای بین خوبان منتخب، یا شهربانو

سر تا قدم هستی ادب، یا شهربانو

محبوبهٔ درگاه ربّ، یا شهربانو

تو مادری کن بر دلِ ما، شهربانو

إِنَّا تَوَسَّلْنَا بِكَ يَا شَهْرِبَانُو

ای آنکه ما با مهر تو غرق امیدیم

با این امید از اهل دنیا دل بریدیم

ما از تو سَلِّ بر تو، خیلی خیر دیدیم

تا کربلا از روی دستت پر کشیدیم

داریم از تو کربلا را ، شهر بانو

إِنَّا تَوَسَّلْنَا بِكَ يَا شَهْرَبَانُو

از غربت مولای خود آگاه بودی

تو خون جگر از داغ ثارالله بودی

درفکر بر نی رفتن آن ماه بودی

همواره از این غم ، به اشک وآه بودی

رفتی از این غصّه ز دنیا شهر بانو

إِنَّا تَوَسَّلْنَا بِكَ يَا شَهْرَبَانُو

ص: 271

نو عروس سرافراز / قاسم قادری زفره ای (قادر)

سروده: شاعر خاندان نبوت علیهم السلام

آقای قاسم قادری زفره ای (قادر)

از اصفهان

نو عروس سرافراز

ای عزیز خدا شهربانو *** مفخر اولیا شهربانو

دختر یزدگردی و داری *** افتخاری به جا شهربانو

مادر چارمین حجت حق *** یار آل عبا شهربانو

افتخارت همین بس که گشتی *** حلقه وصل ما شهربانو

پیش نور جمال تو باشد *** زهره کم از سها شهربانو

بهر ابنای خود اعتباری *** کرده ای دست و پا شهربانو

تو عزیز و شریف و بزرگی *** پیش مولای ما شهربانو

بین چندین نفر کرده ای تو *** انتخابی به جا شهربانو

نو عروس سرافراز زهرا *** مام نه اولیا شهربانو

همسری بر حسین ابن زهرا *** می برازد تو را شهربانو

جنگ اعراب بوده بهانه *** بهر این ادعا شهربانو

بوده تقدیر حق تا که آرد *** از مداین تو را شهربانو

محضر پاک مولی الموالی *** حضرت مرتضی شهربانو

در حضور علی شاه مردان *** داده ای این ندا شهربانو

گفته ای روی جدت سیه باد *** « بهر آن اشتبا شهربانو »

گر خلیفه بتو بد گمان شد *** « کرده او اشتبا شهربانو »

نسل تونسلا ٲاكاف دنفا *** تا به فوم الفزاف شهر بانو

شهر ففرب و فا هر كفاى *** الفماس دعا شهر بانو

ص: 272

هر که واصل به اهل ولا شد *** شد مجیب دعا شهربانو
جان زهرا و شوی گرامش *** کن نگاهی به ما شهربانو
چشم ما خانه آل زهراست *** جای پای شما شهربانو
کن دعا اربعین گردم امسال *** راهی کربلا شهربانو
(قادر) از روی لطف و ارادت *** گفته مدح شما شهربانو

بانویی آسمانی از ملک فارس / استاد محمد قدسی

سروده: شاعر فرهیخته و نکته سنج

و دلباخته اهل البیت علیهم السلام

استاد محمد قدسی

(قدسی)

از اصفهان

بانویی آسمانی از ملک فارس

هر آن که مادر عنقااست در صفت عنقااست *** کسی که مریم عذراست در شرف عیسااست

هر آن که طفل شجاع آورد در این دنیا *** اگر چه نیست چورستم ، و لیک رستم زاست

دقیقه ای است در اینجا که ظرف و مظلوف است *** به قدر وسعت مظلوف ، ظرف بی همتاست

محال هست شود ظرف کمتر از مظلوف *** به نزد عقل جز این گفته ، سست و بی معناست

صدف به قدر گهر پاک باید و خالص *** که این ز قاعده لطف ، سنت دریااست

ص: 273

بدان که « اشهد أنّ الإمام في الأرحام » *** مُطَهَّر است و « في الأصلاب » نیز، کار خداست

امام مادری از جنس آسمان دارد *** که او به « نور علی نور » بر همه اولی است

اگر که مادر او، مثل او نباشد نور *** امام را به رَحِم پروریدنش رؤیاست

سخن کشد به درازا و هر مخاطب خاص *** به یک اشاره کفایت کند اگر داناست

یکی ز جمله این مادران والا قدر *** ز یزدگرد سوم هست و رتبه اش والا است

زنسل پادشهان است و پر شرافت و شان *** که نو عروس بلافصل حضرت زهراست

به خواب دید پیمبر برای صیغۀ او *** حسین را بنشانده است و بر سر اجراست

خودش برای خودش انتخاب شوهر کرد *** اگر چه در خطر و در میانه اسراست

دلش به سوی حسین از ازل تمایل داشت *** گلاب از گل و گل با گلاب در یک جاست

امام اول ما « شهر بانویش » خوانده است *** چرا که بانوی شهر است و افتخار افزاست

چه دختری که به ساسانیان شرف بخشید *** نشان فخر و مباهات خسرو و کسراست

چه دختری که شده نه امام را مادر *** میان امامان چنین مقام که راست؟

رسد عرب به عجم زین یگانه حلقه وصل *** که اتصال به این محکمی چه کس داراست؟

عرب، عجم چه تفاوت کند اگر معیار *** به پیش مُصحف و اسلام، دانش و تقواست

زکینه عصبیت عرب کر و کور است *** تعصب عربی بدترین تعصب هاست

به حکم آیه قرآن که گفته «الأعراب» *** «أشدُّ کُفراً و نفاقاً» همین، همین حالاست

خطاست این که به دنبال مستند باشی *** کدام مستند از عشق برتر و برجاست

ولی اگر سند مستند ز ما طلبی *** محبت آن سند مستند در این دنیاست

پر است هر دل ایرانی از هوای حسین *** سند همین و برای همیشه پابرجاست

دلا هویت اصلی ما نه ایرانی است *** هویت این که هر ایرانی عاشق مولاست

چو گل پسر به زمین وقت زایمان بگذاشت *** به سوی عالم دیگر روانه شد یک راست

غمش به قدر غم نینوا نمی باشد *** که رفت و بی خبر از ماجرای کربلاست

ندیده، سخت دلش سوخت چون که می دانست *** سر حسین و عزیزان او جدا ز قفاست

ندید اسارت فرزند خویش « زَيْنُ الْعِبَادِ » *** که در به در شده کوفه است و شام بلاست

کنار مسلخ خون ، می گریست همچو رباب *** که سر ز کودک ششماهه ای ز بیخ جداست

دهید مژده به ایرانیان شیعه شعار *** که از برای شما او شفیعه فرداست

گوهر تابنده / علیرضا محمدی (مسافر)

سروده : شاعر روحانی و دلباخته اهل بیت علیهم السلام

آقای شیخ علیرضا محمدی (مسافر)

از اصفهان

گوهر تابنده

هست فخر مردم ایران زمین *** شهربانو مام زین العابدین

بانویی با علم و ایمان و شرف *** آنکه باشد شاه ساسان را خلف

اوز نسل یزدگرد سوم است *** مادر ارزنده نه انجم است

بانویی با عفت و شرم و حیا *** گوهری تابنده چون شمس الضحا

او اسیر لشکر اسلام شد *** با اسیران عجم ادغام شد

برده شد سوی مدینه آن اسیر *** بود شهزاده ، و لیکن مستجیر

خواست ثانی تا که بفروشد ورا *** مانع او شد علی مرتضی

گفت با او، منع کرده دین ما *** تا که بفروشی تو این شهزاده را

من ارائه می دهم راه علاج *** ده اجازه تا کند او ازدواج

گفته شد با آن زن با آبرو *** تا نماید زوج خود را جستجو

گشت آن زن بین مردان ، با وقار *** تا بجوید همسری والا تبار

او در این کارش مخیر بُد ، ولی *** انتخابش شد حسین بن علی

مجلس جشنی پیا شد آن زمان *** رفت در بیت امام انس و جان

حاصل این وصل زیبا و نکو *** جدّه پاک امامان گشت او

اولین فرزند او سجاد شد *** زین تولد شهربانو شاد شد

آخرین فرزند او، ای دوستان *** هست نامش ، مهدی صاحب زمان

می کند روزی به عالم او ظهور *** تا کند کلّ جهان را غرق نور

ای (مسافر) کاش باشی آن زمان *** در رکاب حضرت صاحب زمان

شهربانو همسری صاحب کمال *** مادر ارزنده نُه تن ز آل

شهربانو همسر پاک حسین *** آنکه جدّش گفته او را نور عین

شهربانو گشت در ایران اسیر *** لیک آخر شد مقامش کم نظیر

شهربانو مادر زین العباد *** جدّه نُه گوهر نیکو نهاد

شهربانو باغبان لاله هاست *** بر حسین و عشق پاکش مبتلاست

شهربانو دختری نیکو سرشت *** همسر شاه جوانان بهشت

شهربانو نام پر آوازه است *** گر به ظاهر شد اسیر ، آزاده است

چه نام شهربانو دلنشین است *** همو که بانوی ایران زمین است

عروس فاطمه گردید این زن *** ثمین است و امین است و مهین است

حسین بن علی را گشت همسر *** که او را مونس و یار و معین است

شرافت را مضاعف کرد این زن *** چرا که مام زین العابدین است

چه گویم من ز وصف شاه بانو *** که خاتم را ، چنین بانو ، نگین است

به زهرا کی شود برتر ، و لیکن *** میان جمله زنها برترین است

به خود بالد، به خود نازد، چنین زن *** چرا که مام آل طاهرین است

ص: 277

شنیده ماجرای کربلا را *** از این روی قرار و دلغمین است

چه گویم من ز وصف شهربانو *** که بیت اش را ملک می کرد جارو

شهربانو شد اسیر و عاقبت آزاد شد *** جان ویران وی از، عشق حسین، آباد شد

همسر شاه شهیدان گشت شهبانوی دهر *** زین سبب هم حیدر و هم فاطمه دلشاد شد

همسر فرزند زهرا گشته ای *** زین سبب محبوب دل ها گشته ای

ای عروس فاطمه، روحی فداک *** شاه بانوی دو دنیا گشته ای

ص: 278

سروده: شاعر و مداح پرشور و سوز

و دلباخته اهل البيت عليهم السلام

آقا محمد رضا مسعودی

از اصفهان

غزل

مادر نُه نور خدایی

ای مادر مولای عرب ها و عجم ها *** سخت است که از تو بنگارند قلم ها
سخت است که بر معرفت دست رسانند *** صد سال اگر سوی تو آیند قدم ها
شهزاده ایرانی و در کشور اسلام *** باید که بسازند برای تو حرم ها
تو مادر نُه نور خدایی و عجب نیست *** گر هست شود از نگاه کل عدم ها
تو همسر خورشیدی و در عرش نوشتند *** در طالع سعد تو خدم ها و حشم ها
بر تخت کرم گر بنشینی به تصدق *** محتاج کرامات تواند اهل کرم ها
ای مادری ذریه ی طیبه از تو *** بر بام شرف از تو بکوبند علم ها
از حجب تو معلوم شده مردم ایران *** در امر حجابند و حیا پیشقدم ها
هر کس به کسی نازد و ما هم به تو نازیم *** ای جان به فدایت که تویی ناز عجم ها

وحیده دوران / محمد رضا مسعودی

چهارپاره (دویتی های بهم پیوسته)

وحیده دوران

از تبار زنان ایرانی *** اعتبار شرافتی بانو

دختر یزدگرد ساسانی *** مادر حجب و عفتی بانو

ای موحد ، وحیده ی *** که به دوران خویش الگویی

دوران مادر نه مسیح دم هستی *** مریمی یا که شهربانویی؟

سینه ات بود گرم آتش عشق *** چهره دریای اشک ها ز دو عین

در شبی که به دست پیغمبر *** خواستگاری شدی برای حسین

بی فراری قرار از تور بود *** همه تن سر شدی و فکر حسین

تا دو چشمت به خواب ، باز رود *** ذکر لبهات بود ذکر حسین

خواب بودی و بختِ تو بیدار *** فاطمه میهمان خوابت شد

تا نمودی شهادتین اقرار *** میهمان تو میزبان شد

گفت خوش آمدی به خانه عشق *** دختر با حیای ایرانی

با تقاخر بخوان ترانه عشق *** که عروس علی عمرانی

گر ز هجر نگار بی تابی *** غم مخور ، زجرِ هجر تو گذراست

گاه میدان قادسیه که شد *** راه وصل تو خلعت اسراست

سر بلندا اگر اسیر شدی *** هیبت هیبت امیری بود

تا نبیند حرامزاده تو را *** کار چشم تو سر به زیری بود

جمع نامحرمان که دیدی جمع *** شمع گشتی ز شرم و آب شدی

هر زمان راز لعن سوزاندی *** پر حرارت چو آفتاب شدی

هرمزان را که لعن فرمودی *** دومی لعین دو لب بگشود
که مرا ناسزا چرا گفتی؟ *** چون سپند به روی آتش بود
خشم بود و علی به او فرمود *** که مکن پاره چشم خود ز غضب
او تکلم به فارسی بنمود *** من ندیدم از او به غیر ادب
باز اما نبرده بوز ادب *** کرد کاری که کار اشرار است
دین خود را حراج کرده و گفت *** چه کس این برده را خریدار است؟
مرتضی سد راه او شد، گفت *** گر تویی برده اوست آزاده
نشیدی مگر ز ختم رسل؟ *** بردگی نیست شان شهزاده
تا که مشکل گشاست دست خدا *** چشم مشکل به دست رحمت اوست
چاره ساز تمام عالم گفت *** چاره شاهزاده وصلت اوست
حرف وصلت که در میان آمد *** شبنم از شرم بر گل تو نشست
از سکوت علی بلی بشنید *** چه عروسی مدینه آورده ست
با تو فرمود آن ابوالنورین *** که الا نور تاج ساسانی
شوهری بایدت، از این مردان *** برگزین هر که را که میدانی
در همان لحظه در همان مسجد *** آن دورویای ناب شد تعبیر
چشمت افتاد تا به چشم حسین *** از زبان تو باز شد زنجیر
گل چشمان تو پر از شبنم *** به گل فاطمه بلی گفتی
عشق تو با حسین شد آغاز *** با علی زاده یا علی گفتی
با حیا و وقار رفتی پیش *** که دلم یا علی به او شاد است
اوست لیلی منم که مجنونم *** دل مجنون حسین آباد است

خواست تا عقد تو کند جاری *** گفت نامت بگو که میدانم

دو لب تاب شد که شاه زنان *** دختر شهریار ایرانم

گفت شاه زنان فقط زهراست *** که ندیدم چو او خدارویی

تو نه نامت شه زنان باشد *** که مسما به شهر بانویی

پس یدالله رو به ثارالله *** گفت او را محافظت فرما

در حق شهربانوی ایران *** شهریارا ملاحظت فرما

نخل این باغ میوه ای دارد *** که پس از تو یگانه دنیاست

همسر تو ز بس مطهره است *** مادر نه وصی بعد از ماست

تحت آموزش حسین و علی *** رتبه های کمال را دیدی

آخرین رتبه از کمال تو بود *** اینکه زین العباد زبیدی

تا که دیدند آسمانی ها *** آن خدا روی کبریایی را

به تو پوشاند دست لطف خدا *** خلعت ام الاوصیایی را

حال ، بانو به سینه دردی هست *** گویمت گر اجازه ای دارم

تیر از این درد می کشم از دل *** مثل ابر بهار می بارم

سال ها می گذشت زین میلاد *** شوهرت را به کربلا بردند

شاه و شهزادگان عرشی را *** در زمینی پر از بلا بردند

شاه تکیه به تخت نیزه زد و *** همه شهزادگان اسیر شدند

آه ، شهزادگان کوچک هم *** زان بلای بزرگ ، پیر شدند

در مسیر اسارت از بس که *** ز آسمان و زمین بلا بارید

گفت با ناله او که زاییدیش *** کاش مادر مرا نمی زایید!

شهربانو! تو که اسیر شدی *** حیدر آنجا حمایت می کرد

دومی گر حقارتت میخواست *** حفظ ، علی از نجابتت می کرد

اهل بیت حسین را اما *** چون کنیز و غلام گرداندند

حیدر آنجا نبود و زینب را *** دور بازار شام چرخاندند

رباعی ها

آن سیده زنان آن دور و زمان *** که از اوست تمام افتخار عجمان

با اینکه جهان شاه به او می گفتند *** از همسری حسین شد شاه جهان

ای مادر نه امام معصوم سلام *** شهزاده شه پرور مخدوم سلام

ای آن که به لوح فاطمی دست خدا *** کرده ز ازل نام تو مرقوم سلام

دور از غضبی و قهر بانو *** دادی به سپهر، مهر بانو

از عرش به فرش تا به افلاک *** آوازه توست شهربانو

ص: 283

سروده: شاعر نکته سنج و ولایتی

استاد محسن ناصحی

از اصفهان

شهربانو، اختر ایرانی

نیستهارا به نگاه خودش از هست گرفت *** گفتم از ساقی و این میکده را مست گرفت

بیخود از کربلا رهگذر شام نشد *** حکمتی داشت که شمشیر دعا دست گرفت

من به بیراهه رسیدم، سحری دستم را *** با ابوحمزه خود آخر بن بست گرفت

وصله خوردم به کتاب گنه آلوده ای و *** نامه ام را شبی از آن همه پیوست گرفت

دم افتادن من بود ولی دستم را *** دید این گمشده در آخر راه است، گرفت

چه کنم؟ در غزل از دایره اش بیرونم *** بی جهت نیست که در قافیه ام دلخونم

به حسینی که میان دو علی آمده است! *** به علی بن حسین بن علی مدیونم

راهباً راغباً و راجیاً و خائِئَنَم *** از ابوحمزه پرسید، پر از مضمونم

من کجا؟ عشق کجا؟ فاصله خیلی است ولی *** گرچه در قالب یک وصله ناهمگونم؛

شکرُ لله که با مادر او هم وطنم *** من نمک گیر سر سفره این خاتونم

ماه در هاله خود اختر ایرانی داشت *** ساحل فاطمه یک گوهر ایرانی داشت
چه خوشایندتر از این که عجم می بالد *** که حسین بن علی همسر ایرانی داشت
حسن از همسر خود هرچه جفا دید ، حسین *** در دل خانه خود یاور ایرانی داشت
مونس دختر زهرا شده ، یعنی زینب *** می توان گفت که یک خواهر ایرانی داشت
انتخاب علی و فاطمه بوده ، زهرا *** چشم امید به این دختر ایرانی داشت
افتخار عجم است این که علی بن حسین *** سر به دامان همین مادر ایرانی داشت

عروس فاطمه علیها السلام / ناصر ظهیری (ناصر)

سروده: شاعر اهل بیت علیهم السلام

آقای ناصر ظهیری (ناصر)

از اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

عروس فاطمه علیها السلام

آن کوکبی که جلوه به از ماهتاب کرد *** وقتی دمید ، رو به سوی آفتاب کرد

در خواب خوش ، جمال جمیل نبی چو دید *** میل نکاح با پسر بوتراب کرد

تعبیر خواب را چو ندانست ، روز و شب *** اندیشه را روانه سوی آن جناب کرد

ص: 285

چون شد میان قوم عرب با عجم نزاع *** او را اسیر ، خیل عرب در شتاب کرد
وارد چو شد به شهر مدینه در آن زمان *** تعبیر ، خواب خویش در آن اضطراب کرد
ناگه ، علی ولی خداوند بی مثال *** بر او ز روی لطف و کرم این خطاب کرد
از بهر نور چشم من ای دخت یزدگرد *** خلاق عالمین تو را انتخاب کرد
گشتم عروس فاطمه و همسر حسین *** رفتن به آن دیار ، مرا کامیاب کرد
لطف خدای بود که در بند تازیان *** همسر مرا به زاده ختمی مآب کرد
چندی پس از تولد زین العباد بود *** رفتم ز دهر و ، همسر من انقلاب کرد
در کربلا نبوده ام ، اما دل مرا *** داغ حسین فاطمه ، از غم کباب کرد
داغ حسین و اکبر و اصغر در آن زمان *** در کربلا چه با دل زار رُباب کرد
بیداد خصم ، زینب و کلثوم را ، اسیر *** راهی به سوی کوفه و شام خراب کرد
(ناصر) به یاد سرور آزادگان حسین *** گردید زار و ، آه و فغان ، بی حساب کرد

شه دختی از عجم

لطفی خدا به دخت شهی در شباب کرد *** او را رقیب شعشعه ماهتاب کرد
خوایید و خواب دید رسول خدای را *** آن خواب را ستاره بختش حساب کرد
با عقل خود چو خواب نکویش بیان نمود *** گفتا، توان ز خواب تو تعبیر ناب کرد!
بعد از نبی چون فاطمه آمد تو را به خواب *** با تو نشست و تازه عروست خطاب کرد
گفتا تو نو عروس منی، همسر حسین *** زهرا ز مهر، چهر مرا در نقاب کرد
آن شب جمال روی منیر حسین را *** چشمم به خواب دید و، دلم انتخاب کرد
تعبیر خواب و مهر حسین و فراق او *** روح مرا قرین غم و اضطراب کرد
وقتی اسیر لشکر قوم عرب شدم *** عزمم اسیر دل شد و، پا در رکاب کرد
تا وارد مدینه شدم، اشقی الاشقیاء *** روی مرا چو خواست، حجابم عتاب کرد!
اندر مدینه حضرت مولا علی مرا *** بانوی شهر و زوج حسینش خطاب کرد

کردم دعا، که لایقِ اهلِ وُلا شوم *** آری، خدا دعای مرا مستجاب کرد

این ها همه، مشیتِ پروردگار بود *** اویم نگین حلقه وصلِ صواب کرد

شهبازده ای بُدم!، که شدم همسر حسین *** چون ذره ای! حسین مرا آفتاب کرد

آمد علیّ من چو به دنیا، من از جهان *** رفتم چو گُل به عرش و، خدایم گلاب کرد

این افتخار همسری شاه دین مرا *** مرهون لطف خالق و، جنت مآب کرد

شرح تمام عمر تورا، مام نه امام *** شایسته است درج به صدها کتاب کرد

یا أم الاوصیاء، جنان را به روز حشر *** باید که با شفاعت تو، اکتساب کرد

یا ربّ به نور حضرت صاحب، عنایتی *** فرما، که بر ظهور تواند شتاب کرد!

من (ناصر) م مدیحه سرایم، که شعر من *** روح مراقین هزاران ثواب کرد!

نگین حلقه وصل دو قوم

کنم ستایش دائم ، خدای مٔان را *** که آفرید جهان را و ، نور ایمان را
سپس سپاس که در این جهان پهناور *** برای قُربِ به خود آفرید ، انسان را
بسی سپاس ، که نور آفرید و ، از آن نور *** نمود حکمت و عقل و شعور و عرفان را
برای ثبت حقایق ، قسم به قوسِ قلم! *** که لطف کرد به انسان ، بیان و تبیان را
دو صد سپاس خدا را که مرحمت فرمود *** به قلب پاک محمد نزول قرآن را
سپس به نورِ علی ، فاطمه ، حسن و حسین *** بداد شوکت و عزّت ، دل مسلمان را
برای گسترش دین ، نظر به ایران کرد *** نفوذ دین خدا را بین و ایمان را
بدید دختر شاه عجم ، شبی در خواب *** دو نور پاک و مطهر ، دو نور تابان را
بخواب دید که هستند احمد و زهرا *** برای زاده خود خواستگار ایشان را
چو گشت سامع گفتار آن دو نور خدای *** به عشق کرد منور سر و دل و جان را
مشیت احدی چون بر این قرار گرفت *** چشید دختر شه ، شهد ناب پیمان را
حسین را چو در آن خواب دید عاشق شد *** بر او که داشت به همراه ، مهر جانان را

چو در گرفت میان دو قوم، جنگی سخت *** سپاه فاتح دین را ببین و، ایران را
در این میانه، دل شاه دختِ ایران شد *** اسیر عشق حسین و، به بست پیمان را
چو شاه دخت عجم شد اسیر لشکر دین *** جلال و عزّت او را ببین و یزدان را
شدند وارد شهر مدینه چون اسرا *** عزیز داشت علی، دخت شاه ایران را
علی چو کرد خطابش تو شهربانوی! *** عروس فاطمه ای کن قبول ایمان را
چو گشت مادر زین العباد آن بانو *** شنید ارجعی کردگار سبحان را
کسی که مادر فرزاد نه امام بود *** ز بعد فاطمه دارد، مقام دوران را
نگین حلقه وصل دو قوم شد آن زن *** نگر مقام همان سرور نکویان را
سَرَد که سجده به درگاه حق بری (ناصر) *** که ساخت مرتبط ایران و دین و قرآن را

رباعیات

همایون اختری شهزاده دختر *** که زین العابدین را گشت مادر
عرب را با عجم ها داد پیوند *** همین شه بانوی سجاد پرور

شهربانو بانوی نیکو نهاد *** بوده ای شهزاده و فرخنده زاد
ای نگین حلقه وصل دو قوم *** قوم ایران و عرب، تبریک باد!

ای حلقه اتصال اعراب و عجم *** ای زینت واژگان اربابِ قلم
وصل تو مبارک ای عروس زهرا *** ای مادر سجّاد ، شهنشاهِ اُمم

این مِهینِ دختِ جلیلِ القدر کیست؟! *** کز فضیلتِ ها گرفته نمره بیست!

گشت ، همسر با حسین بن علی *** با امام سومینِ شیعه زیست

مِهینِ دختی سپید اقبال و خوشرو *** که مامِ نه امام است و خداجو

عروسِ فاطمه ام الائمه *** بود نام نکویش ، شهربانو

افتخار شایان / سید محمود مرتضوی نایینی (ناظر)

سروده: شاعر فرهیخته

و دلباخته اهل البیت علیهم السلام

آقای سید محمود مرتضوی نایینی (ناظر)

از اصفهان

افتخار شایان

شریفه ای که اصالت ز نسل شاهان داشت *** فخیم بود و بزرگی بر اهل ایران داشت

ز نسل شاه انوشیروان عادل بود *** میان مردم این دهر عزّت و شان داشت

عزیز دخترِ شه ، یزدگرد سوّم بود *** به نزد خلقِ زمان ، حرمت فراوان داشت

شبی به خواب خوش آن دخت ماه سیما دید *** که احمد آمد و بر او نظر ز احسان داشت

بیان نمود که تو نعروس فاطمه ای *** حسین را به تو تزویج ، حی سبحان داشت
ز خواب ناز چو بیدار شد همان دختر *** به فکر بود که این خواب خوش چه برهان داشت
دوباره در شب دیگر به خواب دید که باز *** جناب فاطمه با او نشست و عنوان داشت
که ای نجیبه گل ، همسر حسین منی *** عنایتی به تو پروردگار متّان داشت
گذشت مدّتی و جنگ ها به پا گردید *** میان قوم عرب با عجم که عصیان داشت
پس از شکست عجم در نبرد ، آن دختر *** نظر به مرحمت و التفات یزدان داشت
اسیر گشت و ، به شهر مدینه شد ، اما *** اسارتش گل پیروزی درخشان داشت
به لطف حضرت مولا علی در آن سامان *** حسین فاطمه او را به راه ایمان داشت
از آنکه شاه زنان بود ، شهربانو گشت *** مقام و پاکی خود را نکو نمایان داشت
پس از مُراو جشش با عزیز جان نبی *** خدا به او علی بن الحسین ارزان داشت
شد از جهان و ، به خاک بقیع مدفون شد *** همان که در دو جهان افتخار شایان داشت

شد افتخار بر اعراب و ملت ایران *** چو اعتقاد به اسلام ناب و قرآن داشت

خدای (ناظر) او بود و خواستش پیروز *** چو اتکا به همان کارساز رحمان داشت

شهربانو عروس مولا شد *** همسر نور چشم زهرا شد

انتخابش حسین فاطمه بود *** صاحب عزت دو دنیا شد

شهربانو که شد اسیر تعب *** شد گرفتار دست قوم عرب

در مدینه عروس زهرا شد *** تا شود هم کلام با زینب

شهربانو مام زین العابدین *** مام سجّاد آن امام چارمین

بانوان شیعیان را بود و هست *** حافظ جان بهتر از حصن حصین

دختر یزدگرد سوّم را *** به اسارت حرامیان بردند

شد چو همتای نور چشم رسول *** غم بی حد حسودها خوردند

ص: 293

مام والای امامان علیهم السلام / سید مصطفی مهدوی (نحوی)

سروده: شاعر روحانی و ولایتی اهل بیت علیهم السلام

آقای سید مصطفی مهدوی (نحوی) از اصفهان

مام والای امامان علیهم السلام

السلام ای شهربانو السلام *** مادر والامقام نه امام

ای که پیغمبر تو را شد خواستار *** بر حسین بن علی از این دیار

ای که عقدت را پیامبر خوانده است *** افتخارت تا قیامت مانده است

در دلت عشق حسین بن علی *** شد چو مهر عالم آرا منجلی

حضرت زهرا تو را آمد به خواب *** رهبرت گردید بر اسلام ناب

تو در ایران و پیمبر در حجاز *** از مدینه آمدت در خواب ناز

از کجا آمد پدید این ارتباط *** با چنین شور و نشاط و انبساط

در دل دریا خداوند مجید *** از در حکمت صدف ها آفرید

در میان آن صدف ها یک صدف *** لایق لاتحزن است و لاتخف

دُرّ نایابی کز آن پیدا شده *** نو عروس حضرت زهرا شده

داشت شاه کشور ایران زمین *** دختری نیکو خصال و نازنین

شهربانو نام آن دُرّدانه بود *** در شرافت گوهری یکدانه بود

در چنان عصری چنین دُرّی ثمین *** کشت استخراج از ایران زمین

گرکه خواهی سِرّ این راز نهان *** یخرج الحیّ من المیت بخوان

گرچه آن بانوی پاک حق پذیر *** ظاهرا بین اسیران شد اسیر

باطناً در طیّ راه آن رو سفید *** قلب با عشق حسینش می تپید

تا که در یثرب رسید آن کاروان *** رازها از شهربانو شد عیان

شد مدینه روشن از دیدار او *** آمدند احرار بر دیدار او

دست زد بر سینه بیگانه زد *** آشنا را نغمه جانانه زد

یعنی آن بانوی با مجد و شرف *** دست زد بر دامن شاه نجف

ص: 294

یعنی آن بانو به دور از شوروشین *** دست خود بنهاد بر دوش حسین
گفت این است آن همایون یار من *** کآمد آن شب با نبی دیدار من
شهربانو دامن حیدر گرفت *** ازدواج آسمانی سر گرفت
ای عروس آل طاهای السلام *** مام والای امامانِ عظام
چونکه تو بر این امامان مادری *** من گمان دارم ز نرجس برتری
از امام چارمین تا آخرین *** جمله را تو مادری ای نازنین
در قیامت موقع آن دار و گیر *** جان (نحوی) دست ما را هم بگیر

بانوی زینبی خو / محمد نعیمی

سروده: شاعر دلسوخته اهل البیت علیهم السلام

آقای محمد نعیمی

از قم

بانوی زینبی خو

الا شهربانوی والا مقام *** به روح بلند تو از ما سلام

تویی همسر با وفای حسین *** که داری به نزد خدا احترام

تویی مادر سیدالسادین *** تویی زینبی خو، حسینی مرام

زدامان تو نور عصمت دمید *** ز توزاده شد آن امام همام

اگر چه تویی دختر یزدگرد *** ولی نور داری ز خیرالانام

تو یک افتخاری بر ایرانیان *** که نام تو آرند بر لب مدام

سزد آنکه گویند اهل ادب *** به همراه نامت علیها سلام

به شان تو گفتم به قل و دل *** که شد ختم شعرم به خیرالکلام

ص: 295

همسر خسرو کربلا علیه السلام / فرج الله شیرانی (واصف)

سروده: شاعر خاندان عصمت علیهم السلام

آقای فرج الله شیرانی (واصف) از اصفهان

همسر خسرو کربلا علیه السلام

حضرت شهر بانوی اطهر *** پارسا بانوی پاک گوهر

بانوی نامی نیک ایمان *** ای که با شوق گشتی مسلمان

همسر خسرو کربلانی *** پاکدل، پاک جان، پاکرائی

مادر سید الساجدینی *** حق پرستی و فخر آفرینی

خواب دیدی که ختم رسولان *** عقل کُل، مظهر ذات یزدان

امر فرمود کای نیک آئین *** رو بشو همسر خسرو دین

همسر خسرو دین حسینم *** قوت قلبم و نور عینم

امر او را چو کردی اطاعت *** ای نکو بانوی پاک طینت

یافتی در بر حق مقامی *** باعث فخری و احترامی

حضرت شهر بانو به محشر *** از ره لطف ای نیک اختر

کن شفاعت ز ما بی پناهان *** بی پناهان زار پشیمان

تا که مسرور و دلشاد گردیم *** از غم حشر آزاد گردیم

راه یابیم بر خُلد اعلا *** گلشن جاودان مصفا

سروده: شاعر ولایتی اهل بیت علیهم السلام

سید علی مهدوی (والا)

از اصفهان

عروسی در حریم آل یاسین علیهم السلام

یک گلی از بوستان کشور ایران دیرین *** نیک اختر شد عروسی در حریم آل یاسین
دختری از یزدگرد سوم آن سلطان ساسان *** شهریاری حق گرا با پرتوی از دین و آیین (1)
دید در رؤیای صادق خواستگاران الهی (2) *** واله و شیدای آنان گشت با افکار زرّین
آن نبردی کز سوی اعراب آمد سوی ایران *** گشت بایی تا تحقق یابد آن رؤیای شیرین
شد اسیر مسلمین ایشان به تقدیر الهی *** این اسارت بودیر شهزاده الحق سخت و سنگین
نام او شاه زنان و خوله بود است و غزاله *** شهربانو داد نامش را علی آن خسرو دین (3)
از حیا و شرم و عفت در خور شان ولایت *** در شجاعت او دلیری بود فاخر همچو شاهین

ص: 297

1- . بحار الانوار، ج 1 ، ص 164.

2- . مرآت العقول ، ج 6 ، ص 6 .

3- . بصائر الدرجات ، ج 1 ، ص 593.

خواست ملعونی ببند چهره معصوم او را *** با عتابی سخت پوشانید روزان عزم ننگین
حکم جمعی بود اورا همسری با رسم دونان *** آخر از امر امیرالمؤمنین کردند تمکین
مرتضی فرمود مختار است او در ازدواجش *** او ز اعیان است و دارد انتخابش حکم تعیین
انتخاب او حسین ابن علی گردید متقن *** آنکه دائم بود در رؤیای او چون یار دیرین
شد عروس حضرت زهرا و همسر بر حسینش *** مادری بر حضرت سجاد شد آن نیک آیین
مادری بر نه امام المتقین گردید زین رو *** نام زیبایش به امّ الاوصیا گردید [ترین \(1\)](#)
به! چه تقدیری مبارک شد نصیب دخت ایران *** شد بر ایرانی و ایران فخر همچون تاج زرّین
یا رب آسان کن وصال آن نهم فرزند او را *** مهدی صاحب زمان آن حامی مردان حق بین
افتخار تو است (والا) مدح آل الله هر دم *** تا بود در چرخ افلاک و زمان و ماه و پروین

ص: 298

سروده: شاعر خاندان ولایت علیهم السلام

آقای سید هاشم وفایی

از مشهد

گنجینه معارف

ای بانوی جلیله که غرق جلالتی! *** آینه نجابت و قدر و شرافتی
هم افتخار فاطمه و مرتضی شدی *** هم تو عروس گلشن سرسبز عصمتی
گر انتخاب بانوی جنت شدی رواست *** دیده است در وجود تو نور محبتی
دامان توست مشرق خورشید عابدان *** مادر به سید همه عبّاد خلقتی
گنجینه معارف و ایمان و منزلت *** چون چشمه زلالی و پاکیزه سیرتی
عاجز زوصف و شرح مدیح توایم ولی *** پیداست آفتاب سراپا حقیقتی
ذریه ات به فضل و شرافت، زبان زدند *** مادر به نه امام سراپا فضیلتی
پیش از قیام کربلا رفتی از جهان *** دیگر ندیده ای به اسارت، مشقتی
آسوده در بقیع، تنت زیر خاک رفت *** امروز اگر چه نیست نشانت ز تربیتی
این شعر را بیا ز «وفایی» قبول کن *** شعری که حاکی است زعرض ارادتی

منصب ناب

زهرا و علی در تو نجابت دیدند *** دور و بر تو فرشتگان چرخیدند
بر همسری حسین نائل گشتی *** این منصب ناب را به تو بخشیدند

بانوی آفتابی

آینه بخت روشنت دیدن داشت *** آغاز بهار گلشنت دیدن داشت

تو بانوی آفتابی و ایرانی *** خورشید به روی دامنت دیدن داشت

ملیكة المدینه

محبوب دل و سرور سینه بودی *** دریای امید را سفینه بودی

ای مادر پاکیزه سرشت سجادا! *** این بس که ملیكة المدینه بودی

خورشید

وقتی به بهار عشق ، تأیید شدی *** هم رنگ شکوفه های امید شدی

بانو! تو اگر ماه مدینه بودی *** در محضر آفتاب خورشید شدی

گل بانو

تو دُرّ یگانه حسینی ، بانو! *** گوهر به خزانه حسینی ، بانو!

تو مادر زین عابدینی ، آری *** گل بانوی خانه حسینی ، بانو!

افسوس

تو مادر بهترین گل ایجادی *** مشمول دعای حضرت سجادی

صد حیف! نشد زنده بمانی ، بانو! *** افسوس که زود از نفس افتادی!

تقدیر

تقدیر تو بود ، جز امیری نروی *** سمت عطش و راه کویری نروی

یک بار اسیر بودی و ، خواست خدا *** این بار نباشی و اسیری نروی

تابوت

بانوا! دل از اندوه تو سرپوش گرفت *** تابوت تو را که بر روی دوش گرفت؟

باید که بنزد به غبار فردوس *** خاکی که تن تو را در آغوش گرفت

ص: 300

ای آن که وجود تو حسین آباد است! *** دریایی و دامن تو گوهر زاد است

تو مادر بهترین امام نوری *** فرزند تو زینت همه عباد است

شهربانو

بانوی جلیله ای و حق جو هستی *** در قدر و شرف بر همه الگو هستی

زهرا ز تو خواست تا عروسش بشوی *** فرمود علی که شهربانو هستی

عروس آل یاسین

اشکی که به چهره ات فرحناک رسید *** شوقی است که از چشمه دل پاک رسید

وقتی که عروس آل یاسین گشتی *** پرواز تو از خاک به افلاک رسید

افتخار

تا دیده حق نگر گشودی ، بانو! *** بر معرفت خویش فزودی ، بانو!

تو باعث افتخار زهرا گشتی *** هم صحبت با حسین بودی ، بانو

سروده: شاعر جوان و باشور و ذوق

آقای یونس وصالی (یونس)

از اصفهان

بانوی صاحب کرامت

آن زن که وام دار حیايش، نجابت است *** اصلاً عجیب نیست که صاحب کرامت است

این که شده است زوجه مولایمان حسین *** چندین دلیل داشت، یکی شان، طهارت است

تزویدج با حسین، نیازش علاوه بر *** صدق و صفا و پاکی و ایمان، شرافت است

مادر بزرگ هشت ولیّ خداست او *** این که ز نسل اوست امامت، روایت است

وقتی که نسل پاک امامان ز نسل اوست *** این اتفاق نیست که بحث از لیاقت است

تحریف شرح حالِ چنین بانویی فقط *** نشأت گرفته از حسد و از خیانت است

(یونس) چه از جلالت او درک می کنی؟ *** گردی ز چادرش شدن، اوج سعادت است

تصاویر

عکس

□

ص: 305

عكس

□

ص: 309

عكس

□

ص: 317

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

